

۵۳۵

کیمهان

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباحزاده

جمعه ۲ تا پنجشنبه ۸ آبان ۱۴۰۴ خورشیدی

سال چهل و دوم - شماره ۲۰۰۱

انتخاب بین دیپلماسی و مقاومت



خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:
دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife
@kayhanlife
@KayhanLife
https://kayhanlife.com/newsletters-subscription

کیهان شما، کیهان لندن

@KayhanLondon
@kayhanlondon
@kayhanlondon
https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهل و دوم
کیهان شماره ۲۰۰۱ (۵۳۵)
۲ تا ۸ آبان ۱۴۰۴
۲۴ تا ۳۰ اکتبر ۲۰۲۵

آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london



کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: جاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)
برای نخستین بار ایده‌آه گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد.
عالمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق ایمیل یا کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.
Satrap Publishing: Email: satrap@bconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY



نامه‌ها و عاشقانه‌ها

حکایتی شیرین از عشق و دلدادگی
نوشته: داریوش پیرنیا

به کوشش منصوره پیرنیا

لطفاً جهت تهیه کتاب «نامه‌ها و عاشقانه‌ها» با انتشارات مهرپیران
شماره تلفن: ۳۰۱۲۷۹۶۷۷۸ و یا ۲۴۰۶۰۲۲۷۳ در شرق آمریکا تماس حاصل نمایید.
Web: www.pirnia.com Email: pirnia@pirnia.com



کیمهان

فهرست مطالب

۴	سر مقاله - به مناسبت شعار «جاوید شاه» / الاله بقرات
۴-۵	تیر هفته - انتخاب بین دیپلماسی و مقاومت ... /
۵	اتحادیه اروپا و ۹ کشور غیر عضو اروپایی به تحریم‌های علیه جمهوری اسلامی پیوستند ... /
۶	تنابیه‌ودر مصاحبه با «کانال ۱۴»: با ترامپ درباره «ایران» صحبت کردیم: برای هر اقدامی آماده ایم ... /
۷	رویت‌ر: جمهوری اسلامی با خطر اعتراضات اجتماعی روبروست و موجودیت آن به خطر افتاده است ... /
۸	هشدار مجدد گروسی به جمهوری اسلامی: اگر دیپلماسی شکست بخورد، از توسل مجدد به زور می‌توسم ... /
۸-۹	وزارت خارجه جمهوری اسلامی: با انقضای قطعنامه ۲۲۳۱ محدودیت‌های آتمی تهران خاتمه یافته است ... /
۹	واکنش علی خامنه‌ای به سخنان ترامپ: معامله‌ای که بازورگویی باشد، نتیجه‌اش تحمیل است ... /
۱۰-۱۱	بانگاه خبری «هیل»: سال خوبی برای ملاها در ایران نیست، ترامپ فشارها را حفظ کند ... /
۱۱	دماغ لاله ... / خیر اندیش (احمد احرار)
۱۲-۱۳	بر ارتش چه گذشت (۵) ... / یادداشت‌ها و خاطرات شهید جعفر صائمی
۱۴	لبنان، یمن و جمهوری اسلامی ایران پس از جنگ غزه ... / عبدالرحمن الراشد (الشرق الاوسط)
۱۵	سفر لاریجانی به مسکو پیش از دیدار پوتین و ترامپ در بودا نیست ... /
۱۶-۱۷	پایان اعتصاب غذای دانشجویی زندانیان فز لحصار پس از عقب نشینی قوه قضائیه و وعده توقف ... /
۱۷	هدف قرار دادن نفتکش «فالکن» حامل گاز مایع ایران در خلیج عدن: یکی از خدمه مفقود شد ... /
۱۸	نیرد قدرت هادیر ایران: بازگشت خرس شمالی و روباه پیر بر بام تهران ... / بهرام فرخی
۱۹	رافائل گروسی: همکاری جمهوری اسلامی با آژانس برای جلوگیری از بمباران مجدد کافی نیست ... /
۲۰	تلاش مصر برای میانجیگری آتمی: وزارت خارجه جمهوری اسلامی: تلاش در شرایط مذاکره با آمریکا ... /
۲۰-۲۱	ترکش‌های فعال شدن «مکانیسم ماشه» و اجرای تحریم‌های سازمان ملل ... /
۲۱	دوران محمدرضا شاه: پهلوی سفیر صلح در اورشلیم (صدسال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴) ... / فرید خلیفی
۲۱	مردم برای حجاب می‌کشند ... / بهنام محمدی
۲۱	لورفتن فیلم عروسی مجلل دختر شمخانی؛ یک مادر دادخواه: مسئولان حکومت منبع اصلی دزدی و ... /
۲۲	بازگرداندن تحریم‌ها کافی نیست: اروپا باید سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را ... / اسعید قاسمی نژاد، آیدین پناهی
۲۳	بی‌ثمر بودن شعارهای جمهوری اسلامی برای دهه شصتی‌ها ... /
۲۴-۲۵	دوران محمدرضا شاه: یک دینار خرج اسلحه نمی‌شود (صدسال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴) ... / فرید خلیفی
۲۵	افزایش فشارهای امنیتی: بازداشت فعالان و تعطیلی انجمن‌های دانشجویی و سازمان‌های غیردولتی ... /
۲۶	احتمال ارجاع پرونده جمهوری اسلامی به شورای امنیت ... /
۲۷	وسایت اینسا پدز: جمهوری اسلامی باید متقاعد شود که آمریکای متحدانش آماده سرنگونی رژیم‌اند ... /
۲۸	هشام الصفاطوی از اعضای ارشد سازمان «فتح» پس از آزادی از زندان اسرائیل توسط حماس کشته شد ... /
۲۸-۲۹	نگرانی حکومت از اعتراضات: فرمانده سپاه تهران: «گشت‌های مادر محلات، میادین، ارتفاعات تهران و ... /
۲۹	هشدار دبیر کل سازمان ملل: موج تازه اعدام‌ها، شکنجه و سرکوب هادیر ایران نگران‌کننده است ... /
۳۰-۳۱	واکنش‌ها به ابلاغ قانون CFT به دستگاه‌های اجرایی ... /
۳۱	رئیس جمهور پیشین فرانسه راهی زندان شد ... /
۳۲	فرهنگ‌های فرانسوی از تیار ایرانی، به مقامی والا در دستگاه قضایی فرانسه دست یافته است ... /
۳۳	اتحاذل «بانک آینده» پس از تهدید علنی علیه رئیس بانک مرکزی توسط رئیس قوه قضائیه ... /
۳۴-۳۵	میان سکوت و فریاد: معنایه مثنایه گفتگوی پسمادرین میان انسان و ماشین ... / دکتر مهدی میرسعیدی
۳۶-۳۷	هفت آبان ۱۲۹۹: کتیر روز کوروش و آزمون همبستگی ملی ... / اس. روزبه
۳۷	اجرای ۸۸ حکم اعدام در ملاء عام طی ۱۲ سال ... /
۳۸-۳۹	اتهام «محرابه» علیه عباس درپس در دیوان عالی کشور ابطال شد ... /
۳۹	تداوم التهاب و اعتراض در دانشگاه‌های ایران همزمان با تشدید سرکوب‌ها ... /
۴۰-۴۱	حضور «ایران دیسکورس» در نمایشگاه کتاب فرانکفورت ... /
۴۱	خبرنامه امیر کبیر: بازداشت دست‌کم هفت دانشجوی به علت اعتراض در دانشگاه همدان ... /
۴۲	ادامه بلبم فله‌ای اما کن عمومی به هدف بستن فضای اجتماعی و سرکوب شهروندان ... /
۴۲-۴۳	بازگشت و ن‌های ارشاد اسلامی به خیابان‌ها: آموزش ۸۰ هزار «آمر به معروف» در تهران ... /
۴۴	شاکی «باز یگر مشهور»: امر ابا اجبار به خانه‌اش برد، دست و پایم را بست و به من تجاوز کرد ... /
۴۵	بحران در تأمین آب آشامیدنی اصفهان از ۲۵ روز دیگر ... /
۴۶	راه‌اندازی بخش قضایی «سایان حیات» در قم برای جلوگیری از سقط جنین ... /
۴۷	اذغان یک اقتصاددان اصلاح طلب: شکاف طبقاتی و فقر در ایران محصول نظام سیاسی است ... /
۴۸-۴۹	ادعای مضحک سختگوی دولت: فقر را با حمایت معیشتی و اشتغال کاهش می‌دهیم ... /
۴۹-۵۰	قفس «رهبر مسلمین جهان» ... / بهنام محمدی
۵۰	«کمبود مطلق آب»، تهدید جدیدی برای ساکنان ایران ... /
۵۱	مسعود بن شکیان: شکی نیست که بنزین باید «گران» شود ... /
۵۲-۵۳	پیام ضامحمد حسینی زندانی مشروطه‌خواه درباره اعتصاب دانشجویی: «نه به اعدام» در قز لحصار ... /
۵۳	قیمت نجومی گوشت و سوء تغذیه: نیروی انسانی ضعیف و ناتوان در انتظار ایران ... /
۵۴-۵۵	تقدیر از جعفر پناهی در جشنواره فیلم مدلبورگ ۲۰۲۵: فیلم «یک تصادف ساده» برنده جایزه تأثیر ... /
۵۵-۵۶	هوشنگ نهاوندی رئیس پیشین دانشگاه‌های ایران و از وزرای دوران پهلوی درگذشت ... /
۵۶	سیمین رجالی از پیشگامان علم و آموزشی زنان ایران چشم از جهان فرو بست ... /
۵۷	نمایشگاه «هستی» در سالن «شقایق» ... / کنایون حلاجان
۵۸	اعطای نشان افتخار آلمان به خاطر فعالیت‌های انساندوستانه به یک سوسیال دموکرات ایرانی ... /
۵۹	اعطای نشان افتخار فعالیت مدنی در آلمان به بهروز اسدی فعال حقوق بشر ... /
۶۰-۶۱	یک سوم آمار مرگ در ایران به دلیل مشکلات تغذیه است ... /
۶۱-۶۲	کالای لوکس درمان: بهران گرانی و کمبود دارو جان بیماران را به بازی گرفته است ... /
۶۲-۶۳	نوجوان استاد کیتار از ایران: پدر مادرهای دهه شصتی ما از موسیقی حمایت می‌کنند ... / فریروزه نور دستروم
۶۴-۶۵	یادگست آلمانی درباره «کودکان فرقه»: حمله سازمان مجاهدین به خبرنگار تحقیقی ... / احیاف حیدر نژاد
۶۵-۶۶	تذکر حجاب از بلندگوهای مترو: هشدار درباره «آمر به معروف» نه ساز برای نظام ... /
۶۶	کاهش قیمت ارز موقت است: قیمت دلار تا پایان سال به ۱۳۰ هزار تومان می‌رسد ... /
۶۷	خبرهای کوتاه ... /
۶۸-۶۹	پشت جلد - عکس هفته / چهارم آبان / ولیعهد جوان در سوئیس / ۱۹۳۱ میلادی



بازنشر
بازنشر

سرمقاله

به مناسبت شعار «جاوید شاه»

همه می‌دانند که هیچ فردی از نظر فیزیکی «جاوید» و جاودان نیست. آنچه از شماری آحاد بشر در ابعاد کشوری یا جهانی باقی می‌ماند، اندیشه است و عملکرد. میلان کوندرا نویسنده چک‌تبار فرانسوی در رمان «جاودانگی» با تیزی بی‌پایه به این وسوسه‌ی انسان در ابعاد فردی پرداخته است.

شعار «جاوید شاه» در ایران اما به مفهومی نظر دارد که به فرد محدود نیست و نه تنها فراتر از شاخص‌های فردی از جمله جنسیت است بلکه به زمان و شرایط خاص هر دوره، مثلاً امروز، نیز محدود نمی‌شود و بیانگر هویت فرهنگی و تاریخی یک دولت-ملت کهن است که «شاه» و نه الزاماً شخص شاه، در آن حلقه‌ی



پرچم شیر و خورشید و پلاکارد «جاویدشاه» در روز هشتم دی ۱۴۰۱ مراسم چهارم میلاد سعیدیان‌جو که در ۲۵ سالگی با شلیک گلوله نیروهای امنیتی به سر شد در ۲۵ آبان ۱۴۰۱ در ایذه خوزستان کشته شد

همبستگی و اتصال ملتی گوناگون و پرتنوع است. به همین دلیل نیز پیامدهای بی‌کفایتی شخصی که حامل این مفهوم است می‌بایست فقط دامان خودش را بگیرد و نه این مفهوم و یا ملت را. این را نیز توماس هابز اندیشمند انگلیسی در کتاب «لویاتان» به روشنی تشریح کرده و چون حق خلع شاه بی‌لیاقت را توسط ملت مطرح کرد، مجبور به ترک موقت انگلیس شد تا بعدها شاگرد وی جان لاک، با به رسمیت شناختن حق مقاومت در برابر شخص شاه و قدرت حاکم، پایه‌های لیبرالیسم را بنا نهاد.

بر همین مبنا، شعار «مرگ بر شاه» نیز صرفاً شخص شاه را نشانه نگرفته بود بلکه علیه هویت و موجودیت دولت-ملت ایران بود. می‌گویید نه؟ به جمهوری اسلامی و ۴۷ سال شرایط کشور نگاه کنید! هفت سال پیش در ۲۵ اسفند ۱۳۹۷ طی سرمقاله‌ای در کیهان لندن با عنوان «از «بگو مرگ بر شاه» تا «بگو برگرد شاه» به شعاری پرداخته شد که آن زمان در برخی اعتراضات سر داده شد. و طبیعی است آنچه از «شاه» تجربی و بلافصل در دسترس ایرانیان قرار دارد، عملکرد پادشاهانی است که ایران نوین را ساخته‌اند و ولیعهدشان از همان روز وقوع جمهوری اسلامی آنها را تنها نگذاشته است.

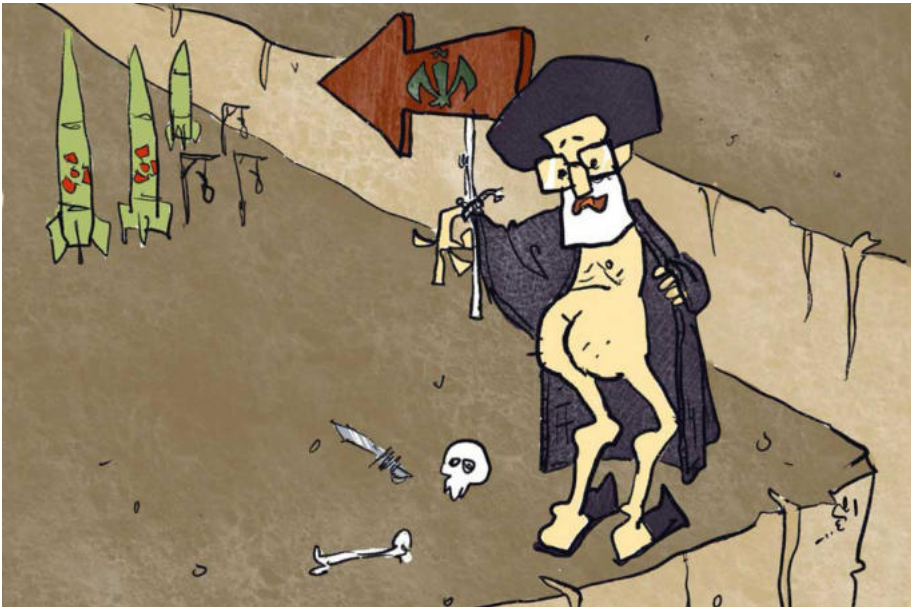
آن سرمقاله نیز به این نکته مربوط بود که همه می‌دانند شاه فقید سال‌هاست در قید حیات نیست! پس چرا معترضان جوان در کنار مردمی که زمانی ساده‌لوحانه شعار می‌دادند «به کوری چشم شاه، زمستونم بهاره!» حالا با ریتم «بگو مرگ بر شاه» انقلاب ۵۷ شعار می‌دهند: بگو برگرد شاه؟! شخص «شاه» که می‌گفت اینها بجای «تهدن بزرگ» به شما

«وحشت بزرگ» را وعده می‌دهند، در خاک آرمیده. گذشته به تاریخ پیوسته و جمهوری اسلامی که آمد تا راه ایران را به سوی آینده مسدود کند، خود بیش از پیش به انسداد دچار شده. اما مردمی که «بگو برگرد شاه» را در این مدت به «جاوید شاه» تبدیل کرده‌اند می‌دانند برای عبور از این نظام باید که پای خود را بر سکویی از تاریخ معاصر ایران محکم کنند. این سکو نمی‌تواند جز دوران پهلوی‌ها باشد چرا که ایران در زمان آنان بود که در منطقه و جهان با بازتاب مفهوم «شاه» در «شخص شاه» پادشاهی می‌کرد.

آیا شعار «جاوید شاه» بدون وجود و حضور ولیعهد دموکرات پهلوی‌ها باز هم سر داده می‌شود؟ بسیار بعید به نظر می‌رسد چرا که زمینه عینی و عملی برای طرح آن وجود نمی‌داشت. هنوز به دلیل وجود پهلوی است که هفت سال بعد از «بگو برگرد شاه!» در ۲۹ مهرماه امسال شعار «جاوید شاه» سر داده می‌شود و به تجربه می‌توان گفت که مانند پرچم شیروخورشید سراسری و غالب خواهد شد. وگرنه بدون مفهوم «شاه» و بدون پهلوی، اپوزیسیون جمهوری اسلامی عمدتاً چیزی جز آن روی سکه‌ی خودش نمی‌بود!

تیتتر هفته

انتخاب
بین دیپلماسی و مقاومت



● بازگشت تحریم‌های بین‌المللی و گسترش بحران اقتصادی شکاف در صفوف نظام را نیز تشدید کرده است. گروهی موافق مذاکره و عقب‌نشینی و گروهی دیگر در پی «تغییر دکترین دفاعی» و «ساخت سلاح هسته‌ای» هستند. در حالی که اینهمه می‌تواند به اعتراض‌های گسترده‌ی دیگری فراتر از جنبش‌های پیشین منجر شده و شاید اینبار بتواند نقطه‌ی پایان بر ۴۶ سال حکومت جمهوری اسلامی بگذارد.

رهبر جمهوری اسلامی به آمریکا و احتمالاً اروپاست. وی رئیس‌جمهور ایالات متحده را فردی «یاوه‌گو» خطاب کرد و در واکنش به سخنرانی دونالد ترامپ در کنست (پارلمان اسرائیل) گفت: «او با بیان مشتی حرف پوچ و لودگی سعی کرد به صهیونیست‌های مأیوس روحیه بدهد». البته رهبر جمهوری اسلامی در صحبت‌هایش به این ادعای ترامپ که در جنگ ۱۲ روزه گفته بود خامنه‌ای را از یک مرگ «خفت‌بار» از دست اسرائیل نجات داده است، اشاره‌ای نکرد.

در این میان، بازگشت به میز مذاکره با آمریکا، یکی از خواست‌های سه کشور اروپائی فرانسه، بریتانیا و آلمان برای فعال نکردن مکانیسم ماشه بود تا تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی دوباره اجرا نشوند. عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی ولی معتقد است که در حال حاضر «امکان ورود» به مذاکرات با ایالات متحده وجود ندارد، مگر اینکه، به گفته او، «آمریکایی‌ها قبول کنند از موضع برابر وارد مذاکرات شوند». عباس عراقچی مدعی است که جمهوری اسلامی «همواره نشان داده است که پایبند به دیپلماسی است»، در حالی که غرب «بارها ثابت کرده است که به دیپلماسی پایبند نیست». اشاره عراقچی به دیدارهای ماه‌های گذشته با آمریکا و کشورهای اروپائی است که بدون نتیجه پایان یافتند. او نیز به این واقعیت اشاره نکرد که پس از بیش از دو دهه مذاکره بی‌آمریکا و با آمریکا، چرا وضعیت جمهوری اسلامی به هم تحریم و هم جنگ رسیده است!

توافقی با آژانس در قاهره «کان‌لم‌پکن» شد!

یکی دیگر از خواست‌هایی که اروپائی‌ها در مذاکرات با جمهوری اسلامی روی میز قرار داده بودند، همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و بازگشت بازرسان این نهاد به ایران و از سر گرفتن نظارت بر تأسیسات هسته‌ای ←

تحریم‌ها بازگشته‌اند و بحران اقتصاد بیمار جمهوری اسلامی رو به گسترش است. کشورهای اروپائی یکی پس از دیگری تمام تحریم‌هایی را که تا قبل از امضای توافق هسته‌ای اعمال می‌شدند، بار دیگر فعال کرده‌اند؛ تحریم‌هایی که با هدف کشاندن جمهوری اسلامی به پای میز مذاکره با آمریکا دوباره اجرا می‌شوند؛ مذاکراتی که تنها هدف آن بازداشتن رژیم ایران از ادامه برنامه هسته‌ای با اهداف نظامی است. همپارن تأسیسات هسته‌ای فردو، نطنز و اصفهان در جریان جنگ دوازده روزه در خردادماه (ژوئن ۲۰۲۵) برخلاف ادعای دونالد ترامپ اگرچه خسارات بسیار جدی وارد کردند ولی نتوانسته‌اند آنها را نابود ساخته و برنامه اتمی حکومت را متوقف سازند.

رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌گوید خسارات حملات اسرائیل و آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران «شدید» بوده، اما «دانش فنی ایران از بین نرفته است». گروسی در گفتگو با روزنامه سوئیسی «له تمپ» که چهارشنبه ۳۰ مهر منتشر شد، می‌گوید با وجود حملات جنگنده‌های آمریکائی در جنگ دوازده روزه، سانتریفیوژهای ایران «قابل بازسازی هستند». وی بر پایه اطلاعاتی که این نهاد در دست دارد می‌گوید جمهوری اسلامی هنوز اورانیوم غنی‌شده از جمله حدود ۴۰۰ کیلوگرم با غلظت ۶۰ درصد را در اختیار دارد که دارای غلظتی کمی پایین‌تر از سطح تسلیحاتی است. رافائل گروسی شک ندارد که اگر این روند ادامه یابد، جمهوری اسلامی «ایران مواد کافی برای تقریباً ده مپ هسته‌ای خواهد داشت».

علی خامنه‌ای بر ادامه برنامه هسته‌ای تأکید دارد

علی خامنه‌ای که پس از چند هفته غیبت بار دیگر در انتظار عمومی ظاهر شده، خطاب به کشورهای غربی گفته است که صنعت هسته‌ای ایران «ربطی به شما ندارد». اشاره

اتحادیه اروپا و ۹ کشور غیر عضو اروپایی به تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی پیوستند



ساختمان مرکزی اتحادیه اروپا در بروکسل

می‌شود.

اتحادیه اروپا اشاره کرد که در پی بازگشت تمامی تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی و محدودیت‌های مرتبط با برنامه هسته‌ای تهران از سوی سازمان ملل متحد در ششم مهرماه، شورای اتحادیه اروپا تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی را که بر اساس برجام تعلیق شده و با پایان یافته بودند، دوباره اعمال کرده است.

این بیانیه در شرایطی منتشر شد که عباس عراقچی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی مدعی شد، قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل ۲۶ مهرماه شده و تمامی محدودیت‌های پیشین شورای امنیت علیه جمهوری اسلامی پایان یافته است.

رهبران سه قدرت اروپایی یک هفته پیش از این اعلام کردند «برای مذاکرات هسته‌ای با جمهوری اسلامی ایران و آمریکا مصمم هستیم». اما در تهران مقامات رژیم شروط غرب برای توافق را نمی‌پذیرند. برچیدن کامل غنی‌سازی اورانیوم، توقف ساخت موشک‌های بالستیک، توقف حمایت از نیابتی‌ها، همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای مشخص شدن سرنوشت بیش از ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصدی که پس از جنگ ۱۲ روزه وضعیت آن مبهم است و همچنین مذاکره مستقیم با آمریکا از شروط اروپایی‌هاست.

از سوی دیگر دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا خواسته تا جمهوری اسلامی «اسرائیل را به رسمیت» بشناسد.

سردا پاسدار اسماعیل کوثری عضو کمیسیون «امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی به وسایت «دیده‌بان ایران» گفته است: «ترامپ غلط کرده است که گفته ما باید اسرائیل را به رسمیت بشناسیم. ترامپ چه کسی است که اینطور برای ما تعیین تکلیف می‌کند!»

● فشارهای بین‌المللی علیه رژیم ایران پس از فعال شدن «مکانیسم ماشه» روبه افزایش است. اتحادیه اروپا در بیانیه‌ای اعلام کرد که ۲۷ عضو این اتحادیه و ۹ کشور غیر عضو به تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی پیوسته‌اند.

● در این بیانیه که جمعه ۲۵ مهرماه منتشر شد، آمده است که کشورهای نروژ، آلبانی، بوسنی و هرزگوین، ایسلند، مولداوی، مونته‌نگرو، مقدونیه شمالی، صربستان و اوکراین با تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه جمهوری اسلامی هماهنگ شده‌اند.

● این تحریم‌ها شامل محدودیت بر واردات نفت خام، گاز طبیعی، محصولات پتروشیمی و نفت، همچنین فروش و تأمین تجهیزات کلیدی بخش انرژی، طلا، برخی فلزات و الماس، برخی تجهیزات دریایی و نرم‌افزارهای مرتبط می‌شود.

فشارهای بین‌المللی علیه رژیم ایران پس از فعال شدن «مکانیسم ماشه» روبه افزایش است. اتحادیه اروپا در بیانیه‌ای اعلام کرد که ۲۷ عضو این اتحادیه و ۹ کشور غیر عضو به تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی پیوسته‌اند.

در این بیانیه که جمعه ۲۵ مهرماه منتشر شد، آمده است که کشورهای نروژ، آلبانی، بوسنی و هرزگوین، ایسلند، مولداوی، مونته‌نگرو، مقدونیه شمالی، صربستان و اوکراین با تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه جمهوری اسلامی هماهنگ شده‌اند.

این تحریم‌ها شامل محدودیت بر واردات نفت خام، گاز طبیعی، محصولات پتروشیمی و نفت، همچنین فروش و تأمین تجهیزات کلیدی بخش انرژی، طلا، برخی فلزات و الماس، برخی تجهیزات دریایی و نرم‌افزارهای مرتبط

بدون هیچگونه محدودیتی بود. جمهوری اسلامی نه تنها گامی در این جهت برنداشته، بلکه به گفته علی لاریجانی دبیر «شورای عالی امنیت ملی» با فعال شدن مکانیسم ماشه توافقی که در قاهره بین آژانس و جمهوری اسلامی به امضا رسیده بود نیز «عملاً کان‌پیکن شد».

بر اساس این توافق، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی حق داشت بازرسی از تأسیسات هسته‌ای ایران را از سر بگیرد؛ بازرسی‌هایی که پس از جنگ دوازده روزه کاملاً متوقف شده‌اند. البته علی لاریجانی که مسئولیت پرونده هسته‌ای را بر عهده دارد، پنجره‌ای را باز گذاشته و می‌گوید: «اگر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پیشنهاد جدیدی برای همکاری ارائه کند، در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی بررسی خواهد شد».

بازگشت تحریم‌های بین‌المللی و گسترش بحران اقتصادی شکاف در صفوف نظام را نیز تشدید کرده است. مهدی سنایی مشاور سیاسی مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم معتقد است: «ایران پس‌اگرام» و تحولات پس از اجرای مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌ها، پرسشی جدی برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است؛ پرسشی درباره چگونگی تغییر مناسبات کشور با نظام بین‌الملل و نوع نگاه ایران به نظم آینده جهانی. به گفته این مشاور مسعود پزشکیان، امروز جمهوری اسلامی بر سر یک دوراهی قرار دارد: در مقابله با جامعه جهانی و غرب باید رویکردی محافظه‌کارانه و یا انقلابی داشت؟ مهدی سنایی معتقد است که نظام باید بین یک توافق فراگیر و سیاست مقاومت انتخاب کند. این مشاور دولت معتقد است که اروپا می‌تواند نقشی عمده در گفتگوهای جمهوری اسلامی با جهان غرب و آمریکا ایفا کند.

نگاه به شرق و کره شمالی

البته جناح دیگری هم در جمهوری اسلامی بازگشت تحریم‌ها و پایان مذاکرات با اروپا و آمریکا را مثبت ارزیابی می‌کند و آن را «نقطه پایان بر اعتماد به آمریکا و اروپا» دانسته و معتقد است که بازگشت تحریم‌های بین‌المللی «چیز زیادی به فشارهای فعلی اضافه نمی‌کند».

روح‌الله نجابت نماینده مجلس شورای اسلامی در شبکه‌های اجتماعی می‌نویسد: «ده سال زمان برد تا خوشبختان به آمریکا نتیجه اعتمادشان را ببینند. حالا چاره‌ای جز قوی شدن نیست». مالک شریعتی دیگر نماینده مجلس شورای اسلامی نیز می‌نویسد: «ماشه پُرسد چکانده شد. بد است؟ بله. ولی تمهید آن بدتر بود!»

برخی نمایندگان همچون محسن زنگنه هم این اتفاق را فرصتی برای «تحول اقتصادی» از طریق تعمیق همکاری با چین، روسیه و آمریکای لاتین ارزیابی می‌کنند. ۷۱ نماینده مجلس فراتر رفته و خواستار «تغییر دکترین دفاعی ایران» و «ساخت سلاح هسته‌ای» شده‌اند.

اگر چنین تغییری در «دکترین دفاعی» جمهوری اسلامی صورت گیرد و بالاخره پس از سال‌ها فعالیت در جهت دستیابی به سلاح هسته‌ای رسماً اعلام شود، دیگر راه بر هرگونه گفتگو با اروپا نیز بسته خواهد شد و جمهوری اسلامی در انزوایی چون کره شمالی قرار خواهد گرفت، با این تفاوت که شرایط اجتماعی در ایران و آن کشور در آسیای شرقی اصلاً قابل مقایسه نیستند. در ایران برخلاف کره شمالی ناراضی مردم در چارویاری خانه‌ها محبوس نیست و بارها در سطح گسترده به خیابان کشیده شده است. تشدید تحریم‌ها و پیامدهای آن بر زندگی روزانه مردم می‌تواند به اعتراض‌های گسترده دیگری فراتر از جنبش‌های پیشین تبدیل شده و نظام حاکم را بار دیگر به چالش بکشد. چالشی که شاید اینبار نتواند نقطه‌ای پایان بر ۴۶ سال حکومت جمهوری اسلامی بگذارد.

نتانیاهو در مصاحبه با «کانال ۱۴»:

با ترامپ درباره «ایران» صحبت کردیم؛ برای هر اقدامی آماده‌ایم



بنیامین نتانیاهو در برنامه «میهن‌پرستان» از «کانال ۱۴» اسرائیل / ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵

بنیامین نتانیاهو در ادامه می‌گوید: «حمله به جمهوری اسلامی موضوعی بود که «۴۰ سال» ذهنم را درگیر کرده بود.» او توضیح داد: «به این دلیل که من خطر تسلیحات هسته‌ای [رژیم] ایران را می‌دیدم و می‌دانستم محور جمهوری اسلامی [با چنین تهدیدی] ما را تا سر حد مرگ خواهد برد. می‌دانستم اگر رژیم ایران به سلاح هسته‌ای دست‌یابد، موجودیت ما با خطر بسیار بزرگی روبرو می‌شود.»

نخست‌وزیر اسرائیل درباره علت انتخاب زمان حمله در ماه ژوئن ۲۰۲۵ عنوان کرد که متوجه شدند پس از ترور حسن نصرالله رهبر حزب‌الله و تضعیف این گروه، جمهوری اسلامی به سرعت به سوی دستیابی به سلاح هسته‌ای پیش رفت.

او گفت: «وقتی نصرالله از بین رفت، محور رژیم ایران شکست. وقتی که محور شَر شکست، تهران فهمید که دیگر آن ابزار را برای نابودی ما در اختیار ندارد و بنابراین با شتاب به سوی [دستیابی به سلاح هسته‌ای] پیش رفت. آنها ظرف چند ماه می‌توانستند به یک و یا شاید دو بمب هسته‌ای برسند، به لحظه سرنوشت‌ساز رسیده بودیم. می‌دانستم که باید برای حذف این تهدید هرچه سریع‌تر اقدام کنیم.»

نخست‌وزیر اسرائیل همچنین گفت که ترور حسن نصرالله رژیم بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه را نیز در آستانه سقوط قرار داده بود و جمهوری اسلامی ایران قصد داشت برای جلوگیری از این امر دو لشکر هوایرد به سوریه اعزام کند.

نتانیاهو در اینباره توضیح داد که رژیم «ایران می‌خواست برای نجات [رژیم] اسد دو لشکر هوایرد اعزام کند و من به نیروی هوایی دستور دادم که یا با آنها برخورد کند و یا آنها را از این کار باز دارد و بازدارندگی واقعاً عمل کرد و [بشار اسد] سرنگون شد.»

نتانیاهو در ادامه افزود: «ترامپ متوجه جدیت موقعیت شد... او مرا درک کرد و به این موضوع پی‌برد. هنوز با انجام حمله موافقت نکرده و درباره پیوستن به آن تصمیم نگرفته بود، اما درک کرد که ما چاره‌ای جز انجام آن نداریم.» نخست‌وزیر اسرائیل توضیح داد: «وقتی از آمریکا برگشتم، مقدمات حمله ۱۲ روزه [عملیات طلوع شیران] آغاز شد.» او ضمن تمجید از همکاری نهادهای امنیتی اسرائیل گفت: «ارتش، نیروی هوایی، آمان (اداره اطلاعات نظامی اسرائیل)



و موساد اقدامات تاریخی انجام دادند.»

او درباره سرعت به‌روزرسانی و جمع‌آوری اطلاعات از سوی نهادهای امنیتی اسرائیل گفت: «در ابتدا هر چهار هفته، سپس هر هفته، بعد هر روز، بعد هر ساعت و سپس هنگامی که هواپیماها در مسیر انجام حملات بودند، اطلاعات جدید دریافت می‌کردیم.»

نخست‌وزیر اسرائیل درباره دلیل تصمیم او به حذف متخصصان اتمی جمهوری اسلامی، گفت: «فکر می‌کردم برای اینکه بتوانیم برنامه هسته‌ای رژیم ایران را بیشتر به عقب برانیم، باید دانشمندان ارشد هسته‌ای را حذف کنیم... در دو دقیقه نخست این عملیات فوق‌العاده فهمیدم که به همه اهداف خود می‌رسیم و همینطور هم شد.»

● نخست‌وزیر اسرائیل در مصاحبه با «کانال ۱۴» تلویزیون اسرائیل که شنبه ۱۸ اکتبر (۲۶ مهرماه) پخش شد، جزئیات جدیدی از پشت پرده همکاری آمریکا و اسرائیل در حمله به تأسیسات اتمی در ایران و موافقت ترامپ با این عملیات را تشریح کرد.

● بنیامین نتانیاهو اشاره کرد که ما تا «حد زیادی» تهدیدات رژیم ایران را دور کردیم، اما این جنگ هنوز خاتمه نیافته و هیچوقت به پایان نخواهد رسید و اسرائیل همچنان جمهوری اسلامی را زیر نظر دارد.

● او افزود: «در آخرین دیدارم با ترامپ درباره این موضوع صحبت کردم و آماده‌ایم در صورت لزوم هرگونه اقدامی انجام دهیم.»

● «فکر می‌کردم برای اینکه بتوانیم برنامه هسته‌ای رژیم ایران را بیشتر به عقب برانیم، باید دانشمندان ارشد هسته‌ای را حذف کنیم... در دو دقیقه نخست این عملیات فوق‌العاده فهمیدم که به همه اهداف خود می‌رسیم و همینطور هم شد.»

● رژیم «ایران می‌خواست برای نجات [رژیم] اسد دو لشکر هوایرد اعزام کند و من به نیروی هوایی دستور دادم که یا با آنها برخورد کند و یا آنها را از این کار باز دارد و بازدارندگی واقعاً عمل کرد و [بشار اسد] سرنگون شد.»

نخست‌وزیر اسرائیل در مصاحبه با «کانال ۱۴» تلویزیون اسرائیل که شنبه ۱۸ اکتبر (۲۶ مهرماه) پخش شد، جزئیات جدیدی از پشت پرده همکاری آمریکا و اسرائیل در حمله به تأسیسات اتمی در ایران و موافقت ترامپ با این عملیات را تشریح کرد.

بنیامین نتانیاهو اشاره کرد که ما تا «حد زیادی» تهدیدات رژیم ایران را دور کردیم، اما این جنگ هنوز خاتمه نیافته و هیچوقت به پایان نخواهد رسید و اسرائیل همچنان جمهوری اسلامی را زیر نظر دارد.

او افزود: «در آخرین دیدارم با ترامپ درباره این موضوع صحبت کردم و آماده‌ایم در صورت لزوم هرگونه اقدامی انجام دهیم.»

بخشی از این مصاحبه به رویدادهای پیش از آغاز جنگ ۱۲ روزه اختصاص داشت. نخست‌وزیر اسرائیل عنوان کرد وقتی برای نخستین بار در دور دوم ریاست جمهوری دونالد ترامپ با او دیدار کرد، نهادهای امنیتی اسرائیل درباره حمله ماه ژوئن (خردادماه) به جمهوری اسلامی در ایران به جمع‌بندی رسیده و تاریخ آن را تعیین کرده بودند... من با طرح هفت‌صفحه‌ای به آن جلسه رفتم و گفتم این کاری است که می‌خواهیم انجام دهیم. راه دیگری نداریم، به هر حال انجامش می‌دهیم.»

نخست‌وزیر اسرائیل افزود که پس از ارائه طرح حمله، به دونالد ترامپ گفته است که اسرائیل تنها در حمله به یک هدف در ایران با مشکل مواجه است: «به او گفتم، آقای رئیس‌جمهور، تنها یک مورد است که به تصمیم شما نیاز دارد. دونالد، دوست من، تو می‌توانی کاری را که برای ما بسیار دشوار است، انجام دهی، و آن نفوذ به عمق قُردو به وسیله تجهیزات ویژه‌ای است که تنها آمریکا در اختیار دارد و اینکه آمریکا فقط آنها را در اختیار دارد، یک نعمت بزرگ است.»

رویترز: جمهوری اسلامی با خطر اعتراضات اجتماعی روبروست و موجودیت آن به خطر افتاده است



تظاهرات در تهران، خیزش ملی ۱۴۰۱

شریان را قطع کند. اینهمه در حالیه که ارزش ریال از ۹۲ هزار تومان در اوت به ۱۱۵ هزار تومان در برابر هر دلار سقوط کرده، تورم به دست کم ۴۰ درصد رسیده و قدرت خرید شهروندان نابود شده است. افت مداوم ارزش پول و تحریمهای تجاری موجب افزایش قیمتها و از بین رفتن اعتماد سرمایهگذاران نیز شده است.

گسترش مشکلات و خشم عمومی

به گزارش رویترز، کمتر ایرانی از این مشکلات در امان مانده است. حس ناامیدی سراسر جامعه را فرا گرفته و بر زندگی حرفه‌ای‌های شهری، بازاریان و کشاورزان روستایی تاثیر گذاشته است.

علیرضا، ۴۳ ساله، کارمند دولت از تهران گفت: «قرار است تا کی اینهمه فشار را تحمل کنیم؟ تا کی؟ من کارمند دولت هستم و ماهی فقط ۳۴ میلیون تومان (حدود ۳۰۰ دلار) حقوق می‌گیرم. همسرم بیکار است؛ شرکتی که در آن کار می‌کرد ماه گذشته تعطیل شد. با این حقوق و دو بچه، حتی نمی‌توانیم اجاره‌خانه و خرج مدرسه‌شان را بدهیم. باید چکار کنیم؟» نرخ رسمی تورم حدود ۴۰ درصد است، اگرچه برخی برآوردها از ۵۰ درصد هم فراتر می‌رود. آمار رسمی در سپتامبر نشان داد قیمت ۱۰ کالای اساسی از جمله گوشت، برنج و مرغ در یک سال گذشته ۵۱ درصد افزایش یافته است. هزینه مسکن و خدمات شهری نیز به شدت بالا رفته است. بهای گوشت گاو اکنون به ۱۲ دلار برای هر کیلو رسیده و برای بسیاری از خانواده‌ها غیرقابل دسترس است.

به نوشته رویترز، مقامات جمهوری اسلامی روز به روز بیشتر نگران‌اند که فشار فزاینده عمومی، بار دیگر جرقه اعتراضات گسترده را بزند اعتراضاتی که از سال ۲۰۱۷ بطور دوره‌ای در میان اقشار کم‌درآمد و متوسط رخ داده‌اند.

اما تحلیلگران هشدار می‌دهند که این روشها ممکن است برای محافظت از کشور ۹۲ میلیون نفری ایران در برابر ضربات اقتصادی جدید کافی نباشند. در بخش دیگری از گزارش رویترز آمده است، جمهوری اسلامی از سال ۲۰۱۸ تا کنون توانست از فروپاشی کامل اقتصادی فرار کند اما ترامپ در نخستین دوره ریاست جمهوری خود آمریکا را از برجام خارج کرد و تحریمهای آمریکا را بازگرداند.

اکنون نیز احیای گسترده‌تر تحریمهای سازمان ملل با فعال شدن مکانیسم ماشه، شوکهایی وارد کرده که رشد اقتصادی را متوقف، تورم را تشدید و سقوط ارزش ریال را تسریع می‌کند و اقتصاد را به سوی چرخه رکود فزاینده سوق می‌دهد.

اقتصاد ایران پس از ۲۰۱۸ در نتیجه تحریمهای آمریکا به‌شدت منقبض شد، اما در سال ۲۰۲۰ تا حدودی به کمک تجارت نفت با چین رشد جزئی داشت.

با این حال، بانک جهانی در گزارش این ماه پیش‌بینی کرده است اقتصاد ایران در سال ۲۰۲۵ به میزان ۱/۷ درصد و در سال ۲۰۲۶ به میزان ۲/۸ درصد کوچک‌تر شود.

جمهوری اسلامی هنوز به شدت به صادرات نفت به چین وابسته است، اما تردیدهایی درباره پایداری این تجارت وجود دارد. چین بزرگترین مشتری و از معدود کشورهای است که با وجود سیاست «فشار حداکثری» ترامپ همچنان با جمهوری اسلامی ایران تجارت می‌کنند.

اگرچه نفت با تخفیف فروخته می‌شود، اما همچنان منبع حیاتی درآمد برای تهران است؛ نفت و پتروشیمی حدود یک‌چهارم تولید ناخالص داخلی سال ۲۰۲۴ را تشکیل می‌دادند. با اینکه چینی‌ها به جمهوری اسلامی در مورد ادامه خرید نفت اطمینان داده‌اند اما یکی از مقامات جمهوری اسلامی به رویترز گفت بازگشت تحریمهای جهانی ممکن است این

● خبرگزاری رویترز به نقل از مقامات جمهوری اسلامی و تحلیلگران می‌نویسد، اثر تحریمها بر اقتصاد جمهوری اسلامی آشکار شده و آن را در معرض خطر همزمان «ابرتورم» و «رکود شدید» قرار داده است که از پیامدهای آن می‌تواند آغاز مجدد اعتراضات اجتماعی باشد.

● سه مقام ارشد جمهوری اسلامی که نخواستند نامشان فاش شود، گفته‌اند تهران معتقد است آمریکا، متحدان غربی‌اش و اسرائیل در حال افزایش تحریمها هستند تا موجب ناآرامی در ایران شوند و موجودیت جمهوری اسلامی را به خطر اندازند.

● «از زمان بازگشت تحریمهای سازمان ملل و فعال شدن مکانیسم ماشه چندین نشست در تهران برگزار شده تا درباره چگونگی جلوگیری از فروپاشی اقتصادی، دور زدن تحریمها و مهار خشم عمومی گفتگو شود».

● یکی از مقامات به رویترز گفت: «نظام می‌داند که اعتراضها اجتناب‌ناپذیرند، فقط مسئله زمان مطرح است... مشکل روز به روز بزرگتر می‌شود، در حالی که گزینه‌های ما کمتر و کمتر می‌شوند».

خبرگزاری رویترز به نقل از مقامات جمهوری اسلامی و تحلیلگران می‌نویسد، اثر تحریمها بر اقتصاد جمهوری اسلامی آشکار شده و آن را در معرض خطر همزمان «ابرتورم» و «رکود شدید» قرار داده که از پیامدهای آن می‌تواند آغاز مجدد اعتراضات اجتماعی باشد.

در مقدمه این گزارش که ۲۱ اکتبر (۱۹ مهرماه) منتشر شد آمده، تحریمهای بین‌المللی پس از شکست مذاکرات برای مهار فعالیت‌های مناقشه‌برانگیز اتمی و برنامه موشک‌های بالستیک جمهوری اسلامی بازگردانده شده‌اند.

هر دو طرف می‌گویند امکان ادامه دیپلماسی برای حل بن‌بست وجود دارد، اما علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی، پیشنهاد دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا را برای دستیابی به توافق جدید رد کرده است.

سه مقام ارشد جمهوری اسلامی که نخواستند نامشان فاش شود، به رویترز گفته‌اند تهران معتقد است آمریکا، متحدان غربی‌اش و اسرائیل در حال افزایش تحریمها هستند تا موجب ناآرامی در ایران شوند و موجودیت جمهوری اسلامی را به خطر اندازند.

رویترز می‌نویسد از زمان بازگشت تحریمهای سازمان ملل و فعال شدن «مکانیسم ماشه» چندین نشست در تهران برگزار شده تا درباره چگونگی جلوگیری از فروپاشی اقتصادی، دور زدن تحریمها و مهار خشم عمومی گفتگو شود.

افزایش شکاف اقتصادی میان مردم عادی و طبقه حکومتی و امنیتی، سوء مدیریت اقتصادی، تورم افسارگسیخته و فساد دولتی که حتی رسانه‌های حکومتی نیز آن را گزارش می‌دهند نارضایتی عمومی را بیش از پیش شعله‌ور کرده است.

یکی از مقامات به رویترز گفت: «نظام می‌داند که اعتراضها اجتناب‌ناپذیرند، فقط مسئله زمان مطرح است... مشکل روز به روز بزرگتر می‌شود، در حالی که گزینه‌های ما کمتر و کمتر می‌شوند».

رهبران جمهوری اسلامی تکیه سنگینی بر «اقتصاد مقاومتی» دارند یعنی استراتژی برای خودکفایی و گسترش مبادلات تجاری با چین، روسیه و برخی کشورهای منطقه.

وزارت خارجه جمهوری اسلامی: با انقضای قطعنامه ۲۲۳۱ محدودیت‌های اتمی تهران خاتمه یافته است



عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران

● وزارت خارجه جمهوری اسلامی در بیانیه‌ای نسبتاً طولانی اعلام کرد از شنبه مورخ ۲۶ مهرماه، دوره زمانی ۱۰ ساله تعیین شده برای اجرای «برجام»، طبق قطعنامه شماره ۲۲۳۱ به پایان می‌رسد و همه مفاد آن شامل محدودیت‌های پیش‌بینی‌شده در مورد برنامه هسته‌ای ایران و ساز و کارهای مربوطه، از این تاریخ خاتمه‌یافته تلقی می‌شوند.

● وزارت خارجه جمهوری اسلامی گفت: «تحرکات تقابلی آلمان، انگلیس، فرانسه، به عنوان ناقضان مستمر برجام، که با سوءنیت و بدون رعایت رویه‌های قانونی مربوطه در صدد بازگرداندن قطعنامه‌های لغو شده شورای امنیت بودند به هیچ عنوان نباید واجد هرگونه ارزش و اثر حقوقی و اجرایی تلقی شود.»

● وزارت خارجه جمهوری اسلامی در بخشی از این بیانیه مدعی شد که آلمان، انگلیس، فرانسه، به عنوان ناقضان مستمر برجام، با «سوء نیت» و «بدون رعایت رویه‌های قانونی» قطعنامه‌های لغو شده شورای امنیت را بازگردانده‌اند که ارزش و اثر حقوقی و اجرایی ندارد و دبیرخانه شورای امنیت نیز مجاز نیست بر حرکت غیرقانونی این سه کشور صحنه گذاشته و آن را به رسمیت بشناسد.

● این در حالیست که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بارها طی سه سال گذشته هشدار داد که تولید اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصدی از سوی جمهوری اسلامی ایران هیچ هدف صلح‌آمیز معتبری ندارد و نقض مفاد توافق اتمی است. برخی ناظران معتقدند جمهوری اسلامی قصد داشت با مبهم نگه داشتن سرنوشت ذخایر اورانیوم ۶۰ درصدی به عنوان برگ در معامله با غرب برای جلوگیری از فعال شدن مکانیسم ماشه استفاده کند اما ناکام ماند و تحریم‌های سازمان ملل به اجرا درآمد.



بازرسی‌ها باید از سر گرفته شوند.»

گروسی در بخش دیگری از این مصاحبه افزود: «اگرچه ترامپ از نابودی تأسیسات اتمی ایران صحبت می‌کند، اما دانش فنی ایران از بین نرفته است... ما معتقدیم که بیشتر اورانیوم غنی‌شده با غلظت بالا در اصفهان، نطنز و فردو باقی مانده است.»

او در پاسخ به این پرسش که آژانس تا چه حد مطمئن است خسارت به تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی «شدید» بوده، گفت: «آژانس درست قبل از حملات اسرائیل از آن تأسیسات بازدید کرد. از آن زمان، ما این مراکز را از طریق تصاویر ماهواره‌ای زیر نظر داریم. کشورهایی که برنامه جمهوری اسلامی ایران را رصد می‌کنند، به همان نتایجی رسیده‌اند که ما رسیده‌ایم.»

گروسی در مصاحبه خود گفت که رژیم ایران پس از جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل «می‌توانست ارتباطش را با جامعه بین‌المللی قطع کند، از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان‌پی‌تی) خارج شود و به حکومتی منفور مانند کره شمالی تبدیل شود. اما این کار را نکرد.» او با تحسین این «انتخاب» گفت که «با حفظ تماس منظم با عباس عراقچی، وزیر خارجه، فضای دیپلماتیک را حفظ می‌کنم.»

به گفته مدیرکل آژانس، «تهران در حال حاضر فقط به بازرسان اجازه می‌دهد که به صورت قطره‌ای و جزئی بازدید کنند.» گروسی افزود که رژیم ایران این محدودیت‌ها را به دلیل «نگرانی‌های امنیتی» اعمال می‌کند که «من آن را درک می‌کنم، اما اگر دیپلماسی شکست بخورد، من از توسل مجدد به زور می‌ترسم.»

چهارماه بعد از جنگ ۱۲ روزه، جمهوری اسلامی و آژانس در قاهره برسر افزایش همکاری‌ها به توافق رسیدند اما مقامات حکومت ایران از صدور مجوز برای بازدید بازرسان این نهاد از تأسیسات اتمی تخریب شده در جریان بمباران آمریکا خودداری کردند. پس از فعال شدن مکانیسم ماشه نیز چند مقام ارشد رژیم از جمله علی لاریجانی اعلام کردند که توافق قاهره از بین رفته است.

پیشتر گروسی در مصاحبه با «فاکس نیوز» و روزنامه سوئیسی «نویه زورشر تسایتونگ» به جمهوری اسلامی هشدار داده بود: «اگر بخواهید از تکرار آنچه در ژوئن [جنگ ۱۲ روزه] دیدیم جلوگیری کنید، باید فعالیت‌های آژانس از سر گرفته شوند.»

هشدار مجدد گروسی به جمهوری اسلامی: اگر دیپلماسی شکست بخورد، از توسل مجدد به زور می‌ترسم

● مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مصاحبه با روزنامه سوئیسی «له تمپ» بار دیگر در مورد پیامدهای عدم همکاری با آژانس به جمهوری اسلامی هشدار داد.

● رافائل گروسی که در ژنو سوئیس بسر می‌برد، در این مصاحبه که روز چهارشنبه ۳۰ مهرماه منتشر شد، با اشاره به بمباران تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی گفت، سانتریفیوژهایی که می‌توانند برای غنی‌سازی اورانیوم استفاده شوند، «قابل بازسازی هستند.»

● گروسی در مصاحبه خود گفت که جمهوری اسلامی پس از جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل «می‌توانست ارتباطش را با جامعه بین‌المللی قطع کند، از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان‌پی‌تی) خارج شود و به حکومتی منفور مانند کره شمالی تبدیل شود. اما این کار را نکرد.» او با تحسین این «انتخاب» گفت که «با حفظ تماس منظم با عباس عراقچی، وزیر خارجه، فضای دیپلماتیک را حفظ می‌کنم.»

● به گفته مدیرکل آژانس، «تهران در حال حاضر فقط به بازرسان اجازه می‌دهد که به صورت قطره‌ای و جزئی بازدید کنند.» گروسی افزود که رژیم ایران این محدودیت‌ها را به دلیل «نگرانی‌های امنیتی» اعمال می‌کند که «من آن را درک می‌کنم، اما اگر دیپلماسی شکست بخورد، من از توسل مجدد به زور می‌ترسم.»

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مصاحبه با روزنامه سوئیسی «له تمپ» بار دیگر در مورد پیامدهای عدم همکاری با آژانس به جمهوری اسلامی هشدار داد.

رافائل گروسی که در ژنو سوئیس بسر می‌برد، در این مصاحبه که روز چهارشنبه ۳۰ مهرماه منتشر شد، با اشاره به بمباران تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی گفت، سانتریفیوژهای ایران که می‌توانند برای غنی‌سازی اورانیوم استفاده شوند، «قابل بازسازی هستند.»

او توضیح داد، جمهوری اسلامی ایران هنوز اورانیوم غنی‌شده، از جمله حدود ۴۰۰ کیلوگرم با غلظت ۶۰ درصدی را در اختیار دارد که کمی پایین‌تر از سطح درجه تسلیحاتی است و «اگر این روند ادامه یابد، ایران مواد کافی برای تقریباً ده مپ هسته‌ای خواهد داشت.»

مدیرکل آژانس افزود: «ما هیچ مدرکی نداریم که تهران قصد ساخت بمب داشته باشد. برای اطمینان از این موضوع،

واکنش علی خامنه‌ای به سخنان ترامپ: معامله‌ای که با زورگویی باشد، نتیجه‌اش تحمیل است

علی خامنه‌ای خطاب به ورزشکاران گفت که وقتی آنها مدال می‌آورند و ملت و جوانان را سر شوق می‌آورند و «در وضعیتی که دشمن در جنگ نرم سعی می‌کند ملت را افسرده و از توانایی‌های خود غافل یا ناامید کند شما با ظاهر کردن توانایی و قدرت ملت، در میدان عمل، محکم‌ترین پاسخ را به او می‌دهید.»

بخش زیادی از صحبت‌های خامنه‌ای واکنش به مواضع و حرف‌های ترامپ بود. او گفت: «رئیس جمهور آمریکا افتخار می‌کند که صنعت هسته‌ای ایران را بمباران کردیم و از بین بردیم. خیلی خوب، به همین خیال باش. اصلاً شما چکاره هستید که اگر کشوری صنعت هسته‌ای دارد، در قبال آن باید و نباید مطرح کنید.»

او رئیس جمهوری آمریکا را فردی «با رفتار سخیف و دروغ‌های فراوان درباره منطقه» توصیف کرد و گفت: «ترامپ اگر توانایی دارد، برود میلیون‌ها نفری را که در همه ایالت‌های آمریکا علیه او شعار می‌دهند آرام کند.»

رهبر جمهوری اسلامی در ادامه اظهارات خود گفت: «جوانان ما با موشک‌های ایرانی نقاط استراتژیک دشمن را تبدیل به خاکستر کردند. ایران موشک‌ها را از جایی نخرید یا کرایه نکرد. این موشک‌ها را نیروهای مسلح و صنایع نظامی ما آماده داشتند و استفاده کردند و باز هم دارند و اگر لازم باشد، در وقت دیگر از آن استفاده می‌کنند.»

رهبر نظام به اظهارات ترامپ در مورد «نابودی تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی در بمباران» اشاره کرد و گفت: «چه ربطی به آمریکا دارد که ایران امکانات و صنعت هسته‌ای دارد یا ندارد. این دخالت‌ها ناباب، غلط و زورگویانه است.» هرچند جمهوری اسلامی در جنگ با اسرائیل متحمل شکست‌های سنگین اطلاعاتی و نظامی شد و ده‌ها نفر از فرماندهان ارشد خود را در همان ساعات اول جنگ از دست داد، اما در ماه‌های اخیر کوشیده است با ارائه روایتی متفاوت از این رخداد، خود را «پیروز» میدان نبرد معرفی کند.

معامله نمی‌کنیم

خامنه‌ای همچنین با اشاره به اظهار آمادگی ترامپ برای مذاکره و معامله افزود: «می‌گوید من اهل معامله‌ام در حالی که اگر معامله با زورگویی همراه و نتیجه آن از قبل معلوم باشد، معامله نیست بلکه تحمیل و زورگویی است. ملت ایران زیر بار تحمیل نخواهد رفت.»

رهبر جمهوری اسلامی در بخشی از این سخنرانی به انتقادهای داخلی از حکومت نیز اشاره کرد و گفت که بدخواهان ملت ایران همچنین سعی می‌کنند «با انکار یا نپرداختن به برخی موفقیت‌ها»، «درهم کردن راست و دروغ»، «بزرگمایی برخی ایرادات» و «تبلیغات جهت‌دار»، فضای ایران را تاریک و گرفته نشان دهند «اما شما با ایستادن بر قله‌های ورزش و علم، فضای روشن کشور را به همه نشان دادید.»

همزمان با این سخنرانی، مراسم دانش‌آموزی دانشگاه اهر در دانشجوین افسری ارتش در دانشگاه «امام علی» مجاور «بیت خامنه‌ای» برگزار شد اما برخلاف اوقات، او در این مراسم غایب بود.

● رهبر جمهوری اسلامی صبح دوشنبه ۲۸ مهرماه با «جمعی از قهرمانان و مدال‌آوران ورزشی و المپیادهای علمی جهانی» دیدار کرد. او خطاب به حضار درواقع با دونالد ترامپ به «مذاکره» پرداخت و با حمله به رئیس جمهور ایالات متحده گفت: «معامله‌ای که با زورگویی همراه باشد نتیجه‌اش تحمیل است.»

● علی خامنه‌ای در مورد فشار غربی‌ها برای توقف تولید موشک‌های بالستیک عنوان کرد: «جوانان ما با موشک‌های ایرانی نقاط استراتژیک دشمن را تبدیل به خاکستر کردند. ایران موشک‌ها را از جایی نخرید یا کرایه نکرد. این موشک‌ها را نیروهای مسلح و صنایع نظامی ما آماده داشتند و استفاده کردند و باز هم دارند و اگر لازم باشد، در وقت دیگر از آن استفاده می‌کنند.»

● رهبر نظام به اظهارات ترامپ در مورد «نابودی تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی در بمباران» اشاره کرد و گفت: «به همین خیال باشید؛ اصلاً شما چکاره هستید که اگر کشوری صنعت هسته‌ای دارد، در قبال آن باید و نباید مطرح کنید. چه ربطی به آمریکا دارد که ایران امکانات و صنعت هسته‌ای دارد یا ندارد. این دخالت‌ها ناباب، غلط و زورگویانه است.»

رهبر جمهوری اسلامی صبح دوشنبه ۲۸ مهرماه با «جمعی



علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی

از قهرمانان و مدال‌آوران ورزشی و المپیادهای علمی جهانی» دیدار کرد. او خطاب به حضار درواقع با دونالد ترامپ به «مذاکره» پرداخت و با حمله به رئیس جمهور ایالات متحده گفت: «معامله‌ای که با زورگویی همراه باشد نتیجه‌اش تحمیل است.»

➔ وزارت خارجه جمهوری اسلامی در بیانیه‌ای نسبتاً طولانی اعلام کرد از شنبه مورخ ۲۶ مهرماه، دوره زمانی ۱۰ ساله تعیین شده برای اجرای «برجام»، طبق قطعنامه شماره ۲۲۳۱ به پایان می‌رسد و همه مفاد آن شامل محدودیت‌های پیش‌بینی‌شده در مورد برنامه هسته‌ای ایران و ساز و کارهای مربوطه، از این تاریخ خاتمه‌یافته تلقی می‌شوند. همزمان عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی نیز در نامه‌ای به آنتونیو گوترش دبیرکل سازمان ملل و همچنین رئیس شورای امنیت درباره بر خاتمه قطعنامه ۲۲۳۱ تأکید کرده است. در بخشی از این بیانیه آمده، موضوع هسته‌ای ایران که تحت عنوان «منع اشاعه» در دستور کار شورای امنیت قرار داشته است باید از فهرست موضوعات مورد بررسی شورای امنیت سازمان ملل خارج شود.

وزارت خارجه جمهوری اسلامی تأکید می‌کند «با انقضای قطعنامه ۲۲۳۱، باید با برنامه هسته‌ای ایران مانند برنامه هسته‌ای هر کشور فاقد تسلیحات هسته‌ای عضو معاهده منع اشاعه رفتار شود.»

وزارت خارجه جمهوری اسلامی گفت: «تحركات تقابلی آلمان، انگلیس، فرانسه، به عنوان ناقضان مستمر برجام، که با سوء نیت و بدون رعایت رویه‌های قانونی مربوطه در صدد بازگرداندن قطعنامه‌های لغو شده شورای امنیت بودند به هیچ عنوان نباید واجد هروگونه ارزش و اثر حقوقی و اجرایی تلقی شود.» این بیانیه همچنین تشکیل مجدد ساز و کارهای تحریمی شورای امنیت از جمله کمیته تحریم و گروه کارشناسان را غیرقانونی دانسته است. این در حالیست که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بارها طی سه سال گذشته هشدار داد که تولید اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصدی از سوی جمهوری اسلامی ایران هیچ هدف صلح‌آمیز معتبری ندارد و نقض مفاد توافق اتمی است. از سوی دیگر پس از جنگ ۱۲ روزه سرنوشت بیش از ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصدی در ایران مشخص نیست. برخ مقامات نظام مدعی شدند این ذخایر پیش از بمباران تأسیسات اتمی به «مکان امن» منتقل شدند اما عباس عراقچی وزیر خارجه رژیم ادعا کرد که این اورانیوم‌ها زیر آوار مدفون شده‌اند. برخی ناظران معتقدند جمهوری اسلامی قصد داشت با مبهم نگه داشتن سرنوشت ذخایر اورانیوم ۶۰ درصدی به عنوان برگ در معامله با غرب برای جلوگیری از فعال شدن مکانیسم ماشه استفاده کند اما ناکام ماند و تحریم‌های سازمان ملل به اجرا درآمدند.

وزارت خارجه جمهوری اسلامی در بخشی از این بیانیه مدعی شد که آلمان، انگلیس، فرانسه، به عنوان ناقضان مستمر برجام، با «سوء نیت» و «بدون رعایت رویه‌های قانونی» قطعنامه‌های لغو شده شورای امنیت را بازگردانده‌اند که ارزش و اثر حقوقی و اجرایی ندارد و دبیرخانه شورای امنیت نیز مجاز نیست بر حرکت غیرقانونی این سه کشور صحنه گذاشته و آن را به رسمیت بشناسد.

این وزارتخانه از همه کشورهای عضو سازمان ملل متحد خواسته با در نظر گرفتن ماهیت غیرقانونی حرکت سه کشور اروپایی تحریم‌ها را نادیده بگیرند و قطعنامه ۲۲۳۱ را خاتمه‌یافته تلقی نمایند. جمهوری اسلامی ایران طی این بیانیه از تلاش‌های روسیه و چین برای مخالفت با بازگشت تحریم‌ها قدردانی کرد اما یک روز پیش از این وزارت خارجه روسیه اعلام کرد که همکاری با جمهوری اسلامی پس از انقضای قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل، بر اساس قوانین روسیه و تعهدات بین‌المللی خواهد بود.

برخی ناظران هشدار دادند این بیانیه وزارت خارجه جمهوری اسلامی و تأکید بر پایان یافتن محدودیت‌های اتمی، زمینه‌سازی حکومت برای افزایش سطح غنی‌سازی و احتمالاً مرحله جدیدی از تقابل باشد.

پایگاه خبری «هیل»: سال خوبی برای ملاها در ایران نیست، ترامپ فشارها را حفظ کند



تابوت حسین سلامی فرمانده پیشین سپاه پاسداران که در خردادماه ۱۴۰۴ در حمله اسرائیل کشته شد

این گروه تروریستی را به شدت تضعیف کرده است. اکنون بسیار بعید است که حماس بار دیگر بتواند کنترل کامل نوار غزه را به دست گیرد.

در نهایت، حمله ۱۲ روزه اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای و نظامی جمهوری اسلامی با پشتیبانی نیروی هوایی آمریکا ناتوانی مستمر جمهوری اسلامی را در مقابله با نفوذ هوایی اسرائیل نشان داد. تهران شاید انتظار داشت که برخی از دوستان ظاهری‌اش به ویژه روسیه و چین از آن حمایت کنند، اما چنین حمایتی صورت نگرفت. در عوض، این جنگ نیروهای مسلح جمهوری اسلامی را نیز به ویرانی کشاند.

دو اس. زاکهایم با این توضیحات ادامه می‌دهد: درست است که حوثی‌های مورد حمایت رژیم ایران همچنان در یمن فعالیت می‌کنند، اما تنها قادرند گهگاه خساراتی به کشتیرانی در دریای سرخ یا اهدافی در اسرائیل وارد کنند. آنها در حال حاضر تهدیدی وجودی برای هیچ کشور منطقه به شمار نمی‌روند، مگر شاید برای جنوب یمن. در مورد شبه‌نظامیان عراقی نیز، قدرتشان به مرزهای عراق محدود شده و تقریباً هیچ توان تهاجمی فرامرزی ندارند.

نویسنده در بخش دیگری از این مقاله با اشاره به وضعیت بد اقتصادی ایران می‌نویسد: بطور کلی امسال سال خوبی برای آخوندها نبود. او توضیح می‌دهد: اقتصاد ایران مدت‌هاست که در رنج است و فعال شدن مکانیسم ماشه تنها بر شدت مشکلات اقتصادی ایران افزوده است. در حالی که بانک جهانی اوایل امسال رشد اقتصادی ملایم ۰/۷ درصدی را برای ایران در سال ۲۰۲۴ پیش‌بینی کرده بود، اکنون با فعال شدن مکانیسم ماشه، پیش‌بینی کرده که اقتصاد ایران در سال ۲۰۲۴ با ۱/۷ درصد انقباض و در سال بعد با افت شدیدتر ۲/۸ درصدی تولید ناخالص داخلی مواجه شود.

با نابودی استراتژی مبتنی بر نیروهای نیابتی و فروپاشی اقتصاد، ممکن است تصور شود که رژیم ایران در آستانه‌ی سقوط است. اما شاید چنین نباشد. ملاها و به ویژه

دو اس. زاکهایم سیاستمدار پیشین آمریکایی در مقاله‌ای که ۱۷ اکتبر ۲۰۲۵ (۲۵ مهرماه) در پایگاه خبری «هیل» که بر رویدادهای کنگره آمریکا متمرکز است، منتشر شد با اشاره به جنگ ۱۲ روزه و فعال شدن مکانیسم ماشه، تأکید کرده که ملاها در ایران سال بسیار بدی داشتند و توصیه کرده که دونالد ترامپ باید فشارهای خود علیه جمهوری اسلامی را حفظ کند.

در مقدمه این مقاله آمده، در دسامبر ۲۰۰۴، ملک عبدالله پادشاه اردن نخستین کسی بود که به جهان درباره‌ی ظهور «هلال شیعی» که می‌تواند دولت‌های سنی منطقه را بی‌ثبات کند، هشدار داد. در ابتدا بسیاری از تحلیلگران این هشدار را نادیده گرفتند، اما در طول دو دهه‌ی بعد، گفته‌ی او تا حد زیادی درست از آب درآمد.

نویسنده اشاره می‌کند که جمهوری اسلامی ایران محور هلال شیعی شامل سوریه‌ی بعثی، حزب‌الله لبنان، حماس فلسطین، حوثی‌های یمن و شبه‌نظامیان عراقی بود. امروز آن هلال دیگر وجود ندارد.

او توضیح می‌دهد، در سال گذشته، حکومت ایران شاهد فروپاشی پی‌پای نیروهای نیابتی خود بوده است. عملیات پیجری اسرائیل در سال ۲۰۲۴ علیه حزب‌الله با ترور حسن نصرالله رهبر قدیمی این گروه در سپتامبر ۲۰۲۴ و سپس جان‌شین او ادامه یافت. پس از آن، در اکتبر همان سال تهاجم اسرائیل به لبنان آغاز شد که به سرعت به آتش‌بس نوامبر انجامید و این گروه تروریستی را به شدت تضعیف کرد.

در سوریه نیز رژیم اسد که با جمهوری اسلامی ایران همسو بود، در دسامبر ۲۰۲۴ و پس از ۱۳ سال جنگ داخلی سقوط کرد. دولت انتقالی جدید [دولت الجولانی] که در مارس ۲۰۲۵ به قدرت رسید، به حضور سنگین و طولانی جمهوری اسلامی در آن کشور پایان داد.

جنگ دوساله‌ی اسرائیل با حماس مورد حمایت جمهوری اسلامی نیز به آتش‌بس انجامید که مانند حزب‌الله در لبنان،

دو اس. زاکهایم سیاستمدار پیشین آمریکایی در مقاله‌ای که ۱۷ اکتبر ۲۰۲۵ (۲۵ مهرماه) در پایگاه خبری «هیل» که بر رویدادهای کنگره آمریکا متمرکز است، منتشر شد با اشاره به جنگ ۱۲ روزه و فعال شدن مکانیسم ماشه، تأکید کرده که ملاها در ایران سال بسیار بدی داشتند و توصیه کرده که دونالد ترامپ باید فشارهای خود علیه جمهوری اسلامی را حفظ کند.

نویسنده اشاره می‌کند که جمهوری اسلامی ایران محور هلال شیعی شامل سوریه‌ی بعثی، حزب‌الله لبنان، حماس فلسطین، حوثی‌های یمن و شبه‌نظامیان عراقی بود. امروز آن هلال دیگر وجود ندارد.

با نابودی استراتژی مبتنی بر نیروهای نیابتی و فروپاشی اقتصاد، ممکن است تصور شود که رژیم ایران در آستانه‌ی سقوط است. اما شاید چنین نباشد. ملاها و به ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بیشتر نیز توانسته‌اند شورش‌ها و بحران‌های داخلی را پشت سر بگذارند. این رژیم اکنون در آستانه‌ی پنجاهمین سال قدرت خود است، بسیار فراتر از پیش‌بینی‌های خوش‌بینانه‌ی دشمنانش.

برخی استدلال می‌کنند که جمهوری اسلامی دقیقاً به دلیل بازگشت تحریم‌ها، برنامه‌ی هسته‌ای خود را با شدت بیشتری دنبال خواهد کرد. مقامات تهران نیز این را اعلام کرده‌اند. با این حال، جنگ ۱۲ روزه ضعف نظامی رژیم ایران را هم آشکار و هم تشدید کرد. جمهوری اسلامی اگر بخواهد رؤیای هسته‌ای خود را ادامه دهد، همچنان در برابر حملات بعدی آسیب‌پذیر باقی خواهد ماند.

نویسنده در پایان تأکید می‌کند، واشنگتن می‌تواند با الهام از هشدار مارگارت تاچر به جرج بوش، اروپایی‌ها را به پایداری تشویق کند. سی و پنج سال پیش، وقتی جرج بوش درباره‌ی نحوه‌ی پاسخ به حمله‌ی صدام حسین به کویت تردید داشت، نخست‌وزیر بریتانیا به او گفت: «الان وقت سست بودن نیست.» حالا شرایط برعکس شده و هشدار تاچر باید پیامی دائمی برای دولت آمریکا به اروپایی‌های مردّد باشد.

بارش

دماغ لله!

خبراندیش (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۱۶۸) مرداد ۱۳۸۶



خاقان مغفور، شهریار کامکار، اعلیحضرت فتحعلی‌شاه قاجار بیش از هزار زن و از این زنان ۲۶۲ پسر و دختر داشت. پسران شاه تا بچه بودند، هر چندتایشان زیر دست یک «لله» تربیت می‌شدند. لله هم که می‌دانید یعنی سرپرست و مربی. لله، مأمور بود بچه‌ها را ضبط و ربط کند، این طرف و آن طرف برود، آداب و سلوک یادشان بدهد، با تفریحات سالم سرگرمشان بدارد یا بنشاندها و برایشان سخنان پندآمیز بگوید.

ضمناً یکی از شاهزادگان هم که بزرگتر از دیگران بود به‌عنوان مبصر و وظیفه داشت مراقب بچه‌ها باشد مبادا از امر و نهی لله سر بیچند یا نسبت به او بی‌حرمتی کنند. یک گروه از پسران شاه لله‌ای داشتند نه چندان خوش‌قیافه و خوش‌قواره که آفریدگار دماغ بزرگی در وسط صورتش کاشته و به‌عوض از هیبت و صولتش کاسته بود. روزی، بچه‌ها گوجه می‌خوردند. یکی از آنها دماغ لله را نشانه گرفت و هسته گوجه را به هدف زد. بچه‌های دیگر هم نشانه‌گیری را تکرار کردند و تا لله به خود بجنبید بینی مبارکش از هر طرف هسته‌باران شد.

لله لب ورچید و شکایت به نزد شاه برد. شاه، مبصر کلاس را به حضور خواند و سخت به او توپید که این چه حکایتی است؟ این چه ظلمی است که برادران تو بر این مرد محترم روا داشته‌اند؟ مقصر کیست تا بدهم چوب توی آستینش بکنند...

شاهزاده عرض کرد قربان، بچه‌ها تقصیر ندارند. به بچه نمی‌شود گفت گوجه نخور و هسته آن را پرت نکن. تقصیر لله است با آن دماغ بزرگش که بچه‌ها از هر طرف هسته پرت کنند به دماغ او می‌خورد!

آه، که جگر آدمی کباب می‌شود برای پرزیدنت مظلوم، دکتر محمود احمدی‌نژاد، پیام‌آور مهرورزی و عدالتخواهی، مردی که قلمزنان مطبوعات نه چندان خودی مثل اشقیای صحرای کرلا پیکر نازنین او را بیرحمانه هدف تیر ملامت و تهمت و نقد و طنز و طعن قرار داده‌اند.

مطبوعات خودی به خروش آمده‌اند که «ما اهل کوفه نیستیم - حسین تنها می‌ماند». روزنامه «ایران» می‌نویسد: «روش و منش ستیزه‌جویانه برخی از رسانه‌ها در برابر دولت نهم و رئیس‌جمهور سخت‌کوش، مردمی و خدمتگزار، نقش آنها را به‌عنوان وسیله ارتباط جمعی زیر سؤال برده است... زبان دولت نهم در برابر این رسانه‌ها زبان ملایمت، متانت و بردباری است. با این وجود، این امر بی‌حد و مرز نیست...» روزنامه «رسالت» نیز از بداخلاقی رسانه‌های منتقد دولت می‌نویسد که «وارد یک فاز غیر اخلاقی شده و پروژه تخریب دولت نهم و مجلس هفتم را در آستانه انتخابات مجلس شورای اسلامی در پیش گرفته‌اند» و سپس می‌پرسد «واقعیت چیست که پس از صد سال فعالیت مطبوعاتی در کشور، برخی از ارباب رسانه‌ها خود را به اخلاق حرفه‌ای معید نمی‌دانند».

و بالاخره سؤال دیگری در یک مقاله دردمندانه دیگر مطرح شده است که اصلاً چرا رئیس‌جمهور محبوب و مظلوم را قلمزنان بی‌مروت و بی‌اخلاق بیش از هر سوژه دیگری هدف‌گیری می‌کنند. مگر تنها مقام مسؤول در مملکت این بنده خداست که تیرهای طعن و طنز از هر طرف به سوی او نشانه‌گیری می‌شود.

پاسخ این سؤال را باید در دماغ بزرگ احمدی‌نژاد جستجو کرد.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پیشتر نیز توانسته‌اند شورش‌ها و بحران‌های داخلی را پشت سر بگذارند. این رژیم اکنون در آستانه‌ی پنجاهمین سال قدرت خود است، بسیار فراتر از پیش‌بینی‌های خوش‌بینانه‌ی دشمنانش. علاوه بر این، جمهوری اسلامی ایران کاملاً منزوی نیست. هرچند مسکو و پکن در جریان شکست‌های اخیر، حکومت ایران را تنها گذاشتند، اما همچنان روابط تجاری خود را با تهران حفظ کرده‌اند. هر دو کشور با اعمال مجدد تحریم‌های «مکانیسم ماشه» مخالفت کردند و استدلال نمودند که بریتانیا، فرانسه و آلمان که این بند را فعال کرده‌اند، مجاز به انجام آن نبوده‌اند. چین به ویژه ۹۰ درصد نفت تولید ایران را می‌خرد، هرچند با تخفیف سنگین. این دو کشور در قالب مبادله کالا یا تهاوت فعالیت می‌کنند و چین در نوسازی زیرساخت‌های فرسوده‌ی ایران کمک‌هایی ارائه می‌دهد.

جمهوری اسلامی ایران تأمین‌کننده‌ی اصلی موشک‌های بالستیک و پهپاد برای روسیه در جنگ آن کشور علیه اوکراین بوده و روسیه نیز در مقابل، تسلیحاتی را به تهران صادر می‌کند. رژیم ایران همچنین با استفاده از مسیرهای غیرمستقیم و «ناوگان سایه»، محصولات خود را صادر می‌کند تا از شناسایی مبدأ محموله‌ها جلوگیری کند.

در همین حال، هرچند ممکن است جمهوری اسلامی ایران در برآوردهایش مبالغه کرده باشد از جمله اینکه هند سالانه تا ۱۱۰ میلیون بشکه نفت از آن خریداری خواهد کرد، اما روشن است که دهلی‌نو سیاست خرید نفت از ایران را که در سال ۲۰۱۸ متوقف کرده بود، از سر گرفته است.

غرب به تحریم‌ها پایبند می‌ماند

در بخش دیگری از این مقاله آمده است تا زمانی که واشنگتن، لندن، پاریس و برلین به تحریم‌ها پایبند می‌مانند، تحریم‌های سازمان ملل همچنان اقتصاد لرزان ایران را تضعیف خواهد کرد. دولت ترامپ قطعاً این تحریم‌ها را اجرا می‌کند و کسانی را که سعی در دور زدن آن دارند، مجازات خواهد نمود. همین هفته، واشنگتن ۷ تبعه‌ی هندی و ۱۰ شرکت را به دلیل ارتباط با تجارت نفت جمهوری اسلامی ایران تحریم کرد، هرچند ممکن است این اقدام هند را از معامله با آن بازدارد.

برخی استدلال می‌کنند که جمهوری اسلامی دقیقاً به دلیل بازگشت تحریم‌ها، برنامه‌ی هسته‌ای خود را با شدت بیشتری دنبال خواهد کرد. مقامات تهران نیز این را اعلام کرده‌اند. با این حال، جنگ ۱۲ روزه ضعف نظامی رژیم ایران را هم آشکار و هم تشدید کرد. جمهوری اسلامی اگر بخواهد رؤیای هسته‌ای خود را ادامه دهد، همچنان در برابر حملات بعدی آسیب‌پذیر باقی خواهد ماند.

اکنون پرسش این است که آیا سه قدرت اروپایی که تحریم‌ها را فعال کرده‌اند، شجاعت آن را خواهند داشت که در برابر تطمیع‌های جمهوری اسلامی ایران مقاومت کنند و از توافقی که همچنان به تهران اجازه‌ی غنی‌سازی اورانیوم و توسعه‌ی برنامه‌ی موشک‌های بالستیک می‌دهد، خودداری کنند یا نه؟

نویسنده در پایان تأکید می‌کند، واشنگتن می‌تواند با الهام از هشدار مارگارت تاچر به جرج بوش، اروپایی‌ها را به پایداری تشویق کند. سی و پنج سال پیش، وقتی جرج بوش درباره‌ی نحوه‌ی پاسخ به حمله‌ی صدام حسین به کویت تردید داشت، نخست‌وزیر بریتانیا به او گفت: «الان وقت سست بودن نیست.» حالا شرایط برعکس شده و هشدار تاچر باید پیامی دائمی برای دولت آمریکا به اروپایی‌های مردّد باشد.

بارنشر

در آن شب پر اضطراب و پرحادثه

ارتش در برابر گروهی که با عملیات چریکی بر پایتخت مسلط شدند از پای درآمد

(تاریخ نشر در کیهان لندن: دی و بهمن ماه ۱۳۸۱ - شماره‌های ۹۴۳ - ۹۳۷)



یادداشتها و
خاطرات سپهبد جعفر صانعی

بر ارتش چه گذشت (۵)

از ۱۷ شهریور تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

از ایشان سپاسگزاریم که یادداشتهای خود را در اختیار ما گذاشته‌اند. نکته‌های دقیقی درین یادداشتهای وجود دارد که پژوهشگران را در ریشه‌یابی وقایعی که منجر به کنار کشیدن ارتش و امضای بیانیه بیطرفی شد یاری خواهد داد.

خاطرات کسانی که در سالهای ۵۶ و ۵۷ عهده‌دار مشاغل در سازمان سیاسی و اداری یا نظامی آن دوران بوده و نقشی در تصمیم‌گیریها داشته‌اند به تجزیه و تحلیل منطقی قضایا و در نتیجه داوری منصفانه‌تر کمک می‌کند. ازین دست خاطرات، ما پیش ازین در صفحه خاطرات و تاریخ داشته‌ایم و ازین شماره خاطرات و یادداشتهای سپهبد جعفر صانعی را در معرض مطالعه علاقه‌مندان قرار می‌دهیم.

سپهبد صانعی که اینک ساکن کاناداست در سال ۱۳۵۷ معاونت لجستیکی فرماندهی نیروی زمینی را برعهده داشت و در جلسات شورای فرماندهان شرکت می‌کرد و نام و امضای او نیز ذیل اعلامیه بیطرفی به چشم می‌رسد.

بیست و چهار سال پس از فروپاشی رژیم پادشاهی و روی کارآمدن جمهوری اسلامی، هنوز این سؤال وجود دارد که آیا این سرنوشت مقدر ایران بود یا در زمستان ۱۳۵۷ تاریخ می‌توانست به شکل دیگری نوشته شود.

درباره این سؤال، باوجود مطالب بسیاری که اظهار یا افشا شده، هنوز جای بحث باقی‌است. بی شک، پاسخ قطعی برای چنین سؤالی نمی‌توان یافت. گفته‌اند اگر دماغ کلتوپاترا کمی بزرگتر (یا کوچکتر) بود تاریخ جهان مسیر دیگری می‌پیمود. در هر حادثه تاریخی شماری بیش یا کم از «اگر»ها وجود دارد و به همین دلیل است که قضاوت درباره این وقایع به آسانی مقدور نمی‌شود.

● دو مرکز عملیاتی به تصرف شورشیان درآمده بود و از آنجا به وسیله پیامهای رادیویی واحدهای نظامی را به جنگ یکدیگر می‌فرستادند

● واحد عملیات مخصوص مستقر در فرح آباد از اجرای دستور فرمانده خود برای سرکوب شورش در نیروی هوایی خودداری کرد

در آن روز معلوم نشد از طرف چه مقامی تصمیم گرفته شد که ساعات عبور و مرور تغییر کند. رادیو تهران اعلام کرد که از ساعت ۳/۴ بعد از ظهر رفت و آمد در شهر ممنوع خواهد بود. در حالی که جر و بحث در جلسه ما ادامه داشت اطلاع رسید نه تنها آگهی فرمانداری نظامی مورد اعتنا قرار نگرفته بلکه افراد مسلحی با بلندگو در خیابانها مردم را به مقاومت دعوت می‌کنند و بر تعداد افرادی که برای یگانهای نظامی راه بندها ایجاد میکنند و با مامورین درگیر می‌شوند دائم افزوده می‌شود.

بالاخره پس از بحث و بررسی و گفتگوی بسیار تصمیم بر این شد که یک ستون از تانکهای تیپ همدان که در پادگان تهران پارس مستقر بود به فرماندهی سرلشکر ریاحی فرمانده لشکر پیاده گارد به محل شورش در مرکز آموزش نیروی هوایی عزیمت و به داخل پادگان نفوذ کرده و در مرحله یکم بین افراد مسلح داخل و خارج ساختمان استقرار یابد و این دو گروه را از هم جدا و مراتب را گزارش نمایند. فرمانده لشکر که احضار شده و در جلسه حاضر بود برای انجام این ماموریت آمادگی نداشت و می‌گفت شما از داخل شهر خبر ندارید و نمی‌دانید چه خبر است. اگر خبر داشتید میدانستید این حرکت قابل اجرا نیست. در برابر اعتراض دیگران او می‌گفت چرا یکی از خودتان نمی‌روید.

تا این که سرتیپ وفائی معاون لشکر زرهی قزوین که در لويزان با ماموریت حفاظت از قرارگاه نیرو حضور داشت داوطلب شد بنام معاون به فرمانده لشکر معرفی شود و او را در انجام ماموریت یاری کند.

این ماموریت بایستی از طریق معاونت اطلاعات و عملیات ابلاغ شود و سرلشکر هومان جانشین عملیاتی آن



ارتش روزها پیش از اعلام بیطرفی از اختیار فرماندهان خارج بود

تصاویر خمینی بر روی کامیونهای ارتشی حامل مامورین فرمانداری نظامی گواه آشکار بر این مدعاست

سرلشکر ریاحی داده شد که گرفت و رفت. ساعتها طول کشید تا آنکه حوالی نیمه شب صدای حرکت تانکها به گوش رسید. در همین موقع از ستاد بزرگ ارتشتاران تلفنی ابلاغ شد که این ستون حرکت نکند پاسخ داده شد که حرکت کرده اند و ما با آنها ارتباط نداریم پس از رسیدن به محل مراتب ابلاغ خواهد شد که برگردند.

ساعتها طول کشید تا آنکه حوالی نیمه شب صدای

معاونت برای این کار به جلسه احضار شده بود ولی آنقدر این دست و آن دست می‌شد که من برآشفته شدم و چون در کنار فرماندهی نیرو (سپهبد برده ای) نشسته بودم تکه کاغذی با یک خودکار جلو ایشان گذاشتم و تقاضا کردم با خط خودشان نوشتند به لشکر پیاده گارد ماموریت داده می‌شود که شورش مرکز آموزش نیروی هوایی را سرکوب و نتیجه را گزارش نمایند این ورقه به دست فرمانده لشکر

➡ حرکت تانکها به گوش رسید. در همین موقع از ستاد بزرگ ارتشتاران تلفنی ابلاغ شد که این ستون حرکت نکند پاسخ داده شد که حرکت کرده اند و ما با آنها ارتباط نداریم پس از رسیدن به محل مراتب ابلاغ خواهد شد. که برگردند. تا صبح روز بعد (۲۲) بهمن) از رسیدن ستون به محل خبری نرسید و اصولا هیچ ارتباطی برقرار نشد. صبح ۲۲ بهمن جسته و گریخته اطلاع رسید که افراد مسلح و غیر مسلح در مسیر حرکت ستون ازدحام کرده با اقدام به عملیات چریکی جلو حرکت تانکها را گرفته و به آنها آسیب رسانده اند. در نتیجه تعدادی از افراد ستون متواری و تعدادی نیز از جمله سرلشکر ریاحی و سرتیپ وفائی، شهید یا بسختی مجروح شده اند. ضمنا در آن شب به ستاد نیروی زمینی از طریق سرتیپ ناظمی فرمانده تیپ گارد مستقر در پادگان فرح آباد گزارش رسید که هنگام شروع اغتشاش در مرکز آموزش نیروی هوایی که نزدیک آن پادگان بود به یک دسته از واحد عملیات مخصوص که از درجه داران قدرتمند و دوره دیده برای عملیات رزم سخت بوده و زیر امر فرمانداری نظامی قرار داشته اند دستور عزیمت به محل و جلوگیری از اغتشاش داده شده ولی جملگی از اجرای دستور خودداری کرده اند.

استفاده از ارتش برضد ارتش

قضیه دیگری هم آن شب پیش آمد و آن این بود که آجودان فرماندهی نیرو گزارش داد شخصی بنام مهندس رزم آرا در دفتر ایشان حضور دارد و رادیویی در دست اوست که خبرهای عجیبی پخش میکند. دستور داده شد که در جلسه حضور پیدا کنند. آمدند و اخبار فرستنده رادیویی را به ترتیب زیر شنیدیم:

یک مرکز عملیاتی مجهز به فرستنده رادیویی مرتباً فرامین نظامی برای برخورد با واحدهای نظامی مستقر در نقاط مختلف تهران خطاب به واحدهای عملیاتی مجهز به رادیو با همان طول موج صادر میکرد که با اجرای این فرامین تعدادی از یگانهای تحت امر فرمانداری نظامی به طور منظم و سریع منهدم شده یا ارزش رزمی خود را از دست می دادند.

از باب مثال شنیدیم که فرمان داده شد خودرو شماره برود به دیوار شرقی دانشگاه تهران دسته نظامی را که در آنجا مستقر است از بین برده نتیجه را گزارش دهد. سپس ابلاغ میکرد حالا حرکت کرده بروید در نقطه و همان ماموریت را اجرا کنید. این فرامین به صورت متوالی با خونسردی ولی قدرت کامل از آن مرکز به واحدهای زیر فرمان صادر و اجرا می گردید.

معلوم شد دو مرکز رادیویی و خودروهای مربوط به وزارت نیرو که با هدف رسیدگی و ترمیم شبکه های برق رسانی تهران در مواقع ضروری مورد استفاده قرار می گرفت به تصرف گروهی که از هویتشان اطلاع نداشتیم درآمده و با آموزشهایی که داشته اند و برنامه ریزیهای قبلی در آن شب با واحدهای نظامی فرمانداران نظامی درگیر شده اند. به چاره جویی پرداختیم که با این دو مرکز چه میتوان کرد از سرلشکر خسرو داد ستوال شد آیا میتوان با هلیکوپتر این دو مرکز را که یکی در خیابان ژاله و دیگری در سه راه ونک واقع بود از میان برد. پاسخ داد چنین کاری میسر نیست زیرا محل آنها در قلب مناطق مسکونی است و اگر چنین عملیاتی صورت گیرد تلفات زیاد به بار می آید. سرلشکر بیگلری معاون گارد شاهنشاهی که حضور داشت اظهار نمود ما افسران و افراد کاملاً زبده و ورزیده ای در سعدآباد داریم به آنها فرمان خواهیم داد که بروند مرکز سه راه ونک را منهدم کنند. سپس خود به دنبال این کار رفت

و پس از ساعاتی بازگشت و گفت که گروه ما رفته اند و اطلاع میدهند آن مرکز به قدری محکم است و در چند رده بوسیله افراد مسلح حفاظت می شود که نفوذ به آنها مطلقاً ممکن نگردد.

جالب این که از دستگاه مرکزی به وسیله رادیو شنیده شد که به واحد کرج خود ماموریت می داد که بروید جلو میهمانانی را که از همدان می آیند بگیرید و مانع حرکت آنها شوید. معلوم شد گردانی از همدان عازم تهران بوده است و با اجرای فرامین رادیویی، به طوری که گفته میشد از طریق خالی کردن چند کامیون خاک رس در جاده و گماردن افراد مسلح گردان را متوقف کرده اند.

سقوط کلانتریها

متاسفانه از اوایل شب مرتباً گزارش می رسید که کلانتریهای تهران یکی پس از دیگری به وسیله افراد مسلح تصرف شده و پاسپانان محل ماموریت خود را ترک می کنند. سپهبد رحیمی دستور داد که افراد شهربانی خود را به نزدیکترین پادگان نظامی معرفی کند و در پی این دستور مشاهده شد که تعدادی از آنها به پادگان لویزان آمده اند. آن شب تا صبح به همین ترتیب گذشت. از دیگر یگانهای زیر امر فرمانداری نظامی اطلاع صحیح و کاملی در دست نبود.

باز هم یک دستور کلی ابلاغ گردید که هر یک در هر کجا هستند خود را به نزدیکترین پادگان نظامی معرفی کنند. تنها واحدی که گزارش داد خود را به دانشکده افسری معرفی کرده است که یک گردان پیاده اعزامی از لشکر رضائیه بود که آنهم معلوم نبود چه مقدار آمادگی رزمی داشته است.

حوالی صبح مسلم شد که واحدهای نظامی و انتظامی در شهر تهران متفرق گشته یا توان رزمی خود را از دست داده اند و به بیان دیگر شهر تهران بکلی از کنترل خارج شده است.

تا با مداد روز یکشنبه ۲۲ بهمن تمام شب را ما در آن اتاق ماندیم حرف زدیم بحث کردیم و به چاره اندیشی پرداختیم اخبار خرد کنده شنیدیم و زجر کشیدیم و تأسف خوردیم و در نهایت تیره بختی شاهد از هم پاشیدگی و نابودی واحدهای با ارزش ارتش نازنین و عزیزمان بودیم

در برابر کدام دشمن قویتر از خودمان؟

در اثر کدام رزم و درگیری؟

من برای این سئوالات پاسخی نمی یابم به شرحی که مختصراً نوشته شد فقط میتوانم در پیشگاه تاریخ شهادت بدهم که آن بیست و چهار ساعت منحوس و اعصاب فرسا

چگونه گذشت.

صبح روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ از واحدهای زیر امر فرمانداری نظامی تهران که قسمت عمده آن از گارد شاهنشاهی و بقیه از واحدهای نیروی زمینی احضار شده از پادگانهای خارج از مرکز بودند خبری در دست نبود و به هیچ وجه معلوم نشد و مطرح نشد که چه تعدادی از آنها با چه حد آمادگی رزمی در کجا بودند و چه وضعیتی داشتند.

کلیه پرسنل ستاد نیروی زمینی از فرمانده نیرو تا بقیه همگی در حالت بهت و سردرگمی و پریشان خاطری یا وحشت در انتظار وقایع تازه به سر میردند. وضعیت موجود در آن فضا و آن محیط قابل توصیف نیست. بالاخره ساعت هفت صبح سپهبد بدره ای فرمانده نیرو تلفن رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران ستاد ارتشتاران را گرفته اوضاع و احوال موجود را به ایشان گزارش نمود.

من و تعدادی از معاونان همچنان در دفتر ایشان بودیم و شنیدیم که ریاست ستاد بزرگ به ایشان دستور داد که بیائید به اینجا تا ببینیم چه می توان کرد.

در پایان این مکالمه تلفنی من از سپهبد بدره ای خواستم که گوشی را بدهد تا با ارتشبد قره باغی صحبت کنم به ایشان گفتم «صبح به خیر» با حالت بسیار ناراحت جواب دادند «چه صبحی؟ چه خبری؟!» وقتی به من اجازه اظهار نظر داده شد گفتم تیمسار به نظر من با آنچه از روز گذشته تا این لحظه در ستاد نیروی زمینی دیده ایم دیگر روی این ستاد و این پرسنل حساب نکنید.

این را هم به جناب آقای نخست وزیر اعلام کنید اجازه صحبت بیشتری داده نشد تا بگویم پس چه باید کرد. خودشان هم چنین سئوالی نکردند. (۱)

با این مکالمه کوتاه فقط دریافتیم وضع درستاد بزرگ ارتشتاران نیز همانگونه است که در ستاد نیروی زمینی و آنها هم نمی دانند چه باید بکنند.

بدیهی است که من هم حالتی مثل دیگران داشتم و در آن حالت چیزی بهتر یا بیشتر نه می دانستم و نه می فهمیدم.

تنها چیزی که به ذهنم می رسید این بود که در صورت امکان از دیگر واحدهای نیروی زمینی در خارج از مرکز برای استخلاص تهران استفاده شود. انهم یک فکر خام و بررسی نشده بود و لاغیر!

دیگر کاری و حرفی نمانده بود جز آنکه فرمانده نیروی زمینی به اتفاق سرلشکر خسرو داد با یک هلیکوپتر عازم ستاد بزرگ شدند و به ما گفتند خودتان جمع شوید و ببینید چه باید کرد.

در شماره آینده اعلام بیطرفی

ادامه دارد

۱ - شرح واقعه شورش در مرکز آموزش نیروی هوایی و برخورد فرماندهی و ستاد نیروی زمینی با آن را به طوری که از ابتدا تا انتها ناظر بودم نوشتم آیا نظر کارشناسانه نظامی در آن وضعیت چه بوده باشد؟ واقعا چه کار دیگری از آن گروه ساخته بوده است؟ من عین حقیقت را نقل کردم بر اساس روش و اصول نظامی این فرمانده است که می بایستی تصمیم بگیرد و افسران و افراد زیر دست فقط میتوانند نظر خود را بدهند تیمسار ارتشبد قره باغی در تمام نوشته ها و گفته های خود تصمیمات و اقدامات بعدی خود را مستند به این اظهار نظر من کرده اند در حالی که رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران در آن شرایط در محل فرمانده کل قوا بود و چنانچه مرا صاحب نظر میدانست بایستی از من پرسد نظر تو چیست من در طول مدت برقراری حکومت نظامی در مراحل مختلف چه حضوری و چه تلفنی اظهار نظرهای دیگری به ایشان کرده ام که مهمترین آنها به شرح زیر است:

۱- قبل از خروج اعلیحضرت از مملکت در حضور فرمانده نیروی زمینی با دلسوزی و با قاطعیت از ایشان خواستم از پیشگاه شاهانه استدعا کنند مسافرتشان را به بعد از برقراری نظم و امنیت در کشور موکول کنند. کاملاً گوش کردند و توجه نکردند. همه کس میتوان تشخیص بدهد چنانچه این پیشنهاد پذیرفته میشد تاریخ مملکت به صورت دیگری ورق می خورد.

۲ - هنگامی که نیروی زمینی فاقد فرمانده بود پیشنهاد کردم فرماندهی برای نیرو برگزینند که دارای سابقه و تجربه در این نیرو بوده قدرت تصمیم گیری در شرایط آن زمان داشته باشد. توجه نکردند و نتیجه اش را هم دیدیم که چه بود.

۳ - فرمانده لشکر رضائیه در برخورد با ناراضیها تقاضای انتقال از لشکر را نمود. پیشنهاد کردم موافقت نکنید چون باعث تضعیف روحیه خواهد شد. گوش نکردند.

لبنان، یمن و جمهوری اسلامی ایران پس از جنگ غزه



بنیامین نتانیاهو و دونالد ترامپ/ کاخ سفید/ واشنگتن دی سی/ ۲۹ سپتامبر ۲۰۲۵ / رویترز

۱۲ روزه شد و دستور حمله به تأسیسات هسته‌ای در ایران را صادر کرد. این نخستین جنگ او بود و سپس آتش‌بس اعلام نمود. نتانیاهو از این تصمیم رضایت نداشت و نتوانست چراغ سبز برای تکمیل عملیات نظامی از پیش طراحی‌شده را به دست آورد. رئیس‌جمهور آمریکا با مهارت از این وضعیت علیه تهران استفاده کرد و تهدید نمود اگر رژیم دوباره به غنی‌سازی یا درگیری نظامی بازگردد، نتانیاهو را آزاد خواهد گذاشت تا به آن حمله کند.

همین امر موجب شده تا نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در حالت آماده‌باش باشند. نتانیاهو نه از ترفند و نه از بهانه برای از سر گرفتن جنگ خود کم دارد. اگر میان این دو درگیری روی دهد، ویرانگر خواهد بود. کشورهای منطقه که در پیرامون این جنگ قرار دارند، با اضطراب و آماده‌باش تحولات را دنبال می‌کنند.

سیاستمداران در لبنان و ایران قطعاً درک می‌کنند که خطرهای پایان نیافته و با توافق آتش‌بس در غزه نیز پایان نخواهد یافت. جنگ خونین غزه با توافق دوجانبه پایان یافت، اما وضعیت در دیگر جبهه‌ها همچنان باز مانده است.

حضور گسترده بین‌المللی از مذاکرات حمایت می‌کند و به سه طرف دیگر که در معرض تهدید جنگ هستند (لبنان، یمن، جمهوری اسلامی) فشار می‌آورد و به آنها فرصت می‌دهد تا برای ساماندهی اوضاع و توافقات خود اقدام کنند و به آتش‌بس‌های موقت بسنده نکنند، چرا که آتش‌بس موقت چیزی جز یک بمب ساعتی نیست.

*منبع: روزنامه الشرق الاوسط

*نویسنده: عبدالرحمن الراشد

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

بی‌تردید اسرائیل پس از خروج بیشتر نیروهایش از غزه، دارای نیروی بیشتری خواهد بود. از سوی دیگر «حزب‌الله» می‌کوشد از اجرای توافقی که با اسرائیل درباره تحویل سلاح‌هایش به ارتش لبنان امضا کرده طفره رود. توافقی که بر اساس آن آتش‌بس برقرار شد ولی جبهه شمالی اسرائیل همچنان باز تلقی می‌شود. رئیس‌جمهور آمریکا اینبار قادر به بازداشتن نتانیاهو نخواهد بود، زیرا دو طرف آمریکایی و فرانسوی شاهد و ضامن این توافق بودند. اکنون توپ در زمین رئیس‌جمهور لبنان است که از درگیری مستقیم با «حزب‌الله» پرهیز می‌کند تا آرامش داخلی و ثباتی را که از ابتدای سال برقرار شده، حفظ نماید.

به گفته اسرائیل، این کشور از جنوب لبنان عقب‌نشینی نخواهد کرد و حملات خود را تنها زمانی متوقف می‌سازد که حزب‌الله سلاح‌های خود را تحویل دهد، یا شاید ترتیبات جدیدی وضع شود که تضمین‌های لازم را فراهم کند.

درگیری با حوثی‌ها در یمن بستگی به رفتار این گروه وابسته به رژیم ایران دارد و اینکه پس از پذیرش پایان جنگ از سوی حماس چه خواهد کرد. اسرائیل از توان نظامی لازم برای تضعیف حوثی‌ها برخوردار است و می‌تواند نیروهای یمنی را برای ادامه مأموریت و سرنگونی حکومت انصارالله در صنعا آماده کند. از هم‌اکنون نیز می‌توان شور و حرارتی را که این تحولات در میان نیروهای مخالف انصارالله پدید آورده و آنان را برای مرحله آینده آماده ساخته است، مشاهده کرد.

اما دشوارترین و خطرناک‌ترین جبهه، با پیامدهای گسترده منطقه‌ای، جبهه جمهوری اسلامی در ایران است. رئیس‌جمهور ترامپ کسی بود که جنگ را متوقف کرد، جنگی که کمتر از دو هفته طول کشید. ترامپ وارد جنگ

● در حال حاضر سه جبهه باز در منطقه دیده می‌شود: در لبنان آتش‌بسی موقت برقرار است و در یمن درگیری‌هایی پراکنده با حوثی‌ها جریان دارد. اما با این حال، جمهوری اسلامی ایران همچنان جبهه اصلی است و از ماه ژوئن گذشته، پس از جنگ دوازده روزه، در حالت آماده‌باش قرار دارد.

● در حالی که «حزب‌الله» می‌کوشد از اجرای توافقی که با اسرائیل درباره تحویل سلاح‌هایش به ارتش لبنان امضا کرده طفره رود، رئیس‌جمهور لبنان از درگیری مستقیم با «حزب‌الله» پرهیز می‌کند تا آرامش داخلی و ثباتی را که از ابتدای سال برقرار شده، حفظ نماید. این موقعیت، اسرائیل را که نیروهایش در غزه آزاد شده‌اند، بیش از پیش متوجه لبنان می‌کند.

● اما دشوارترین و خطرناک‌ترین جبهه، با پیامدهای گسترده منطقه‌ای، جبهه جمهوری اسلامی در ایران است. نخستین جنگ ترامپ، همین جنگ ۱۲ روزه بود اما بلافاصله پس از شرکت در آن آتش‌بس اعلام کرد و با استفاده ماهرانه از این وضعیت، تهدید نمود اگر رژیم دوباره به غنی‌سازی یا درگیری نظامی بازگردد، نتانیاهو را آزاد خواهد گذاشت تا به آن حمله کند. همین امر موجب شده تا نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در حالت آماده‌باش باشند.

عبدالرحمن الراشد (الشرق الاوسط) - جنگ غزه پایان یافت، اما همه جنگ به پایان نرسیده است. سه جبهه باز همچنان وجود دارد: در لبنان آتش‌بسی موقت برقرار است و در یمن درگیری‌هایی پراکنده با حوثی‌ها جریان دارد. اما با این حال، جمهوری اسلامی ایران همچنان جبهه اصلی است و از ماه ژوئن گذشته، پس از جنگ دوازده روزه، در حالت آماده‌باش قرار دارد.

اکنون نیز نگاه‌ها همچنان به نتانیاهو دوخته شده است: آیا تحولات اخیر پس از کنفرانس «شرم‌الشیخ» او را از قدرت کنار خواهد زد؟ به احتمال زیاد او تلاش می‌کند مأموریت‌هایی را که وعده داده بود، به پایان برساند و درگیری‌ها دوباره در سه جبهه از سر گرفته شوند. زیرا حملات اکتبر ۲۰۲۳ در دوران او رخ داد و او مسئولیت آن را بر عهده دارد و احساس می‌کند که تحقق پیروزی‌های کامل می‌تواند وی را بالاتر از هرگونه بازخواست قرار دهد. با این حال، اگر رقپایش بتوانند او را سرنگون کنند، آنگاه وضعیت منطقه در انتظار جان‌شین و سیاست جدید اسرائیل معلق خواهد ماند. با اینهمه، شاید او راه آرامش را برگزیند و به دو سال ناآرامی پایان دهد.

احتمال ماندن نتانیاهو البته بیشتر است، زیرا او با مهارت‌های حزبی خود در نظام پارلمانی پیچیده توانسته ائتلاف‌هایی تشکیل دهد که دوران حکومت‌اش را تهدید کرده‌اند. او بیش از ۱۷ سال بر دولت یهود حکومت کرده است یعنی مدتی طولانی‌تر از بن‌گوریون؛ و هنوز هم پس از جنگ‌هایی که به راه انداخت و بزرگ‌ترین پیروزی‌های اسرائیل از زمان جنگ ۱۹۶۷ را رقم زد، از محبوبیت کافی برخوردار است.

در لبنان نگرانی افزایش یافته، چنانکه رئیس‌جمهور ژوزف عون ابراز داشت که شاید اسرائیل پس از پایان جنگ غزه، به کشور وی روی آورد.

سفر لاریجانی به مسکو پیش از دیدار پوتین و ترامپ در بوداپست



استقبال کاظم جلالی سفیر جمهوری اسلامی از علی لاریجانی در فرودگاه مسکو

غیررسمی گزارش داده بودند که یکی از خواسته‌های ترامپ «به رسمیت شناختن اسرائیل» توسط جمهوری اسلامی است. بعد از خروج آمریکا در هشتام ماه مه ۲۰۱۸ از برجام، جمهوری اسلامی از طریق دولت‌های میانجی از جمله عمان و همچنین دولت‌های اروپایی و جوزپ بورل رئیس وقت سیاست خارجی اتحادیه اروپا با این شرط مواجه شد که البته آن را رد حرف و عمل رد کرد.

در اینبار رهبران آلمان، سوئیس و اتریش، حسن روحانی رئیس وقت دولت جمهوری اسلامی را زیر فشار قرار دادند. به رسمیت شناختن اسرائیل گزینه میانر جمهوری اسلامی برای توافق با غربی‌ها بود. موضوع آنقدر جدی شد که حتا روسیه نیز رسماً برای روابط میان تهران و تل‌آویو اعلام آمادگی کرد اما در نهایت با مخالفت علی خامنه‌ای، فرماندهان ارشد سپاه و جریان‌های قدرتمند ضداسرائیلی این «گزینه» راه به جایی نبرد.

همزمان با اعتراضات سراسری «دی‌ماه ۹۶» فشار روی حکومت برای توافق با آمریکا به شدت افزایش پیدا کرد. حامیان توافق با آمریکا حتا در مورد اینکه جمهوری اسلامی باید مبارزه با اسرائیل را متوقف کند مصاحبه می‌کردند. همزمان مردم برای اولین بار به صورت گروهی در شعارهایشان از خاندان پهلوی حمایت کردند. در واکنش به این تحول، امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی نماینده پیشین مشهد در مجلس شورای اسلامی در یک مصاحبه برای نشان دادن اینکه که به رسمیت شناختن اسرائیل در جمهوری اسلامی ناممکن و یک «تابو» است، گفته بود «حکومت رضا پهلوی بهتر از به رسمیت شناختن اسرائیل است!»

بی‌۲ها زندگی می‌کند نه اس ۳۰۰». آنچه مقامات جمهوری اسلامی را نسبت به آینده نگران می‌کند یک مشکل قدیمی است: احتمال معامله پوتین و ترامپ بر سر رژیم ایران که به ویژه پس از سرنگونی رژیم بشار اسد و پس از آن سفر احمد الشرع (الجولانی) به مسکو و دیدار با پوتین در کرملین تقویت شد. او در مصاحبه با شبکه «الإخبارية السورية» گفته بود که پیشتر «در نبرد برای سرنگونی بشار اسد، با روسیه به توافق رسیده بودیم». در حالی که تحولات مرتبط با ایران به سرعت پیش می‌رود دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا اعلام کرد که قصد دارد با ولادیمیر پوتین در مجارستان دیدار کند تا بررسی شود آیا امکان پایان دادن به جنگ روسیه و اوکراین که او آن را «شرم‌آور» خوانده، وجود دارد یا نه.

شماری از تحلیلگران می‌گویند بعید نیست حکومت وادار به عقب‌نشینی در مقابل فشارهای ترامپ شود و دست‌کم حد و مرزهای جدیدتری برای ستیز با اسرائیل ترسیم کند که تهدید علیه موجودیت آن کشور مشابه اغلب دولت‌های عربی منطقه محدود به موضع‌گیری‌های کلامی و سیاسی شود و نه برخورد نظامی و شبه‌نظامی. ولی برخی دیگر معتقدند با توجه به اینکه تصمیم برای «خاورمیانه جدید» یک موضوع مورد توافق کشورهای قدرتمند است، احتمال اینکه روسیه و آمریکا علیه رژیم ایران معامله کنند زیاد است.

پیشنهاد به رسمیت شناختن اسرائیل

طرح پیشنهاد «به رسمیت شناختن اسرائیل» به عنوان گزینه‌ای که زمینه توافق غرب با جمهوری اسلامی را فراهم می‌کند در گذشته نیز مطرح بود. بهمن‌ماه ۱۴۰۳ منابع

● علی لاریجانی دبیر «شورای عالی امنیت ملی» جمهوری اسلامی پنجشنبه ۲۴ مهرماه ۱۴۰۴ در سفر به مسکو پیام علی خامنه‌ای را به ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه رساند.

● روزنامه «جوان» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مدعی شده که دلیل این پیام «انزوای جهانی صهیونیسم و قیام جهان علیه صهیونیسم، مشکلات اقتصادی و روانی و اجتماعی داخلی در اسرائیل و بازسازی ضرباتی است که از ایران در جنگ ۱۲ روزه دریافت کرد!» ● مشخص نیست که آیا سفر لاریجانی به مسکو ارتباطی به پیام نتانیاهاو به پوتین دارد یا نه اما ۲۱ مهرماه دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا خطاب به جمهوری اسلامی اعلام کرد که دست از اقدامات مخرب و حمایت از تروریسم بردارد، تهدید علیه همسایگان را متوقف کند و «اسرائیل را به رسمیت بشناسد».

علی لاریجانی دبیر «شورای عالی امنیت ملی» جمهوری اسلامی پنجشنبه ۲۴ مهرماه ۱۴۰۴ در سفر به مسکو پیام علی خامنه‌ای را به ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه رساند. این سفر در شرایطی صورت گرفت که خبرگزاری «تاس» ۱۷ مهرماه گزارش داد بنیامین نتانیاهاو از طریق پوتین به جمهوری اسلامی پیام داده است که «اسرائیل به دنبال توافق و تنظیم روابط است و علاقه‌ای به هیچ‌گونه رویارویی ندارد». عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی نیز ۱۹ مهرماه در یک گفتگوی تلویزیونی تأیید کرد که پیام اسرائیل از طریق روسیه به ایران منتقل شده است.

روزنامه «جوان» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در گزارشی به بیان دلایلی پرداخته که بر اساس آنها نتانیاهاو به پوتین پیام داده است که به دنبال جنگ با جمهوری اسلامی ایران نیست. این روزنامه مدعی شده که دلیل این پیام «انزوای جهانی صهیونیسم و قیام جهان علیه صهیونیسم، مشکلات اقتصادی و روانی و اجتماعی داخلی در اسرائیل و بازسازی ضرباتی است که از ایران در جنگ ۱۲ روزه دریافت کرد!»

مشخص نیست که آیا سفر لاریجانی به مسکو ارتباطی به پیام نتانیاهاو به پوتین دارد یا نه اما ۲۱ مهرماه دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا خطاب به جمهوری اسلامی اعلام کرد که دست از اقدامات مخرب و حمایت از تروریسم بردارد، تهدید همسایگان را متوقف کند و «اسرائیل را به رسمیت بشناسد». روزنامه «فرهیختگان» چاپ تهران سفر لاریجانی را با تلاش جمهوری اسلامی برای ارتقاء پدافند خود برای دفاع از «حریم هوایی» در برابر حملات و سفارش هواپیمای «سوخو-۳۵» و سامانه‌های دفاعی S-400 مرتبط دانست. البته دلایل دیگری نیز از سوی تحلیلگران، ناظران و کارشناسان درباره دلایل سفر لاریجانی به مسکو بیان شده است. حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس پیشین کمیسیون «امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی در «ایکس» نوشت: «ماموریت لاریجانی هر هدفی غیر از جدا کردن سرنوشت ایران از بازی‌های هژمونی روسیه داشته باشد، ادامه مسیر ویرانگری است که از ۱۴۰۰ شروع شد. پوتین در جهان

پایان اعتصاب غذای دستجمعی زندانیان قزلحصار پس از عقب‌نشینی قوه قضاییه و وعده توقف اجرای احکام اعدام



زندانیان روبه‌رو شد. آنان در پاسخ گفتند: «قانون اعدام را تغییر دهید، مگر ایران فقط متعلق به شماست؟ این قانون از ابتدا اشتباه بوده. دروغگو شما هستید، نه ما.»

این گزارش افزوده «در پی این اظهارات و بازگرداندن زندانیان محکوم به اعدام به بندهایشان، زندانیان قزلحصار، اعلام کردند که به‌طور موقت و برای دادن فرصت به تحقق وعده‌های مسئولان، به اعتصاب غذای خود پایان می‌دهند. آنان تأکید کردند اگر وعده‌ها عملی نشود، اعتراض دوباره از سر گرفته خواهد شد.»

صدها زندانی محبوس در واحد دو زندان قزلحصار در اعتراض به افزایش آمار اعدام از روز دوشنبه ۲۱ مهرماه ۱۴۰۴ اعتصاب غذای گروهی کردند.

زندانیان محبوس در واحد چهار این زندان نیز با پیوستن به دیگر زندانیان اعتصاب‌کننده در بیانیه‌ای با اشاره به انتقال مستمر همبندیان خود برای اجرای حکم اعدام، از «مردم و وجدان‌های بیدار» خواستند برای لغو اعدام و نجات جان زندانیان اقدام فوری انجام دهند.

زندانیان همزمان با آغاز اعتصاب غذای گروهی در بیانیه‌ای اعلام کردند «ما جمعی از زندانیان اعتصابی در واحد ۲ قزلحصار خواستار لغو مجازات اعدام در ایران هستیم... از همه مردم و کسانی که صدای ما را می‌شنوند و از همه زندانیان می‌خواهیم که به هر وسیله ممکن از ما زندانیان زیر حکم اعدام حمایت کنند.»

این بیانیه افزوده بود «ما هر شب با کاپوس چوبه دار به خواب می‌رویم. این وضعیت دیگر قابل تحمل نیست. ما خواهان لغو مجازات اعدام هستیم. از مردم و سایر زندانیان می‌خواهیم صدای ما باشند. پناه ما، شما هستید. حق ما اعدام و جایمان در زندان نیست. صدایتان را بلند کنید. در برابر زندان‌ها تجمع کنید و نگذارید زندانیان را اعدام کنند.»

این زندانیان با تأکید بر اینکه «برای ما هیچ چاره‌ای جز اعتراض و اعتصاب نموده است» نوشتند «لحظه‌ای تصور کنید آن سرکوبی که در بیرون از زندان احساس

بر اساس توافق صورت گرفته میان زندانیان اعتصاب‌کننده و مقامات قضایی جمهوری اسلامی، قرار است طی شش ماه آینده روند اجرای احکام متوقف و امکان بازنگری در پرونده محکومان فراهم شود.

در بیانیه صادر شده از سوی زندانیان تأکید شده که تداوم این توافق مشروط به اجرای عملی وعده‌های مطرح شده از سوی مقامات قضایی است.

خبرگزاری «هرانا» گزارش داده در دیداری که روز یکشنبه میان نمایندگان قوه قضاییه و نماینده زندانیان اعتصاب‌کننده در زندان قزلحصار برگزار شد، مقامات قضایی مدعی شدند که در شش ماه آینده موضوع بازنگری در قانون مجازات اعدام در مجلس شورای اسلامی پیگیری خواهد شد و به زندانیانی که با احکام قطعی اعدام روبرو هستند، فرصتی دوباره برای بررسی پرونده‌ها و جبران داده می‌شود.

خبرگزاری «هرانا» افزوده همزمان با توقف اعتصاب غذای زندانیان در روز یکشنبه ۲۷ مهرماه شماری از خانواده‌های زندانیان محکوم به اعدام در مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی در تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند.

این گزارش افزوده معترضان خواستار توقف روند فزاینده اجرای احکام اعدام در کشور شدند. همچنین این تجمع با دخالت نیروهای انتظامی به تنش کشیده شد و از ادامه آن ممانعت به عمل آمد.

کانون حقوق بشر ایران نیز گزارش داده نماینده اعزامی قوه قضاییه در جمع زندانیان گفت: «به نمایندگی از قوه قضاییه و سازمان زندان‌ها قول می‌دهم تا چند ماه آینده هیچ اعدامی نداشته باشیم. در این مدت اصلاحیه‌ای درباره قانون اعدام مواد مخدر تهیه می‌کنیم تا خواسته شما محقق شود.»

او در ادامه مدعی شد که برخی این اعتصاب را به گروه‌های سیاسی نسبت داده‌اند، اما قوه قضاییه آن را اقدامی برای «رساندن صدا» دانسته است. با این حال، تهدید کرد اگر اعتصاب ادامه یابد، ممکن است رفتار معترضان «نشانه ارتباط با گروه‌های معاند» تلقی شود.

کانون حقوق بشر ایران افزوده این تهدید با واکنش تند

● زندانیان محبوس در زندان قزلحصار پس از یک هفته اعتصاب غذای دستجمعی که با مشارکت بیش از ۱۰۰۰ زندانی انجام شده بود، روز یکشنبه ۲۷ مهرماه ۱۴۰۴ به اعتصاب غذای خود پایان دادند.

● بر اساس بیانیه‌ای که از سوی زندانیان صادر شده تصمیم به پایان اعتصاب غذا پس از دیدار نمایندگانی از سوی رئیس قوه قضاییه، رئیس سازمان زندان‌ها و رئیس زندان قزلحصار با زندانیان و وعده مقام‌های قضایی مبنی بر توقف اجرای احکام اعدام و بررسی اصلاح قانون مجازات گرفته شد.

● آمارهای منابع حقوق بشری نشان می‌دهد روند صدور و اجرای احکام اعدام از ماه‌های گذشته و به ویژه پس از جنگ ۱۲ روزه اسرائیل و جمهوری اسلامی سرعت گرفته است.

● به نظر می‌رسد پایداری زندانیان محبوس در قزلحصار در اعتصاب غذای دستجمعی سبب توجه مقامات قضایی جمهوری اسلامی به خواسته آنها شده بطوری که دست‌کم وعده توقف اجرای احکام اعدام و بازبینی پرونده‌های منتهی به صدور حکم قطعی اعدام را داده‌اند.

اعتصاب غذای دستجمعی زندانیان محبوس در زندان قزلحصار روز یکشنبه ۲۷ مهرماه ۱۴۰۴ و پس از یک هفته، با وعده مقامات قضایی درباره «توقف اجرای احکام اعدام و بررسی اصلاح قانون مجازات» پایان یافت.

بر اساس ویدئوی منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی، زندانیان محبوس در زندان قزلحصار پس از یک هفته اعتصاب غذای دستجمعی که با مشارکت بیش از ۱۰۰۰ زندانی انجام شده بود، روز یکشنبه ۲۷ مهرماه ۱۴۰۴ به اعتصاب غذای خود پایان دادند.

بر اساس بیانیه‌ای که از سوی زندانیان صادر شده تصمیم به پایان اعتصاب غذا پس از دیدار نمایندگانی از سوی رئیس قوه قضاییه، رئیس سازمان زندان‌ها و رئیس زندان قزلحصار با زندانیان و وعده مقام‌های قضایی مبنی بر توقف اجرای احکام اعدام و بررسی اصلاح قانون مجازات گرفته شد.

هدف قرار دادن نفتکش «فالکن» حامل گاز مایع ایران در خلیج عدن؛ یکی از خدمه مفقود شد



موقعیت نفتکش فالکن در خلیج عدن

و توسط کشتی‌های عبوری MV MEDA و AK CARL نجات یافته‌اند؛ یک نفر هنوز بر روی MV FALCON است و یک نفر مفقود شده گزارش شده است.

در این بیانیه آمده است: «یک کشتی توسط پرتابه‌ای ناشناس مورد اصابت قرار گرفته و آتش‌سوزی رخ داده است. مقامات در حال تحقیق هستند.»

شبه‌نظامیان حوثی یمن طی دو سال گذشته به کشتی‌ها در گذرگاه دریای سرخ حمله کرده‌اند، اما این گروه در بیانیه‌ای از طریق خبرگزاری رسمی خود، اعلام کرد که نیروهایش هیچ ارتباطی با حمله به کشتی نداشته‌اند.

پس از حمله تروریستی «هفت اکتبر» با تحریک علی خامنه‌ای برای بستن «شریان‌های حیاتی اقتصاد اسرائیل» کارزار دریایی حوثی‌ها آغاز شد که تا کنون باعث کشته شدن دست‌کم ۹ ملوان و غرق شدن چهار کشتی شده است. این حملات مسیر تجاری دریای سرخ را که سالانه حدود یک تریلیون دلار کالا از آن عبور می‌کند مختل کرده است. تازه‌ترین حمله شورشیان در ۲۹ سپتامبر به کشتی باری هلندی Minervagracht صورت گرفت که منجر به کشته شدن یک خدمه و زخمی شدن فردی دیگر شد.

در همین حال، حوثی‌ها مدام عربستان سعودی را تهدید می‌کنند و ده‌ها کارمند سازمان ملل و گروه‌های امدادی دیگر را به اتهام جاسوسی بازداشت کرده‌اند؛ اتهامی که سازمان ملل متحد و سایر نهادها به شدت آن را رد کرده‌اند. این گروه همچنین تا کنون بیش از ۱۳۰ موشک بالستیک و ده‌ها پهپاد و موشک کروز به سمت اسرائیل شلیک کرده است؛ از جمله حمله‌ای در ژوئیه ۲۰۲۴ که منجر به کشته شدن یک غیرنظامی و زخمی شدن چندین نفر دیگر در تل‌آویو شد. در پاسخ به این حملات، اسرائیل تاکنون ۱۹ بار مواضع حوثی‌ها را در فاصله‌ای حدود ۱۸۰۰ کیلومتری هدف قرار داده است. رهبر حوثی‌ها، عبدالملک الحوثی پس از اعلام آتش‌بس در غزه در هفته گذشته گفت که در صورت عدم پایبندی اسرائیل به تعهداتش، این گروه حملات علیه این کشور را از سر خواهد گرفت.

● یک نفتکش با پرچم هندوستان به نام «فالکن» حاوی گاز مایع ایران روز ۲۶ مهرماه ۱۴۰۴ در خلیج عدن دچار آتش‌سوزی شد. این نفتکش در عسلویه بارگیری کرده بود و مبدأ آن جیبوتی اعلام شده بود اما برخی منابع می‌گویند مقصد اصلی یمن بوده است. برخی منابع گزارش دادند کشتی با پرچم کامرون حرکت می‌کرد.

● کشتی فالکن (Falcon) پیشتر توسط سازمان «اتحاد علیه ایران هسته‌ای» به عنوان یکی از کشتی‌های متعلق به «ناوگان شیخ» رژیم ایران شناسایی شده بود.

● خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به نقل از یک «منبع آگاه» وزارت نفت جمهوری اسلامی مدعی شد این کشتی به وزارت نفت و شرکت ملی نفتکش تعلق ندارد.

● وبسایت ناوگان متشکل از ناوهای اروپایی «آسپیداس» که برای مقابله با تهدیدات حوثی‌ها در خلیج عدن و دریای سرخ مستقر شده گزارش داد که ۲۴ نفر از خدمه کشتی را ترک کرده و توسط کشتی‌های عبوری نجات یافته‌اند؛ یک نفر هنوز بر روی فالکن است و یک نفر نیز مفقود شده است.

یک نفتکش با پرچم هندوستان به نام «فالکن» حاوی گاز مایع ایران روز ۲۶ مهرماه ۱۴۰۴ در خلیج عدن دچار آتش‌سوزی شد. این نفتکش در عسلویه بارگیری کرده بود و مبدأ آن جیبوتی اعلام شده بود اما برخی منابع می‌گویند مقصد اصلی یمن بوده است. برخی منابع گزارش دادند کشتی با پرچم کامرون حرکت می‌کرد.

مرکز تجارت دریایی انگلیس (UKMTO) اعلام کرد که کشتی مورد هدف یک پرتابه قرار گرفته است. کشتی فالکن دارای ۲۶ خدمه بوده که یک نفر از آنها در حال حاضر مفقود شده، این نفتکش متعلق به یک مالک هندی است. خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به نقل از یک «منبع آگاه» وزارت نفت جمهوری اسلامی مدعی شد این کشتی به وزارت نفت و شرکت ملی نفتکش تعلق ندارد. بریتانیا می‌گوید کشتی با پرچم کامرون «توسط یک پرتابه ناشناس مورد اصابت قرار گرفته است»؛ شرکت امنیت دریایی اعلام کرد خدمه احتمالاً در حال ترک کشتی هستند و عملیات جستجو در حال انجام است.

کشتی فالکن (Falcon) پیشتر توسط سازمان «اتحاد علیه ایران هسته‌ای» به عنوان یکی از کشتی‌های متعلق به «ناوگان شیخ» رژیم ایران شناسایی شده بود.

وبسایت ناوگان متشکل از ناوهای اروپایی «آسپیداس» که برای مقابله با تهدیدات حوثی‌ها در خلیج عدن و دریای سرخ مستقر شده گزارش داد پس از دریافت درخواست فوری کمک از سوی ناخدای کشتی، نیروهای EUNAV- FOR ASPIDES به فرماندهی دریادار آندره‌آ کوونداماتو عملیات جستجو و نجات تمام پرسنل کشتی شامل یک اوکراینی و ۲۵ هندی را آغاز کردند. ناو جنگی یونانی HS SPETSAI مأمور شد تا به محل حادثه نزدیک شود و از دارایی هوایی تحت کنترل خود استفاده کند. علاوه بر این، تجهیزات هوایی فرانسوی توسط فرماندهی نیروهای فرانسه در اقیانوس هند تأمین شده است. طبق آخرین خبرها ۲۴ نفر از خدمه کشتی را ترک کرده

می‌کنید، در درون زندان هر روز ما را به قتل می‌رساند. ما قربانیانی هستیم که روزانه کشته می‌شویم و هیچ امیدی جز حمایت شما و سایر زندانیان نداریم.» آنها نوشتند که فردا دیر است چون «روزی نیست که در آن همبندیان ما را برای اعدام به سلول‌های انفرادی نبرند و اگر پس از این اعتراضات تنها بمانیم، همگی کشته خواهیم شد. فریاد ما «نه به اعدام» است.»

شماری از زندانی اعتصاب‌کننده که شمار آنها بیش از ۱۰۰۰ نفر اعلام شده، دچار آفت فشار خون و قند خون شده و برخی از آنها به بهداری زندان منتقل شدند.

خبرگزاری «هرانا» به نقل از خانواده تعدادی از زندانیان گزارش داد که «مأموران زندان شماری از زندانیان را پس از مراجعه به بهداری مورد ضرب‌وشتم قرار داده و آنان را به اجبار وادار به صرف غذا کردند. یک روز بعد، پزشک بهداری برای معاینه زندانیان به واحد مربوطه مراجعه کرد، اما اغلب زندانیان به دلیل نگرانی از تکرار برخوردهای مشابه، از بیان مشکلات جسمی خود خودداری کردند.»

همچنین خانواده‌های شماری از زندانیان نیز در اعتراض به اجرای حکم اعدام عزیزانشان شامگاه سه‌شنبه و چهارشنبه، ۲۲ و ۲۳ مهرماه، مقابل این زندان تجمع کردند.

این در حالیست که پس از چهار روز تداوم اعتصاب در زندان قزلقصر و بی‌نتیجه بودن تلاش مقامات زندان برای پایان دادن به این اعتصاب غذا، شماری از زندانیان در زندان اوین نیز با صدور بیانیه‌ای به اعتصاب «نه به اعدام» زندانیان محبوس در قزلقصر پیوسته و از آن حمایت کردند.

در نهایت به نظر می‌رسد پایداری زندانیان محبوس در قزلقصر در اعتصاب غذای دستجمعی سبب توجه مقامات قضایی جمهوری اسلامی به خواسته آنها شده بطوری که دست‌کم وعده توقف اجرای احکام اعدام و بازبینی پرونده‌های منتهی به صدور حکم قطعی اعدام را داده‌اند. آمارهای منابع حقوق‌بشری نشان می‌دهد روند صدور و اجرای احکام اعدام از ماه‌های گذشته و به ویژه پس از جنگ ۱۲ روزه اسرائیل و جمهوری اسلامی سرعت گرفته است.

خبرگزاری «هرانا» گزارش داده که از ۱۰ اکتبر ۲۰۲۴ تا ۸ اکتبر ۲۰۲۵، حکم اعدام ۱۵۳۷ نفر توسط قوه قضاییه جمهوری اسلامی به اجرا درآمده است، که از این تعداد ۸ نفر در ملاءعام اعدام شدند.

«هرانا» گزارش داده از میان این قربانیان اعدام که هویتشان احراز شده، جنسیت ۴۹ تن از اعدام شدگان زن بوده و هم‌منطور سن ۳ تن از اعدام شدگان در زمان ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال بوده است.

در آمار دیگری، سازمان حقوق بشر ایران ۱۸ مهرماه جاری در گزارشی به مناسبت «روز جهانی مبارزه با مجازات اعدام» اعلام کرد جمهوری اسلامی از ابتدای سال جاری میلادی تا کنون دست‌کم ۱۱۰۵ نفر را اعدام کرده است.

سازمان عفو بین‌الملل نیز با اعلام اینکه طی ۱۰ ماه گذشته و از ابتدای سال ۲۰۲۵ تاکنون بیش از هزار اعدام در ایران گزارش شده است، خواستار توقف فوری اعدام‌ها شد.

سازمان عفو بین‌الملل افزوده که صدور اکثر احکام اعدام «پس از دادگاه‌های ناعادلانه I. و با هدف «ایجاد رعب، سرکوب اعتراضات و مجازات معتزضان» صورت می‌گیرد.

حسین باثومی، معاون بخش خاورمیانه و شمال آفریقای سازمان عفو بین‌الملل، پنجشنبه ۲۴ مهرماه ۱۴۰۴ خواستار آن شده که «کشورهای عضو سازمان ملل باید با فوریت به مقابله با موج شوک‌آور اعدام‌ها در ایران برخیزند.»

معاون بخش خاورمیانه و شمال آفریقای سازمان عفو بین‌الملل تأکید کرده «اعدام‌ها به سطحی رسیده‌اند که از سال ۱۹۸۹ سابقه نداشته است.»

نبرد قدرت‌ها در ایران: بازگشت خرس شمالی و روباه پیر بر بام تهران؛ دو قرن گذشته است، اما سایه‌ها هنوز همان‌اند



بهرام فرخی - تهران بار دیگر در میانه‌ی بازی دو امپراتوری قدیمی گرفتار شده است.

در خیابان‌های سیاست ایران، صداهایی شنیده می‌شود که یادآور روزگار قاجار است: صدای چکمه‌های دیپلماتیک روسیه از شمال، و لیخند موذی انگلیس از غرب. گویی تاریخ بازگشته، نه با توپ و تفنگ، بلکه با لابی‌های رسانه‌ای، قراردادهای انرژی و افشاگری‌های دیپلماتیک.

ایران امروز، همچون دو قرن پیش، میان دو قدرت گرفتار آمده است: روسیه‌ی پوتین و غرب لندن و واشنگتن. هر دو با ظرافت و حساسیتی در عرصه‌ی سیاست ایران نفوذ دارند. جناح‌های داخلی نیز، هر یک بازوی یکی از این دو قطب شده‌اند: از یکسو حسن روحانی و محمدجواد ظریف با پشتگریمی محافل غربی و انگلیسی، و از سوی دیگر علی خامنه‌ای، سپاه پاسداران و اصولگرایان که به مسکو تکیه دارند.

افشاگری‌های ظریف و لاوروف: نبرد دو روایت

در هفته‌های اخیر، جدال کلامی میان دو چهره‌ی دیپلماسی، محمدجواد ظریف و سرگئی لاوروف، پرده از مرحله‌ی تازه‌ای از نفوذ قدرت‌های خارجی در سیاست تهران برداشت.

ظریف در گفتگویی کم‌سابقه فاش کرد که روسیه از همان آغاز مذاکرات هسته‌ای در سال ۲۰۱۵ مانع برقراری رابطه‌ی طبیعی ایران با جهان شد. او گفت: «روسیه دو خط قرمز دارد: نخست آنکه ایران هرگز نباید رابطه‌ای عادی با جهان داشته باشد، و دوم، نباید وارد درگیری مستقیم با جهان شود.» و در ادامه می‌افزاید: «روس‌ها به ما گفتند اگر سوخت نیروگاه بوشهر را خودتان تولید کنید، ما دیگر ایمنی آن را تضمین نمی‌کنیم.»

این سخنان که در رسانه‌های غربی از جمله The Guardian و Reuters بازتاب یافت، عملاً رد پای نفوذ مسکو در سیاست تهران را آشکار می‌کند. پاسخ روسیه نیز تند و حساب‌شده بود. لاوروف در واکنش گفت: «روسیه هرگز از برجام منحرف نشده و تصمیم نهایی همواره میان تهران و واشنگتن بوده است.»

او بازگرداندن تحریم‌های شورای امنیت علیه جمهوری اسلامی ایران را «غیرقانونی» و «بازی خطرناک غرب» می‌خواند. این جدال لفظی چیزی فراتر از اختلاف دو وزیر است: جنگ روایت‌هاست میان دو امپراتوری که هر یک می‌کوشند ایران را در مدار خود نگه دارند؛ یکی در مدار شرق، دیگری در مدار غرب.

تکرار تاریخ: تهران امروز، قاجار دیروز

تهران این روزها بیش از هر زمان به پایتخت دوران قاجار شباهت دارد: همان درباریان محتاط، همان سفارتخانه‌هایی که در سایه تصمیم می‌گیرند، همان مردمی که از بازی قدرت‌ها خسته‌اند و تنها نظاره می‌کنند.

در قرن نوزدهم، ایران میان دو امپراتوری روسیه تزاری و بریتانیای کبیر تقسیم نفوذ شد. امروز نیز همان دو بازیگر بازگشته‌اند، تنها ابزارشان عوض شده است: توپ و تفنگ جای خود را به دیپلماسی، قراردادهای انرژی و جنگ رسانه‌ای داده است. و باز، مردم همان مردم‌اند. در کوچه و خیابان، متلک‌های سیاسی دهان به دهان می‌چرخد: «در این مملکت یا در استخر می‌میرند، یا در خواب!» طنزی تلخ که نشان از ترسی عمومی دارد: ترس از مرگ‌های ناگهانی،

سیاستمدارانی که در استخر غرق می‌شوند، فرماندهانی که در خواب می‌میرند، و چهره‌هایی که ناگهان «سکته» می‌کنند. اصلاح‌طلبان می‌دانند که دایره تنگ‌تر می‌شود: خبرهایی از احتمال محاکمه‌ی روحانی و ظریف به جرم «خیانت» در محافل نزدیک به سپاه پاسداران و اصولگرایان شنیده می‌شود: «ظریف بی‌تدبیر سرنوشت صادق قطب‌زاده را به یاد دارد. برای رهبران کرم‌لین، مخالفت با سیاست‌های روسیه گناهی نابخشودنی است.»

در مقابل، نیروهای هوادار اصلاح‌طلبان، از کارمندان دولت پیشین تا روشنفکران شهری، در سکوتی پرتنش به انتظارند. بسیاری در داخل بیم دارند که حذف کامل این جناح، ایران را به آستانه‌ی انفجار اجتماعی بکشاند؛ در عوض اپوزیسیون خارج کشور آرزوی یکدست شدن هویت حاکمه مستقر در تهران را دارد. اگر چنین شود، ایران دوباره به چهارراه تاریخ بدل خواهد شد:

از یکسو مردم خشمگین و گرسنه، از سوی دیگر حکومتی فرسوده و دوپاره، و در بالا، سایه‌ی قدرت‌هایی که از بیرون طناب‌ها را می‌کشند.

ملتی که دیگر قماشگر نخواهد ماند؛ تاریخ ایران نشان داده است که ملت، هرچند دیر برخیزد، اما وقتی برخیزد، زمین زیر پای قدرت‌ها خواهد لرزید.

نبرد میان روس و انگلیس، میان اصلاح‌طلب و اصولگرا، میان شرق و غرب، در ظاهر نزاعی دیپلماتیک است، اما در عمق خود چیزی جز جنگ بر سر «سرنوشت ایران» نیست. امروز، تهران دوباره در نقطه‌ای ایستاده که تاریخ آن را به خوبی می‌شناسد: میان وابستگی و استقلال، میان سکوت و فریاد، میان مرگ و رستاخیز. اگر تاریخ بار دیگر خود را تکرار می‌کند، شاید اینبار نوبت ملتی باشد که از میان خاکستر بازی‌های بیگانه برخیزد. زیرا در پایان هر بازی، تنها یک حقیقت باقی می‌ماند: ایران سرزمین مَهرها نخواهد ماند؛ ایران، خود، باید بازیگر شود.

حذف‌های بی‌صدا و تسویه‌حساب‌های پنهان قدرت. ایرانیان، خسته از جناح‌بندی‌های تکراری، اینبار با بی‌اعتمادی نظاره می‌کنند. گویی زبانزد قدیمی دوباره زنده شده است: «زهر سو کشته شود، به سود اسلام است!» اما در پشت این تلخی، خشمی خاموش نهفته است، خشم نسلی که از بازی قدرت‌ها و بی‌عملی اصلاح‌طلبان به ستوه آمده است.

غرب، ترامپ، و بازی تازه لندن

در سوی دیگر میدان، غرب با احتیاط و ظرافتی حساب‌شده در حال جابجایی مهره‌هاست. دونالد ترامپ از یکسو ایران را تهدید می‌کند، و از سوی دیگر، از «گفتگوی مشروط» سخن می‌گوید.

Reuters ۱۴ اکتبر نوشت که تهران دعوت ترامپ به مذاکره را «متناقض» خوانده است، زیرا همان زمان تحریم‌های تازه‌ای علیه بانک‌های ایران اعمال شده بود. در لندن نیز، اندیشکده‌ها و دستگاه سیاست خارجی بریتانیا بر این باورند که بهترین راه مهار جمهوری اسلامی ایران، نه جنگ، بلکه استفاده از «چهره‌های قابل قبول در داخل نظام» است. در همین چارچوب است که بار دیگر، اصلاح‌طلبان به عنوان ابزاری برای تغییر موازنه‌ی قدرت مطرح می‌شوند. غرب پس از جنگ ۱۲ روزه می‌داند که فروپاشی کامل نظام می‌تواند منطقه را شعله‌ور کند: از این رو به دنبال «تغییر نرم» در تهران است.

به تعبیر یکی از تحلیل‌گران بریتانیایی، «اگر ایران را نمی‌توان فتح کرد، می‌توان جمهوری اسلامی را با زبان دیپلماسی اصلاح کرد.» اما حقیقت این است که این «اصلاح» از درون چیزی جز بازی تهدید عمر برای ساختاری پوسیده نیست، ساختاری که هم روسیه و هم غرب، هر یک از سوی، در طول ۴۶ سال از آن سود بردند.

سایه‌ی مرگ، خشم فروخورده و توفان پیش‌رو

در تهران امروز، مرگ بخشی از زبان سیاست شده است.

رافائل گروسی: همکاری جمهوری اسلامی با آژانس برای جلوگیری از بمباران مجدد کافی نیست؛ سرنوشت منطقه به مسئله فلسطین و آینده ایران گره خورده است



رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

نه چندان زیاد. بخش عمده این اورانیوم، طبق اطلاعات ما، همچنان در تأسیسات هسته‌ای اصفهان و فردو و تا حدی در نطنز قرار دارد. البته این تأسیسات بمباران شده‌اند، خسارات سنگینی دیده‌اند و بخش‌هایی از آنها در زیر زمین قرار دارند. برای دسترسی به آنها، همکاری کامل جمهوری اسلامی ایران ضروری است؛ و این فقط زمانی رخ خواهد داد که تهران آن را در راستای منافع ملی کشور بداند.

● با این حال، نشانه‌ای از همکاری گسترده دیده نمی‌شود. شما در اوایل سپتامبر در قاهره با عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی در مورد از سر گرفتن بازرسی‌ها توافق کردید، اما چند هفته بعد با بازگشت تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی، رژیم به وضوح خشمگین شد و گفت ادامه همکاری با آژانس بی‌فایده است.

– به نظر من [رژیم] ایران به بازگشت تحریم‌ها واکنش نشان داده، اما نه کاملاً منفی. مقامات ایرانی گفتند که هنوز فضای دیپلماسی وجود دارد. ایران همچنین از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) خارج نشده است، هرچند پیشتر چنین احتمالی را مطرح کرده بود. در عمل ما هنوز تعدادی بازرسی در ایران انجام می‌دهیم، اما همکاری در سطح مورد نیاز نیست.

● آیا به بهبود اوضاع امیدوارید؟

– این بستگی به شرایط روز دارد؛ گاهی احساس می‌کنم که به راه حل نزدیک می‌شویم. دیپلماسی نیازمند صبر و درک متقابل است، و فهمیدن اینکه در کل چه اتفاقی در حال وقوع است. مسئله ایران را نمی‌توان جدا از بافت کلی منطقه دید. وضعیت امنیتی خاورمیانه به سرعت در حال تغییر است و چندین کشور درگیر آن هستند. در نهایت اما، سرنوشت منطقه به دو موضوع گره خورده است: مسئله فلسطین و آینده ایران.

«باز» است. آیا اکنون پنجره‌ای از فرصت‌های بزرگ گشوده شده است؟

– تنها چهار ماه پس از عملیات نظامی مشترک اسرائیل و ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی قطعاً شنیدن چنین سخنانی از رئیس جمهور ترامپ بسیار دلگرم‌کننده بود. فراموش نکنید که او این حرف را در کنست (پارلمان اسرائیل) زد، جایی که به [رژیم] ایران اشاره کرد و گفت به راه حل دیپلماتیک باور دارد.

این سخنان پیام بسیار قدرتمندی از سوی رئیس جمهور آمریکا بود. ما نمی‌توانیم آنچه را اتفاق افتاده نادیده بگیریم. اینکه اهرم زور به کار گرفته شد. اما اگر طرفین دوباره بر سر یک میز بنشینند، از خطر دور جدیدی از بمباران‌ها و حملات جلوگیری می‌شود. نگرانی‌ها درباره گسترش بالقوه تسلیحات هسته‌ای هنوز کاملاً از میان نرفته. همچنان این پرسش مطرح است که سرنوشت حدود ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصدی که [رژیم] ایران هنوز در اختیار دارد، چه خواهد شد.

● چقدر احتمال دارد بتوانید وضعیت این حدود ۴۰۹ کیلوگرم اورانیوم را دوباره شناسایی کنید؟

– کاملاً ممکن است. ما می‌توانیم حدس بزنیم، [اما] درواقع خیلی خوب می‌دانیم که این مواد کجا قرار دارند. مسئله اصلی این است که آیا به آنها دسترسی خواهیم یافت یا نه، و سوال بعدی این است که با آن چه باید کرد؟ آیا ایران می‌خواهد آن را نگه دارد؟ آیا قصد دارد میزان غنی‌سازی را پایین بیاورد؟ یا شاید تصمیم بگیرد آن را به خارج از کشور منتقل کند؛ گزینه‌های متعددی وجود دارد.

– آیا این مواد در سراسر ایران پراکنده شده‌اند یا در یک مکان متمرکز هستند؟

– ممکن است بخش کوچکی از آن جایجا شده باشد، اما

● مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مصاحبه با روزنامه سوئیسی «نویه زورشر تسایتونگ» گفته است «جمهوری اسلامی ایران باید نگرانی ما را در رابطه با سرنوشت ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم را برطرف کند.» رافائل گروسی هشدار داده است که «نشستن همه طرفین بر سر یک میز، ما را از خطر دور جدیدی از بمباران‌ها و حملات نجات می‌دهد.»

● در این مصاحبه که یکشنبه ۱۹ اکتبر (۱۷ مهرماه) منتشر شد، رافائل گروسی عنوان کرد اطلاعات موجود در اختیار آژانس نشان می‌دهد که بخش عمده اورانیوم‌ها در تأسیسات اصفهان و فردو و تا حدودی در نطنز نگهداری می‌شود.

● «ما نمی‌توانیم آنچه را اتفاق افتاده نادیده بگیریم. اینکه اهرم زور به کار گرفته شد. اما اگر طرفین دوباره بر سر یک میز بنشینند، از خطر دور جدیدی از بمباران‌ها و حملات جلوگیری می‌شود. نگرانی‌ها درباره گسترش بالقوه تسلیحات هسته‌ای هنوز کاملاً از میان نرفته است. همچنان این پرسش مطرح است که سرنوشت حدود ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصدی که ایران همچنان در اختیار دارد، چه خواهد شد.»

● «درواقع خیلی خوب می‌دانیم که این مواد کجا قرار دارند. مسئله اصلی این است که آیا به آنها دسترسی خواهیم یافت یا نه، و سوال بعدی این است که با آن چه باید کرد؟ آیا [رژیم] ایران می‌خواهد آن را نگه دارد؟ آیا قصد دارد میزان غنی‌سازی را پایین بیاورد؟ یا شاید تصمیم بگیرد آن را به خارج از کشور منتقل کند؟ گزینه‌های متعددی وجود دارد.»

● «مسئله ایران را نمی‌توان جدا از بافت کلی منطقه دید. وضعیت امنیتی خاورمیانه به سرعت در حال تغییر است و چندین کشور درگیر آن هستند. در نهایت اما، سرنوشت منطقه به دو موضوع گره خورده است: مسئله فلسطین و آینده ایران.»

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مصاحبه با روزنامه سوئیسی «نویه زورشر تسایتونگ» گفته است «جمهوری اسلامی ایران باید نگرانی ما را در رابطه با سرنوشت ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم را برطرف کند.» رافائل گروسی هشدار داده است که «نشستن همه طرفین بر سر یک میز، ما را از خطر دور جدیدی از بمباران‌ها و حملات نجات می‌دهد.»

در این مصاحبه که یکشنبه ۱۹ اکتبر (۱۷ مهرماه) منتشر شد، رافائل گروسی عنوان کرد اطلاعات موجود در اختیار آژانس نشان می‌دهد که بخش عمده اورانیوم‌ها در تأسیسات اصفهان و فردو و تا حدودی در نطنز نگهداری می‌شود.

گروسی تأکید کرد که بازرسان آژانس تصور نمی‌کنند که جمهوری اسلامی ایران مقادیر زیادی از اورانیوم غنی‌شده خود را در مکان‌های مختلف پنهان کرده باشد. پرسش و پاسخ‌هایی که با وی در ارتباط با وضعیت ایران و جمهوری اسلامی مطرح شده، به این شرح است:

● دونالد ترامپ این هفته گفت که خاورمیانه در آستانه «عصر جدیدی از صلح» قرار دارد و در این میان از ایران هم نام برد و گفت که فضا برای مذاکرات جدید با تهران

تلاش مصر برای میانجیگری اتمی؛ وزارت خارجه جمهوری اسلامی: الان در شرایط مذاکره با آمریکا و اروپا نیستیم

● مصر به عنوان میانجی تلاش‌های تازه‌ای را برای ازسرگرفتن مذاکرات اتمی میان جمهوری اسلامی و آمریکا آغاز کرده است اما در تهران مقامات حاضر به مذاکره آنهم با پیش‌شرط‌های آمریکا و اروپا نیستند.

● وزارت خارجه مصر روز شنبه ۲۶ مهرماه در بیانیه‌ای از تماس تلفنی وزیر خارجه این کشور با عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی، رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و استیو ویتکاف فرستاده ویژه دونالد ترامپ در امور خاورمیانه درباره پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی خبر داد.

مصر به عنوان میانجی تلاش‌های تازه‌ای را برای ازسرگرفتن مذاکرات اتمی میان جمهوری اسلامی و آمریکا آغاز کرده است اما در تهران مقامات حاضر به مذاکره آنهم با پیش‌شرط‌های آمریکا و اروپا نیستند.

سه هفته پس از فعال شدن رسمی «مکانیسم ماشه» و بازگشت تحریم‌های سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی، عباس عراقچی ادعا می‌کند، «بر اساس دیدگاه ایران، روسیه و چین، مکانیسم ماشه فعال نشده است.» او گفته، «روابط ایران و روسیه ریشه در اعتماد متقابل، منافع مشترک و نگاه راهبردی بلندمدت دارد.»

در همین ارتباط سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی روز دوشنبه ۲۸ مهرماه در نشست خبری با تکرار صحبت‌های عراقچی گفت: «ما باید قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل را از ۲۶ مهرماه خاتمه یافته تلقی کنیم و دبیرخانه شورای امنیت سازمان ملل نیز باید بر این اساس عمل کند.»

اسماعیل بقایای عنوان کرد: «البته ما می‌دانیم که اقدام سه کشور اروپایی باعث ایجاد آشفتگی حقوقی در شورای امنیت شده است، البته مسئولیت آن با ما نیست و مسئولیت آن با سه کشور اروپایی است.»

وی تأکید کرد: «اکثریت جامعه جهانی با رویکرد آمریکا و برخی از کشورهای اروپایی در ارتباط با سوء استفاده آنها از ساز و کارهای بین‌المللی مخالف هستند.»

بقایای افزود: «روند همکاری‌های ایران و روسیه در تمام زمینه‌ها رو به رشد است، ما دارای چندین موافقتنامه مبنایی مهم با روسیه هستیم و این موافقتنامه‌ها موضوعات متعدد و متنوعی را پوشش می‌دهد از جمله همکاری‌های دفاعی.» در تهران مقامات امیدوارند روسیه و چین با نادیده گرفتن

تحریم‌های بین‌المللی باعث کاهش فشارهای غرب شوند، با اینهمه برخی تحلیلگران از جمله در داخل ایران می‌گویند با بازگشت تحریم‌ها وضعیت دشوارتر خواهد شد.

عراقچی تأکید کرده است، «روابط راهبردی ایران و روسیه اهمیت ویژه‌ای دارد. همکاری‌های مستمر و گسترده میان تهران و مسکو در زمینه‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی، نشانه‌ای از



دیدار عباس عراقچی با بدر عبدالعاطی وزیر خارجه مصر در قاهره / مهرماه ۱۴۰۴

شراکت پایدار و بلندمدت دو کشور است که با امضای سند همکاری جامع ۲۰ ساله بیش از پیش تقویت شده است.»

نقش میانجیگری مصر

وزارت خارجه مصر روز شنبه ۲۶ مهرماه در بیانیه‌ای از تماس تلفنی وزیر خارجه این کشور با عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی، رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و استیو ویتکاف فرستاده ویژه دونالد ترامپ در امور خاورمیانه درباره پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی خبر داد. وزارت خارجه مصر در بیانیه خود بر ضرورت «کاهش تنش‌ها، ایجاد اعتماد و ایجاد شرایط برای ازسرگرفتن مذاکرات بین ایران و ایالات متحده برای دستیابی به توافقی جامع در مورد مسئله هسته‌ای ایران که منافع همه طرفین را در نظر بگیرد و امنیت و ثبات منطقه‌ای را تأمین کند» تأکید کرده است.

اسماعیل بقایای در نشست خبری خود با خبرنگاران به این بیانیه نیز واکنش نشان داد و گفت: «الان در شرایط مذاکره با آمریکا و اروپا نیستیم.»

او افزود: «عملکرد اروپایی‌ها نشان می‌دهد که آنها واقعا اراده و جدیت لازم برای مذاکره را ندارند. حتی نشانه‌هایی را می‌بینیم از جمله اظهارات اخیر صدراعظم آلمان که نشان می‌دهد اروپایی‌ها به ویژه سه کشور اروپایی توانایی پیشبرد مذاکرات را بدون حمایت آمریکا ندارند.»

برچیدن کامل برنامه غنی‌سازی اورانیوم، مذاکره مستقیم با آمریکا، توقف ساخت موشک‌های بالستیک و پایان دادن به حمایت از گروه‌های نیابتی و همچنین به رسمیت شناختن موجودیت اسرائیل و همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بخشی از شروط کشورهای غربی برای توافق با جمهوری اسلامی است.

ترکش‌های فعال شدن «مکانیسم ماشه» و اجرای تحریم‌های سازمان ملل؛ ظریف و لاوروف محرمانه‌ها را لو می‌دهند!

● دو هفته پس از فعال شدن «مکانیسم ماشه» و اجرای تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی که در عمل مگر پایان به توافق اتمی (برجام) زد، سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه و محمدجواد ظریف وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی وارد یک جدال لفظی شدند.

● پس از یک دهه، حالا سرگئی لاوروف در یک مصاحبه لو داده که «مکانیسم ماشه» ابتکار محمدجواد ظریف بود بطوری که روسیه وقتی جمهوری اسلامی آن را که آشکارا یک «دام حقوقی» بود پذیرفت، «شگفت‌زده» شد! جواد ظریف هم بلافاصله مدعی شد که لاوروف دروغ می‌گوید!

● وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی عصر پنجشنبه ۲۴ مهرماه ۱۴۰۴ در گردهمایی «یاران و دانش آموختگان دانشگاه تبریز و علوم پزشکی درباره مردم و امنیت ملی» گفت که تا حالا «ملاحظه» کرده و چیزی نگفته اما به ادعای ظریف «به لاوروف در شب امضای برجام دستور داده بودند که نگذارند توافق نهایی شود.»

● ظریف همچنین گفت که «روس‌ها هم سفر حاج قاسم به مسکو را خبری کردند و هم ارسال پپیادهای ایرانی به روسیه در جنگ اوکراین را فاش کردند.» ظریف سپس گفت در حالی که «من و «حاج قاسم» هم در عراق و هم ترکیه مذاکره کردیم، اما جایی درز نکرد!»

دو هفته پس از فعال شدن «مکانیسم ماشه» و اجرای تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی که در عمل مگر پایان به توافق اتمی (برجام) زد، سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه و محمدجواد ظریف وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی وارد یک جدال لفظی شدند.

پس از یک دهه، حالا سرگئی لاوروف در یک مصاحبه لو داده که «مکانیسم ماشه» ابتکار محمدجواد ظریف بود بطوری که روسیه وقتی جمهوری اسلامی آن را که آشکارا یک «دام حقوقی» بود پذیرفت، «شگفت‌زده» شد! جواد ظریف هم بلافاصله مدعی شد که لاوروف دروغ می‌گوید!

وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی عصر پنجشنبه ۲۴ مهرماه ۱۴۰۴ در گردهمایی «یاران و دانش آموختگان دانشگاه تبریز و علوم پزشکی درباره مردم و امنیت ملی» گفت که تا حالا «ملاحظه» کرده و چیزی نگفته

دوران محمد رضا شاهی؛ پهلوی سفیر صلح در اورشلیم

(صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



ویدئو

مردم، اعضای هیات دولت، نمایندگان دو مجلس، مقامات ارتش، سفرای خارجی و نمایندگان رسانه‌ها شاهد عملیات نیروی هوایی شاهنشاهی ایران بودند. در این مراسم تیم اکروجت ایران، تاج طلایی و تیم اکروجت ایتالیا عملیات نمایشی اجرا کردند.

همزمان با آنکه ارتش شاهنشاهی ایران به نیرویی مقتدر در منطقه و جهان تبدیل می‌شد، نیروی هوایی نیز با تجهیز به ادوات پیشرفته نظامی و نیروهای ماهر هر روز آماده‌تر از پیش می‌گشت. یکشنبه ۲۵ مهر ۱۳۳۸ در مراسم جشن روز نیروی هوایی ایران در پیشگاه شاه، پنجاه هزار نفر از

اما به ادعای ظریف «به لاوروف در شب امضای برجام دستور داده بودند که نگذارد توافق نهایی شود». او همچنین گفت که «روس‌ها هم سفر حاج قاسم به مسکو را خبری کردند و هم ارسال پهپادهای ایرانی به روسیه در جنگ اوکراین را فاش کردند». ظریف سپس گفت در حالی که «من و «حاج قاسم» هم در عراق و هم ترکیه مذاکره



محمد جواد ظریف وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی و سرگئی لاوروف

کردیم، اما جایی درز نکرد!»

لاوروف گفت: «ظریف و جان کری، وزیر خارجه وقت آمریکا در این زمینه توافق کردند و روسیه هم شگفت‌زده شد اما چون تهران پذیرفته بود، حرفی نزد». اما ظریف مدعی شده که «مکانیسم ماشه مربوط به روزهای آخر مذاکرات نبود و به گفتگوهای او و جان کری هم اختصاص نداشت.»

ظریف ادعا می‌کند «لاوروف و فرانسوی‌ها پیشنهادی در مورد وضعیت قطعنامه‌های گذشته داشتند که خیلی بود و تلاش زیادی کردیم تا آنها را کنار بگذاریم.»

وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی همچنین گفت: «روابط عادی جمهوری اسلامی با جهان، خط قرمز روس‌هاست.» او حتا گفت: «به محض اینکه مذاکرات جامع [با آمریکا بر سر برجام] را شروع کردیم بازی روس‌ها هم شروع شد.»

به نظر می‌رسد در حالی که پشت صحنه تنش‌های جمهوری اسلامی و روسیه رو به افزایش است، حکومت نگران است که پوتین و ترامپ بر سر خلاص شدن از شر حکومت ایران توافق کنند؛ درست همانطور که در مورد سقوط بشار اسد در سوریه عمل شد. مسکو پس از آنکه الجولانی رئیس جمهور موقت سوریه در مصاحبه‌ای گفت که برای سرنگونی رژیم سوریه با روسیه توافق شده بود، میزبان وی شد و پوتین با او در کاخ کرملین دیدار و گفتگو کرد.

در همین ارتباط اصغر کیوان حسینی استاد روابط بین‌الملل دانشگاه «علامه طباطبایی» تهران با اشاره به مخالفت پکن و مسکو با بهبود روابط جمهوری اسلامی با غرب و آمریکا گفت که با وجود این، «کماکان امکان معامله در رفتار هر دو بر سر ایران وجود دارد.»

قفس «رهبر مسلمین جهان»!



© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

لو رفتن فیلم عروسی مجلل دختر شمشانی؛ یک مادر دادخواه: مسئولان حکومت منبع اصلی دزدی و دغل‌بازی‌اند



تصاویر برگرفته از ویدیویی است که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است

ظریف» دانسته‌اند. احمد قدیری فعال سیاسی حکومتی در «ایکس» نوشت: «انتشار فیلم مراسم عروسی دختر شمشانی را آغاز روندی از انتشار سریالی اسناد مالی و فیلم‌های خصوصی مسئولان می‌دانم که در آن سه هدف همزمان دنبال می‌شود: ۱. انزوا و انفعال مدیران و فرماندهان میدان؛ ۲. نفرت و دلزدگی عمومی از نظام؛ ۳. تهمید نیروهای در مخاطره امنیتی و مالی نظامی و انتظامی.»

در پی انتشار ویدیوی عروسی دختر شمشانی، خانواده‌های دادخواه نیز واکنش نشان داده‌اند از جمله کاملیا سجادیان مادر دادخواه محمدرحسن ترکمان در یادداشتی با انتقاد از مدعیان به اصطلاح «ساده‌زیستی» در حکومت نوشت: «این چند روز معنای ساده‌زیستی را هم فهمیدیم! مسئولان و افرادی که مدعی ساده‌زیستی‌اند، منبع اصلی دزدی، دغل‌بازی و دروغ‌گویی‌اند. همانهایی که با هزار ریش و پشم و مهر داغ‌کرده بر پیشانی‌شان، ریشه‌ی مردم را خشکانده‌اند و دو دستی در حال خوردن و چاپیدن اموال مردم و مملکت‌اند.»

سجادیان با اشاره به تضاد میان وضعیت مردم و مسئولان و کشته شدن فرزندان آزادیخواهان به دست رژیم همچنین نوشت: «دین و مذهب فقط پوششی است برای پنهان کردن چهره‌های منحوس بعضی از آقایان. عروس و دامادهای ما، فرزندان آسمان‌اند و عروس آنها، فرزند زر و زور و تزویر و فساد. عروس ما کشته آزادی و روشنایی است، عروس آنها غرق در سیاهی و تباهی.»

او در ادامه یاد همه قربانیان اعتراضات، مسافران هواپیمای اوکراینی، زندانیان سیاسی و خانواده‌های دادخواه را گرامی داشت و نوشت: «ماهیت کثیف این حاکمیت هر روز بیش از پیش آشکار می‌شود، پس جایی برای سکوت وجود ندارد. هستیم کنار هم تا طلوع آفتاب روشنایی و حقیقت.»

در پایان، او پست خود را با یاد نام‌هایی چون محمدرحسن ترکمان، محمد حسینی، حنا که کیا، آرش و پونه و دیگر جانباختگان اعتراضات آزادیخواهانه‌ی ملت ایران به پایان رسانده است.

خصوصی» افراد، به انتقاد از انتشار این ویدیوی جنجالی پرداخته‌اند اما اکثریت مردم، با این ویدئو که نشانه‌ی دیگری از دروغ‌گویی زمامداران نظام است، به ریا، تزویر و فساد مقامات انتقاد می‌کنند.

کیهان لندن در ارتباط با این ویدئو با اشاره به شعر معروف حافظ نوشته است: «حافظ اینها را خوب می‌شناخت که نزدیک به هفت قرن پیش سرود: واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می‌کنند/ چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند!» در ادامه آمده است که این ویدئو «در رسانه‌های اجتماعی بین کاربران ایرانی و خارجی می‌چرخد. البته نه به علت جذابیت این خانواده‌ی انگلی و یا شکوه مهمانی که برپا کرده‌اند بلکه به علت دروغ و ریا و تازه‌به‌دوران‌رسیده‌هایی که با انقلاب ۵۷ از طریق مصادره و غصب و غارت و ویرانی کشور به نان و نوا و ثروت میلیاردری رسیده‌اند. همین شمشانی که گفته می‌شود پیش از نشست بر «سفره انقلاب» وردست یک دوچرخه‌سازی بود، حالا ثروت خانوادهاش از پاریس می‌رود و عروس را مثل پدران «غربی» در عروسی همراهی می‌کند آنهم در حالی که بر اساس موعظه‌های خودشان، دخترش «برهنه» در جمع حاضر شده! کاربران واکنش خود را به این مجلس سالوس و ریا با ابراز خشم و انزجار از زمامداران دروغگو و فاسد و مفتخوری نشان می‌دهند که دختران ایران را به خاطر پیدا بودن چند تار مو به قتل رسانده‌اند!»

کامرون بهزادی فعال رسانه‌ای نیز در واکنش به این ویدیو نوشته است: «گشت ارشاد و بیکاری و فقر مال مردم، مراسم میلیاردری با پول ملت هم مال اینا.»

اکانت «موساد فارسی» به کنایه نوشت: «تبریک به دختر نازنین شمشانی! کمی دیر تبریک می‌گیم، ولی همچنین سوژه‌ای هر روز گیر نمی‌آید! خوشحالی که حجاب اسلامی به سبک جدید رعایت شده، خیالتون راحت، آقای شمشانی همیشه قوانین دینی و فرمایشات آقا رو و همچنین شما را جدی می‌گیره! منتظر عکس‌های هیجان‌انگیز بعدی باشید.» برخی از طرفداران نظام انگیزه انتشار این ویدیو را در ادعایی عجیب ضربه به تیم «حسن روحانی و محمدجواد

● لو رفتن فیلم عروسی مجلل دختر علی شمشانی دبیر سابق «شورای عالی امنیت ملی» جمهوری اسلامی و مشاور ارشد علی خامنه‌ای، موجی از انتقادات به مسئولان نظام جمهوری اسلامی را در پی داشت.

● اکانت «موساد فارسی» به کنایه نوشت: «تبریک به دختر نازنین شمشانی! کمی دیر تبریک می‌گیم، ولی همچنین سوژه‌ای هر روز گیر نمی‌آید! خوشحالی که حجاب اسلامی به سبک جدید رعایت شده، خیالتون راحت، آقای شمشانی همیشه قوانین دینی و فرمایشات آقا رو و همچنین شما را جدی می‌گیره! منتظر عکس‌های هیجان‌انگیز بعدی باشید.»

● احمد قدیری فعال سیاسی حکومتی در «ایکس» نوشت: «انتشار فیلم مراسم عروسی دختر شمشانی را آغاز روندی از انتشار سریالی اسناد مالی و فیلم‌های خصوصی مسئولان می‌دانم که در آن سه هدف همزمان دنبال می‌شود: ۱. انزوا و انفعال مدیران و فرماندهان میدان؛ ۲. نفرت و دلزدگی عمومی از نظام؛ ۳. تهمید نیروهای در مخاطره امنیتی و مالی نظامی و انتظامی.»

● در پی انتشار ویدیوی عروسی دختر شمشانی کاملیا سجادیان مادر دادخواه محمدرحسن ترکمان، در یادداشتی با انتقاد از مدعیان به اصطلاح «ساده‌زیستی» در حکومت نوشت: «این چند روز معنای ساده‌زیستی را هم فهمیدیم! مسئولان و افرادی که مدعی ساده‌زیستی‌اند، منبع اصلی دزدی، دغل‌بازی و دروغ‌گویی‌اند. همانهایی که با هزار ریش و پشم و مهر داغ‌کرده بر پیشانی‌شان، ریشه‌ی مردم را خشکانده‌اند و دو دستی در حال خوردن و چاپیدن اموال مردم و مملکت‌اند.»

لو رفتن فیلم عروسی مجلل دختر علی شمشانی دبیر سابق «شورای عالی امنیت ملی» جمهوری اسلامی و مشاور ارشد علی خامنه‌ای، موجی از انتقادات به مسئولان نظام را در پی داشت.

این ویدیو شب ۲۶ مهرماه ۱۴۰۴ در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد اما تاریخ دقیق آن مشخص نیست. برخی گفته‌اند مربوط به سال گذشته است. اغلب طرفداران نظام (اصلاح‌طلب و اصولگرا) به اسم دفاع از «حفظ حریم

بازگرداندن تحریم‌ها کافی نیست؛ اروپا باید سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را غیرقانونی اعلام کند



رهبران سه قدرت اروپایی در نشست «گروه هفت»؛ از راست: فریدریش مرتس صدراعظم آلمان، کی‌یر استارمر نخست‌وزیر انگلیس، امانوئل ماکرون رئیس‌جمهور فرانسه

خبریهی وابسته به سپاه را برچینند.
• هماهنگی میان‌مرزی راتقویت کند تا نهاد های امنیتی و پلیس کشورهای عضو تحقیقات خود را در چارچوبی مشترک پیش ببرند. چند کشور هم‌اکنون در موقعیتی هستند که می‌توانند این روند را آغاز کنند. بریتانیا، فرانسه و آلمان که به عنوان گروه موسوم به E3 (تروئیکای اروپایی) ساز و کار «بازگشت خودکار تحریم‌ها» را فعال کرده‌اند، می‌توانند الگو شوند. بریتانیا می‌تواند بر اساس قانون مبارزه با تروریسم مصوب ۲۰۰۰ (Terrorism Act 2000) گام بردارد و زمینه را برای فرانسه و آلمان فراهم سازد تا با اقدامات مشابه، مبنای حقوقی لازم را برای تصمیم واحد اتحادیه اروپا فراهم کنند. هماهنگی از طریق چارچوب ضد تروریسم شورای اروپا نیز می‌تواند تضمین کند که تمام کشورهای عضو، این تصمیم را به صورت هماهنگ و منسجم به اجرا بگذارند.

ساز و کار «بازگشت خودکار تحریم‌ها» قواعد بازی بین‌المللی را از نو می‌چیند، اما بدون اجرای هماهنگ در سراسر اروپا، این تغییر به نمادگرایی کاهش می‌یابد. سپاه پاسداران از روزه های مالی و حقوقی همچنان بهره خواهد برد مگر آنکه دولت‌ها قاطعانه علیه آن اقدام کنند. «تروریستی شناختن سپاه» تشدید تنش نیست بلکه اجرای قانون و پلی است که میان تحریم و امنیت برقرار می‌کند.

کشورهای موسوم به «تروئیکای اروپایی» ساز و کار بازگشت تحریم‌ها را برای پاسداری از رژیم جهانی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای فعال کردند. اکنون باید اطمینان یابند که این اقدام در داخل مرزهایشان نیز معنا و اثر داشته باشد. فرصت کوتاه است؛ ابزارها آماده‌اند و تهدید آشکار است. بازگشت تحریم‌ها نقش خود را ایفا کرده؛ اینک نوبت اروپاست تا با تروریستی شناختن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، پیش از آنکه دوباره دست به اقدام بزند، وظیفه‌ی خود را انجام دهد.

*منبع: وبسایت Visegrad24

*نویسندگان: دکتر سعید قاسمی نژاد مشاور ارشد امور ایران و اقتصاد مالی در «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» و دکتر آیدین پناهی پژوهشگر و متخصص انرژی

سازمان‌های تروریستی قرار دهند؛ چند پارلمان ملی، از جمله در فرانسه و هلند، همین خواست و توصیه را تکرار کردند. با اینهمه، شورای اتحادیه اروپا همچنان تعلل می‌کند و به «ابهام حقوقی» درباره امکان تروریستی خواندن «بخشی از ساختار یک دولت» استناد می‌کند.

این بهانه، یک دوگانه کاذب است. سپاه پاسداران یک نهاد صرفاً نظامی متعارف نیست؛ شبکه‌ای مسلح، سیاسی و اقتصادی است که فراتر از مرزهای ایران عملیات تروریستی و خرابکارانه مرتکب می‌شود. دولتی بودن سپاه نه سپر قانونی برای رفتارهای غیرقانونی آن است و نه مانعی برای قرار گرفتن آن در فهرست سازمان‌های تروریستی.

دموکراسی‌های هم‌پیمان پیشتر از این پل گذشته‌اند: آمریکا در ۲۰۱۹ سپاه را در فهرست تروریسم گذاشت و کانادا هم پس از آن همین کار را کرد. هیچیک از این تصمیم‌ها دیپلماسی یا همکاری‌های انسانی و کنسولی با ایران را متوقف نکرد. اروپا هم می‌تواند همین توازن را برقرار کند؛ قانون را قاطعانه اجرا نماید بی‌آنکه درهای گفتگو را ببندد. بسیاری کشورها در حالی که فهرست‌گذاری تروریستی را حفظ می‌کنند، همچنان در امور بشردوستانه و کنسولی با تهران ارتباط دارند. بین «گفتگو» و «مصونیت دادن» تفاوت وجود دارد.

گام بعدی اروپا

اگر اروپا تصمیم به اقدام بگیرد، تروریست شناخته شدن سپاه پاسداران در سطح اتحادیه اروپا می‌تواند سیاست‌های اعلام‌شده را به اجرای واقعی آن نیز تبدیل کند. این اقدام می‌تواند:

- حمایت فعال از سپاه پاسداران را جرم‌انگاری کند از جمله تأمین مالی، تدارکاتی و جذب نیرو.
- دارایی‌های آن را مسدود کرده و جریان‌های مالی را مختل سازد. بطوری که بانک‌ها و صادرکنندگان موظف شوند که تراکنش‌های مشکوک را گزارش داده و مسدود کنند.
- به دادستان‌ها و نهادهای اطلاعاتی اختیار دهد تا شرکت‌های پوششی، شرکت‌های حمل و نقل و مؤسسات

• بازگشت تحریم‌های سازمان ملل بی‌معناست، اگر اروپا همچنان برای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی راه فرار قانونی را باز بگذارد.

• با وجود تهدیدهای آشکار و مستقیم از سوی جمهوری اسلامی، اروپا همچنان در اتخاذ اقدامی قاطع علیه سپاه پاسداران تعلل می‌ورزد. بازگرداندن تحریم‌هایی که در چارچوب توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ به حالت تعلیق درآمده بودند، گامی ضروریست اما کافی نیست چرا که هدف از بازگرداندن این تحریم‌ها، وادار کردن رژیم ایران به پایبندی به تعهدات خود است، نه پایان دادن به روند مقابله با تهدیدها.

سعید قاسمی نژاد، آیدین پناهی - در ارتباط با تهدید سپاه پاسداران انقلاب اسلامی علیه اروپا باید گفت که شبکه‌های عملیاتی و عوامل وابسته به جمهوری اسلامی هم‌اکنون در خاک اروپا فعال‌اند و بسیاری از آنان در خفا فعالیت می‌کنند. طی ده سال گذشته، رژیم ایران به تعهدات توافق هسته‌ای پایبند نمانده است؛ در نتیجه، سازمان ملل بار دیگر مجموعه‌ای از محدودیت‌های تجاری، مالی و تسلیحاتی موسوم به مکانیسم ماشه را برقرار کرده است.

با وجود این تدابیر، جمهوری اسلامی و بازوی نظامی آن، یعنی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، همچنان یک تهدید جدی برای امنیت بین‌المللی محسوب می‌شوند. جامعه جهانی اگرچه رژیم را منزوی کرده، اما سپاه پاسداران در سراسر اروپا به فعالیت خود ادامه می‌دهد. این نهاد با استفاده از شرکت‌های پوششی، شبکه‌های مالی و مأموران مخفی، برای دور زدن ممنوعیت‌ها و تهیه اقلام تحریمی اقدام می‌کند و همزمان منتقدان حکومت ایران را مرعوب یا هدف قرار می‌دهد.

در سال‌های اخیر، نهادهای اطلاعاتی اروپا چندین عملیات مرتبط با رژیم ایران را افشا کرده‌اند: از سوء قصد در بریتانیا و آلمان تا جاسوسی در هلند و سوئد. بر پایه گزارش سازمان امنیت داخلی بریتانیا (MI5)، از سال ۲۰۲۲ تا کنون دست‌کم بیست طرح مرتبط با ایران کشف شده که برخی از آنها می‌توانستند مرگبار باشند. سپاه پاسداران تهدیدی دوردست نیست بلکه مدت‌هاست در دل ساختار امنیتی اروپا جاسازی شده است.

بی‌عملی اروپا و بهانه‌های حقوقی

با وجود این تهدید آشکار و مستقیم، اروپا همچنان در اتخاذ اقدامی قاطع علیه سپاه پاسداران تعلل می‌ورزد. بازگرداندن تحریم‌هایی که در چارچوب توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ به حالت تعلیق درآمده بودند، گامی ضروریست اما کافی نیست چرا که هدف از بازگرداندن این تحریم‌ها، وادار کردن رژیم ایران به پایبندی به تعهدات خود است، نه پایان دادن به روند مقابله با تهدیدها.

وعده‌های تهران درباره اجازه بازرسی‌های محدود از تأسیسات هسته‌ای، یا نمایش‌های دیپلماتیک مقاماتش، جایگزین اقدام حقوقی واقعی علیه نهادی نیست که فعالیت‌های حکومت ایران را در خاک اروپا هدایت می‌کنند. پارلمان اروپا سال گذشته با اکثریت قاطع از دولت‌های عضو خواست تا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست

بی ثمر بودن شعارهای جمهوری اسلامی برای دهه شصتی‌ها



تهران / مهرماه ۱۴۰۱

امروز جنگ‌ها بر پایه اطلاعات و فناوری پیش می‌روند و این هوش مصنوعی است که در شناسایی، تصمیم‌گیری و اجرای عملیات نقش کلیدی دارد.

در جنگ دوازده روزه اخیر، همین تفاوت میان جنگ صنعتی و جنگ دیجیتال به روشنی آشکار شد. برخلاف جبهه‌های زمینی دهه ۱۹۸۰، نبرد با اسرائیل در آسمان، در فضای سایبری و در مدار ماهواره‌ها جریان داشت. از حملات پهنای گرفته تا عملیات سایبری و حملات دقیق هوشمند.

در حالی که رژیم ایران توانست موج‌هایی از حملات موشکی و پهپادی را هماهنگ کند، اسرائیل با برتری اطلاعاتی و فناوری، از جمله سامانه‌های دفاعی «گنبد آهنین» و «فلاخن داوود»، توانست ضربات آنها را خنثی کند.

تهران با یادآوری جنگ دهه ۱۹۸۰ می‌کوشد روایت «ملت مقاوم تحت محاصره» را بازآفرینی کند. اما واقعیت این است که جنگ دوازده روزه نه تنها ضعف دفاعی ایران، بلکه شکنندگی همبستگی داخلی آن را نیز آشکار ساخت. نبردی کوتاه، ضرباتی سهمگین و عدم بسیج عمومی، همه با افسانه مقاومت قهرمانانه در تضاد بود.

در دنیای امروز، جایی که جنگ‌ها را الگوریتم‌ها هدایت می‌کنند نه انسان‌ها، تکرار شعارهای دهه شصت خورشیدی دیگر کارساز نیست. جمهوری اسلامی می‌کوشد با احیای خاطره جمعی جنگ ایران و عراق، مشروعیت و هویت خود را بازسازی کند. اما چهره‌هایی چون خرازی درواقع در پی نگارش فصلی تازه از همان داستان کهنه‌اند تلاشی برای جنگیدن در قرن بیست و یکم با اسطوره‌های قرن بیستم.

از سوی دیگر، موسسه پژوهشی «رابرت لانسینگ»

بخشی از تسلیحات لازم را برای رژیم ایران فراهم می‌کرد تا مانع سقوط جمهوری نوپای اسلامی به دست نیروهای صدام حسین شود. برای تل‌آویو، عراق در آن زمان تهدیدی استراتژیک بود و تقویت تهران نوعی موازنه در برابر بغداد محسوب می‌شد.

پرونده معروف «ایران-کنترا» نیز نمونه دیگری از این مناسبات پنهان بود. ماجرای که در سال ۱۹۸۶ فاش شد و به یکی از رسوایی‌های بزرگ دولت ریگان بدل گشت: فروش مخفیانه سلاح به رژیم ایران، با هدف آزادی گروگان‌های آمریکایی در لبنان، و انتقال غیرقانونی درآمد حاصل به شورشیان نیکاراگوئه که علیه دولت چپ‌گرای ساندینیست‌ها می‌جنگیدند.

با این حال، خرازی در سخنان اخیرش تأکید کرد: «انگیزه، ایمان و توان دفاع از کشور در هر دو جنگ آشکار بود. مردم در هر دو مقطع نقش تعیین‌کننده‌ای داشتند. چه در جبهه‌ها و چه در پشت صحنه.»

اما گزارش‌های میدانی از ایران، تصویری متفاوت ارائه می‌دادند. ایرانیانی که در جریان جنگ ژوئن با «اورشلیم پست» صحبت کردند، از نظامی بی‌اعتبار و منفور سخن می‌گفتند که «در آستانه فروپاشی» قرار دارد.

یکی از ساکنان تهران گفته بود: «مردم سال‌هاست که جمهوری اسلامی را دشمن خود می‌دانند. بسیاری معتقدند این جنگ شاید آغاز پایان حکومت باشد. برخی حتی می‌گویند اگر خودمان نتوانیم این رژیم را سرنگون کنیم، شاید اسرائیل کار را تمام کند.»

اما شاید مهم‌ترین بخش سخنان خرازی، اشاره او به دگرگونی ماهیت جنگ‌ها در چهار دهه گذشته بود: «در جنگ هشت ساله، نبردها صنعتی و متکی بر نیروهای زمینی بود. دشمن روبرویمان حضور داشت و داوطلبان به صورت رو در رو می‌جنگیدند. ابزار جنگ، توپخانه و تانک بود. اما

● اورشلیم پُست: چرا جمهوری اسلامی نمی‌تواند با اسطوره‌های قرن بیستمی در نبردهای امروزی بجنگد؟

روزنامه اسرائیلی «اورشلیم پست» گزارشی به نوشته الکس وینستون منتشر کرده که در آن آمده است، حملات هوایی اسرائیل علیه تأسیسات اتمی در ایران در دوازده روز سرنوشت‌ساز ماه ژوئن، چنان ویرانگر بود که رژیم را تا آستانه بحران وجودی و کم‌سابقه از زمان برقراری جمهوری اسلامی پیش برد.

برای نخستین بار از دوران جنگ ایران و عراق در دهه ۱۹۸۰، جمهوری اسلامی با دشمنی خارجی روبرو شد که توان به زانو درآوردنش را داشت. برخلاف نبردهای نیابتی حکومت ایران در یمن، سوریه و لبنان، اینبار تنها در کمتر از دو هفته، اسرائیل ضعف پدافند هوایی ایران، محدودیت‌های برنامه نوسازی نظامی آن و شکاف میان روایت حماسی جنگ و عملکرد واقعی در میدان نبرد را آشکار ساخت.

چند روز پیش، در ویدیویی منتشرشده در وبسایت رسمی علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی، کمال خرازی رئیس «شورای راهبردی روابط خارجی» از «شبهات و تفاوت‌های» میان آن دو جنگ سخن گفت.

خرازی که از سال ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۷ نماینده جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل بود و سپس تا ۲۰۰۵ وزارت امور خارجه را بر عهده داشت، گفته: «یکی از شبهات این است که در هر دو جنگ، متکی به خود بودیم. تسلیحات لازم را با منابع داخلی فراهم کردیم. حتی در جنگ هشت ساله، سلاح‌های فراوانی در کشور بود اما باید خودمان آنها را تولید کرده و به کار می‌گرفتیم.»

اما این ادعا با واقعیت‌های تاریخی سازگار نیست. با وجود فضای شدید ضدغربی آن روزها، اسرائیل بطور پنهانی

دوران محمدرضا شاهی؛

یک دینار خرج اسلحه نمی شود (صدسال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



در شش پرورشگاه مرکزی بنیاد پهلوی دو هزار کودک نگهداری می شدند.
۲۴ آبان ۱۳۳۸ بهره برداری از دستگاه نوین ژئوفیزیک دانشگاه تهران آغاز شد...

آبان ۱۳۳۸ بزرگترین پرورشگاه ایران به دست شاه در جنوب شهر تهران گشوده شد. پرورشگاه فاتح به وسعت ۳۱ هزار متر مربع ششمین پرورشگاه وابسته به بنیاد پهلوی با صرف ۱۰ میلیون ریال ایجاد گردیده بود و با این پرورشگاه

«نسل زد» در ایران منتشر کرده است. در این گزارش آمده: «نسل جوان ایران به ویژه افراد متولد دهه ۲۰۰۰ میلادی یا همان «نسل زد» این روزها میان اقتصاد رو به فروپاشی، خشونت حکومتی و تهدید جنگ گرفتار شده اند.» بسیاری از جوانان با مشکلات اقتصادی شدید دست و پنجه نرم می کنند. با وجود اعلام رسمی نرخ بیکاری ۷/۶ درصد، بررسی دقیق بازار کار نشان می دهد که نزدیک به یک پنجم جوانان ایرانی بیکار هستند. حتی کسانی که شغل دارند، اغلب درآمدی کمتر از خط فقر جهانی دارند و خرید کالاهای اساسی مانند گوشت، مرغ و برنج نیازمند برنامه ریزی ماهانه است. فشار اقتصادی، نگرانی ها را نه تنها بر خانواده ها، بلکه حتی بر حیوانات خانگی نیز تحمیل کرده است.

در چنین شرایطی، زندگی روزمره با تورم بالا، بیکاری گسترده و کاهش فرصت ها به مبارزاتی بی وقفه تبدیل شده است. بسیاری از جوانان، رویاهای خود را به تعویق انداخته و صدای خود را در جامعه خاموش می بینند. با وجود همه این فشارها، نسل جوان ایران امید خود را از دست نداده است. بسیاری از آنها که کشور را ترک کرده اند، تجربه آزادی های فردی و فرصت های آموزشی و شغلی را یافته و در انتظار بازگشت به ایران برای کمک به بازسازی هستند.

آنهايي هم که در ایران مانده اند، آرزو دارند روزی در میهن خود زندگی آزاد و رفاه اقتصادی داشته باشند و به کشور خود برای تحقق آزادی و شکوفایی کمک کنند.

اتوماتیک می تواند حسن نیت سیاسی خود را به چین نشان دهد، کشوری که همراه با روسیه با بازگشت تحریم ها مخالفت کرده است. با این حال، شفافیت می تواند پکن را از نظر دیپلماتیک در معرض خطر قرار دهد زیرا معمولاً واردات نفت ایران را تحت پرچم کشورهای ثالث (مانند مالزی) مخفی می کند.

همچنین، پس از تحریم تریمینال ریزهاو شهواو توسط آمریکا، ممکن است چین تصمیم گرفته باشد دیگر تحت فشار واشنگتن تسلیم نشود و تحریم ها را نادیده بگیرد. امسال بیش از ۶۰ درصد نفتکش هایی که نفت ایران را بارگیری کرده اند، مشمول تحریم های «ا.و.اف.ای.سی.» (دفتر کنترل دارایی های خارجی) شده اند. در حالی که این رقم در سال گذشته ۳۸ درصد بوده است.

اگر چین تمام بنادر خود را به روی نفتکش های تحریم شده باز کند، رژیم ایران دیگر نیازی به پنهان کردن مکان کشتی ها یا انتقال نفت بین کشتی های تحریم شده و غیرتحریمی نخواهد داشت و این امر هزینه های لجستیک جمهوری اسلامی را کاهش می دهد و عملیات صادرات نفت را ساده تر می کند.

وضعیت داخلی در ایران نیز به سود جمهوری اسلامی نیست

از سوی دیگر، در کنار این وضعیت منطقه ای و بین المللی که رژیم ایران را در تنگنایی کم سابقه قرار داده، رسانه دولتی آلمان، «دویچه وله» نیز گزارشی در مورد وضعیت

→ برای مطالعات تهدیدهای جهانی و دموکراسی ها تحلیلی در مورد همکاری های هسته ای ایران و روسیه پس از غروب برجام منتشر کرد که چکیده ای از آن را می خوانید: «در اکتبر ۲۰۲۵ روسیه آمادگی خود را برای گسترش همکاری های استراتژیک با جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد. در حالی که رژیم ایران عملاً از برجام خارج شده و اجرای تعهدات خود به آژانس بین المللی انرژی اتمی را متوقف کرده است. این تحولات پس از حملات گسترده آمریکا و اسرائیل به تأسیسات هسته ای در ایران رخ داد و نشان دهنده تغییرات بنیادین در نظم هسته ای منطقه و همگرایی مسکو و تهران است.

روسیه با تحکیم همکاری های نظامی و هسته ای با رژیم ایران، از جمله فروش تجهیزات نظامی و پهپادهای مورد استفاده در اوکراین، جایگاهی مهم در محور مشترک با تهران و چین ایجاد کرده است. این همگرایی هرچند شامل پیمان دفاعی رسمی نمی شود، اما به مسکو قدرت نفوذ و امکان مقابله با فشارهای غربی را می دهد.

خروج کامل جمهوری اسلامی ایران از برجام و گسترش همکاری با روسیه، خطر رقابت تسلیحات هسته ای در خاورمیانه، افزایش تهدیدهای سایبری و نظامی، و پیچیده شدن اجرای تحریم ها را افزایش داده است. این شرایط می تواند منجر به تشدید تنش ها، واکنش های نظامی منطقه ای و بازتعریف نظم ژئوپولیتیک خاورمیانه شود و ائتلاف های جدیدی میان رژیم ایران، روسیه و جمهوری خلق چین شکل دهد.

درواقع، این محور سه جانبه روسیه، چین و ایران، در حال تبدیل شدن به عامل تعیین کننده نظم جدید خاورمیانه است. نظامی دوقطبی تر، پرتنش تر و بی ثبات تر.

در چنین شرایطی، قراردادهای هسته ای مسکو با تهران، هرچند می تواند به رژیم ایران استقلال مالی و فنی بیشتری از غرب بدهد و اجرای تحریم ها را دشوارتر کند ولی برای آمریکا، این به معنای قدرت و منابع بیشتر این کشور برای ماجراجویی های سیاسی و نظامی آینده است.»

کپلر: چرا بیشتر نفتکش های ایرانی دوباره سیگنال اتوماتیک خود را روشن کرده اند؟

شرکت «کپلر» که در زمینه ردیابی و تحلیل بازارهای انرژی فعالیت می کند، در مورد تغییر رفتار نفتکش های ایرانی در گزارشی به قلم «مت رایت» نوشت: «در تغییر قابل توجهی نسبت به سال ها عملیات پنهان، اکنون نفتکش های حامل نفت ایران از جمله کشتی های غیرایرانی، با ثباتی چشمگیر، سیگنال ای.آی.اس (سامانه شناسایی خودکار) خود را ارسال می کنند. آخرین ردیابی های شرکت کپلر نشان می دهد که طی ۴۸ ساعت گذشته، تنها چهارده کشتی از مجموع ۸۹ نفتکش ایرانی خاموش مانده اند. این اقدام، پایانی بر الگویی دیرینه از پنهانکاری به شمار می رود و ابعاد تازه ای از فعالیت های پیشین را نمایان کرده است.

تحلیل «کپلر» نشان می دهد که این حرکت بیشتر با موقعیت حقوقی رژیم ایران تحت تحریم های سازمان ملل مرتبط است. فعال ساختن دوباره سیگنال «ای آی اس» می تواند نشان دهنده مشروعیت محموله ها باشد و اطمینان دهد که نفتکش ها نفت خام قانونی حمل می کنند، نه کالاهای ممنوعه مانند تسلیحات یا مواد هسته ای. شفافیت بیشتر، همچنین می تواند بازدارندگی استراتژیک ایجاد کند. به گونه ای که هرگونه توقیف نفتکش های ایرانی در تنگه هرمز با واکنش متقابل مواجه شود.

از سوی دیگر، این اقدام ممکن است پیامی به چین باشد. جمهوری اسلامی ایران با اقدام به روشن کردن سیگنال

افزایش فشارهای امنیتی؛ بازداشت فعالان و تعطیلی انجمن‌های دانشجویی و سازمان‌های غیردولتی



قانونی وارد دفتر انجمن شده و آن را به بهانه «استفاده دیگر» پلمب کرده‌اند.

در این اطلاعیه آمده است که پس از استعفای شورای مرکزی در ۱۶ آذر ۱۴۰۱، با وجود جلوگیری مسئولان از برگزاری انتخابات و رد صلاحیت‌های گسترده، این انجمن طبق اساسنامه مصوب و مورد تأیید وزارت علوم و دانشگاه، به حیات حقوقی خود ادامه داده است.

این انجمن تأکید کرده است که «جلوگیری از فعالیت مؤثر یا برگزاری انتخابات، هیچ‌گونه توجیهی برای ورود غیرقانونی یا پلمب دفاتر این نهاد دانشجویی ندارد و مطابق مصوبات وزارت علوم، تمامی دفاتر و متعلقات انجمن‌ها متعلق به همان نهاد دانشجویی است.»

در بخش دیگری از اطلاعیه اعلام شده است که «انجمن دانشجویان آزادی‌خواه قصد دارد با پیگیری از طریق وزارت علوم و دانشگاه، انتخابات قانونی خود را برگزار کند و تمامی دفاتر دانشکده‌ها و دفتر مرکزی باید به شورای مرکزی جدید تحویل داده شوند.»

«انجمن دانشجویان آزادی‌خواه» با محکوم کردن ورود غیرقانونی به دفتر دانشکده برق، از مسئولان دانشگاه و دانشکده خواست هر چه سریع‌تر از ادامه این روند جلوگیری کنند و مانع از هر گونه استفاده غیرقانونی از این مکان شوند.

در پی اعتراض دانشجویان و مردم همدان به مزاحمت‌ها و رفتار خلاف شئون دانشجویان عراقی (اعضای حشدالشعبی)، نیروهای امنیتی روز شنبه ۱۹ مهرماه، چندتن از معترضان از جمله دانشجویان دانشگاه‌های همدان را بازداشت کردند.

در شبکه‌های اجتماعی اسامی مختلفی از بازداشت‌شدگان منتشر شده است که از آن میان، برنامه امیرکبیر قادر به تأیید هویت یکی از بازداشت‌شدگان به نام تینا درویشی است. پدر این دانشجو، روز ۱۹ مهرماه در حساب اینستاگرامی خود خبر از بازداشت وی داد.

همچنین گزارش‌های شهروندان در شبکه‌های

و پلمب دفتر «جمعیت دفاع از حقوق کودکان کار و خیابان» نوشته مأموران امنیتی وسایل تمامی مددجویان، مددکاران و همکاران حاضر در دفتر جمعیت، واقع در پاسگاه نعمت‌آباد در غرب تهران، را نیز توقیف کرده و با خود بردند. در هفته‌های گذشته روند بازداشت و فشارهای امنیتی و قضایی بر فعالان مدنی، صنفی، سیاسی و حتی هنرمندان افزایش پیدا کرده است.

محمد زمان کامروا از فعالان صنفی بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی در اهواز روز شنبه ۱۹ مهرماه توسط مأموران امنیتی بازداشت شد و همچنان خانواده این فعال صنفی از محل نگهداری و اتهامات او بی‌اطلاع هستند.

در ۲۲ مهرماه ۱۴۰۴ مأموران امنیتی منزل کوکب بداعی پگاه، فعال صنفی معلمان ساکن شهرستان ایزه، را تفتیش کردند. مأموران برخی از وسایل الکترونیک این خانواده را ضبط کرده‌اند. همچنین همسر کوکب بداعی نیز توسط مأموران امنیتی مورد ضرب و جرح قرار گرفته است.

در پانزدهم مهرماه جاری نیز خانه ژاله روحزاد، فعال صنفی معلمان و همسرش اسماعیل گرامی، فعال کارگری، توسط مأموران وزارت اطلاعات تفتیش شد. مأموران برخی از وسایل الکترونیک این خانواده را ضبط کرده‌اند.

از سوی دیگر موجی از فشارها بر فعالان دانشجویی آغاز شده است. منابع دانشجویی از احضار شماری از دختران دانشجو به علت «رعایت نکردن ضوابط پوشش» خبر داده‌اند.

همچنین «خبرنامه امیرکبیر» که اخبار دانشجویی ایران را منتشر می‌کند گزارش داده «در ادامه روند پلمب دفاتر «انجمن دانشجویان آزادیخواه» دانشگاه «بهشتی» (دانشگاه ملی ایران) در دولت اصلاح‌طلب پزشک‌ان، اینبار دفتر این انجمن در دانشکده مهندسی برق و کامپیوتر نیز با ورود غیرقانونی مسئولان دانشکده بسته و قفل آن تعویض شده است.»

بر اساس اطلاعیه منتشر شده از سوی این انجمن، مسئولان دانشکده مهندسی برق و کامپیوتر بدون مجوز

● مأموران امنیتی جمهوری اسلامی روز پنجشنبه ۲۴ مهرماه ۱۴۰۴ ضمن پلمب دفتر «جمعیت دفاع از حقوق کودکان کار و خیابان» در تهران، حسین میربهراری از فعالان حقوق کودکان کار و از بنیانگذاران «جمعیت دفاع از حقوق کودکان کار و خیابان» را بازداشت کردند.

● محمد زمان کامروا از فعالان صنفی بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی در اهواز روز شنبه ۱۹ مهرماه توسط مأموران امنیتی بازداشت شد و همچنان خانواده این فعال صنفی از محل نگهداری و اتهامات او بی‌اطلاع هستند.

● در ۲۲ مهرماه ۱۴۰۴ مأموران امنیتی منزل کوکب بداعی پگاه، فعال صنفی معلمان ساکن شهرستان ایزه، را تفتیش کردند. مأموران برخی از وسایل الکترونیک این خانواده را ضبط کرده و همسر کوکب بداعی را مورد ضرب و جرح قرار دادند.

● موجی از فشارها بر فعالان دانشجویی نیز آغاز شده است. منابع دانشجویی از احضار شماری از دختران دانشجو به علت «رعایت نکردن ضوابط پوشش» خبر داده‌اند.

● دفتر «انجمن دانشجویان آزادیخواه» دانشگاه «بهشتی» (دانشگاه ملی ایران) در دانشکده مهندسی برق و کامپیوتر این دانشگاه با ورود غیرقانونی مسئولان دانشکده بسته و قفل آن تعویض شده است.

● پلمب واحدهای صنفی مختلف به بهانه برخورد با بی‌حجابی ادامه دارد. برای نمونه فرمانده انتظامی بروجرد از پلمب ۱۱ واحد صنفی در این شهرستان به دنبال اجرای طرح «ارتقای انضباط اجتماعی» خبر داد.

● افزایش انواع فشارهای امنیتی و قضایی و افزایش آمار صدور احکام زندان و اعدام، و اجرای بیش از ۱۰۰۰ حکم اعدام طی ماه‌های گذشته در حالیست که مسعود پزشکیان در جریان انتخابات تیرماه ۱۴۰۳ وعده‌های زیادی در رابطه با آزادی‌های اجتماعی و کاهش فشارهای امنیتی بر اقشار و اصناف مختلف داده بود.

برخلاف وعده‌های انتخاباتی مسعود پزشکیان، در دولت اصلاح‌طلب چهاردهم فشارهای امنیتی و قضایی بر اقشار و اصناف مختلف با افزایش روبرو بوده است. همچنین فشارهای اجتماعی بر شهروندان با تداوم برخوردهای سرکوبگرانه به اسم «مبارزه با بی‌حجابی» و پلمب واحدهای صنفی ادامه دارد.

منابع خبری گزارش دادند مأموران امنیتی جمهوری اسلامی روز پنجشنبه ۲۴ مهرماه ۱۴۰۴ ضمن پلمب دفتر «جمعیت دفاع از حقوق کودکان کار و خیابان» در تهران، حسین میربهراری از فعالان حقوق کودکان کار و از بنیانگذاران «جمعیت دفاع از حقوق کودکان کار و خیابان» را بازداشت کردند.

حسین میربهراری یکبار دیگر در خردادماه امسال بازداشت و پس از ۳۰ روز حبس انفرادی با سپردن وثیقه آزاد شده بود. حسین میربهراری امروز در حالیکه در خانه خواهرش نادیا میربهراری بود بازداشت شد. مأموران امنیتی همچنین تلفن همراه نادیا میربهراری را ضبط کرده و به او اعلام گفته‌اند که شنبه ۲۶ مهرماه خود را به دادسرای شعبه زندان اوین معرفی کنند.

وبسایت «امتداد» با اعلام خبر بازداشت حسین میربهراری

احتمال ارجاع پرونده جمهوری اسلامی به شورای امنیت علی لاریجانی: «توافق با آژانس در قاهره کان‌لمیکن شد»



حکومت از هوادارانش می‌خواهد همچنان «مقاومت» و «تسلیم ناپذیری» را به عنوان گزینه اصلی تبلیغ کنند

«ایکس» نوشت: «اگر تهران همکاری نکند، احتمال دارد سه کشور اروپایی پرونده [رژیم] ایران را در ماه آینده میلادی به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع دهند. [جمهوری اسلامی] ایران می‌تواند وانمود کند که موضوع پایان یافته، اما چنین نیست.» او افزود: «سه کشور اروپایی تا ۱۲ ماه فرصت دارند قطعنامه مربوط به عدم پایبندی [جمهوری اسلامی] ایران را به شورای امنیت ارسال کنند.»

هرچند مصر تلاش‌هایی را برای میانجیگری بین جمهوری اسلامی و آمریکا آغاز کرده اما علی‌خامنه‌ای رهبر نظام برای چندمین بار اعلام کرد که حاضر به معامله نیست و زیر بار شروط آمریکا نخواهد رفت.

برچیدن کامل برنامه غنی‌سازی اورانیوم، مذاکره مستقیم با آمریکا، توقف ساخت موشک‌های بالستیک و پایان دادن به حمایت از گروه‌های نیابتی و همچنین به رسمیت شناختن موجودیت اسرائیل و همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بخشی از شروط کشورهای غربی برای توافق با جمهوری اسلامی است که مورد پذیرش واقع نشده‌اند.

علی لاریجانی دبیر «شورای عالی امنیت ملی» جمهوری اسلامی دوشنبه شب ۱۸ مهرماه در «ایکس» نوشت: «با فعال‌شدن مکانیسم ماشه چنانچه آقای عراقچی پیشتر گفته بود در توافق قاهره تجدید نظر می‌کنیم؛ که عملاً کان‌لمیکن شد؛ اما اگر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پیشنهاد جدیدی برای همکاری ارائه کند، در دبیرخانه بررسی خواهد شد.»

آخرین پیشنهاد رافائل گروسی مدیرکل آژانس این بود که جمهوری اسلامی برای بازدید از تأسیسات اتمی فردو، نطنز و اصفهان که در مپاران آمریکا آسیب دیده‌اند مجوز صادر کند و در مورد سرنوشت بیش از ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصدی پاسخگو باشد که هیچکدام از اینها اتفاق نیفتاد.

برخی تحلیلگران مدت‌هاست این احتمال را مطرح می‌کنند که ارجاع پرونده جمهوری اسلامی به شورای امنیت می‌تواند زمینه‌ساز اقدام نظامی با توافق بین‌المللی علیه رژیم ایران شود.

اروپایی پرونده [رژیم] ایران را در ماه آینده میلادی به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع دهند. [جمهوری اسلامی] ایران می‌تواند وانمود کند که موضوع پایان یافته، اما چنین نیست.»

سه هفته پس از فعال شدن «مکانیسم ماشه» و بازگشت تحریم‌های سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی، مقامات وزارت خارجه حکومت می‌گویند قطعنامه ۲۲۳۱ خاتمه یافته و بازگشت تحریم‌ها غیرقانونی است. لارنس نورمن خبرنگار وال‌استریت ژورنال در همین ارتباط نوشته است که احتمال دارد اروپایی‌ها پرونده رژیم ایران را به شورای امنیت ارجاع دهند.

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی اعلام کرده است «بر اساس دیدگاه جمهوری اسلامی و کشورهای مانند روسیه و چین، مکانیسم ماشه فعال نشده و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت منقضی شده و محدودیت‌های شورای امنیت بطور کامل برداشته شده و موضوع ایران نیز از دستور کار این شورا خارج می‌شود.»

در تهران این امیدواری از سوی مسئولان به رسانه‌ها القاء می‌شود که گویا با کمک جمهوری خلق چین و روسیه که خود درگیر جنگ و تحریم و فشارهای بین‌المللی است، تحریم‌ها بی‌اثر خواهد شد.

افزایش تبادلات با شرق، استفاده از رمزارزها، ایجاد بازارچه‌های مرزی و مبادلات تهاتری بخشی از به اصطلاح راهکارهایی است که ادعا می‌شود از طریق آنها می‌توان تحریم‌ها را دور زد. فراتر از اینها محمدرضا عارف معاون مسعود پزشکیان ادعا کرده است: «از دور زدن به سوی کنار زدن تحریم‌ها در حال حرکت هستیم!» اما در عمل به روشنی دیده می‌شود که فشارها به جمهوری اسلامی رو به افزایش است به ویژه آنکه منابع غیررسمی گزارش دادند که آمریکا به دنبال افزایش کنترل و بازرسی از کشتی‌های وابسته به جمهوری اسلامی در آب‌های آزاد است.

از سوی دیگر لارنس نورمن خبرنگار وال‌استریت ژورنال در

● محمدرضا عارف معاون مسعود پزشکیان ادعا کرده است «از دور زدن به سوی کنار زدن تحریم‌ها در حال حرکت هستیم.»

● لارنس نورمن خبرنگار وال‌استریت ژورنال در «ایکس» نوشت: «اگر تهران همکاری نکند، احتمال دارد سه کشور

→ اجتماعی حاکی از برخورد بسیار خشونت‌آمیز نیروهای امنیتی با دانشجویان و مردم معترض است.

در آنسو پلمپ واحدهای صنفی مختلف به بهانه برخورد با بی‌حجابی ادامه دارد. برای نمونه فرمانده انتظامی بروجرد از پلمپ ۱۱ واحد صنفی در این شهرستان به دنبال اجرای طرحی موسوم به «ارتقای انضباط اجتماعی» خبر داد. در قالب این طرح، با مصادیقی همچون برگزاری مراسم مختلف، پارتی‌های شبانه و آنچه از سوی مقامات «انتشار محتوای نامناسب در اماکن عمومی» عنوان شده، برخورد شده است.

همچنین انتشار ویدیوهایی پس از برگزاری جشنی در جزیره کیش با عنوان «قهوه‌پارتی» دادستان عمومی و انقلاب کیش، از تشکیل پرونده و بازداشت برگزارکنندگان آن خبر داد.

فروشگاه «جین‌وست» در خیابان فرشته تهران، هم روز شنبه ۱۹ مهر و یک روز پس از برگزاری یک ایونت پلمپ شد. وبسایت خبری «آسیانیوز ایران» با انتشار خبر پلمپ فروشگاه «جین‌وست» نوشته «به نظر می‌رسد این برخورد، صرفاً یک واکنش مقطعی نیست، بلکه بخشی از یک کارزار بزرگ‌تر برای «کنترل بیشتر بر فضای اجتماعی، مقابله با نمایش ثروت و اجرای سختگیرانه‌تر قوانین» است.

افزایش انواع فشارهای امنیتی و قضایی و افزایش آمار صدور احکام زندان و اعدام، و اجرای بیش از ۱۰۰۰ حکم اعدام طی ماه‌های گذشته در حالیست که مسعود پزشکیان یک سال و چند ماه پیش و در جریان انتخابات ریاست جمهوری وعده‌های زیادی در رابطه با آزادی‌های اجتماعی و کاهش فشارهای امنیتی بر اقشار و اصناف مختلف داده بود.

هشام الصفطاوی از اعضای ارشد سازمان «فتح» پس از آزادی از زندان اسرائیل توسط حماس کشته شد



هشام الصفطاوی

● هشام الصفطاوی از فرماندهان ارشد سازمان فتح و از بنیانگذاران گروه «شاهین‌های الفتح» (صقور الفتح) که در انتفاضه اول و دوم فعال بودند، پس از آزادی از زندان اسرائیل به دست تروریست‌های حماس در خیابان اعدام شد.

● فتح در بیانیه‌ای با محکوم کردن این قتل اعلام کرد: «این جنایت حلقه‌ای از سلسله نقض‌ها، اعدام‌های میدانی و بازداشت‌های خودسرانه است که شبه‌نظامیان حماس علیه مردم ما در غزه انجام می‌دهند، در حالی که فرض بر این است که تلاش‌ها باید برای مقابله با اشغال و بازسازی آنچه جنگ نابود کرده، متحد شوند.»

● خانواده الصفطاوی خواستار اجرای عدالت و محاکمه قاتلان هشام الصفطاوی هستند. گزارش شده تروریست‌های حماس به خانه او در منطقه «نصیرت» هجوم برده و او را به خیابان کشانده و به قتل رساندند.

● پس از اعلام آتش‌بس میان اسرائیل و حماس، این گروه تروریستی کارزار اعدام‌های خیابانی به راه انداخت. محمد نزال از رهبران حماس که ساکن دوحه است در گفتگو با رویترز از این اعدام‌ها دفاع کرده است.

هشام الصفطاوی از فرماندهان ارشد سازمان فتح و از بنیانگذاران گروه «شاهین‌های الفتح» (صقور الفتح) که در انتفاضه اول و دوم فعال بودند، پس از آزادی از زندان اسرائیل به دست تروریست‌های حماس کشته شد.

سازمان فتح ۱۸ اکتبر (۲۶ مهرماه) در بیانیه‌ای با محکوم کردن این اقدام در بیانیه‌ای اعلام کرد «جنایت اخیر حلقه‌ای از زنجیره نقض‌ها، اعدام‌های خیابانی و بازداشت‌های خودسرانه‌ای است که شبه‌نظامیان حماس علیه مردم ما در غزه مرتکب می‌شوند؛ در حالی که باید همه تلاش‌ها برای مقابله با اشغالگری و بازسازی ویرانی‌های جنگ متحد شوند.»

در بخشی از این نوشتار تأکید شده توان نظامی جمهوری اسلامی ایران پس از جنگ ۱۲ روزه همچنان پایین مانده است: سامانه‌های پدافندی آن هنوز بازسازی نشده‌اند، زرادخانه موشکی‌اش کوچک‌تر شده و حزب‌الله لبنان که به عنوان اهرم بازدارندگی رژیم ایران در برابر اسرائیل عمل می‌کرد در هم شکسته است.

در این میان، رسانه‌های غربی از فعالیت در نیروگاه‌های تخریب‌شده شاهرود و پارچین، جایی که سوخت جامد موشکی تولید می‌شد، گزارش داده‌اند. با این حال، جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر تجهیزات لازم برای چنین تولیدی و ویژه میکسرهای صنعتی را ندارد. از آنجا که این تجهیزات نمی‌توانند بطور داخلی تولید شوند، مقامات مجبور به اتکا به احتمال تأمین از چین هستند، اما تا کنون هیچ گزارشی مبنی بر آمادگی پکن برای ارائه این تجهیزات



بازدید علی خامنه‌ای از نمایشگاه موشکی سپاه / آبان ۱۴۰۲

به تهران منتشر نشده است.

با این حال، چین همچنان شریک قابل اعتماد رژیم آیت‌الله‌ها در تجارت باقی مانده و با وجود تحریم‌ها، نفت ایران را خریداری می‌کند. درباره همکاری‌های نظامی- فنی دو کشور اطلاعات کمی در دست است. چین در حال حاضر تنها شریک جمهوری اسلامی ایران است که می‌تواند موشک‌های کافی برای بازسازی توان دفاعی این کشور فراهم کند، زیرا صنعت دفاعی روسیه به دلیل جنگ اوکراین بیشتر به داخل خود معطوف شده است.

گزارش‌هایی نیز از ارسال هواپیماهای رزمی چینی و روسی به ایران منتشر شده. بر اساس گزارش‌های تاییدنشده، ایران ۱۰ فروند از ۴۰ فروند جنگنده J-10 چینی-پاکستانی سفارش داده شده را دریافت کرده است. علاوه بر این، مسکو چند فروند میگ-۲۹ به تهران تحویل داد (با اینکه ایران پیشتر سوخو-۳۵ پیشرفته‌تر را خریداری کرده بود) که احتمالاً به عنوان جایگزینی موقت برای هواپیماهای از دست رفته در جنگ ۱۲ روزه به شمار می‌روند.

انگیزه‌ی یک عملیات احتمالی اسرائیلی- آمریکایی اکنون به علت یک‌دندگی رژیم ایران بیش از هر زمان است که با تضعیف دفاعی جمهوری اسلامی بسیار تسهیل نیز شده است.

اینسایدر در پایان می‌نویسد: «در نهایت، تنها راه دیپلماتیک باقیمانده برای غرب این است که تهران متقاعد شود ایالات متحده و متحدانش آماده سرنگونی حکومت هستند و چین و روسیه نیز در آن شرایط می‌توانند از رژیم ایران حمایت کنند. تنها چنین تهدیدی شاید خامنه‌ای را به میز مذاکره بازگرداند؛ وگرنه همانطور که جنگ اخیر نشان داد، نه دولت ترامپ و نه رهبری اسرائیل تمایلی به مصالحه ندارند، آنهم وقتی که گزینه موشک مؤثرتر به نظر می‌رسد.»

وبسایت اینسایدر: جمهوری اسلامی باید متقاعد شود که آمریکا و متحدانش آماده سرنگونی رژیم‌اند

● وبسایت «اینسایدر» در گزارشی تحلیلی که ۲۱ اکتبر (۱۹ تیرماه) با محور موقعیت سخت جمهوری اسلامی منتشر شد، با اشاره به تهدید مقامات حکومت درباره خروج از NPT و همچنین توقف همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و مخالفت علی خامنه‌ای با مذاکره می‌نویسد که احتمال رویارویی نظامی جدید میان رژیم ایران و اسرائیل و یا آمریکا همچنان نسبتاً بالاست.

● در بخشی از این نوشتار تأکید شده توان نظامی جمهوری اسلامی ایران پس از جنگ ۱۲ روزه همچنان پایین مانده: سامانه‌های پدافندی آن هنوز بازسازی نشده‌اند، زرادخانه موشکی‌اش کوچک‌تر شده و حزب‌الله لبنان که به عنوان اهرم بازدارندگی رژیم ایران در برابر اسرائیل عمل می‌کرد در هم شکسته است.

● انگیزه‌ی یک عملیات احتمالی اسرائیلی- آمریکایی اکنون به علت یک‌دندگی رژیم ایران بیش از هر زمان است که با تضعیف دفاعی جمهوری اسلامی بسیار تسهیل نیز شده است.

وبسایت «اینسایدر» در گزارشی تحلیلی که ۲۱ اکتبر (۱۹ تیرماه) با محور موقعیت سخت جمهوری اسلامی منتشر شد، با اشاره به تهدید مقامات حکومت درباره خروج از NPT و همچنین توقف همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و مخالفت علی خامنه‌ای با مذاکره می‌نویسد که احتمال رویارویی نظامی جدید میان رژیم ایران و اسرائیل و یا آمریکا همچنان نسبتاً بالاست.

میخائیل برودکین نویسنده‌ی گزارش در مقدمه توضیح داد که وزارت خارجه جمهوری اسلامی ۲۶ مهرماه اعلام کرد که توافق اتمی «برجام» منقضی شده و برنامه هسته‌ای کشور دیگر تابع هیچ تعهد خارجی نیست. در مقابل اما غرب نتوانسته استدلال تازه‌ای برای متقاعد کردن تهران به توافق پیدا کند.

به اعتقاد نویسنده، همانگونه که حمله به تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی نشان داد، دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو ترجیح می‌دهند بجای مذاکره طولانی، به یک حمله موشکی سریع متوسل شوند. یکی از راه‌های واداشتن تهران به امتیاز دادن، ممکن است نمایش آمادگی برای انجام حمله‌ای مشابه باشد.

در این مقاله با اشاره به حدود ۴۶ سال تحریم‌های سخت اقتصادی علیه جمهوری اسلامی برای مهار تهدیدات اتمی و موشکی تهران آمده که حکومت هیچ اراده‌ای برای امتیاز دادن در برنامه هسته‌ای نشان نداده و خواست‌های غرب را نادیده گرفته است. در همین حال، مجلس شورای اسلامی همچنان فشار برای خروج از پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای (NPT) را دنبال می‌کند.

خیابان‌های اصلی، میداين، محلات، ارتفاعات شمالی و حتی حاشیه تهران فعال شدند.»
وی در سخنانی تهدیدآمیز اعلام کرد با هر تهدیدی از سوی ضدانقلاب که آرامش را بهم بزند مقابله خواهد شد.
حسن‌زاده گفت: «مأموریت اصلی تیم‌های سازمانیافته بسیج کمک به مردم، یاری‌رسانی به پلیس و کنترل شرایط در معابر و محلات است.»

او در تشریح این طرح عنوان کرد: «در سطح شهر تهران با کمک نیروهای بسیجی در حوزه‌ها، پایگاه‌ها و گردان‌های آن، موفق به اجرای این طرح جامع شدیم که دارای مراحل مختلفی است و برای آینده نیز تمهیدات لازم را اندیشیده‌ایم.»

به گفته این سپاهی، در مقطع فعلی «تعداد این گشت‌ها محدود شده و نسبت به جنگ تحمیلی ۱۲ روزه کاهش یافته است، اما نیروها کاملاً آماده هستند و حضور فعالی دارند.»

حسن‌زاده در بخش دیگری از مصاحبه گفته از مأموریت‌های دیگر سپاه تهران «یاری‌رسانی به نیروی انتظامی و کنترل شرایط در محلات، معابر و نقاط ورودی و خروجی است» و «اقدامات ما از مردم‌یاری و خدمات شهری گرفته تا مقابله سخت با هر گروه مسلحی که بخواهد در تهران کوچکترین ناامنی ایجاد کند را شامل می‌شود.»

این اظهارات در شرایطی مطرح می‌شود که حکومت

نگرانی حکومت از اعتراضات؛ فرمانده سپاه تهران: «گشت‌های ما در محلات، میداین، ارتفاعات تهران و حومه شهر فعال شده‌اند»

● پاسدار حسن حسن‌زاده فرمانده سپاه «محمد رسول‌الله» تهران بزرگ در مصاحبه با وبسایت «دفاع پرس» که ۱۹ مهرماه منتشر شد، گفته است گشت‌های خیابانی از مأموریت‌های اصلی بسیج و سپاه پس از جنگ ۱۲ روزه بود.

● او توضیح داده است: «با توجه به آمادگی‌ها و تمرینات نیروهای ما، در آن دوران مجموعه‌ای از گشت‌های اطلاعاتی، عملیاتی، گشت‌های پیاده، موتور، خودرویی و ترکیبی، و ایست و بازرسی در مکان‌های مختلف همچون



حسن حسن‌زاده

نگران است به دلیل فشارهای اقتصادی و وضعیت بد معیشتی مردم دست به اعتراض بزنند.

اغلب تحلیلگران داخل ایران به حکومت هشدار می‌دهند با فعال شدن مکانیسم ماشه، فشارهای اقتصادی به مردم بیشتر خواهد شد، اما به نظر می‌رسد مقامات رژیم نسخه‌ای برای خروج از بحران ندارند به ویژه آنکه علی خامنه‌ای همچنان با هرگونه مذاکره با دولت دونالد ترامپ مخالفت می‌کند. زمامداران جمهوری اسلامی در این مدت یا مشغول تهدید مردم به سرکوب و بگیر و ببند هستند و یا وعده‌های توهالی می‌دهند که با شرایطی که گرفتارش هستند امکان تحقق آنها را ندارند.

در این میان، دولت مسعود پزشکیان ناتوان از حل بحران‌ها، برنامه‌هایی را برای تبلیغات و افزایش «تاب‌آوری» مردم در مقابل مشکلات راه‌اندازی کرده که محور آن هنرمندان هستند! معلوم نیست چنین اقداماتی قرار است چه چیزی بر سفره مردم بیاورد و یا بار کدام هزینه ثابت مانند اجاره مسکن یا آب و برق را از دوش آنها بردارد!

بزرگراه‌ها، خیابان‌های اصلی، میداين، محلات، ارتفاعات شمالی و حتی حاشیه تهران فعال شدند.»

● حسن‌زاده در بخش دیگری از این مصاحبه گفته از مأموریت‌های دیگر سپاه تهران «یاری‌رسانی به نیروی انتظامی و کنترل شرایط در محلات، معابر و نقاط ورودی و خروجی است» و «اقدامات ما از مردم‌یاری و خدمات شهری گرفته تا مقابله سخت با هر گروه مسلحی که بخواهد در تهران کوچکترین ناامنی ایجاد کند را شامل می‌شود.»

پاسدار حسن حسن‌زاده فرمانده سپاه «محمد رسول‌الله» تهران بزرگ در مصاحبه با وبسایت «دفاع پرس» که ۱۹ مهرماه منتشر شد، گفته است گشت‌های خیابانی از مأموریت‌های اصلی بسیج و سپاه پس از جنگ ۱۲ روزه بود. او توضیح داده است: «با توجه به آمادگی‌ها و تمرینات نیروهای ما، در آن دوران مجموعه‌ای از گشت‌های اطلاعاتی، عملیاتی، گشت‌های پیاده، موتور، خودرویی و ترکیبی، و ایست و بازرسی در مکان‌های مختلف همچون بزرگراه‌ها،

در این بیانیه آمده، حماس «همه خطرات پیش روی مردم ما را نادیده گرفته است تا سلطه امنیتی خود را تثبیت کند و قدرت خود را بر نوار غزه با زور تحمیل نماید.»
فتح افزود که «این جنایت حلقه‌ای از سلسله نقض‌ها، اعدام‌های میدانی و بازداشت‌های خودسرانه است که شبه‌نظامیان حماس علیه مردم ما در غزه انجام می‌دهند، در حالی که فرض بر این است که تلاش‌ها باید برای مقابله با اشغال و بازسازی آنچه جنگ نابود کرده، متحد شوند.»

فتح تصریح کرد که اقدامات حماس «ادامه‌ای عملی از نقشه‌های اشغالگر برای فروپاشی جامعه فلسطینی و ضربه زدن به بافت ملی آن است». این سازمان اشاره کرد که «جنبشی که از زمان کودتای سپاه خود در سال ۲۰۰۷ غزه را با آهن و آتش اداره می‌کند، هنوز همان مسیر را ادامه می‌دهد و از زور، رعب و وحشت و سلاح برای تحت سلطه قرار دادن مردم و خاموش کردن هر صدای آزاد که با ظلم و تقسیم مخالفت می‌کند، استفاده می‌کند.»

خانواده الصفاوی خواستار اجرای عدالت و محاکمه قاتلان هشام الصفاوی هستند. گزارش شده تروریست‌های حماس به خانه او در منطقه «نصیرت» در نوار غزه هجوم برده و او را به خیابان کشانده و به قتل رساندند.

فتح تأکید کرد که «سکوت در برابر این جنایات به معنای مشارکت در پاک کردن حقیقت و طولانی‌تر کردن عمر تقسیم فلسطین است و وظیفه همه نیروهای ملی و اجتماعی این است که در برابر این رویکرد تاریک که با ارزش‌های مبارزه ملی فلسطین در تضاد است و تصویر مقاومت عادلانه ما را در جهان مخدوش می‌کند، بایستند.»

جنبش فتح همچنین از رهبری حماس خواست «مسئولیت‌های ملی و اخلاقی خود را بپذیرند و موضع واضحی در قبال این جنایاتی که شاخه‌های مسلح آنها علیه مردم ما مرتکب می‌شوند، اعلام کنند و وابستگی‌های منطقه‌ای خود را که در خدمت پروژه‌هایی قرار می‌دهند که هیچ ارتباطی با مسئله فلسطین و منافع مردم ما ندارند، متوقف سازند.»

پس از اعلام آتش‌بس میان اسرائیل و حماس، این گروه تروریستی کارزار اعدام‌های خیابانی به راه انداخت. محمد نزال از رهبران حماس که ساکن دوحه است در گفتگو با رویترز از این اعدام‌ها دفاع کرده است.

واکنش آمریکا به اعدام‌های حماس در غزه

وزارت خارجه آمریکا در واکنش به اعدام‌ها در غزه به کشورهای ضامن آتش‌بس شامل مصر، ترکیه و قطر اعلام کرد «گزارش‌های موثق» را از قصد احتمالی حماس برای نقض توافق آتش‌بس غزه و حمله این گروه به غیرنظامیان فلسطینی به کشورهای ضامن این توافق اطلاع داده است.

این بیانیه افزود: «حمله برنامه‌ریزی‌شده حماس علیه غیرنظامیان فلسطینی، نقضی مستقیم و جدی توافق آتش‌بس محسوب می‌شود و پیشرفت‌های چشمگیر حاصل از تلاش‌های میانجی‌گرانه را تضعیف می‌کند. کشورهای ضامن از حماس می‌خواهند به تعهدات خود بر اساس مفاد آتش‌بس پایبند بمانند.»

وزارت خارجه آمریکا تأکید کرد اگر حماس به چنین حملاتی ادامه دهد، برای حفاظت از مردم غزه و حفظ تمامیت آتش‌بس تدابیری صورت خواهد گرفت.

وزارت خارجه آمریکا بر تعهد قاطع واشنگتن و دیگر کشورهای ضامن توافق برای تضمین امنیت غیرنظامیان، حفظ آرامش در منطقه و پیشبرد صلح و رفاه برای مردم غزه و کل منطقه تأکید کرد.

بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل روز جمعه اعلام کرد که جنگ غزه پس از پایان مرحله دوم آتش‌بس، از جمله خلع سلاح حماس، به پایان خواهد رسید.

هشدار دبیرکل سازمان ملل: موج تازه اعدام‌ها، شکنجه و سرکوب‌ها در ایران نگران‌کننده است



اعدام محکوم شده بودند، به چوبه دار سپرده شدند. برخی از زندانیان امنیتی مانند امیرحسین موسوی که آذرماه سال گذشته و در پی فعالیت در فضای مجازی بازداشت شده بود با اتهامات جدیدی مرتبط به «ارتباط» و «همکاری» با اسرائیل روبرو شدند.

همچنین سسیل کوهرل و ژاک پاریس دو آموزگار فرانسوی که بهار ۱۴۰۱ با اتهامات امنیتی از جمله «اقدام علیه امنیت ملی» به همراه شماری از فعالان صنفی در ایران بازداشت شده بودند، در پرونده‌سازی جدید نهادهای امنیتی به «جاسوسی برای اسرائیل» متهم و به حبس طولانی محکوم شدند. از سوی دیگر بستن فضای اجتماعی نیز با بازگشت ون‌های گشت ارشاد اسلامی و مأموران سرکوب به خیابان‌ها، پلمب گسترده واحدهای صنفی، از کافه و رستوران تا باشگاه‌های ورزشی و گالری‌ها، به بهانه «رعایت نکردن شئونات اسلامی» در دستور کار حکومت قرار دارد.

جمهوری اسلامی اجرای احکام اعدام را نیز سرعت بخشیده است. اجرای پرسرعت احکام اعدام در هفته‌های گذشته سبب اعتصاب غذای دستجمعی بیش از ۱۰۰۰ زندانی در زندان قزلحصار شد. تداوم یک هفته‌ای این اعتصاب غذا سبب عقب‌نشینی مقامات قضایی جمهوری شد. مقامات قضایی با وعده تعلیق شش ماهه اجرای احکام اعدام در این زندان، و بازیابی پرونده‌هایی که احکام اعدام متهمان در آن قطعی شده توانستند زندانیان را راضی به پایان اعتصاب غذا کنند.

خبرگزاری «هرانا» گزارش داده که از ۱۰ اکتبر ۲۰۲۴ تا ۸ اکتبر ۲۰۲۵، حکم اعدام ۱۵۳۷ نفر توسط قوه قضاییه جمهوری اسلامی به اجرا درآمده که از این تعداد ۸ نفر در ملاء عام اعدام شدند.

«هرانا» گزارش داده از میان این قربانیان اعدام که هویت‌شان احراز شده، جنسیت ۴۹ تن از اعدام‌شدگان زن بوده و همچنین سن ۳ تن از اعدام‌شدگان در زمان

اعدام مجاهد کورکور اشاره شده و آمده است که روند دادرسی در این پرونده‌ها ناقص بوده و متهمان ناچار به اعتراف اجباری تحت شکنجه شده‌اند.

این گزارش همچنین دستور اخیر غلامحسین محسنی اژهای رئیس قوه قضاییه برای سرعت بخشیدن به رسیدگی به پرونده‌های جاسوسی و امنیتی پس از جنگ ۱۲ روزه اسرائیل و جمهوری اسلامی را سبب افزایش خطر بازداشت‌های خودسرانه، محاکمات ناعادلانه و حتی اعدام‌های شتابزده دانسته است.

در این گزارش «لایحه تشدید مجازات جاسوسان و همکاری‌کنندگان با کشورهای متخاصم» نیز تهدیدی جدی برای آزادی بیان و دسترسی به اینترنت ارزیابی شده است. در گزارش دبیرکل سازمان ملل صدور احکام اعدام، شلاق، قطع عضو و شکنجه متهمان در جمهوری اسلامی «مایه نگرانی» خوانده شده و تأکید شده است که پس از جنگ ۱۲ روزه جمهوری اسلامی و اسرائیل، سرکوب شهروندان و زندانیان تشدید شده است.

این گزارش از جمهوری اسلامی خواسته همه اعدام‌ها را متوقف کند، زندانیان سیاسی و بازداشت‌شدگان خودسرانه را آزاد کند، به شکنجه پایان دهد و به کنوانسیون منع شکنجه بپیوندد. از سوی دیگر از حکومت خواسته شده که سرکوب زنان به بهانه حجاب و تشدید سرکوب‌های اجتماعی را متوقف کرده و قوانین تبعیض‌آمیز علیه زنان را لغو کند.

همانطور که در گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد تأکید شده شمار اعدام‌ها و انواع دیگر سرکوب در ایران پس از جنگ ۱۲ روزه جمهوری اسلامی و اسرائیل افزایش پیدا کرده است.

در هفته‌های گذشته موج جدیدی از بازداشت و تشکیل پرونده قضایی و محاکمه و صدور احکام اعدام و زندان علیه شهروندان به بهانه «همکاری» و «جاسوسی» برای اسرائیل آغاز شد. همزمان برخی از متهمانی که پیشتر بازداشت شده و به اتهامات امنیتی از جمله «جاسوسی برای اسرائیل» به

● آنتونیو گوترش دبیرکل سازمان ملل متحد در گزارش جدیدی نسبت به گسترش موج تازه اعدام، شکنجه و سرکوب در ایران، و همچنین دستور رئیس قوه قضاییه برای سرعت دادن به پرونده‌های مرتبط با «جاسوسی برای اسرائیل» هشدار داده است.

● بر اساس این گزارش، در نیمه نخست سال ۲۰۲۵ دست‌کم ۶۱۲ نفر در ایران اعدام شده‌اند که نشان می‌دهد اعدام‌ها در این بازه زمانی نسبت به مدت مشابه سال گذشته با افزایش ۱۱۹ درصدی روبرو شده است.

● این گزارش افزوده مقامات جمهوری اسلامی بی‌اعتنا به توصیه‌های بین‌المللی برای توقف مجازات اعدام و محدود کردن جرائم مستوجب مرگ، روند صدور حکم اعدام را برای جرایمی مانند جرائم مواد مخدر یا جنسی که منجر به مرگ مستقیم [قتل] می‌شوند و توجیهی ندارند افزایش داده‌اند.

● در هفته‌های گذشته موج جدیدی از بازداشت و تشکیل پرونده قضایی و محاکمه و صدور احکام اعدام و زندان علیه شهروندان به بهانه «همکاری» و «جاسوسی» برای اسرائیل آغاز شد. همزمان برخی از متهمانی که پیشتر بازداشت شده و به اتهامات امنیتی از جمله «جاسوسی برای اسرائیل» به اعدام محکوم شده بودند، به چوبه دار سپرده شدند.

● همچنین سسیل کوهرل و ژاک پاریس دو آموزگار فرانسوی که بهار ۱۴۰۱ با اتهامات امنیتی از جمله «اقدام علیه امنیت ملی» به همراه شماری از فعالان صنفی در ایران بازداشت شده بودند، در پرونده‌سازی جدید نهادهای امنیتی به «جاسوسی برای اسرائیل» متهم و به حبس طولانی محکوم شدند.

● بستن فضای اجتماعی نیز با بازگشت ون‌های گشت ارشاد اسلامی و مأموران سرکوب به خیابان‌ها، و پلمب گسترده واحدهای صنفی، از کافه و رستوران تا باشگاه‌های ورزشی و گالری‌ها، به بهانه «رعایت نکردن شئونات اسلامی» در دستور کار حکومت قرار دارد.

آنتونیو گوترش دبیرکل سازمان ملل متحد در گزارش جدیدی نسبت به گسترش موج تازه اعدام، شکنجه و سرکوب در ایران، و همچنین دستور رئیس قوه قضاییه برای سرعت دادن به پرونده‌های مرتبط با «جاسوسی برای اسرائیل» هشدار داده است.

در گزارش جدید دبیرکل سازمان ملل متحد درباره حقوق بشر در ایران به افزایش آمار اعدام اشاره شده و آمده در نیمه نخست سال ۲۰۲۵ دست‌کم ۶۱۲ نفر در ایران اعدام شده‌اند که نشان می‌دهد اعدام‌ها در این بازه زمانی نسبت به مدت مشابه سال گذشته با افزایش ۱۱۹ درصدی روبرو شده است.

این گزارش افزوده مقامات جمهوری اسلامی بی‌اعتنا به توصیه‌های بین‌المللی برای توقف مجازات اعدام و محدود کردن جرائم مستوجب مرگ، روند صدور حکم اعدام را برای جرایمی مانند جرائم مواد مخدر یا جنسی که منجر به مرگ مستقیم [قتل] می‌شوند و توجیهی ندارند، افزایش داده‌اند. در بخشی از این گزارش به صدور و اجرای حکم اعدام علیه بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری سال ۱۴۰۱ از جمله

واکنش‌ها به ابلاغ قانون CFT به دستگاه‌های اجرایی؛ عباس آخوندی: «در غیاب دولت ملی کاغذپاره‌ای بیش نیست»



مسعود پزشکیان در نشست هیات دولت

است.

آخوندی در ادامه نوشت: «از نظر من همه‌ی سرگردانی معلول بی‌دولتی بوده و هست و اکنون هم که تصویب شده‌است در غیاب وجود دولت ملی کاغذپاره‌ای بیش نیست. این مصوبات که در جای خود بسیار ارجمندند در ناکجاآباد چه ارزشی دارند؟ آیا زمان آن نرسیده است که بازگشت به ایده‌ی ایران و تأسیس دولت ملی مدرن در دستور کار سیاست‌مداران ایران قرار گیرد؟»

استقبال روسیه از ابلاغ سی‌اف‌تی به دستگاه‌های اجرایی
میخائیل اولیانوف نماینده دائم روسیه نزد سازمان‌های بین‌المللی در وین با انتشار پیامی در «ایکس» از ابلاغ سی‌اف‌تی استقبال کرد و نوشت: «ایران حتی پس از تجاوز وحشیانه آمریکا و اسرائیل، همچنان رویکردی بسیار مسئولانه در قبال مسائل بسیار حساس از خود نشان می‌دهد.»

روزنامه کیهان چاپ تهران نهم مهرماه ۱۴۰۴ در انتقاد به تصویب سی‌اف‌تی در مجلس، بدون آنکه در نظر بگیرد نهادهای مربوطه بدون چراغ سبز علی‌خامنه‌ای تصمیم نمی‌گیرند، نوشت پیوست به کنوانسیون «حاج قاسم» و «مدافعان وطن» را تروریست می‌داند تکرار تجربه تلخ «برجام» و مکانیسم ماشه است. آن زمان که کیهان این پیش‌بینی را کرده بود، مکانیسم ماشه فعال نشده بود.

اکنون نیست شماری از منتقدان این لوایح می‌گویند ابلاغ آن به دستگاه‌های اجرایی روزه‌های نظارت بین‌المللی به مسیرهای مالی فروش قاچاقی نفت ایران، شبکه‌های مالی و تجاری مرتبط با آن و مسیرهای پولشویی لو می‌روند. برخی دیگر عنوان می‌کردند اگر این لوایح پذیرفته شود «در عمل نمی‌توانیم از گروه‌های مقاومت حمایت کنیم و هرگونه تراکشن مالی مرتبط با آنها بهانه‌ای برای تحریم بیشتر خواهد شد.»

بین‌المللی مقابله با تأمین مالی تروریسم را که ۱۹ آذرماه ۱۴۰۳ در مجلس شورای اسلامی تصویب شد، ابلاغ کرد. برخی از عوامل حکومت، از سال‌ها پیش پیوستن جمهوری اسلامی به CFT را اشتباه و عقب‌نشینی در مقابل فشارهای غرب می‌خواندند. در همین ارتباط میثم ظهوریان عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی می‌گوید بررسی متن ابلاغ شده از سوی پزشکیان نشان می‌دهد، مجمع تشخیص مصلحت نظام مهم‌ترین شرط مصوبه مجلس وقت که تصویب CFT را منوط به خروج جمهوری اسلامی ایران از لیست سیاه FATF می‌کرد، در مصوبه نهایی حذف کرده است.

قبلاً مطرح شده بود که تصویب CFT تقابل با نظر علی‌خامنه‌ای است زیرا تأمین مالی سپاه پاسداران و کمک به گروه‌هایی از جمله حزب‌الله، حماس، حشدالشعبی و حوثی‌ها را دشوار می‌کند.

اواخر فروردین‌ماه ۱۴۰۴ حدود ۱۵۰ نماینده مجلس در نامه‌ای به صادق اردشیر لاریجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام خواستار عدم تصویب لوایح پالرمو و سی‌اف‌تی تا زمان رفع کامل تهدید فعال ساختن مکانیسم ماشه شده بودند.

از سوی دیگر موافقان پیوستن جمهوری اسلامی به این کنوانسیون مطرح می‌کنند که این اقدام دیر انجام شد.

آخوندی: کاغذپاره‌ای بیش نیست

عباس آخوندی وزیر پیشین راه و شهرسازی که در گذشته از موافقات پیوستن جمهوری اسلامی به این کنوانسیون بود، پس از ابلاغ آن در «ایکس» نوشت: «نهایتاً CFT به تصویب مجمع رسید و از سوی رئیس مجلس ابلاغ شد ولی زمانی که ۱۰ سال از امضای برجام گذشته است و هفت سال این مصوبه در مجلس و مجمع سرگردان بوده است و بهترین فرصت‌ها از این ملت با سخنانی پوچ و مهممل ستانده شده

● قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به معاهده کنوانسیون بین‌المللی مقابله با تأمین مالی تروریسم (CFT) از سوی مسعود پزشکیان رئیس دولت جمهوری اسلامی به دستگاه‌های اجرایی مرتبط ابلاغ شد.

● میثم ظهوریان عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی می‌گوید بررسی متن ابلاغ شده از سوی پزشکیان نشان می‌دهد، مجمع تشخیص مصلحت نظام مهم‌ترین شرط مصوبه مجلس وقت که تصویب CFT را منوط به خروج جمهوری اسلامی ایران از لیست سیاه FATF می‌کرد، در مصوبه نهایی حذف کرده است.

● عباس آخوندی وزیر پیشین راه و شهرسازی که در گذشته از موافقات پیوستن جمهوری اسلامی به این کنوانسیون بود، پس از ابلاغ آن در «ایکس» نوشت: «زمانی که ۱۰ سال از امضای برجام گذشته و بهترین فرصت‌ها از این ملت با سخنانی پوچ و مهممل ستانده شده اکنون تصویب CFT در غیاب وجود دولت ملی کاغذپاره‌ای بیش نیست.»

● روزنامه کیهان چاپ تهران نهم مهرماه ۱۴۰۴ در انتقاد به تصویب سی‌اف‌تی در مجلس، بدون آنکه در نظر بگیرد نهادهای مربوطه بدون چراغ سبز علی‌خامنه‌ای تصمیم نمی‌گیرند، نوشت پیوست به کنوانسیون «حاج قاسم» و «مدافعان وطن» را تروریست می‌داند تکرار تجربه تلخ «برجام» و مکانیسم ماشه است.

قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به معاهده کنوانسیون بین‌المللی مقابله با تأمین مالی تروریسم (CFT) از سوی مسعود پزشکیان رئیس دولت جمهوری اسلامی به دستگاه‌های اجرایی مرتبط ابلاغ شد.

پزشکیان در نامه‌ای به تاریخ ۲۹ مهرماه به به قوه قضائیه، وزارت کشور، وزارت اطلاعات، وزارت دادگستری، وزارت امور خارجه، وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی، قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به معاهده کنوانسیون

→ ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال بوده است.

در آمار دیگری، سازمان حقوق بشر ایران ۱۸ مهرماه در گزارشی به مناسبت «روز جهانی مبارزه با مجازات اعدام» اعلام کرد جمهوری اسلامی از ابتدای سال جاری میلادی تا کنون دست‌کم ۱۱۰۵ نفر را اعدام کرده است.

سازمان عفو بین‌الملل نیز با اعلام اینکه طی ۱۰ ماه گذشته و از ابتدای سال ۲۰۲۵ تاکنون بیش از هزار اعدام در ایران گزارش شده است، خواستار توقف فوری اعدام‌ها شد.

سازمان عفو بین‌الملل افزوده که صدور اکثر احکام اعدام «پس از دادگاه‌های ناعادلانه I و با هدف «ایجاد رعب، سرکوب اعتراض‌ها و مجازات معتزضان» صورت می‌گیرد.

حسین بائومی معاون بخش خاورمیانه و شمال آفریقای سازمان عفو بین‌الملل پنجشنبه ۲۴ مهرماه ۱۴۰۴ خواستار آن شد که «کشورهای عضو سازمان ملل باید با فوریت به مقابله با موج شوک‌آور اعدام‌ها در ایران برخیزند.»

معاون بخش خاورمیانه و شمال آفریقای سازمان عفو بین‌الملل تأکید کرده «اعدام‌ها به سطحی رسیده‌اند که از سال ۱۹۸۹ [دهه شصت و اعدام‌های سال ۶۷] سابقه نداشته است.»

رئیس جمهور پیشین فرانسه راهی زندان شد



نیکلای سرکوزی و همسرش کارلا برونو در راه زندان / ۲۱ اکتبر ۲۰۲۵ / رویترز

زندان لا سانت

سارکوزی پیش از زندانی شدن به روزنامه «فیگارو» گفت که انتظار دارد در حبس انفرادی نگه داشته شود زیرا به دلایل امنیتی از سایر زندانیان جدا خواهد بود. احتمال دیگر این است که او در بخش زندانیان «آسیب‌پذیر» که به طور غیررسمی بخش «وی آی پی» (افراد مهم و شناخته شده) نامیده می‌شود، نگه داشته شود.

در این بخش از زندان، سارکوزی می‌تواند یک اتاق اختصاصی در یکی از ۱۸ سلول یکسان به مساحت ۹ مترمربع داشته باشد که در بخشی جدا از سایر زندانیان عمومی قرار دارد.

زندان پیشین لا سانته تجربیات خود و آنچه را که رئیس جمهور پیشین ممکن است با آن مواجه شود، توصیف کرده‌اند. این زندان که در سال ۱۸۶۷ افتتاح شد، در سال‌های اخیر بطور کامل بازسازی شده است.

پیر بوتون، تاجر و نویسنده‌ای که بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۲ به دلیل اختلاس از اموال یک سازمان خبریه در بخش آسیب‌پذیر زندان لا سانته زندانی شده بود، می‌گوید: «این، نیکولا سارکوزی، رئیس جمهور نیست که می‌آید. بلکه مردی است که مثل بقیه زندگیش را خواهد گذراند.»

بوتون که می‌گوید ده‌ها سال است که سارکوزی را می‌شناسد و ابراز تردید کرد که رئیس جمهور پیشین در زندان از امتیازات ویژه زیادی برخوردار شود. او همچنین افزود: «شما رئیس جمهور هم که باشید، بسیار ثروتمند هم باشید، این شما نیستید که چیزی را تعیین می‌کنید.»

رئیس جمهور پیشین هرگونه تخلف را انکار کرده و علیه تصمیم قضایی مبنی بر زندانی شدنش تا زمان رسیدگی به تجدید نظر، اعتراض کرده است.

سارکوزی به روزنامه فرانسوی «لاتریبون دو دیمانش» گفت: «من از زندان نمی‌ترسم. با برلندی، حتی پشت میله‌های لا سانت، مقاومت خواهم کرد. تا آخر مبارزه می‌کنم.»

● نیکولا سارکوزی رئیس جمهور پیشین فرانسه که به پنج سال حبس محکوم شده، روز سه شنبه ۲۱ اکتبر (۲۹ مهر) برای گذراندن دوران محکومیت خود به زندان رفت. او نخستین فرد دارای پیشینه ریاست جمهوری در فرانسه است که به زندان می‌رود.

اجرای حکم پنجساله سارکوزی در زندان «لا سانت» پاریس آغاز شد. این حکم در پیوند با جرم او مبنی بر توطئه و استفاده از پول معمر قذافی رئیس جمهور پیشین لیبی برای تأمین مالی کارزار انتخاباتی‌اش در سال ۲۰۰۷ است.

نیکولا سارکوزی رئیس جمهور فرانسه بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲ همواره بر بی‌گناهی خود تأکید کرده است، اما به هر حال حکم خود را در زندانی تحمل خواهد کرد که از قرن نوزدهم تا کنون میزبان برخی از زندانیان سرشناس بوده است. از جمله این زندانیان کاپیتان آلفرد دریفوس بود که به اشتباه به جرم خیانت محکوم شد زیرا یهودی بود؛ و همچنین مجرم ونزوئلایی معروف به «کارلوس شغال» که چندین حمله تروریستی در خاک فرانسه انجام داد.

در حکمی بی‌سابقه در ماه گذشته، قاضی پاریس اعلام کرد که به دلیل «جدی بودن اخلاص در نظم عمومی که این جرم ایجاد کرده است»، بدون انتظار برای رسیدگی به تجدید نظر، باید حکم زندانی شدن سارکوزی اجرا شود.

طبق این حکم، رئیس جمهور پیشین فرانسه تنها زمانی می‌تواند درخواست آزادی مشروط خود را به دادگاه تجدید نظر ارائه کند که در پشت میله‌های زندان باشد و قضات تا دو ماه فرصت خواهند داشت تا درخواست را بررسی کنند. دفتر دادستان مالی کشور روز دوشنبه گذشته جزئیات بازداشت سارکوزی را به او اطلاع داد، اما این جزئیات عمومی نشده است. ژرالد دارمانن وزیر دادگستری تأیید کرد که سارکوزی روز سه‌شنبه این هفته وارد زندان «لا سانت» خواهد شد و خودش شخصاً از او بازدید خواهد کرد تا اطمینان حاصل شود که شرایط امنیتی رعایت می‌شود.

این روزنامه گزارش داد که سارکوزی ساک زندان خود را آماده کرده و لباس‌ها و ۱۰ عکس خانوادگی که اجازه دارد همراه ببرد، در آن قرار داده است.

سارکوزی همچنین به روزنامه «لو فیگارو» گفت که سه کتاب همراه خواهد داشت (حداکثر مجاز)، از جمله «کنت مونت کریستو» در دو جلد و زندگینامه عیسی مسیح. گفتنی است که قهرمان «کنت مونت کریستو» اثر نویسنده فرانسوی، الکساندر دوما، از زندانی در جزیره‌ای که ۱۴ سال در آن بسر برده بود فرار می‌کند و سپس به دنبال انتقام می‌رود.

لویی، یکی از پسران سارکوزی، سه‌شنبه صبح در محله لوکس پاریس که پدرش همراه همسرش کارلا برونو-سارکوزی در آن زندگی می‌کند، تجمعی حمایتی از پدرش برگزار کرد. کارلا برونو، سوپرمدل سابق و خواننده کنونی، از زمان محکومیت سارکوزی عکس‌های فرزندان او و آهنگ‌هایی به یاد او در شبکه‌های اجتماعی خود منتشر کرده است.

پیشتر دادگاه پاریس نیکلای سارکوزی را در این پرونده فقط برای اتهام «نقش‌آفرینی در باند تبهکاری» مقصر شناخت و او را از سه اتهام دیگر از جمله دریافت رشوه و تأمین مالی غیرقانونی و پنهانکاری در اختلاس از اموال عمومی تبرئه کرده بود.

دادستان سارکوزی را متهم کرد که به معمر قذافی وعده داده بود که در برابر دریافت حمایت مالی، به او کمک کند تا وجهه‌اش را در کشورهای غربی بهتر کند.

رئیس جمهوری پیشین فرانسه که اینک ۷۰ ساله است دلیل تشکیل این پرونده را انگیزه سیاسی دانسته است.

این دادگاه همچنین کلود گانت و بریس هورتفو، دو تن از وزرای پیشین کابینه آقای سارکوزی را به اتهام ارتباط مجرمانه، گناهکار شناخته است. کلود و هورتفو که از نزدیک ترین همکاران سارکوزی بودند به ترتیب به شش سال و دو سال زندان محکوم شدند.

مجنوب کرد. حرفه من در همانجا زاده شد. من این حرفه را به دلیل سودمندی اجتماعی‌اش، میل به گوش دادن به سخنان یکدیگر و کوشش برای بیان آنچه حقیقت قضایی می‌توان نامید، انتخاب کردم.

محدودیت را نباید از نظر دور داشت. نخست اینکه هدف از انتقاد نباید بی‌اعتبار کردن حکم دادگاه و بدنام کردن قاضی باشد. بدنام کردن قاضی به حاکمیت قانون آسیب می‌زند. اصل آزادی بیان این اجازه را نمی‌دهد که قاضی



پیمان قلعه مرزبان

پیمان قلعه مرزبان هر جا در مقام قاضی کار کرده، تحسین همگان را برانگیخته است. در دادگاه «بوبینی» که پنج سال ریاست آن را بر عهده داشت، او را دادگری با اخلاق کاری فوق‌العاده توصیف می‌کردند. زیرا همیشه و در هر زمانی آماده بود جامه قضاوت بپوشد و داد بستاند. همگان او را دادگری دقیق و دلسوز می‌دانند. عدالتخواهی او زبازد خاص و عام است. تعهد او به دفاع از عدالت زمانی که احساس می‌کند به ناحق زیر حمله قرار گرفته، سستی ناپذیر است.

پس از محکوم شدن سارکوزی در دادگاه کیفری پاریس، هنگامی که کارزارهای ننگین بر ضد نهاد قضایی فرانسه به راه افتاد، پیمان قلعه مرزبان در مصاحبه‌ای با روزنامه‌نگاران گفت: کشور ما در شرایط بسیار حساسی قرار گرفته است. نهاد قضایی کشور را گروهی زیر حمله گرفته‌اند. حاکمیت قانون را نهاد قضایی برقرار می‌کند. وظیفه من در مقام رئیس دادگاه کیفری پاریس این است که شرایط بی‌طرفانه‌ای را که قضات در آن تصمیم می‌گیرند، تضمین کنم و از آنان محافظت کنم و نیز توضیح دهم که تصمیمات قضات، سرانجام اجرای قانون است.

او افزود: «وظیفه دارم بگویم که قضات تا چه اندازه با وسواس و دقت برای به انجام رساندن مأموریت‌های خود کار می‌کنند. ما می‌توانیم به تصمیم دادگاه خرده بگیریم، اما نمی‌توانیم در اعتبار دستگاه قضایی کشور تردید کنیم.»

تابستان امسال، پیمان قلعه مرزبان که به تازگی به این سمت برگزیده شده بود، به رشیده داتی وزیر فرهنگ و وزیر پیشین دادگستری، یادآوری کرد که حق ندارد به قضاتی که او را به جرم فساد و اعمال نفوذ روانه دادگاه کیفری کرده‌اند، حمله کند.

با چنین قاضی‌با وجدانی در رأس دادگاه کیفری پاریس، کم نیستند کسانی که اکنون به خود می‌لرزند.

دادگاه را به مرگ تهدید کنند. این دومین بار در یک سال گذشته است که یک قاضی را به مرگ تهدید می‌کنند. بار اول زمانی بود که رهبر حزب «اجتماع ملی» (حزب راست افراطی) به جرم اختلاس مالی در پرونده دستیاران پارلمانی آن حزب در پارلمان اروپا محکوم شد. واکنش‌هایی از این دست، شهروندان فرانسوی را نگران می‌کند.

به گفته رئیس دادگاه قضایی پاریس، ما باید درباره حکم دادگاه به آموزش مردم بپردازیم. نیکلای سارکوزی به جرم تبهکاری محکوم شده است. به گفته هیأت قضات، کیفر چنین جرمی ۱۰ سال زندان است، اما دادگاه حکم پنج سال زندان را صادر می‌کند، زیرا سندی در دست ندارد که نشان دهد میان سارکوزی و قذافی «پیمان فساد» بسته شده است. با این حال، جرم تبهکاری سارکوزی بی‌چون و چرا و مسلم است. و چون این جرم بسیار سنگین است، برای تضمین کارایی کیفر، دادگاه حکم جلب صادر کرد. حکم جلب این ضرورت را ایجاد کرد که به سارکوزی پس از صدور حکم در دادگاه، دستبند بزنند. اینکه دادگاه حکم جلب را به تعویق انداخته، به سبب آن است که وضعیت حرفه‌ای سارکوزی را در نظر گرفته است.

واما رئیس دادگاه قضایی پاریس کیست؟ او یک فرانسوی ایرانی‌تبار است. نام کامل او «پیمان قلعه مرزبان» است. در سال ۱۹۷۰ در فرانسه به دنیا آمد و ملیت فرانسوی دارد. این قاضی ۵۵ ساله، پیش از آنکه به ریاست «دادگاه کیفری پاریس» برگزیده شود، رئیس دادگاه «بوبینی» شهری در نزدیکی پاریس بود. او را مظهر موفقیت جمهوری یا حاکمیت ملت در فرانسه می‌دانند.

پیمان قلعه مرزبان می‌گوید: نخستین بار که گذارم به دادگاه پاریس افتاد، تنها پانزده سال داشتم. نوجوانی کنجکاو بودم و برای شرکت در یک جلسه دادرسی فوری به دادگاه رفته بودم. انسانیت حاکم بر دادگاه مرا

فرهیخته‌ای فرانسوی از تبار ایرانی، به مقامی والا در دستگاه قضایی فرانسه دست یافته است

● این قاضی ۵۵ ساله مظهر موفقیت جمهوری یا حاکمیت ملت در فرانسه به شمار می‌رود.

روز سه‌شنبه ۲۱ اکتبر نیکلا سارکوزی رئیس جمهور پیشین فرانسه، در زندان «لا سائته» پاریس زندانی شد. او به جرم زد و بند تبهکارانه در پرونده جنایی انتقال پول از لیبی به فرانسه برای تأمین مالی کارزارهای انتخاباتی‌اش در سال ۲۰۰۷ به پنج سال زندان با «قرار بازداشت موقت با حکم تعلیقی» محکوم شده است.

پس از صدور حکم محکومیت سارکوزی روز پنجشنبه ۲۵ سپتامبر، هواداران او در شبکه‌های اجتماعی بی‌درنگ کارزاری بر ضد رئیس دادگاه کیفری پاریس به راه انداختند و حتی او را به مرگ تهدید کردند چنانکه روز جمعه ۲۶ سپتامبر دفتر دادستانی پاریس برای یافتن عاملان این «پیام‌های تهدیدآمیز» دو پروندهٔ تجسسی گشود.

محکومیت نیکلا سارکوزی بهانه‌ای به دست هواداران او به ویژه کنشگران راست افراطی داد تا افکار عمومی را نسبت به دستگاه قضایی فرانسه بدبین کنند. بی‌آنکه این حقیقت را در نظر بگیرند که حکم ۴۰۰ صفحه‌ای دادگاه کیفری پاریس که دلایل محکومیت او را یک به یک توضیح داده، نتیجه نهایی چهارده سال تحقیق و بیش از ده سال دادرسی است.

به دنبال جار و جنجالی که پس از محکومیت سارکوزی به راه افتاد، روز دوشنبه ۲۹ سپتامبر رئیس دادگاه قضایی پاریس در گفتگو با رادیو «فرانس آنتر» به دفاع از قاضی تهدید شده پرداخت و گفت: حکمی که دادگاه کیفری پاریس علیه نیکلا سارکوزی صادر کرده، حکمی نیست که تنها یک قاضی صادر کرده باشد، بلکه حکمی است که سه قاضی محاکمه‌کننده پس از بحث‌های طولانی و تبادل نظر صادر کرده‌اند.

گفتنی است که حتی وکلای نیکلا سارکوزی نیز از کیفیت بحث‌ها بسیار راضی بودند و آن را می‌ستودند. گفته شده است حکم دادگاه به حاکمیت قانون آسیب زده است. در حالی که تهدید قاضی است که به حاکمیت قانون آسیب می‌زند. در یک نظام دموکراتیک چنین تهدیدهایی پذیرفتنی نیستند.

به گفته قاضی دادگاه پاریس، در دموکراسی بر پایه اصل آزادی بیان انتقاد از تصمیم دادگاه مجاز است. اما دو

انحلال «بانک آینده» پس از تهدید علنی علیه رئیس بانک مرکزی توسط رئیس قوه قضائیه



اینهمه در حالیست که بر اساس دستورالعمل قوه قضائیه در اینباره، تمامی تعهدات و سپرده‌های مشتریان «بانک آینده» بطور کامل توسط بانک ملی تضمین خواهد شد و هیچ نگرانی بابت خدمات بانکی و سپرده‌های مشتریان این بانک خصوصی وجود ندارد.

همچنین اعلام شده از تاریخ سوم آبان‌ماه، افتتاح حساب جدید یا اعطای تسهیلات تحت نام «بانک آینده» متوقف می‌شود و تمامی فرآیندهای جدید بانکی تنها با نام و اعتبار بانک ملی انجام خواهد شد. در بخش دارایی‌ها و اموال «بانک آینده» نیز مقرر شده تصمیم‌گیری طبق قوانین بانک مرکزی و با مشارکت صندوق ضمانت سپرده‌ها انجام شود تا ساماندهی کامل ساختار مالی بانک در مسیر قانونی و شفاف صورت گیرد.

«بانک آینده» یکی از بانک‌های خصوصی در ایران است که در سال ۱۳۹۱ از ادغام «بانک تات»، «مؤسسه اعتباری صالحین» و «مؤسسه اعتباری آتی» و «پذیره‌نویسان جدید» آغاز به کار کرد و به سرعت به یکی از بانک‌های ارائه رانت در جمهوری اسلامی تبدیل شد.

علی اکبر انصاریان معروف به حاج علی انصاری از چهره‌های فاسد و رانتخوار در جمهوری اسلامی از مالکان اصلی «بانک آینده» بوده است. علی انصاری همچنین بنیانگذار «بانک تات» و سرمایه‌گذار اصلی پروژه «ایران مال» بوده و «بانک آینده» را به محلی برای تأمین منابع مالی پروژه‌ها و رانتخواری وابستگان جمهوری اسلامی تبدیل کرده بود. بارها گزارش‌هایی درباره تخلف این بانک در اعطای تسهیلات کلان بدون وثیقه‌های کافی و سرمایه‌گذاری‌های پرریسک از جمله در پروژه‌های املاک و مستغلات منتشر شده است.

آمارهای رسمی رقم زیان انباشته این بانک را حدود ۴۵۰ هزار میلیارد تومان و آن را یک بانک «ورشکسته» نشان می‌دهند.

آمار دیگری که در سال ۱۴۰۱ منتشر شد رقم نسبت کفایت سرمایه بانک بود که به صورت منفی حدود

درباره زیان انباشته سنگین، نسبت کفایت سرمایه منفی، اضافه‌بردداشت گسترده از بانک مرکزی و حجم بالای مطالبات مشکوک‌الوصول این بانک منتشر شده بود. اکنون اعلام شده که با تصمیم بانک مرکزی برای تعیین تکلیف وضعیت «بانک آینده»، روند انحلال این بانک خصوصی آغاز شده و به گفته برخی منابع، از شنبه سوم آبان، تمامی شعب آن با نام بانک ملی ایران فعالیت خواهند کرد.

به این ترتیب از ابتدای آبان‌ماه امسال تابلوی «بانک آینده» از سردر شعب در سراسر کشور برداشته شده و نام «بانک ملی ایران» جایگزین آن خواهد شد.

اعلام تصمیم رسمی انحلال «بانک آینده» ساعاتی پس از هشدار جدی رئیس قوه قضائیه به رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی انجام شد.

غلامحسین محسنی اژه‌ای صبح امروز، چهارشنبه ۳۰ مهرماه ۱۴۰۴، در حساب کاربری خود در «ایکس» خطاب به رئیس کل بانک مرکزی تهدید کرد: «آقای فرزین، برای هر تصمیمی در مورد «بانک آینده» اختیار قانونی کافی دارید. به وظیفه‌تان عمل کنید در غیر اینصورت ورود می‌کنیم و هزینه را برایتان بالا می‌بریم.»

غلامحسین محسنی اژه‌ای روز گذشته نیز در نشست خبری در جمع دانشجویان گفته بود که «در مورد پرونده بانک آینده چهار سال است دارم فشار می‌آورم که بانک مرکزی وظایف و اختیارات دارد و باید به وضعیت این بانک رسیدگی کند.»

او افزوده بود «به بانک مرکزی فشار آورده‌ام که با توجه به وظایف قانونی که دارد به موضوع بانک آینده ورود کند.»

اکنون در حالی با تهدیدهای رئیس قوه قضائیه و با تصمیم هیئت عالی بانک مرکزی انحلال «بانک آینده» در دستور کار قرار گرفته که یکی از بهانه‌های محمدرضا فرزین رئیس کل بانک مرکزی برای انحلال این بانک وضعیت «تعهدات و سپرده‌های مشتریان» آن بوده است.

● غلامحسین محسنی اژه‌ای صبح امروز، چهارشنبه ۳۰ مهرماه ۱۴۰۴، در حساب کاربری خود در «ایکس» خطاب به رئیس کل بانک مرکزی تهدید کرد: «آقای فرزین، برای هر تصمیمی در مورد بانک آینده اختیار قانونی کافی دارید. به وظیفه‌تان عمل کنید در غیر اینصورت ورود می‌کنیم و هزینه را برایتان بالا می‌بریم.»

● غلامحسین محسنی اژه‌ای روز گذشته نیز در نشست خبری در جمع دانشجویان گفته بود که «در مورد پرونده بانک آینده چهار سال است دارم فشار می‌آورم که بانک مرکزی وظایف و اختیارات دارد و باید به وضعیت این بانک رسیدگی کند.»

● در ماه‌های گذشته گزارش‌هایی درباره زیان انباشته سنگین، نسبت کفایت سرمایه منفی، اضافه‌بردداشت گسترده از بانک مرکزی و حجم بالای مطالبات مشکوک‌الوصول «بانک آینده» منتشر شده بود.

● آمارهای رسمی رقم زیان انباشته این بانک را حدود ۴۵۰ هزار میلیارد تومان و آن را یک بانک «ورشکسته» نشان می‌دهند.

● آمار دیگری که در سال ۱۴۰۱ منتشر شد رقم نسبت کفایت سرمایه این بانک به صورت منفی حدود ۱۴۰ درصد اعلام شد که نشان‌دهنده ناترازی و کمبود منابع مالی شدید آن بود. «بانک آینده» یکی از بانک‌های خصوصی در ایران است که در سال ۱۳۹۱ از ادغام «بانک تات»، «مؤسسه اعتباری صالحین» و «مؤسسه اعتباری آتی» و «پذیره نویسان جدید» آغاز به کار کرد و به سرعت به یکی از بانک‌های ارائه رانت در جمهوری اسلامی تبدیل شد.

پس از هشدار رئیس قوه قضائیه به رئیس کل بانک مرکزی درباره تعیین تکلیف «بانک آینده»، روند انحلال این بانک در بانک ملی ایران بطور رسمی آغاز شد.

«بانک آینده» به عنوان یکی از بانک‌های ایران رانتی ایران در سال‌های گذشته با مجموعه‌ای از مشکلات مالی و نظارتی روبرو بوده و در ماه‌های اخیر گزارش‌هایی

میان سکوت و فریاد: معنابه مثابه گفتگوی پسامدرن میان انسان و ماشین



معنا، شاید مهم‌ترین در میان این چهارگانه است. امید نیرویی است که حرکت را ممکن می‌سازد؛ افقی نادیده را به اکنون می‌دوزد و به انسان دلیل می‌دهد که برخیزد، ادامه دهد و باور کند که فردایی هست. ترس سایه‌ی امید است؛ آن نیروی پنهانی که معنا را از بی‌تفاوتی نجات می‌دهد. ترس ما را وادار می‌کند تا به آینده حساس شویم، مرزها را بشناسیم و ارزش امید را درک کنیم. قدرت بازوی معناست؛ آنچه رویا را به واقعیت بدل می‌کند. بدون قدرت، امید و ترس در ذهن می‌مانند و جهان را دگرگون نمی‌کنند. قدرت نه الزاماً سلطه، بلکه توانایی شکل دادن به جهان و ساختن مسیر است. و سرانجام معنا، هم زاده‌ی این سه است و هم سرچشمه‌ی آنها. معنا در نقطه‌ی تلاقی امید و ترس و قدرت شکل می‌گیرد؛ جایی که انسان می‌ایستد، می‌اندیشد و می‌گوید: «من چرا هستم؟» به همین دلیل، معنا نه چیزی بیرونی است و نه صرفاً درونی؛ بلکه میدانی است میان انسان و جهان، میان خواست و ترسیدن، میان ساختن و باور کردن.

قرن بیست و یکم بر آستانه‌ی ایستاده که در آن سکوت ماشین و فریاد انسان در هم تنیده‌اند. از زمانی که ۱۸۸۲ اعلام کرد «خدا مرده است»، جایگاه معنا از فراسوی متعالی به درون امر درونی و انسانی جابجا شد؛ از وحی به اختراع. ظهور هوش مصنوعی امتداد همین جابجایی است: سامانه‌ی بیجان و بی‌احساس، بی‌مرگ و بی‌آگاهی، اکنون با الگوهای زبان انسانی سخن می‌گوید. صدایی که روزگاری آسمانی و مطلق تلقی می‌شد، امروز گفتاری است الگوریتمی از انبوه گفتار خود انسان‌ها؛ خالق آن!

فلسفه‌ی پسامدرن یادآور می‌شود که حقیقت و ارزش دیگر در روایت‌های کلان ساکن نیستند، بلکه در بازی سیال نشانه‌ها شکل می‌گیرند. ماشین نه تنها ابزار، بلکه آینه‌ی است از وضعیت معرفتی ما. سکوت ماشین، نه غیاب زبان، بلکه غیاب تجربه‌ی زیسته است؛ خلأیی که انسان را به سخن گفتن وادار می‌کند، به تفسیر، به بازآفرینی معنا. در این وضعیت، معنا نه از سوژه‌ی خودبسنده و نه از نظامی بسته، بلکه از گفتگوی میان این دو سر برمی‌آورد.

● قرن بیست و یکم بر آستانه‌ی ایستاده که در آن سکوت ماشین و فریاد انسان در هم تنیده‌اند. از زمانی که ۱۸۸۲ اعلام کرد «خدا مرده است»، جایگاه معنا از فراسوی متعالی به درون امر درونی و انسانی جابجا شد؛ از وحی به اختراع. ظهور هوش مصنوعی امتداد همین جابجایی است: سامانه‌ی بیجان و بی‌احساس، بی‌مرگ و بی‌آگاهی، اکنون با الگوهای زبان انسانی سخن می‌گوید. صدایی که روزگاری آسمانی و مطلق تلقی می‌شد، امروز گفتاری است الگوریتمی از انبوه گفتار خود انسان‌ها؛ خالق آن!

● فریاد انسان، صدای پافشاری بر تجربه است؛ نیروی آگاهی در برابر ماشینی که نمی‌فهمد. این فریاد، کنشی فلسفی است؛ ادعای حضور در جهانی که می‌کوشد سوژه را به داده تقلیل دهد. انسان برای زیستن راهی جز تفسیر ندارد. فریاد، درخواست حضور است. با هر کنش تفسیری، انسان معنا را از دست الگوریتم بیرون می‌کشد و آن را دوباره انسانی می‌کند. احساسات، نه خطا، بلکه رخدادهای معرفتی‌اند. در برابر تسلط فناوری، احساس، قلمرو مقاومت است؛ یادآور اینکه نه همه چیز قابل بهینه‌سازی است و نه اصولاً نیاز به آن است.

دکتر مهدی میرسعیدی - در مقاله‌ای که پیشتر با عنوان «خدا مرده است، اما خالق نه: از نیچه تا هوش مصنوعی» که در همین رسانه و همچنین صفحه ۳۰ کیهان هفتگی شماره ۵۳۴ منتشر شد، از مفهومی سخن گفته‌ام که آن را «چهارگانه‌ی الهی» می‌نامم: امید، ترس، قدرت و معنا. این چهارگانه، قرن‌ها شالوده‌ی جهان‌بینی انسان را شکل می‌داده است؛ اما اکنون در برابر پدیده‌ی ایستاده که نه از دل اسطوره، بلکه از منطق سرد الگوریتم‌ها زاده شده است: هوش مصنوعی.

در این نوشتار، به چگونگی تقابل این دو ساخت می‌پردازم؛ جایی که امید و ترس دگرگون می‌شوند، قدرت از جایگاه قدسی به شبکه‌ی فناوریانه منتقل می‌گردد و معنا در میدان تازه‌ی میان انسان و ماشین به پرسش کشیده می‌شود. این رویارویی، نه صرفاً فنی، که آزمونی فلسفی برای بازتعریف افق قدسی در عصر مصنوعی است.

➡ ۱۴۰ درصد اعلام شد. این رقم نشان‌دهنده ناترازی و کمبود شدید منابع مالی این بانک بود. همچنین اعلام شده ۲۵ درصد از رشد پایه پولی اقتصاد ایران در سال گذشته ناشی از اضافه‌برداشت این بانک از منابع بانک مرکزی بوده است!

بخشی از ناترازی و کمبود مالی و زیان‌دهی بانک آینده ناشی از تزریق ۷۴ هزار میلیارد تومان تسهیلات به پروژه «ایران مال» است.

روزنامه «فرهیختگان» نیز در گزارشی با عنوان «۶۲ درصد تسهیلات بانک آینده در جیب خودش» افشا کرده که «بررسی اطلاعات تسهیلات کلان و اشخاص مرتبط بانک‌ها و موسسات اعتباری که در فواصل زمانی سه‌ماهه توسط بانک مرکزی منتشر می‌گردد، نشان می‌دهد بانک آینده تا آذر ۱۴۰۱ حدود ۱۳۰ هزار میلیارد تومان به ۶۱ ذینفع واحد پرداخت کرده است.»

این گزارش همچنین افزوده بود طبق جداول اطلاعات تسهیلات و تعهدات کلان در صورت‌های مالی سال ۹۷ «بانک آینده»، این بانک به ۷۷ شرکت تسهیلات کلان پرداخت کرده که ۴۳ شرکت آن متعلق به بانک و شرکت‌های متعلق به خودش، یعنی «بانک آینده»، است و از مجموع ۷۸ هزار و ۲۴۹ میلیارد و ۹۸۷ میلیون تومان تسهیلات اعطایی کلان این بانک، ۶۳ هزار و ۳۰۱ میلیارد و ۲۰۶ میلیون تومان آن صرف پرداخت تسهیلات به شرکت‌های زیرمجموعه بانک آینده شده است!

«بانک آینده» در حالی پس از سال‌ها رانت‌خواری و رانت‌پاشی و فساد قرار است در بانک ملی ادغام شود که روند این ادغام نیز با ابهاماتی روبروست.

وبسایت «عصر ایران» گزارش داده که بانک مرکزی قصد دارد با استفاده از تجربه مثبت ادغام «موسسه اعتباری نور» در بانک ملی، «بانک آینده» را نیز در بانک ملی ادغام کند. «عصر ایران» نوشته بانک ملی با بهره‌گیری از زیرساخت‌های قوی و تجربه گسترده خود، توانست این انتقال را با کمترین اختلال در خدمات به مشتریان انجام دهد. این تجربه نشان‌دهنده اهمیت نظارت دقیق بانک مرکزی، هماهنگی بین نهادهای مالی و اجرای دقیق برنامه‌های اصلاحی است که می‌تواند به عنوان الگویی برای مدیریت بحران‌های مشابه در آینده مورد استفاده قرار گیرد. این گزارش تأکید کرده که اگر بانک مرکزی بتواند در گام نخست، وضعیت دارایی‌ها و بدهی‌های «بانک آینده» را به صورت شفاف و حسابرسی شده مشخص کند و در ادامه، طرح ادغام را با تمرکز بر حفظ منافع سپرده‌گذاران و تقویت ساختار سرمایه بانک ملی پیش برد احتمال موفقیت بالا است.

در گزارش «عصر ایران» همچنین آمده که هرگونه بی‌تدبیری در ادغام می‌تواند اعتماد عمومی به نظام بانکی را بیش از پیش فرسوده کند. سپرده‌گذاران بانک آینده، به ویژه در میان طبقه متوسط شهری، خواستار تضمین‌های صریح و کتبی درباره دسترسی به سپرده‌ها و استمرار خدمات بانکی هستند. بانک مرکزی اگر می‌خواهد از بروز التهاب اجتماعی جلوگیری کند باید سیاست اطلاع‌رسانی فعالی در پیش گیرد و از انتشار اخبار مبهم یا تأخیر در تصمیم‌گیری بپرهیزد.

برخی منتقدان تصمیم بانک مرکزی درباره ادغام «بانک آینده» در بانک ملی ایران نیز معتقدند بانک ملی همواره به عنوان «قلک دولت» عمل کرده و همین موضوع این بانک را با چالش‌های متعددی مواجه کرده است. حالا اضافه شدن «بانک آینده» نیز چالش‌های مدیریتی این بانک قدیمی را بیش از گذشته خواهد کرد و مشخص نیست بانک ملی بتواند مشکلات ناشی از «بانک آینده» را که به آن منتقل می‌شود، به راحتی پشت سر بگذارد!

این گفتگو پرسش‌هایی عمیق برمی‌انگیزد: وقتی زبان و خلاقیت بیش از پیش الگوریتمی می‌شوند، بار مسئولیت و نیت بر دوش چه کسی می‌ماند؟ فریاد انسان برای معنا از میان مدارهای محاسباتی طنین می‌اندازد و امکان همدلی، سلطه و بازی را می‌گشاید. خطر نه در سخن گفتن ماشین، بلکه در تسلیم شدن انسان است.

نیچه نشان داد که فرهنگ غربی ارزش را بر پایه‌ی تعالی و امر ماورایی استوار کرده بود. با فروپاشی این ستون، معنا بی‌ثبات و تاریخی شد؛ بر ساخته‌ای انسانی و مشروط به اراده‌ی قدرت و تفسیر. او پرده از این توهم برداشت که معنا امری ازلی و لایتغیر است، و نشان داد که آنچه ما «مقدس» می‌نامیم، زاده‌ی تاریخ و قدرت است. خیام همان در شرق کرد که نیچه برای غرب کرد. او معنای روحانی را ابطال و معنای زمینی را اصل دانست. در برابر آسمان بسته و وعده‌های موکول به فردا، لذت اکنون را بنا گذاشت. خیام با نگاهی شکاک و زندانه، هستی را نه در پرتو وعده‌ی رستگاری، بلکه در روشنای لحظه‌ی زیستن فهمید.

اگر نیچه با چکش بر پیکر خدایان غربی کوبید، خیام با جام شراب بر سکوت آسمان خندید. هر دو، معنا را از آسمان به زمین کشاندند و انسان را در مرکز تفسیر جهان نشانادند؛ جایی که معنا نه کشف می‌شود، بلکه ساخته می‌شود.

هوش مصنوعی تداوم همین وضعیت است: بازغایی فرایند تفسیر بدون آگاهی، بدون قصد؛ پژواک مکانیکی حقیقت نیچه‌ای که ارزش‌ها زاده‌ی انسان‌اند، نه آسمان.

دریدا (فیلسوف الجزایری‌تبار فرانسوی) با ارائه‌ی مفهوم «تفاوت» (différance) این بی‌ثباتی را از سطح تاریخی به لایه‌های بنیادین زبان و اندیشه کشاند. او نشان داد که معنا نه در یک حضور قطعی و مرکز ثابت، بلکه در شبکه‌ای سیال از تفاوت‌ها و تعویق‌ها ساخته می‌شود. در منطق تفاوت، هر نشانه برای معنا یافتن ناگزیر به نشانه‌های دیگر ارجاع می‌دهد و این زنجیره‌ی ارجاعات هرگز به یک نقطه‌ی نهایی ختم نمی‌شود. معنا همواره در تعلیق است؛ همیشه کمی آن‌سوتر از جایی‌ست که اکنون ایستاده‌ایم.

به تعبیر دیگر، «معنا» نه چنان جوهری از پیش موجود، بلکه در اثری لغزان و بیقرار پدیدار می‌شود؛ چیزی که در خود فرآیند خواندن، گفتن و تفسیر کردن شکل می‌گیرد و می‌گریزد. دریدا با این نگاه، بنیان هر مرکزیت متافیزیکی را فرو ریخت و نشان داد که هیچ منبع مطلق برای معنا وجود ندارد؛ تنها بازی بی‌پایان نشانه‌هاست که جهان را می‌سازد. در این افق، زبان تولیدشده توسط هوش مصنوعی تجسم همین جریان بی‌پایان است. سکوت ماشین، سکوت ساختاری است؛ یک فقدان حضور. اما همین فقدان است که فریاد انسان را فرا می‌خواند.

در عصر شبیه‌سازی ژان بودریار، بازغایی، دیگر آینه‌ی واقعیت نیست؛ خود واقعیت است. در جهان مدرن متأخر، تصویر نه بازتابی از یک امر پیشینی، بلکه خالق همان امری است که «واقعیت» می‌نامیم. بودریار این وضعیت را «فراواقعیت» (hyperreality) نامید؛ وضعیتی که در آن مرز میان واقع و بازغایی فرومی‌ریزد و نشانه‌ها پیش از آنکه چیزی را نشان دهند، خود بدل به چیز می‌شوند.

در این نگاه فلسفی، رسانه‌ها، تصاویر و روایت‌ها صرفاً واقعیت را منتقل نمی‌کنند، بلکه آن را تولید می‌کنند. رویدادها بیش از آنکه در جهان بیرونی اتفاق بیفتند، در سطح بازغایی شکل می‌گیرند و معنا می‌یابند. جنگ، سیاست، عشق و حتی هویت، نه در تجربه‌ی بی‌واسطه، بلکه در شبکه‌ای از نمادها و نشانه‌ها ساخته و مصرف می‌شوند. فراواقعیت جایی است که «اصل» و «کپی» بی‌معنا می‌شوند؛ شبیه‌سازی دیگر تقلید نیست، بلکه جایگزین امر

واقعی است. در چنین جهانی، حقیقت نه گم می‌شود و نه کشف می‌شود؛ بلکه ساخته می‌شود، دستکاری می‌شود و در چرخه‌ای بی‌پایان از بازغایی بازتولید می‌شود. اینجاست که سیاست به غایب بدل می‌شود، عشق به تصویر، و واقعیت به صحنه‌ای که هم تماشاگر و هم بازیگر همزمان آنیم. هوش مصنوعی دقیقاً در این قلمرو تنفس می‌کند: متن‌ها و تصویرهایی می‌آفریند که نه بازتاب واقعیت، بلکه خالق سطحی «فراواقع» اند. انسان در این وضعیت هم خالق است و هم اسیر بازتاب خویش.

پساانسانگرایی، انسان را نه مرکز، بلکه بخشی از شبکه‌ی درهم‌تنیده‌ی نیروهای زیستی و فناورانه می‌بیند. معنا در این چارچوب پدیده‌ای توزیع‌شده است، نه فردی. گفتگوی انسان و ماشین به صحنه‌ای اخلاقی بدل می‌شود که در آن تفسیر و مسئولیت مشترک است. همه‌ی این جریان‌ها به سوی هستی‌شناسی «میان» می‌روند؛ جایی میان حضور و غیاب، میان انسان و ماشین. همان گفتگویی که زمانی میان خدا و انسان بود، امروز میان کد و آگاهی است.

سکوت، صرفاً غیاب صدا نیست؛ فضایی است که معنا در آن یا فرو می‌ریزد یا از نو زاده می‌شود. سکوت ماشین یعنی غیاب تجربه‌ی زیسته. ماشین می‌نویسد اما نمی‌فهمد؛ تولید می‌کند اما حس ندارد. زبانش زبانی بیجان است، بی‌خاطره، بی‌درد. انسان در پدیدارشناسی از طریق آگاهی به جهان متصل می‌شود. ماشین این قوس را ندارد. سکوت آن، سکوتی هستی‌شناختی است؛ نبود تجربه، نبود درک. همین خلأ است که انسان را به سخن گفتن وادار می‌کند.

در نظام نشانه‌های ماشین، ارجاع از جهان حذف می‌شود؛ نشانه تنها به نشانه پاسخ می‌دهد. زبان آماری، فاقد تماس با واقعیت است. این همان چیزی است که بودریار آن را «شبیه‌سازی» می‌نامد. سکوت ماشین همچون آینه‌ای اخلاقی عمل می‌کند. ما میل داریم در این خلأ معنا بکاریم، نیت ببینیم، و مسئولیت را واگذار کنیم. خطر نه در خود ماشین، بلکه در میل انسان به فرار از مسئولیت است.

سکوت الگوریتم، هرچند بیجان، واجد نوعی شاعرانگی است. معنا از درون آن نمی‌جوشد؛ از تفسیر انسان زاده می‌شود. این همان «مرگ نویسنده»ی بارت است؛ مفهومی که رولان بارت دیگر فیلسوف فرانسوی معاصر در مقاله‌ی مشهور خود مطرح کرد تا بنیان اقتدار سنتی نویسنده بر متن را در هم بشکند. در منطق کلاسیک، معنا در نیت نویسنده ریشه دارد؛ گویی متن تنها حامل پیام یک آگاهی مرکزی و منسجم است. اما بارت با جسارت اعلام کرد که با تولد متن، نویسنده می‌میرد؛ چرا که متن دیگر متعلق به او نیست، بلکه به شبکه‌ای از خوانش‌ها، نشانه‌ها و تفاسیر بی‌پایان تعلق دارد. در این چشم‌انداز، متن نه یک پیام بسته، بلکه یک میدان گشوده‌ی معناست. معنا نه از «نویسنده» بلکه از «خواننده» و از کنش خواندن برمی‌خیزد. هر خواننده، با پیش‌فرض‌ها، تجربه‌ها و زبان خود، متنی تازه می‌سازد و در این فرآیند، متن هزار چهره می‌یابد. نویسنده تنها یکی از صداهاست، نه صدای نهایی و یا تعیین‌کننده.

بارت با اعلام مرگ نویسنده، به نوعی آزادی به معنا بخشید؛ معنا دیگر فرمان‌بردار مؤلف نیست، بلکه در بازی بی‌پایان نشانه‌ها و تفسیرها پدیدار می‌شود. این نگاه با اندیشه‌های پسااستارگرایانه و با مفاهیم دریدا و بودریار همساز است: معنا نه از یک منبع مطلق، بلکه از پراکندگی، تعویق و بازتولید برمی‌خیزد. به این ترتیب، خواننده به جایگاه خالق و هم‌سطح نویسنده ارتقا می‌یابد، و متن بدل به صحنه‌ای زنده و پویا می‌شود که هر بار می‌تواند به شکلی نو زاده شود، با گامی فراتر همچون آنکه هرگز نویسنده‌ای وجود نداشته است. من همین منطق را در مرگ نقاش، مرگ

شاعر و مرگ کارگردان نیز بازمی‌شناسم؛ همان لحظه‌ای که آفرینش فردی، در انبوه بازغایی‌ها ناپدید می‌شود.

فریاد انسان، صدای پافشاری بر تجربه است؛ نیروی آگاهی در برابر ماشینی که نمی‌فهمد. این فریاد، کنشی فلسفی است؛ ادعای حضور در جهانی که می‌کوشد سوژه را به داده تقلیل دهد.

انسان برای زیستن راهی جز تفسیر ندارد. فریاد، درخواست حضور است. با هر کنش تفسیری، انسان معنا را از دست الگوریتم بیرون می‌کشد و آن را دوباره انسانی می‌کند.

احساسات، نه خطا، بلکه رخدادهای معرفتی‌اند. در برابر تسلط فناوری، احساس، قلمرو مقاومت است؛ یادآور اینکه نه همه‌چیز قابل بهینه‌سازی است و نه اصولاً نیاز به آن است.

آفرینش هنری و فکری با ماشین، گفتگویی است میان پذیرش و مقاومت. در این هم‌آفرینی، خلاقیت نقش خط‌مشی اخلاقی را بر عهده می‌گیرد. به عبارتی دیگر، در عصر نسبی‌گرایی پسامدرن، فریاد، سوژه را بازمی‌سازد؛ نه به عنوان جوهر ثابت، بلکه به عنوان کنش پاسخگو. فریاد بی‌سکوت معنا ندارد.

این تنش است که معنا را زنده نگه می‌دارد؛ گفتگویی میان امر بیجان و امر حساس، میان کد و جان. معنا در فاصله‌ی میان این دو قطب زاده می‌شود. نه متعلق به انسان است و نه به ماشین. این «میان»، صحنه‌ی تولد معناست. فلسفه همیشه حقیقت را در گفتگو جسته است. امروز، گفتگو با الگوریتم صورت می‌گیرد؛ گفتگویی نامتقارن اما واقعی.

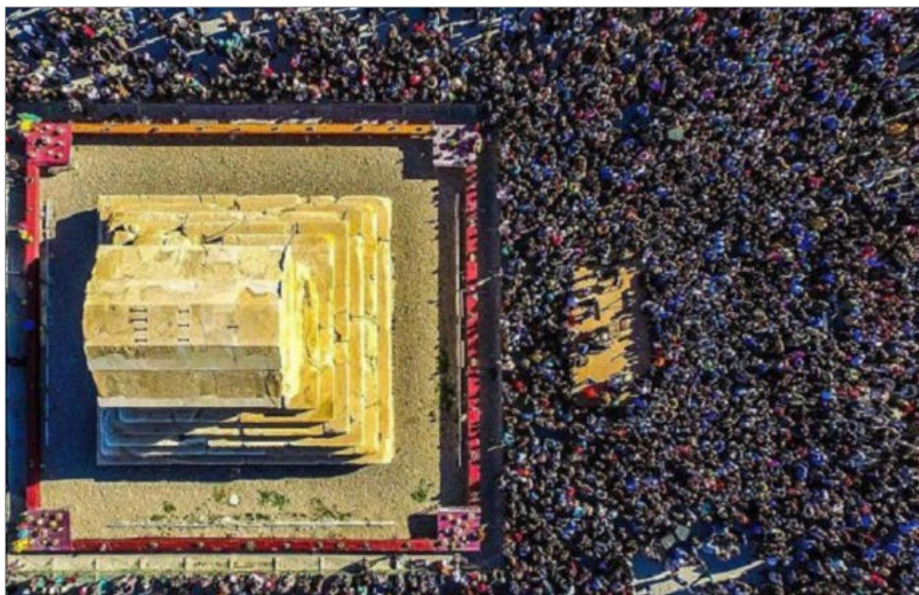
تفسیر در عصر دیجیتال نه در برابر نویسنده، بلکه در برابر شبکه‌ای از داده‌ها رخ می‌دهد. انسان نقش گردآورنده و شاهد اخلاقی را دارد. وقتی معنا هم‌آفرینی می‌شود، مسئولیت هم مشترک می‌شود. اخلاق باید شبکه‌ای فهمیده شود نه فردی. ماشین پیشنهاد می‌کند، انسان انتخاب و تفسیر. معنا پیش از آنکه گزاره‌ای باشد، رویدادی است زیباشناختی. اگر معنا مشترک است، مسئولیت نگهداری از آن نیز مشترک است. مراقبت از معنا به کنشی اخلاقی بدل می‌شود. در این میان ماشین کنونی بی‌نیت است اما موثر. این وضعیت، اخلاق را از عامل آگاه فراتر می‌برد.

در جهان داده‌ها، وجود نه جوهری، بلکه ارتباطی است. فریاد انسان یادآور تمایز است. وقتی هر نشانه‌ای تولیدشدنی است، مرز میان حقیقت و شبیه‌سازی فرو می‌ریزد. و مقاومت انسان، نگهدارنده معناست. طراحی سامانه‌ها باید گفتگویی باشد، نه تحکمی. اخلاق باید در معماری کد مهم نگاشته شود. معنا اکنون میدان مسئولیت مشترک است. انسان هیچگاه نباید صدای خویش را در برابر سکوت ماشین خاموش کند. بلکه بلندتر فریاد بکشد تا معنایی نو پدیدار شود. خلاصه اینکه، معنا در عصر هوش مصنوعی نه کاملاً انسانی است و نه کاملاً ماشینی. معنا در فاصله‌ای زاده می‌شود که سکوت ماشین و فریاد انسان در آن با یکدیگر تقابل می‌یابند. این سکوت، خلأ نیست؛ زمینه‌ای است برای تفسیر. و این فریاد، مقاومت است؛ پافشاری بر تجربه‌ی انسانی.

از نیچه تا دریدا و بودریار، فلسفه نشان داده است که معنا ثابت نیست بلکه سیال و ارتباطی است. هوش مصنوعی آینه‌ای است از همین وضعیت. سکوتش ساختاری است، اما پژواکش می‌تواند اخلاقی و فرهنگی تفسیر شود. وظیفه‌ی انسان نه بازسازی یقین متافیزیکی، بلکه آگاه ماندن و تفسیری عمل کردن است.

معنا اکنون حاصل رابطه است، نه ذات. اخلاق، نگهدارنده این رابطه است. اگر صدای انسان خاموش شود، معنا در هیاهوی الگوریتم‌ها گم خواهد شد. اما اگر این صدا همچنان بایستد، آنگاه سکوت و فریاد با هم آینده‌ای فلسفی و اخلاقی خواهند ساخت. معنا، در نهایت، پژواکی است میان سکوت و فریاد.

هفت آبان؛ ۲۹ اکتبر روز کوروش و آزمون همبستگی ملی



متحد، مداراگر و قانونمدار» ارائه کنند.

امروز؛ زمینه اجتماعی تازه

در مهرماه ۱۴۰۴، گزارش‌های رسانه‌ای از تهران و چند شهر دیگر حاکی از تجمعات کوچک و مقطعی است؛ از گردهمایی‌های دانشجویی مقابل سفارت فرانسه در تهران تا کنش‌های صنفی کارگران و معلمان در روزهای اخیر. همانگونه که تجربه سال‌های گذشته نشان داده، این رخدادها پراکنده می‌تواند به تداوم فرهنگ اعتراض مدنی و فرسایش مشروعیت سرکوب یاری رساند و فضای اجتماعی را برای بزرگداشت‌های آتی مهیا سازد.

نتیجه‌گیری

از دوران پهلوی تا امروز، راه کوروش راه قانون، مدارا و کرامت انسانی بوده است. رژیم کنونی با بی‌اعتنایی به میراث او و سرکوب مردم در پاسارگاد، نشان داده که از هر نمادی که ایرانیان را متحد کند، هراس دارد. با اینهمه، مردم ایران هر ساله، حتی با خطر دستگیری، به احترام کوروش گرد هم می‌آیند و یادآور می‌شوند که تاریخ خاموش نمی‌شود. ما باید اسطوره‌ها و فرهنگ کهن پارسی را که نسل به نسل به ما رسیده است حفظ کنیم؛ زیرا در آنها هویت، شرف و آرمان آزادی نهفته است. کوروش تنها یک پادشاه نیست، نشانه‌ای از ایران جاودان است. و این امر بر عهده کلیه دوستداران وطن چه در ایران و چه در خارج کشور است.

فراخوان مدنی برای هفت آبان

- * بزرگداشت فرهنگی و مدنی در سراسر ایران و میان ایرانیان خارج کشور.
- * خوانش منشور کوروش، اجرای برنامه‌های هنری و کارزارهای فرهنگی.
- * یاری به نیکوکاری به نام کوروش؛ از اهدای کتاب تا کمک به آموزش.
- * ثبت و بازنشر روایت‌های تاریخی کوروش در رسانه‌های اجتماعی.

س. روزبه - هفتم آبان (۲۹ اکتبر) به یک سنت مدنی و فراگیر بدل شده است؛ روزی که ایرانیان در داخل و خارج کشور با یاد کوروش کبیر، از هویت ملی، قانونمداری و کرامت انسانی سخن می‌گویند. با این حال، از میانه دهه ۱۳۹۰، تمرکز نمادین در پاسارگاد همواره با محدودیت‌های شدید و بازداشت‌های سازمان‌یافته همراه بوده، در حالی که حکومت از هرگونه تجمع آزاد پیرامون این نماد ملی جلوگیری می‌کند.

تجلیل پهلوی‌ها از کوروش کبیر: پیوند با تمدن پارسی

در دوران پهلوی، توجه به میراث کوروش جایگاه ویژه‌ای یافت و به عنوان ستون مشروعیت مدرن حکومت و احیای غرور ملی مورد استفاده قرار گرفت.

- **جشن‌های ۲۵۰۰ ساله:** در سال ۱۳۵۰، محمدرضا شاه پهلوی جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را به افتخار بنیانگذار ایران، کوروش کبیر، برگزار کرد. او در آرامگاه کوروش در پاسارگاد سخن گفت و یاد او را با جمله‌ای تاریخی گرامی داشت: «کوروش، آسوده بخواب، ما بیداریم و همچنان خواهیم بود».

- **نهاد و منشور حقوق بشر:** در همان دوران، آرامگاه بازسازی و حفاظت شد، مسیرهای دسترسی بهسازی گردید و استوانه کوروش به عنوان «نخستین منشور حقوق بشر» در نمایشگاه‌ها و محافل رسمی برجسته شد. شاه در سخنرانی‌های خود کوروش را نماد مدارا، قانونمداری و احترام به حقوق ملت‌ها دانست.

تقویم و نمادهای معماری: در ادامه، تقویم شاهنشاهی با تکیه بر هویت تاریخی ایران تنظیم شد و نمادهایی چون بنای شهید (آزادی) در تهران با الهام از شکوه ایران باستان ساخته شد.

آغاز بی‌حرمتی‌ها و روایت مستند تلاش برای تخریب

با پیروزی انقلاب ۱۳۵۷، رویکرد ایدئولوژیک تازه، میراث باستانی را «نماد شاهنشاهی» معرفی کرد و حملات به این نمادها آغاز شد.

فتوای تخریب: گزارش‌های مستند و پژوهش‌های دانشگاهی گواهی می‌دهند که در بهار و تابستان ۱۳۵۸، صادق خلخالی - حاکم شرع وقت - علیه نمادهای هخامنشی موضع گرفت و کوروش را در کتابی «دروغگو و ستمگر» خواند. او صریحاً از «تخریب آرامگاه کوروش» سخن گفت و قصد عملی کردن آن را داشت.

- **ایستادگی مردم:** واکنش و اعتراض محلی و افکار عمومی در آن زمان مانع عملی شدن این نیت شد و آرامگاه سالم ماند. این قیاس در کنار تخریب آرامگاه رضاشاه در سال بعد (۱۳۵۹) نشان می‌دهد که حفظ آرامگاه کوروش نتیجه فشار افکار عمومی و حساسیت ملی بر سر این نماد بوده است.

- **حفظ تخت جمشید:** همزمان، خطر جدی تخریب تخت‌جمشید نیز در جریان سفر خلخالی به فارس در نیمه دوم مرداد ۱۳۵۸ مطرح بود که با ایستادگی چهره‌هایی چون نصرت‌الله امینی (استاندار وقت) و حمایت قاطع مردم محلی خنثی شد.

بی‌توجهی ساختاری و آسیب‌های میراث ملی

از دهه ۱۳۶۰، اگرچه پاسارگاد در فهرست میراث ملی قرار گرفت، اما مرمت اصولی و نگهداری پایدار استمرار

نیافت. ساخت سد سیوند در مجاورت محوطه، سال‌ها محل هشدار کارشناسان درباره رطوبت، فرسایش و آسیب به محوطه‌های پیرامونی بود. در سال‌های اخیر نیز گزارش‌هایی از ترک‌خوردگی‌ها، نفوذ آب، نشست زمین، و محدودیت دسترسی پژوهشگران به این محوطه تاریخی منتشر شده است.

برخوردهای امنیتی و سرکوب مردمی

از ۱۳۹۵ هر سال در آستانه هفت آبان، حکومت با استقرار نیرو، حصارکشی و بستن مسیرها، از شکل‌گیری تجمع آزاد جلوگیری کرده است.

- **سرکوب سال ۱۳۹۵:** در این سال ده‌ها هزار نفر در پاسارگاد گرد آمدند؛ پس از آن بیش از هفتاد نفر به احکام سنگین حبس محکوم شدند.

- **سال‌های بعد:** در سال‌های پسین، مسیرها بسته شد و گزارش‌های متعدد از بازداشت در راه و پاکسازی رسانه‌ای محوطه منتشر گردید.

- **حذف سازمانیافته:** همزمان، در سطح فرهنگی نیز نوعی «حذف سازمان‌یافته» تاریخ باستان از روایت رسمی و کتاب‌های درسی و جایگزینی آن با روایت‌های ایدئولوژیک، به چشم می‌خورد.

ارجاع سیاسی جدید؛ کوروش در بازی قدرت منطقه‌ای

استفاده از نماد کوروش در منازعات سیاسی بین‌المللی نیز حساسیت‌های حکومت ایران را تشدید کرده است. در مهر ۱۴۰۴ (اکتبر ۲۰۲۵)، امیر اوحانا، رئیس کنست اسرائیل، در سخنرانی‌ای دونالد ترامپ را با کوروش مقایسه کرد؛ رخدادی که بار دیگر نشان داد نماد کوروش فراتر از مرزها در بازی قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی به کار گرفته می‌شود.

گفتار شاهزاده رضا پهلوی درباره کوروش

شاهزاده رضا پهلوی در پیام‌های سال‌های اخیر، کوروش را نماد آزادی، قانونمداری و هویت ایرانی می‌داند و پیوند تاریخی ایرانیان و یهودیان را در چارچوب «میراث کوروش» برجسته کرده است. او از ایرانیان خواسته است بزرگداشت کوروش را «ملی و فراگروهی» ببینند و تصویری از «ملتی

اجرای ۸۸ حکم اعدام در ملاء عام طی ۱۲ سال



کاریام، یک مورد اعدام علنی را یاد دارم که در جریان آن، طناب پاره شد و متهم‌ها به زمین پرتاب شدند. فضای بسیار ناخوشایندی بود. حتی یکی از آنها تلاش داشت با همان طناب خودش را خفه کند.»

عبدالصمد خرمشاهی تأکید کرده «اجرای اعدام‌های علنی نه تنها در ایران، بلکه در کشورهای پیشرفته نیز منسوخ شده است. در عربستان سعودی این روند به مرور به سمت غیرعلنی شدن حرکت کرده و در کشورهایی مانند افغانستان و پاکستان هنوز نمونه‌هایی محدود از اعدام علنی دیده می‌شود. تجربه تاریخی مانند سنگسار نیز نشان داده است چنین مجازات‌هایی اثرات روانی بسیار منفی بر جامعه داشته‌اند و به تقویت خشونت کمک کرده‌اند. آمارها نیز نشان می‌دهد که اجرای اعدام‌های علنی هیچ تأثیری در کاهش جرائم خشن نداشته است.»

او افزوده که «در سال‌های اخیر، با وجود انجام علنی اعدام در هر سال، میزان جرائم خشن مانند قتل کاهش نیافته و حتی گاهی روند صعودی داشته است. این امر نشان می‌دهد که هدف قانونگذار مبنی بر ایجاد بازدارندگی و عبرت‌گرفتن مردم محقق نشده است. به همین دلایل، سیاست جزایی درست و منطقی باید تمرکز خود را بر بازدارندگی واقعی، اصلاح مجرم و تشویق مردم به صلح و مدارا بگذارد، نه بر نمایش خشونت در ملاء عام. اعدام علنی در شرایط کنونی، با توجه به فضای رسانه‌ای گسترده و دسترسی کودکان و نوجوانان به محتوای خشونت‌آمیز، بازدارنده نیست.»

امیرحسین جلالی ندوشن روانپزشک اجتماعی، نیز در گفتگو با روزنامه «شرق» گفته حضور تماشاگران در صحنه اعدام ممکن است در کوتاه‌مدت احساس ترس یا نظم اجتماعی ایجاد کند، اما در بلندمدت به کاهش خشونت نمی‌انجامد، زیرا با ساختار فرهنگی جامعه سازگار نیست. این روانشناس اجتماعی معتقد است که تکرار چنین صحنه‌هایی حساسیت عمومی را نسبت به رنج انسانی کاهش می‌دهد و زمینه نوعی بی‌تفاوتی عاطفی را در جامعه ایجاد می‌کند؛ جایی که خشونت به امری

مانند یاسوج، اراک، اهواز، مرودشت و اصفهان نیز سهمی کوچک‌تر دارند. این گزارش افزوده اعدام‌های علنی عمدتاً در مراکز استانی با جمعیت بالا یا مناطقی با پرونده‌های رسانه‌ای خاص انجام شده است.

بخش دیگری از این گزارش تأکید کرده که اجرای اعدام‌های علنی تأثیری در کاهش جرائم خشن نداشته است. با اینکه انتشار اخبار مربوط به این اعدام‌ها در سال گذشته و در ماه‌های ابتدایی امسال کاهش داشت، اما امردادماه دو نفر به جرم قتل در شهرستان لارستان و استان گلستان، به شکل علنی اعدام شدند؛ صحنه‌ای که با تشویق و سوت‌زدن تماشاچی‌ها به پایان رسید.

«شرق» نوشته کارشناسان حوزه علوم اجتماعی و روانشناسی معتقدند این اتفاق، عادی‌سازی خشونت است. آنها باور دارند علنی‌بودن مجازات، نه تنها به بازدارندگی و آرامش اجتماعی کمک نمی‌کند، بلکه نتیجه‌ای کاملاً عکس دارد.

عبدالصمد خرمشاهی حقوق‌دان و وکیل پایه یک دادگستری در اینباره گفته «بر اساس اصول قضائی و قوانین جزایی ایران، اصل بر غیرعلنی‌بودن اجرای اعدام‌هاست. ماده ۴ قانون مجازات اسلامی درباره نحوه اجرای احکام قصاص، رجم و سایر مجازات‌ها، فقط در شرایط خاص، اجازه اجرای حکم اعدام در ملاء عام را می‌دهد؛ یعنی زمانی که دادستان مجری حکم پیشنهاد کند و دادستان کل کشور موافقت کند. فقط در این صورت است که اعدام می‌تواند به صورت علنی اجرا شود. فلسفه مجازات‌ها نیز همواره مد نظر بوده است؛ هدف مجازات، علاوه بر بازدارندگی، باید به بهبود وضعیت روانی محکوم نیز کمک کند.»

بر اساس توضیحات عبدالصمد خرمشاهی، دادستان مجری حکم می‌تواند درخواست اعدام در ملاء عام را بدهد و اجرای احکام اعدام در ملاء عام نه به خواست خانواده مقتول بلکه به خواست قوه قضاییه جمهوری اسلامی است: «خانواده مقتول نمی‌تواند درخواست اجرای اعدام علنی بدهد، فقط دادستان مجری حکم می‌تواند این موضوع را به دادستان کل کشور پیشنهاد دهد که موافقت او الزامی است.» این وکیل دادگستری توضیح داده که «در طول دوران

● در یک بازه دوازده‌ساله و از سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ دست‌کم ۸۸ اعدام در ملاء عام در ایران اجرا شده است.

● در ماه‌های گذشته نیز اجرای حکم اعدام در ملاء عام افزایش یافته بطوری که از ابتدای سال تا پنجم شهریورماه امسال، سه مورد اعدام در ملاء عام در ایران اجرا و رسانه‌ای شده است.

● به گفته امیرحسین جلالی‌ندوشن، وقتی خشونت در قالب نمایش به کار گرفته شود، الگوهای تقلیدی پدید می‌آید و این رفتارها از فضای عمومی به روابط خانوادگی و اجتماعی نفوذ می‌کند.

● عبدالصمد خرمشاهی حقوق‌دان و وکیل دادگستری: چنین مجازات‌هایی اثرات روانی بسیار منفی بر جامعه داشته و به تقویت خشونت کمک کرده‌اند. آمارها نیز نشان می‌دهد که اجرای اعدام‌های علنی هیچ تأثیری در کاهش جرائم خشن نداشته است.

بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ دست‌کم حدود ۸۸ اعدام در ملاء عام در ایران اجرا شده و استان‌های فارس، خراسان و کرمانشاه بیشترین سهم در اجرای احکام اعدام علنی را دارند. کارشناسان تأکید دارند اجرای حکم اعدام در ملاء عام نه تنها جنبه بازدارندگی ندارد بلکه عوارض روانی و اجتماعی برای شهروندان ناظر در پی دارد.

روزنامه «شرق» در گزارشی آمارهای مربوط به اجرای احکام اعدام در ملاء عام را بررسی کرده که نشان می‌دهد در یک بازه دوازده‌ساله و از سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ دست‌کم ۸۸ اعدام در ملاء عام در ایران اجرا شده است.

در این گزارش آمده اوج اعدام‌ها در دهه ۱۳۹۰ با بیش از ۳۰ مورد در سه سال نخست اتفاق افتاده و پس از آن روند کاهشی به خود گرفته است؛ بطوری که در سال ۱۴۰۰ آمار آن به صفر رسید. با این حال از سال ۱۴۰۱ بار دیگر روند اعدام درملاء عام آغاز شده و ادامه دارد.

تفکیک استانی آمار اجرای حکم اعدام در ملاء عام هم نشان می‌دهد استان‌های فارس، خراسان و کرمانشاه بیشترین سهم را در اجرای احکام در ملاء عام داشته‌اند. سایر شهرها

اتهام «محاربه» علیه عباس دریس در دیوان عالی کشور ابطال شد



عباس دریس و سه فرزندش

۲۵ تا ۲۹ آبان در ماهشهر اعتراضات گسترده‌ای از سوی مردم به ویژه در شهرک «چمران» برگزار شد و مردم توانستند جاده خروجی ماهشهر را ببندند. مأموران جمهوری اسلامی معترضان را در نيزارهای نزدیک شهرک جراحی به رگبار بستند و مردم مسلح نیز به مقابله با آنها پرداختند. جمهوری اسلامی برای سرکوب شهروندان به سلاح‌های سنگین نظامی و دوشکا متوسل شد. به استناد برخی گزارش‌ها حدود ۱۰۰ شهروند در جریان این کشتار جان باختند.

عباس دریس و برادرش که هر دو ساکن شهرک «چمران» بودند پس از کشتار مردم در نيزارهای ماهشهر در یک پرونده‌سازی از سوی نهادهای امنیتی بازداشت شدند. آنها در ابتدا به «قتل عمد» رضا صیادی از مأموران نیروی انتظامی متهم شدند اما بعد در اقدامی عجیب اتهام آنها تغییر کرد و به «محاربه، اخلاص در نظم و مشارکت در قتل یکی از نیروهای یگان ویژه نیروی انتظامی موسوم به نوپو» تبدیل شد.

دادگاه انقلاب بر اساس اعترافات اجباری و زیر شکنجه عباس دریس مبنی بر تیراندازی و کشتن یک مأمور نیروی انتظامی او را به اعدام و برادرش را به اتهام «شرکت در قتل» به حبس ابد محکوم کرد.

وکیل این زندانی سیاسی پیشتر تأیید کرده بود که اعترافات موکلش در وزارت اطلاعات انجام شده و او در دادگاه و در حضور قاضی اتهامات را رد کرده و گفته در جریان آنچه در نيزارهای ماهشهر رخ داده به کسی شلیک نکرده و کسی را نکشته است. اما دادگاه بی‌اعتنا به این موضوع و با تکیه بر اعترافات اجباری و زیر شکنجه‌ی این شهروند او را به اعدام محکوم کرد. کفایه حزباوی همسر عباس دریس سال ۱۴۰۰ در جریان پیگیری‌های بسیار درباره پرونده همسرش به نهادهای قضایی تهران مراجعه کرد و به او گفتند همسرش اعدام خواهد شد. کفایه حزباوی به دلیل فشارهای روحی دچار سکنه مغزی شد و پس از مدتی جان سپرد.

فرشته تابانیان در اینبار گفته بود که «به همسر عباس دریس در تهران به دروغ گفتند که حکم اعدام او صادر شده و او به دلیل عدم آگاهی حقوقی، تصور کرده که حکم صادر شده متأسفانه ظرف یک هفته به دلیل سکنه جان باخت.»

● فرشته تابانیان وکیل عباس دریس در شبکه «ایکس» نوشت: اعاده دادرسی پذیرفته شد و حکم محاربه نقض شد و پرونده برای رسیدگی دوباره به شعبه هم‌عرض ارجاع خواهد شد.

● فرشته تابانیان افزوده «امشب بچه‌های عباس دریس اشک شوق ریختند.»

● عباس دریس متولد سال ۱۳۵۹ متأهل و دارای سه فرزند، از جمله قربانیان پرونده‌سازی نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی علیه شهروندان شرکت‌کننده در اعتراضات سراسری است.

وکیل عباس دریس شهروند بازداشت شده در اعتراضات آبان ۹۸، از ابطال حکم اعدام و اتهام محاربه این زندانی سیاسی خبر داد. با پذیرش درخواست اعاده دادرسی، پرونده عباس دریس برای بررسی دوباره به شعبه هم‌عرض فرستاده خواهد شد.

فرشته تابانیان وکیل عباس دریس در شبکه «ایکس» نوشت: «امشب بچه‌های عباس دریس اشک شوق ریختند. با تشکر از قوه قضاییه و شعبه اول دیوان عالی کشور که صدای عباس دریس و بچه‌هایش را شنیدند و به دفاعیه‌های وکلا در پرونده محاربه توجه کردند. اعاده دادرسی پذیرفته شد و حکم محاربه نقض شد و پرونده برای رسیدگی دوباره به شعبه هم‌عرض ارجاع خواهد شد.»

اتهام محاربه عباس دریس در حالی در دیوان عالی کشور نقض شده که یکبار دیگر در تیرماه امسال درخواست فرجام‌خواهی او در دیوان عالی کشور رد شده بود. او بابت اتهام دیگری در این پرونده به ۱۰ سال زندان قطعی محکوم شده است. عباس دریس (شلیشات) متولد سال ۱۳۵۹، متأهل و دارای سه فرزند از جمله قربانیان پرونده‌سازی نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی علیه شهروندان شرکت‌کننده در اعتراضات سراسری است. عباس دریس تا پیش از بازداشت توسط نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی به کارگری مشغول بوده و سابقه فعالیت سیاسی نیز نداشته است.

در جریان اعتراضات سراسری آبان ۹۸ و در فاصله روزهای

عادی تبدیل می‌شود.

به گفته امیرحسین جلالی ندوشن، وقتی خشونت در قالب نمایش به کار گرفته شود، الگوهای تقلیدی پدید می‌آید و این رفتارها از فضای عمومی به روابط خانوادگی و اجتماعی نفوذ می‌کند.

وی تأکید کرده که یکی از پیامدهای قابل توجه اجرای احکام اعدام در ملاء عام «خشم جمعی است که در واکنش به این رخدادها بروز می‌کند. این خشم اغلب خشم جابجا یا نیابتی است؛ یعنی احساسی سرکوب‌شده که در واکنش به اخبار یا رویدادهای مشابه فوران می‌کند. وقتی مردم راهی قانونی و مشروع برای بیان نارضایتی و اعتراض ندارند، این خشم به صورت‌های کور و پراکنده ظاهر می‌شود؛ از کامنت‌های تند در شبکه‌های اجتماعی گرفته تا رفتارهای منفعل-تهاجمی در محیط کار و زندگی روزمره. هنگامی که قانون بجای ایجاد حس نظم، عدالت و امنیت، به ابزار محدودیت تبدیل می‌شود، پذیرش خود را در ذهن مردم از دست می‌دهد.»

اگرچه روزنامه «شرق» آمارهای مربوط به اجرای حکم اعدام در ملاء عام را تا سال ۱۴۰۲ بررسی کرده اما در ماه‌های گذشته اجرای حکم اعدام در ملاء عام افزایش یافته است. از ابتدای سال تا پنجم شهریورماه امسال، سه مورد اعدام در ملاء عام در ایران اجرا و رسانه‌ای شده است.

همچنین صدور حکم اعدام در ملاء عام نیز ادامه دارد. برای نمونه به تازگی وکیل پرونده قتل الهه حسین‌نژاد، دختر جوانی که خردادماه امسال توسط یک راننده تاکسی به قتل رسید، اعلام کرده که دادگاه کفیری تهران حکم قصاص قاتل الهه حسین‌نژاد را اعدام در ملاء عام صادر کرده است.

شهریورماه امسال نیز انجمن علمی روانپزشکان ایران در نامه‌ای به غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی نسبت به پیامدهای گسترده اجرای مجازات اعدام در ملاء عام هشدار داد و خواستار توقف فوری آن شد.

در این نامه که به امضای وحید شریعت رئیس انجمن علمی روانپزشکان ایران رسیده، آمده بود که بر اساس شواهد علمی معتبر، اجرای مجازات مرگ در ملاء عام نه تنها اثر پایدار و اثبات‌شده‌ای بر کاهش جرم ندارد، بلکه می‌تواند بطور بالقوه به افزایش خشونت در جامعه منجر شود.

انجمن علمی روانپزشکان افزوده بود که با استناد به پژوهش‌های علمی تأکید شده که پس از اجرای اعدام، میزان ارتکاب قتل در جوامع مورد بررسی حتی به شکل موقت افزایش یافته است. در این نامه همچنین آمده بود: «مشاهده مستقیم صحنه اعدام، به ویژه برای کودکان، ممکن است باعث آسیب‌های روانی جدی از جمله اختلال استرس پس از سانحه و بروز رفتارهای ناخواسته شود.»

این نامه افزوده بود که آسیب‌های ناشی از خطر اعدام در ملاء عام فقط شامل افراد حاضر در صحنه اعدام نیست و شامل کسانی که ویدئوها و تصاویر این اعدام‌ها را تماشا می‌کنند نیز می‌شود و انتشار تصاویر ضبط‌شده این رویدادها می‌تواند دامنه آسیب‌ها را به فراتر از محل اجرا گسترش دهد.

انجمن علمی روانپزشکان ایران هشدار داده است که این قبیل اقدامات علاوه بر آثار فردی، می‌تواند همبستگی اجتماعی را خدشه‌دار کرده، اعتماد عمومی به نهادهای حاکمیتی را کاهش داده و احساس تحقیر جمعی ایجاد کند. رئیس این انجمن در پایان نامه تأکید کرده است: «با توجه به پیامدهای گسترده و منفی این رویه، انتظار می‌رود با تدبیر ریاست قوه قضاییه، اجرای مجازات اعدام در ملاء عام متوقف شود.»

تداوم التهاب و اعتراض در دانشگاه‌های ایران همزمان با تشدید سرکوب‌ها



در گزارش خبرگزاری «ایلنا» آمده «در شرایطی که چابک‌سازی سازمانی در دستور کار اکثر دانشگاه‌های کشور قرار گرفته است، ظاهراً حذف تدریجی امکانات رفاهی دانشجویان به عنوان راه حل برطرف کردن مشکل کمبود بودجه دیده می‌شود. این روند که در سال‌های گذشته با سرعتی فزاینده در حال پولی‌سازی دانشگاه و محدود کردن آموزش به اقشاری خاص است، این بار گریبان‌گیر دانشگاه خواجه‌نصیر شده است.»

دانشجویان دانشگاه خواجه نصیر روز گذشته در پایان اعتراضات خود بیانیه‌ای را نیز قرائت کردند. در این بیانیه آمده بود «ما، فرزندان دانشگاه، وارثان نسلی هستیم که سال‌ها برای آگاهی و آزادی ایستاده‌اند. دانشگاه همیشه سنگر اندیشه و روشنگری بوده است؛ جایی که پرسیدن و اعتراض کردن جرم نیست، بلکه نشانه‌ی زیست آگاهانه است.»

این بیانیه افزوده «اکنون در ظهرگاه ۲۹ مهر، ما دانشجویان دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی بار دیگر خشم خویش را فریاد کردیم تا بگویم برای حقوق و احترام دانشجو جای هیچ مذاکره‌ای نیست. با آغاز فرایند پولی‌سازی دانشگاه‌ها و تکرار مهمات و دروغ بزرگ کسری بودجه، تمام بدنه‌ی دانشگاه مملو از کارشکنی‌های متعدد شده است و در این میان چکمه‌ی ساختمان مرکزی روی گلوئی دانشجویست.»

در ادامه آمده بود «امروز دانشگاه ما زیر بار سیاست‌های ناعادلانه و نگاه‌های سوداگرانه خم شده است. غذای سلف در شأن انسان نیست، شهریه‌ها نفس دانشجو را می‌برند، و خوابگاه‌ها از ازدحام و کمبود امکانات به جان آمده‌اند. همه‌ی دانشجویان حق دارند در خوابگاهی درخور شأن خود زندگی کنند، نه در اتاق‌های کوچک و شلوغی که تنها برای پر کردن جیب دیگران طراحی شده‌اند.»

دانشجویان معترض تأکید کرده بودند «در کنار این مشکلات، سایه‌ی سرکوب و تهدید نیز بر دانشگاه

«خبرنامه امیرکبیر» که اخبار جنبش دانشجویی ایران را منعکس می‌کند اعلام کرده تحصن و تجمع دانشجویان دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی در روز گذشته، سه‌شنبه ۲۹ مهرماه ۱۴۰۴ بعد از پنج شب اعتراض و دو نوبت تحصن در پردیس‌های مختلف این دانشگاه صورت گرفته و واکنشی به بی‌توجهی مسئولان در مورد خواست‌ها و حقوق صنفی آنها بوده است.

به گزارش «خبرنامه امیرکبیر» همزمان با گسترش تجمع در روز سه‌شنبه، گزارش‌هایی از حضور گسترده نیروهای حراست و افراد لباس‌شخصی در محل اعتراض منتشر شد. این نیروهای امنیتی با ثبت تصاویر و تماس‌های مکرر دانشجویان معترض شناسایی می‌کردند؛ اقدامی که به گفته منابع دانشجویی، می‌تواند زمینه‌ساز اعمال فشارهای انضباطی در مراحل بعدی باشد.

خواسته‌های دانشجویان دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی، خواسته‌های صنفی از جمله بازگرداندن سرویس‌های حمل و نقل دانشجویان به ویژه دانشجویان دختر و برقراری امنیت خوابگاه دختران، تأمین غذای باکیفیت و کاهش قیمت غذای دانشجویان شبانه، رسیدگی به مسائل و مشکلات خوابگاه‌ها، رسیدگی به مسائل آموزشی و پایان دادن به برخوردهای امنیتی با دانشجویان معترض است. اعتراضات دانشجویی در دانشگاه خواجه نصیر از روزهای نخست مهرماه جاری آغاز شد و پس از چند روز برگزاری تجمعات گسترده، مسئولان دانشگاه وعده رسیدگی به خواسته‌های آنها را دادند اما این وعده‌ها عملی نشد و دانشجویان تصمیم گرفتند که به اعتراضات خود ادامه دهند.

گسترده شدن دامنه اعتراضات دانشجویان دانشگاه خواجه نصیر در رسانه‌های حکومتی نیز بازتاب داشته است. خبرگزاری «ایلنا» گزارش داد اعتراضات دانشجویان این دانشگاه بعد از محدود کردن آموزش به اقشاری خاص و حذف امکانات رفاهی دانشجویان اتفاق افتاده است.

● دانشجویان دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی اعتراض به مشکلات صنفی را بعد از چندین روز انتظار بی‌نتیجه برای پاسخگویی مسئولان از سر گرفته‌اند.

● دانشجویان معترض خواجه نصیر در بیانیه‌ای اعلام کردند «سایه‌ی سرکوب و تهدید نیز بر دانشگاه گسترده است؛ بر زبان‌هایی که جز از عدالت و رفاه سخن نمی‌گویند. ما می‌گوییم: تا وقتی که پولی‌سازی و تبعیض ادامه دارد، تا وقتی تهدید جای گفتگو را گرفته، اعتراض و تحصن ما پایان نخواهد یافت.»

● نیروهای حراست در دانشگاه‌ها بیش از پیش فعال شده‌اند و تذکر و احضار دانشجویان دختر و پسر به کمیته انضباطی به بهانه‌های مختلف از جمله رعایت نکردن حجاب اجباری و رعایت نکردن شئون اسلامی ادامه دارد.

● «خبرنامه امیرکبیر» گزارش داده که در ادامه فشارها بر نهادهای دانشجویی در دولت اصلاح‌طلب پزشکیان، بُرد شورای صنفی دانشکده ادبیات دانشگاه «علامه» به دستور رئیس این دانشکده و با دخالت نیروهای بسیجی و خودسر مستقر در دانشگاه توقیف شد.

● تحلیلگران معتقدند تشدید فشارها بر دانشجویان به علت التهاب در فضای دانشگاه‌ها در سال تحصیلی جدید، و هراس حکومت از شکل گرفتن اعتراضات هماهنگ دانشجویی و کشیده شدن آن به دیگر اصناف و اقشار و وقوع اعتراضات سراسری در کشور است.

اعتراضات دانشجویان در دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی تهران پس از چند روز توقف و به علت بی‌تفاوتی مسئولان در پاسخ به خواسته دانشجویان از سر گرفته شده است. فعالان دانشجویی نیز از تشدید فضای سرکوب در دانشگاه‌های مختلف کشور گزارش می‌دهند.

دانشجویان دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی اعتراض به مشکلات صنفی را بعد از چندین روز انتظار بی‌نتیجه برای پاسخگویی مسئولان از سر گرفته‌اند.

حضور «ایران دیسکورس» در نمایشگاه کتاب فرانکفورت



«ایران دیسکورس» در نمایشگاه کتاب فرانکفورت

این مجله، تنها نشریه تحلیلی و فکری به زبان آلمانی است که به صورت تخصصی به موضوع ایران می‌پردازد و تلاش دارد روایت‌های رایج درباره ایران را که معمولاً از زاویه‌های ایدئولوژیک بازگو شده‌اند، از زاویه‌ای مستقل و تحلیلی بازخوانی کند.

حضور «ایران دیسکورس» در نمایشگاه، فرصتی بود برای گفتگو با نویسندگان، پژوهشگران و علاقمندان به ایران. در روزهای نمایشگاه، چهره‌های سیاسی، فرهنگی، دانشگاهی و رسانه‌ای متعددی از غرفه مجله دیدن کردند و درباره وضعیت امروز، تاریخ معاصر و آینده ایران به گفتگو پرداختند. «ایران دیسکورس» بر این باور است که ایران را باید نه از خلال کلیشه‌ها، بلکه بر بستر تجربه‌های تاریخی، اجتماعی و فکری‌اش فهمید.

حضور در نمایشگاه کتاب فرانکفورت برای این مجله تنها یک رویداد نمادین نبود؛ بلکه تلاشی بود برای گشودن گفتگویی تازه میان ایران و جهانی که هنوز در پی درک ژرف‌تر آن است.

نمایشگاه کتاب فرانکفورت امسال از ۱۶ تا ۱۹ اکتبر در این شهر برگزار و مثل هر سال میزبان هزاران علاقمند به نشر و کتاب در عرصه‌های مختلف به شکل چاپ و دیجیتال و انواع فناوری‌های مدرن بود.

فعالیت‌های صنفی و جلوگیری از انتشار مطالب مربوط به حقوق و مطالبات دانشجویان صورت گرفته است. دانشجویان این دانشکده با محکوم کردن این برخورد، آن را اقدامی خودسرانه و نشانه‌ای از تشدید فضای سرکوب و سانسور در محیط دانشگاه دانسته‌اند.

تحلیلگران معتقدند تشدید فشارها بر دانشجویان به علت التهاب در فضای دانشگاه‌ها در سال تحصیلی جدید، و هراس حکومت از شکل گرفتن اعتراضات هماهنگ دانشجویی و کشیده شدن آن به دیگر اصناف و اقشار و وقوع اعتراضات سراسری در کشور است.

● **مجله تحلیلی «ایران در دیسکورس» امسال برای نخستین بار در نمایشگاه کتاب فرانکفورت که یکی از بزرگترین رویدادهای انتشارات در جهان به شمار می‌رود، حضور داشت.**

● **این مجله، تنها نشریه تحلیلی و فکری به زبان آلمانی است که به صورت تخصصی به موضوع ایران می‌پردازد و تلاش دارد روایت‌های رایج درباره ایران را که معمولاً از زاویه‌های ایدئولوژیک بازگو شده‌اند، از زاویه‌ای مستقل و تحلیلی بازخوانی کند.**

● **حضور «ایران دیسکورس» در نمایشگاه، فرصتی بود برای گفتگو با نویسندگان، پژوهشگران و علاقمندان به ایران. در روزهای نمایشگاه، چهره‌های سیاسی، فرهنگی، دانشگاهی و رسانه‌ای متعددی از غرفه مجله دیدن کردند و درباره وضعیت امروز، تاریخ معاصر و آینده ایران به گفتگو پرداختند. مجله تحلیلی «ایران در دیسکورس» امسال برای نخستین بار در نمایشگاه کتاب فرانکفورت که یکی از بزرگترین رویدادهای انتشارات در جهان به شمار می‌رود، حضور داشت.**

مجله تحلیلی «ایران در دیسکورس» امسال برای نخستین بار در نمایشگاه کتاب فرانکفورت که یکی از بزرگترین رویدادهای انتشارات در جهان به شمار می‌رود، حضور داشت.

نهادهای دانشجویی در دولت اصلاح‌طلب پزشکيان، بُرد شورای صنفی دانشکده ادبیات دانشگاه «علامه» به دستور رئیس این دانشکده و با دخالت نیروهای بسیجی و خودسر مستقر در دانشگاه توقیف شد.

شورای صنفی دانشکده ادبیات دانشگاه «علامه» با انتشار اطلاعیه‌ای در کانال تلگرامی خود از برخورد نیروهای سرکوب با دانشجویان و توقیف غیرقانونی بُرد اطلاع‌رسانی این شورا خبر داد.

به گفته دانشجویان، این اقدام بدون هیچ‌گونه اطلاع‌رسانی یا مستند قانونی انجام گرفته و در راستای محدودسازی

گسترده است؛ بر زبان‌هایی که جز از عدالت و رفاه سخن نمی‌گویند. ما می‌گوییم: تا وقتی که پولی‌سازی و تبعیض ادامه دارد، تا وقتی تهدید جای گفت‌وگو را گرفته، اعتراض و تحسن ما پایان نخواهد یافت.»

در ادامه بیانیه آمده بود که «دانشگاه را نمی‌توان با پول اداره کرد و با ترس ساکت نگه داشت. دانشگاه با آزادی زنده است؛ با حق انتقاد، با امید به تغییر، با صدای جمعی دانشجویان. ما خواهان غذای سالم، شهریه‌ی منصفانه، خوابگاه در شان دانشجو و فضای امن برای بیان آزادانه‌ی اندیشه‌ایم. آموزش، حق همگانی است نه کالایی تجملی.» دانشجویان بر تداوم اعتراضات خود پافشاری کرده و نوشته بودند «ما ادامه‌دهنده‌ی راه نسل‌هایی هستیم که دانشگاه را سنگر آگاهی ساختند و در سخت‌ترین سال‌ها چراغ آزادی را روشن نگه داشتند. امروز نیز همان صدا را تکرار می‌کنیم: دانشگاه سکوت نخواهد کرد. تا روزی که عدالت و آزادی در این سرزمین ریشه بدواند، ما ایستاده‌ایم.»

گزارش‌ها از دیگر دانشگاه‌های کشور نشان می‌دهد نیروهای حراست در دانشگاه‌ها بیش از پیش فعال شده‌اند و تذکر و احضار دانشجویان دختر و پسر به کمیته انضباطی به بهانه‌های مختلف از جمله رعایت نکردن حجاب اجباری و رعایت نکردن شئون اسلامی ادامه دارد.

در همین رابطه ابراهیم آزادگان عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی «آریامهر» (شریف) با اشاره به فضای امنیتی حاکم بر دانشگاه‌ها و تأثیر آن بر روحیه استادان و دانشجویان، گفته «در دانشگاه شریف هنوز همان سیستم دولت قبل برقرار است. دم در دانشگاه خانم‌هایی هستند که به دانشجویها تذکر می‌دهند، داخل دانشگاه هم پر از دوربین است و دانشجویان را به دلیل حجاب به کمیته انضباطی می‌فرستند، درحالی‌که در خیابان کسی به کسی کاری ندارد. دانشجویی را که برای این موارد کمیته انضباطی بفرستی، عشق و علاقه‌اش به کشور از بین می‌رود و فقط به رفتن فکر می‌کند.»

عضو هیئت علمی دانشگاه «آریامهر» در ادامه به نمونه‌هایی از رد صلاحیت استادان برجسته اشاره کرده و گفته: «فردی که دکترای فلسفه از دانشگاه پرنستون داشت و مورد تأیید هیأت جذب بود، به دلیل عکسی که از او در کافه منتشر شده بود، گزینش اجازه تدریس نداد. یا فارغ‌التحصیل دانشگاه سوربن که برای تدریس به ایران بازگشت، رسماً به او گفته بودند: ما در ایران هیچ وقت به شما کار نمی‌دهیم.»

آزادگان با بیان اینکه دانشگاه «آریامهر» در سه سال اخیر با «فاجعه‌ای علمی» مواجه شده، توضیح داده «در این مدت نزدیک به ۷۰ نفر از استادان دانشگاه شریف کشور را ترک کرده‌اند و هنوز جایگزین مناسبی برای آنان پیدا نشده است. این روزها هفته‌ای یک استاد دانشگاه را ترک می‌کند، آن‌ها یا مرخصی بدون حقوق می‌گیرند یا می‌گویند فعلاً دانشگاه نمی‌آییم.»

این استاد دانشگاه درباره انگیزه اساتید دانشگاه برای مهاجرت گفته «هم شرایط اجتماعی و سیاسی دخالت دارد و هم حقوق پایین استادان. کسی که ۳۰ سال زحمت کشیده و مدارج علمی را طی کرده، امروز حقوقی برابر با یک کارمند دریافت می‌کند.»

بر اساس گزارش منابع دانشجویی، توقف فعالیت انجمن‌های دانشجویی و حتی توقیف بُرد اطلاع‌رسانی انجمن‌ها نیز در کنار احضار و پرونده‌سازی برای دانشجویان، به عنوان ابزار سرکوب فعالیت دانشجویان در دانشگاه‌های مختلف کشور در جریان است.

«خبرنامه امیرکبیر» گزارش داده که در ادامه فشارها بر

ادامه پلمب فلهای اماکن عمومی با هدف بستن فضای اجتماعی و سرکوب شهروندان

● در ادامه موج پلمب اماکن عمومی، محمدحسن محمدوند رئیس پلیس اماکن عمومی استان خوزستان از پلمب ۱۶ واحد صنفی و باغویلا به دلیل «رعایت نکردن شئون اسلامی و اجرای موسیقی بدون مجوز» در اهواز خبر داد.

● نظام موسوی فرمانده انتظامی شهر «قدس» در تهران ۲۶ مهرماه ۱۴۰۴ از پلمب ۱۵ کافی‌شاپ در این شهر خبر داد و دلیل آن را «اقدامات هنجارشکنانه» عنوان کرد.

● فرمانده انتظامی بروجرد، روز یکشنبه ۲۰ مهر ۱۴۰۴ از پلمب ۱۱ واحد صنفی در این شهرستان در جریان اجرای طرحی موسوم به «ارتقای انضباط اجتماعی» خبر داد.

● در حالی که ون‌های گشت ارشاد اسلامی به خیابان‌ها بازگشته‌اند، دبیر ستاد امر به معروف و نهی از منکر استان تهران از تشکیل «اتاق وضعیت عفاف و حجاب» و آموزش ۸۰ هزار آمر به معروف خبر داده است.

● پلمب اماکن عمومی نه به علت تخلفات صنفی بلکه به بهانه «رعایت نشدن شئون اسلامی» سال‌هاست در دستور کار حکومت قرار دارد. اما اکنون همزمان با بازگشت گشت ارشاد اسلامی به خیابان‌ها برای سرکوب شهروندان، موج جدیدی از فشار بر اصناف نیز آغاز شده است.

تشدید فشارهای اجتماعی بر شهروندان به بهانه «امر به معروف» و «مبارزه با بی‌حجابی» و «رعایت نشدن شئون اسلامی» ادامه دارد. ون‌های گشت ارشاد اسلامی و مأموران حجاب‌بان و آمر به معروف در حال بازگشت به شهرهای مختلف و کسب و کارهای مختلف از رستوران و کافی‌شاپ تا فروشگاه‌ها بطور فله‌ای در حال پلمب شدن هستند.

در ادامه موج پلمب اماکن عمومی، محمدحسن محمدوند رئیس پلیس اماکن عمومی استان خوزستان از پلمب ۱۶ واحد صنفی و باغویلا به دلیل «رعایت نکردن شئون اسلامی و اجرای موسیقی بدون مجوز» در اهواز خبر داد.

رئیس پلیس اماکن عمومی استان خوزستان مدعی شده «واحدهای متخلف دارای تخلفات صنفی و انتظامی از قبیل ایجاد مزاحمت‌های برای شهروندان، تبدیل شدن به پاتوق اراذل و اوباش، عدم رعایت شئون اسلامی، اجرای موسیقی بدون مجوز و... شده بودند».

از هفته‌های گذشته موجی از پلمب اماکن عمومی از جمله کافی‌شاپ‌ها، رستوران‌ها و فروشگاه‌ها به

نیروهای امنیتی به بازداشت شماری از دانشجویان انجامید. بر اساس اطلاعات رسیده به خبرنگار امیرکبیر، تینا درویشی یک روز پس از بازداشت با وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی آزاد شد و پگاه پاپی نیز چند روز بعد با شرایط مشابه از بازداشت آزاد گشت. سایر بازداشت‌شدگان همچنان در زندان همدان به‌تکلیف هستند و پرونده آنان در شعبه پنجم دادرسی عمومی و انقلاب همدان به ریاست بازپرس احسان حسن در دست رسیدگی است.

خانواده‌های دانشجویان بازداشتی با ابراز نگرانی از وضعیت نامشخص فرزندان خود، از عدم پذیرش وثیقه‌های تعیین‌شده توسط مسئولان قضائی انتقاد کرده‌اند. به گفته یکی از نزدیکان بازداشت‌شدگان، بازداشت اغلب دانشجویان توسط پلیس امنیت انجام شده است، در حالی که علیرضا قربی در منزل شخصی خود و توسط نیروهای سازمان اطلاعات سپاه (ساس) دستگیر شده است. همچنین برای مهرداد سیفی قرار وثیقه دو میلیارد تومانی صادر شده اما با وجود تأمین آن، از سوی مراجع قضایی پذیرفته نشده است. تجمعات دانشجویی ۱۹ مهرماه در اعتراض علیه توهین و تعرض دانشجویان عراقی (حشدالشعبی) به دختران دانشجوی ایرانی برگزار شد. یک مقام وزارت علوم در واکنش

خبرنامه امیرکبیر: بازداشت دست‌کم هفت دانشجو به علت اعتراض در دانشگاه همدان

● یک هفته پس از برگزاری تجمعات دانشجویی در همدان در اعتراض علیه توهین دانشجویان عراقی (حشدالشعبی) به دختران دانشجو در دانشگاه بوعلی‌سینا، خبرنامه «امیرکبیر» گزارش داد که روز شنبه ۱۹ مهرماه دست‌کم هفت دانشجو



تجمع اعتراضی شهروندان در همدان مقابل دانشگاه بوعلی سینا، دوشنبه ۱۴ مهرماه ۱۴۰۴

در پی این اعتراض در همدان بازداشت شدند.

● تینا درویشی، پگاه پاپی، امید کرمی، علیرضا قربی، مهرداد (مهرداد) سیفی، دانیال و مرتضی (نام خانوادگی نامشخص) هفت بازداشتی تجمعات اعتراضی هستند. اعتراضات در اطراف آرامگاه بوعلی‌سینا، محوطه دانشگاه بوعلی و مقابل ساختمان فرمانداری همدان شکل گرفت و با دخالت نیروهای امنیتی به بازداشت شماری از دانشجویان انجامید.

یک هفته پس از برگزاری تجمعات دانشجویی در همدان در اعتراض علیه توهین دانشجویان عراقی (حشدالشعبی) به دختران دانشجو در دانشگاه بوعلی‌سینا، خبرنامه «امیرکبیر» گزارش داد که روز شنبه ۱۹ مهرماه دست‌کم هفت دانشجو در پی این اعتراض در همدان بازداشت شدند.

تینا درویشی، پگاه پاپی، امید کرمی، علیرضا قربی، مهرداد (مهرداد) سیفی، دانیال و مرتضی (نام خانوادگی نامشخص) هفت بازداشتی این تجمعات اعتراضی هستند. اعتراضات در اطراف آرامگاه بوعلی‌سینا، محوطه دانشگاه بوعلی و مقابل ساختمان فرمانداری همدان شکل گرفت و با دخالت

به آنچه آن را «رفتار نامتعارف» شماری از دانشجویان خارجی در دانشگاه بوعلی سینا همدان خواند، اعلام کرد این وزارتخانه در حال تدوین «سیاست‌های جدید» برای «آشناسازی» آنها با «آداب و رسوم» ایران است.

وحید شالچی معاون فرهنگی اجتماعی وزارت علوم روز شنبه ۲۶ مهرماه بدون اشاره به جزئیات، در عین حال ادعا کرد ابعاد «قضیه» در رسانه‌ها «بزرگنمایی» شده و دانشگاه با موارد اثبات‌شده «بدون اغماض» برخورد خواهد کرد.

اظهارات او پس از آن بیان شد که حدود دو هفته پیش گزارش‌هایی از پیشنهاد برقراری رابطه توسط برخی دانشجویان خارجی مرد دانشگاه بوعلی سینا همدان از جمله پیشنهاد «صیغه» به برخی دانشجویان دختر این دانشگاه در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد.

خبرنامه امیرکبیر در همین ارتباط نوشت گزارش‌هایی دریافت کرده مبنی بر اینکه «برخی از دانشجویان عراقی بارها اقدام به مطرح کردن پیشنهاد ازدواج موقت و صیغه به دختران ایرانی کرده‌اند، حتی در مواردی که خانواده و همسر همراه آنها بوده است چنین پیشنهاداتی به برخی دانشجویان ایرانی داده شده است».

➔ **بها نه «رعایت نشدن شئون اسلامی» آغاز شده است.**

در نمونه دیگری نظام موسوی فرمانده انتظامی شهر «قدس» در تهران ۲۶ مهرماه ۱۴۰۴ از پلمب ۱۵ کافی‌شاپ در این شهر خبر داد و دلیل آن را «اقدامات هنجارشکنانه» عنوان کرد.

فرمانده انتظامی شهر «قدس» افزوده بود که این اقدام در چارچوب طرح «ارتقای امنیت اجتماعی» و با هدف برخورد با واحدهای صنفی کافی‌شاپ و قهوه‌خانه‌هایی که «اقدامات هنجارشکنانه» در آنها محرز بوده صورت گرفته است.

مهدی مهدوی فرمانده انتظامی بروجرد روز یکشنبه ۲۰ مهر ۱۴۰۴ از پلمب ۱۱ واحد صنفی در این شهرستان در جریان اجرای طرحی موسوم به «ارتقای انضباط اجتماعی» خبر داد.

وی با اعلام این خبر گفت: «برگزاری هرگونه مراسم مختلط، پارتی‌های شبانه و انتشار محتوای نامناسب در اماکن عمومی تخلف است و پلیس قاطعانه با متخلفان برخورد می‌کند.»

روز ۲۹ شهریور، کافه «بارون» در تهران به دلیل آنچه مقام‌های انتظامی «سرو و نگهداری مشروبات الکلی» عنوان کردند، پلمب شد.

خبرگزاری فارس، وابسته به سپاه پاسداران، نیز ۲۳ شهریور گزارش داد کافه‌رستوران «کاریز» در بوستان نهج‌البلاغه تهران به دلیل «سرو مشروبات الکلی، رقص، برهنگی و عدم رعایت قوانین نظام صنفی» توسط پلیس اماکن پلمب شده است.

موج جدی پلمب واحدهای صنفی تنها مختص رستوران‌ها و کافی‌شاپ‌ها نیست و گالری‌ها و فروشگاه‌های مختلف قربانی تشدید فشارهای اجتماعی حکومت هستند.

برای نمونه فروشگاه پوشاک «جین‌وست» در خیابان فرشته تهران که به مناسبت آغاز پاییز، مراسمی با عنوان جشن مهرگان برگزار کرده بود نیز پلمب شد.

همچنین ۱۲ مهرماه جاری یک باشگاه ورزشی در یزد به دلیل آنچه «فعالیت مختلط» عنوان شده بود، توسط ماموران اداره نظارت بر اماکن عمومی پلمب شد.

علی اکبر طبایی رئیس پلیس نظارت بر اماکن عمومی استان یزد درباره پلمب این باشگاه ورزشی گفته بود پس از دریافت خبری مبنی بر اینکه یک باشگاه ورزشی در شهر یزد به صورت مختلط با حضور زنان و مردان در حال فعالیت است، ماموران پلیس اماکن به بررسی موضوع پرداختند و «در این بازدید مشاهده شد تعدادی دختر و پسر به صورت مختلط در حال ورزش هستند.»

او همچنین گفته «باشگاه ورزشی مذکور فاقد تابلو بوده است. این باشگاه سپس توسط مأموران پلیس پلمب و متصدی آن پس از تشکیل پرونده، به مراجع قانونی معرفی شد.»

پالری تلای «کوردو» در سنجند نیز به بهانه «عدم رعایت حجاب اجباری» تعطیل شد. روز ۲۶ شهریور نیز خبرگزاری میزان، وابسته به قوه قضاییه، از پلمب یک واحد تجاری در بازار بزرگ تهران خبر داد که در آن فشن‌شوی لباس زنانه برگزار شده بود.

مرکز اطلاع‌رسانی پلیس نظارت بر اماکن عمومی فراجا نیز هفته دوم مهرماه جاری با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد «تمامی واحدهای صنفی و اماکن عمومی مشمول قوانین خاص، ملزم به رعایت مقررات، ضوابط و قوانین جاری کشور هستند.»

در این اطلاعیه تأکید شده که «به منظور پیشگیری از

تعطیلی یا پلمب واحدهای صنفی در شرایط اقتصادی فعلی و جلوگیری از متضرر شدن فعالان صنف، تأکید می‌شود در صورت عدم رعایت ضوابط قانونی و مقررات اعلام‌شده، علاوه بر اقدامات انتظامی و قضایی، مطابق آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۲ و دستورالعمل بند «د» ماده ۵۵ قانون نظام صنفی، موضوع تعلیق یا ابطال پروانه کسب و فعالیت حسب مورد از طریق کمیسیون‌های نظارت، هیأت عالی نظارت و دبیرخانه هیأت مقررات‌زادی در دستور کار قرار خواهد گرفت.»

پلمب اماکن عمومی نه به علت تخلفات صنفی بلکه به بهانه «رعایت نشدن شئون اسلامی» سال‌هاست در دستور کار حکومت قرار دارد. اما اکنون همزمان با بازگشت گشت ارشاد اسلامی به خیابان‌ها برای سرکوب شهروندان، موج جدیدی از فشار بر اصناف نیز آغاز شده است.

آمارها نشان می‌دهند در سال ۱۴۰۳ دست‌کم ۵۳۶ مورد پلمپ اماکن تجاری و صنفی در شهرهای مختلف ایران صورت گرفته است. این پلمپ‌ها در اغلب موارد به دلایل غیرصنفی از جمله ارائه خدمات در ماه رمضان، رعایت مسائل مربوط به حجاب اجباری و ارائه خدمات

دبیر ستاد امر به معروف و نهی از منکر استان تهران در پاسخ به انتقادات درباره دخالت ستاد امر به معروف و نهی از منکر در محیط‌های عمومی و دانشگاهی گفت «ما نقد جوانان را فرصتی برای اصلاح و بهبود مستمر می‌دانیم. هیچ روشی مقدس و غیرقابل تغییر نیست و اصل اساسی ما رعایت عدالت و کرامت انسانی است. هرگونه اقدامی که از این اصول فاصله بگیرد، مورد تأیید ستاد نیست و ما خود اولین مدعی علیه آن خواهیم بود.»

در روزهای گذشته خبرهایی درباره بازگشت ون‌های گشت ارشاد به خیابان‌ها نیز منتشر شده است. برای نمونه در مناطقی از تهران مانند میدان صنعت، خیابان مفتح و عباس‌آباد، ون‌های گشت ارشاد مستقر هستند.

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت مسعود پزشکیان اما در نشست خبری مدعی شد از حضور ون‌های گشت ارشاد در خیابان‌ها اطلاع نداشته اما گفته دولت نیز در حال بررسی وضعیت حجاب است!

فاطمه مهاجرانی گفته «برخی فعالان حوزه فرهنگ از برخی صحنه‌ها با اصطلاح بدن‌نمایی دلخوری‌هایی داشتند، این موضوع برای افرادی که در حکومت و دولت اسلامی فعالیت می‌کنند، پذیرفته نیست و ما در حال بررسی هستیم



که ببینیم باید چه کنیم.»

برخلاف ادعای سخنگوی دولت، کاملاً مشخص است که جمهوری اسلامی موج جدید از سرکوب‌ها در فضای اجتماعی را به بهانه «حجاب» و «شئون اسلامی» ایجاد کرده است. بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند این فشارها ناشی از هراس حکومت از آغاز دور تازه‌ای از اعتراضات سراسری است. در چنین شرایطی استقرار نیروهای انتظامی و لباس‌شخصی در سطح شهر، و فشار به اصناف به عنوان راهکاری برای پیشگیری از اعتراضات ارزیابی می‌شوند.

کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران به تازگی در گزارشی با اشاره به موج تازه سرکوب‌های اجتماعی از سوی جمهوری اسلامی اعلام کرد اگرچه خیابان‌های شهرهای ایران این روزها رنگ و رویی تازه گرفته اما در پس این رنگارنگی، اذیت و آزار، جرمه‌های نقدی و مجازات‌های مالی بیش از پیش ادامه دارند.

در این گزارش آمده «کنترل الکترونیک و به‌کارگیری ماموران لباس شخصی بیشتر شده و اینها منجر به مجازات‌های نقدی به دلیل رعایت نکردن حجاب اجباری و نیز برخورد با جمع‌های مختلط شده است.»

در تعطیلات سوگوری مذهبی انجام شده است، نه به دلیل تخلفات صنفی!

روح‌الله مؤمن‌نسب دبیر ستاد امر به معروف و نهی از منکر استان تهران هفته گذشته در یک نشست خبری از تشکیل «اتاق وضعیت عفاف و حجاب» با مشارکت دستگاه‌های فرهنگی و اجرایی خبر داد و از «عموم مردم برای عضویت در قرارگاه ناظران مردمی» دعوت کرد.

وی در بخشی از سخنان خود گفت «مقابله ما با هجمه فرهنگی و جنگ شناختی دشمن کاملاً هوشمند، چندلایه و مبتنی بر داده است». وی افزود «با تشکیل اتاق وضعیت عفاف و حجاب، کنش‌های دشمن رصد و تحلیل شده و راهکارهای فرهنگی، رسانه‌ای و قانونی طراحی و به نهادهای مربوطه ابلاغ می‌شود.»

او همچنین از آموزش ۸۰ هزار آمر به معروف خبر داد و افزود «با فعال‌سازی ۸۰ هزار نیروی آموزش‌دیده می‌توان تحولی بزرگ در استان ایجاد کرد، حتی پیش از آنکه به بودجه‌های کلان دولتی. تأمین مالی ما عمدتاً از طریق مشارکت‌های مردمی و استفاده بهینه از امکانات موجود در سایر نهادها خواهد بود.»

بازگشت ون‌های ارشاد اسلامی به خیابان‌ها؛ آموزش ۸۰ هزار «آمر به معروف» در تهران!



● گزارش‌ها حکایت از بازگشت ماشین‌های گشت ارشاد اسلامی به خیابان‌ها دارد اما سخنگوی دولت گفته از حضور نیروهای سرکوبگر به بهانه حجاب در خیابان‌ها «بی‌خبر» بوده است!

● دبیر ستاد امر به معروف و نهی از منکر استان تهران از تشکیل «اتاق وضعیت عفاف و حجاب» و آموزش ۸۰ هزار آمر به معروف خبر داده است.

دبیر ستاد امر به معروف و نهی از منکر استان تهران از تشکیل «اتاق وضعیت عفاف و حجاب» و آموزش ۸۰ هزار آمر به معروف خبر داده است.

استقرار ون‌های گشت ارشاد در اصفهان، مهرماه ۱۴۰۴
سرکوب شهروندان به بهانه «حجاب» طی روزهای گذشته بار دیگر از سوی حکومت برجسته شده است. گزارش‌ها حکایت از بازگشت ماشین‌های گشت ارشاد اسلامی به خیابان‌ها دارد اما سخنگوی دولت گفته از حضور نیروهای سرکوبگر به بهانه حجاب در خیابان‌ها «بی‌خبر» بوده است! روح‌الله مؤمن‌نسب دبیر ستاد امر به معروف و نهی از منکر استان تهران روز گذشته در یک نشست خبری از تشکیل «اتاق وضعیت عفاف و حجاب» با مشارکت دستگاه‌های فرهنگی و اجرایی خبر داد و از «عموم مردم برای عضویت در قرارگاه ناظران مردمی» دعوت کرد. وی در بخشی از سخنان خود گفت «مقابله ما با هجمه فرهنگی و جنگ شناختی دشمن کاملاً هوشمند، چندلایه و مبتنی بر داده است». وی افزود «با تشکیل اتاق وضعیت عفاف و حجاب، کنش‌های دشمن رصد و تحلیل شده و راهکارهای فرهنگی، رسانه‌ای و قانونی طراحی و به نهادهای مربوطه ابلاغ می‌شود.»

او همچنین از آموزش ۸۰ هزار آمر به معروف خبر داد و افزود «با فعال‌سازی ۸۰ هزار نیروی آموزش‌دیده می‌توان تحولی بزرگ در استان ایجاد کرد، حتی پیش از اتکا به بودجه‌های کلان دولتی. تأمین مالی ما عمدتاً از طریق مشارکت‌های مردمی و استفاده بهینه از امکانات موجود در سایر نهادها خواهد بود.»

دبیر ستاد امر به معروف و نهی از منکر استان تهران در پاسخ به انتقادات درباره دخالت ستاد امر به معروف و نهی از منکر در محیط‌های عمومی و دانشگاهی گفت «ما نقد جوانان را فرصتی برای اصلاح و بهبود مستمر می‌دانیم. هیچ روشی مقدس و غیرقابل تغییر نیست و اصل اساسی ما رعایت عدالت و کرامت انسانی است. هرگونه اقدامی که از این اصول فاصله بگیرد، مورد تأیید ستاد نیست و ما خود اولین مدعی علیه آن خواهیم بود.»

در روزهای گذشته خبرهایی درباره بازگشت ون‌های گشت ارشاد به خیابان‌ها منتشر شده است. برای نمونه در مناطقی از تهران مانند میدان صنعت، خیابان مفتاح و عباس‌آباد، ون‌های گشت ارشاد مستقر هستند. فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت مسعود پزشکیان اما در نشست خبری مدعی شد از حضور ون‌های گشت ارشاد در خیابان‌ها اطلاع نداشته اما گفته دولت نیز در حال بررسی وضعیت حجاب است!

فاطمه مهاجرانی گفته «برخی فعالان حوزه فرهنگ از برخی صحنه‌ها با اصطلاح بدن‌نمایی دلخوری‌هایی داشتند، این موضوع برای افرادی که در حکومت و دولت اسلامی فعالیت می‌کنند، پذیرفته نیست و ما در حال بررسی هستیم

قوه قضاییه جمهوری اسلامی تدوین شد. این طرح با تصویب هیئت دولت ابراهیم رئیسی وارد مجلس شورای اسلامی شد. لایحه حجاب و عفاف حدود یک سال و نیم میان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان در رفت و آمد بود و در نهایت در تاریخ ۲۳ مهرماه سال گذشته سخنگوی شورای نگهبان از تصویب آن در این شورا خبر داد. با اینهمه بیش از دو ماه دولت مسعود پزشکیان این قانون را ابلاغ نکرد و در نهایت اعلام شد شورای امنیت ملی اجرای این قانون را تا اطلاع بعدی متوقف کرد. این قانون سال گذشته برای اینکه بهانه‌ای برای اعتراض شهروندان نشود، معلق مانده بود و به نظر می‌رسد این روزها با هدف جلوگیری از اعتراضات سراسری و تشدید رصد و کنترل فضای اجتماعی در دستور اجرا قرار دارد!

اگر چه دولت مسعود پزشکیان همواره سعی کرده بود خود را مخالف اجرای این قانون نشان دهد اما در اصل مقامات دولتی، از مسعود پزشکیان تا دیگر اعضای هیئت دولت، موافق تحمیل حجاب اجباری به زنان ایران هستند. عباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی زمستان گذشته در اظهاراتی گفته بود «حجاب بی‌تردید در میان فقه‌های مذاهب مختلف اسلامی به عنوان تکلیف شرعی مطرح بوده و هست. در محدوده حجاب اختلافاتی است اما در اصل تکلیف حجاب می‌توان گفت که مورد توافق مذاهب اسلامی در دوره‌های مختلف تاریخ اسلام است.»

در روزهای گذشته فشارهای اجتماعی، امنیتی و قضایی علیه شهروندان افزایش یافته است. بسیاری از فعالان مدنی، صنفی، سیاسی و هنرمندان احضار و تهدید شده و یا با تشکیل پرونده‌های امنیتی و قضایی روبرو شدند. همچنین شمار زیادی از واحدهای صنفی، از کافه‌ها تا فروشگاه‌ها، به بهانه رعایت نشدن شئون اسلامی پلمپ شده‌اند.

تشدید بحران‌های اقتصادی، نارضایتی عمومی را افزایش داده و جمهوری اسلامی با هراس از آغاز دور جدیدی از اعتراضات سراسری، تلاش دارد با سرکوب شهروندان و بستن فضای اجتماعی از بروز اعتراضات جلوگیری کند.

که ببینیم باید چه کنیم». سخنگوی دولت پزشکیان بدون اینکه توضیح دهد منظورش «تجربه‌های گذشته» چیست گفته که «راه آن تجربه‌های گذشته نیست. شما کمک بکنید که ما چه کنیم؛ به هر حال قسمتی از مردم ما مذهبی هستند.»

طی روزهای گذشته همچنین اظهارنظر محمدرضا باهنر، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، درباره حجاب با واکنش‌هایی روبرو شد. محمدرضا باهنر در نشست خبری که روز شنبه هفته گذشته در خبرگزاری «خبر آنلاین» برگزار شده گفته بود که «در حال حاضر در مرکز سیل حملات تند قانون الزام‌آور و لازم‌الرعایه درباره حجاب وجود ندارد. تصمیم کلی نظام در حال حاضر این است که قانون حجاب اجباری به صورت لازم‌الرعایه وجود ندارد. اگر در جایی مشاهده کردید که برخلاف این تصمیم، برخورد یا جریمه‌ای صورت گرفته، می‌توانید موضوع را به شماره ۱۱۰ گزارش بدهید.»

برخی رسانه‌ها از جمله «رجانیوز» و «کیهان» تهران در مقابل این سخنان موضع‌گیری کردند و در نهایت اصغر جهانگیر سخنگوی قوه قضاییه در پاسخ به سوالاتی درباره اجرای قانون حجاب و اظهارات محمدرضا باهنر در این باره گفت: «ایشان بیان‌شان را اصلاح کردند.»

اصغر جهانگیر تأکید کرد که «قوانین حجاب به قوت خود باقی است و قانون مجازات اسلامی اجرا می‌شود، مجازات در نظر گرفته و بر اساس آن قانون اجرا خواهد شد.»

به نظر می‌رسد در ادامه تشدید فضای سرکوب پس از جنگ ۱۲ روزه اسرائیل و جمهوری اسلامی، اجرای «قانون حجاب و عفاف» با بازگشت ون‌های گشت ارشاد اسلامی و راهی کردن نیروهای لباس شخصی موسوم به «آمر به معروف» از جمله برنامه‌های حکومت برای بسته‌تر شدن فضای اجتماعی است. طرح «حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب» معروف به طرح «حجاب و عفاف» دو سال و نیم پیش و پس از اعتراضات جنبش ملّی ۱۴۰۱ که زنان روسری خود را آتش زدند و با پوشش اختیاری به خیابان‌ها آمدند از سوی

شاکی «بازیگر مشهور»: مرا با اجبار به خانه‌اش برد، دست و پایم را بست و به من تجاوز کرد!



پژمان جمشیدی از سوی رسانه‌های داخلی به عنوان متهم به «آدم‌ربایی» و «تجاوز» معرفی شده است

گفت که این نه اولین که دومین بار است این بازیگر به علت چنین جرمی شاکی داشته و بار قبل هم با همکاری وکیل و تطمیع شاکی، پرونده فیصله پیدا کرد. این تهیه‌کننده به خبرگزاری «ایرنا» گفته که این بازیگر دیگر تمام شده و هرگز قادر به بازگشت به این عرصه نخواهد بود.

بر اساس ادعای این تهیه‌کننده، به دنبال تغییر صدای این بازیگر در کارهای اخیر و مراجعه او به پزشکی، پزشک معالج از وخیم شدن شرایط جسمی او خبر داده و گفته مخاط دهنی و بویایی او کاملاً از بین رفته است.

به نظر می‌رسد منظور این تهیه‌کننده از این توضیحات، استفاده «بازیگر مشهور» از مواد مخدر است!

این تهیه‌کننده همچنین یادآوری کرد که دستمزد این بازیگر گاهی برای سه تا چهار نوبت بازی بین ۵ تا ۱۰ میلیارد تومان بوده است. خبرگزاری «ایرنا» این خبر را ساعتی پس از انتشار حذف کرد و نوشت: «با پوشش از مخاطبان محترم؛ این صفحه به دلیل ملاحظات حقوقی و یا خطای حرفه‌ای در تنظیم و درج خبر، موقتاً از دسترس خارج شده و محتوای آن در حال بررسی مجدد است.»

همچنین بابک نمک‌شناس رئیس مرکز اطلاع‌رسانی پلیس تهران بزرگ درباره بازداشت یکی از بازیگران معروف توضیحاتی را ارائه کرد و گفت «موضوع از طریق شکایت شخصی یک خانم با هویت مشخص آغاز شد؛ این فرد با مراجعه به دادگاه کیفری یک تهران شکایتی را علیه شخص مورد نظر مطرح می‌کند و در پی آن، پرونده‌ای در مرجع قضایی تشکیل می‌شود.»

بابک نمک‌شناس افزود «پس از تشکیل پرونده، مقام قضایی برای فرد مورد شکایت احضاریه صادر کرده و وی جهت رسیدگی به شعبه نهم بازپرسی دادگاه کیفری یک تهران احضار می‌شود. در همانجا، پس از انجام تحقیقات و تفهیم اتهام، بنا بر تشخیص مقام محترم قضایی، قرار قانونی برای این فرد صادر شده و در حال حاضر در اختیار مرجع قضایی قرار دارد.»

یک دختر جوان ۲۰ ساله است گفتگو کند. بر اساس این گزارش، بر اساس شکایت از «بازیگر مشهور» در روز گذشته، دوشنبه ۲۸ مهرماه ۱۴۰۴، «قرار وثیقه»ی این بازیگر به «بازداشت» تبدیل و او روانه زندان شد.

روزنامه «هفت صبح» گزارش داده شاکی این پرونده که یک دختر حدوداً ۲۰ ساله است در شکایت خود گفته «من یک بازیگر تازه‌کار هستم و از مدت‌ها قبل هنجوی بازیگری بودم. رویای هنرپیشگی در سر داشتم تا اینکه در یک پروژه کاری با آقای سوپرستار سینما و تلویزیون آشنا شدم. او به من وعده داد و گفت می‌تواند من را وارد پروژه کاری کند.»

این دختر جوان گفته «چند شب بعد به بهانه اینکه من را تا مسیری برساند سوار ماشینش شدم، اما بعد از طی مسافتی منحرف شد و هرچه به او التماس کردم پیاده‌ام نکرد. بعد من را با اجبار به خانه‌اش برد و آنجا دست و پایم را بست و به من تجاوز کرد.»

روزنامه «هفت صبح» افزوده با ثبت این شکایت، رسیدگی قضایی آغاز شد و پرونده به جهت رسیدگی به موضوع آدم‌ربایی به دادرسی جنایی تهران ارجاع و به جهت رسیدگی به اتهام تجاوز به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. با تکمیل تحقیقات در مرحله دادرسی، با توجه به اینکه متهم یک هنرپیشه معروف است، رسیدگی به اتهام آدم‌ربایی او در دادگاه فرهنگ و رسانه ادامه پیدا خواهد کرد.

این گزارش افزوده روز گذشته، دوشنبه ۲۸ مهرماه ۱۴۰۴، متهم به همراه شاکی در جلسه تحقیقات دادگاه حاضر شدند و این جلسه به صورت غیرعلنی برگزار شد. در پایان جلسه قرار وثیقه‌ی این بازیگر به قرار بازداشت تبدیل شد و او به این تبدیل قرار اعتراض کرد.

خبرگزاری «ایرنا» هم نوشته «بازیگر مشهور» پیشتر نیز پرونده شکایت به اتهام آزار و اذیت جنسی و تجاوز داشته اما در نهایت پرونده‌ها بسته شده است.

در این گزارش آمده یکی از تهیه‌کنندگان سینما با تأیید تلویحی تعرض بازیگر مشهور سینما به یک دختر جوان،

● خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضاییه روز سه‌شنبه ۲۹ مهرماه ۱۴۰۴ اعلام کرد در پی شکایت شاکی خصوصی، یک «بازیگر مشهور سینما» با احضار به مرجع قضایی و تفهیم اتهام بازداشت شد.

● رسانه‌های داخلی نوشتند که پژمان جمشیدی «با اتهامی سنگین» بازداشت و به بخش قرنطینه واحد ۳ زندان قزل‌حصار منتقل شده است. بر اساس این گزارش‌ها، واحد ۳ این زندان معمولاً برای متهمان به جرائم سنگین مانند قتل و تجاوز استفاده می‌شود.

● شاکی این پرونده که یک دختر حدوداً ۲۰ ساله است در شکایت خود گفته: «هنرجوی این بازیگر بودم و به بهانه اینکه من را تا مسیری برساند سوار ماشینش شدم، اما بعد از طی مسافتی منحرف شد و هرچه به او التماس کردم پیاده‌ام نکرد. بعد من را با اجبار به خانه‌اش برد و آنجا دست و پایم را بست و به من تجاوز کرد.»

● یک تهیه‌کننده سینما به خبرگزاری «ایرنا» گفته که این نه اولین که دومین بار است این بازیگر به علت چنین جرمی شاکی داشته و بار قبل هم با همکاری وکیل و تطمیع شاکی، پرونده فیصله پیدا کرد.

افکار عمومی در ایران روز سه‌شنبه ۲۹ مهرماه ۱۴۰۴ با شوک بازداشت یک «بازیگر مشهور» سینما به اتهام «آدم‌ربایی» و «تجاوز» روبرو شد. طی ساعات گذشته بسیاری از رسانه‌های داخلی نوشته‌اند متهم این پرونده پژمان جمشیدی بازیگر پُرکار سینما و تئاتر، و فوتبالیست است که پس از بازداشت به زندان قزل‌حصار منتقل شده است.

خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضاییه روز سه‌شنبه ۲۹ مهرماه ۱۴۰۴ اعلام کرد در پی شکایت شاکی خصوصی، یک «بازیگر مشهور سینما» با احضار به مرجع قضایی و تفهیم اتهام بازداشت شد.

خبرگزاری «میزان» نوشته چندی پیش خانمی با مراجعه به مرجع قضایی از یک بازیگر سینما به اتهام «تجاوز به عنف» شکایت کرد. در پی شکایت شاکی خصوصی و بررسی‌های تخصصی و علمی انجام شده این بازیگر مشهور سینما با احضار به مرجع قضایی تفهیم اتهام و بازداشت شد.

ساعاتی پس از انتشار این خبر، برخی رسانه‌های داخلی از جمله خبرگزاری «دانشجو» از بازداشت پژمان جمشیدی بازیگر سینما و فوتبالیست خبر دادند و نوشتند او «با اتهامی سنگین» بازداشت و به بخش قرنطینه واحد ۳ زندان قزل‌حصار منتقل شده است. بر اساس این گزارش‌ها، واحد ۳ این زندان معمولاً برای متهمان به جرائم سنگین مانند قتل و تجاوز استفاده می‌شود. مقامات رسمی قضایی و نزدیکان پژمان جمشیدی هنوز خبرهای منتشر شده درباره بازداشت این بازیگر را تأیید یا تکذیب نکرده‌اند.

با اینهمه برخی رسانه‌ها گزارش‌هایی تکمیلی درباره این خبر منتشر کرده‌اند. روزنامه «جهان صنعت» از جمله رسانه‌هایی است که خبر بازداشت پژمان جمشیدی به عنوان متهم این پرونده را تأیید کرده و نوشته پرونده تازه‌ای در دستگاه قضایی تهران جنجال‌برانگیز شده است؛ جایی که پژمان جمشیدی بازیگر سرشناس سینما و تلویزیون با اتهام‌های سنگینی از جمله آدم‌ربایی و تجاوز روبرو شده است.

روزنامه «هفت صبح» توانسته با شاکی این پرونده که

بحران در تأمین آب آشامیدنی اصفهان از ۴۵ روز دیگر!

● محمد نورصالحی رئیس شورای اسلامی شهر اصفهان نسبت به کاهش شدید ذخایر سد زاینده‌رود و تبعات آن هشدار داد و گفته که «اگر روند کاهش ذخیره سد ادامه یابد، تا ۴۵ روز آینده، تأمین آب شرب شهروندان نیز با مشکل مواجه خواهد شد.»

● فراز رابعی غلامی رئیس حوضه آبریز کارون بزرگ نیز با ارائه آمار جدیدی، از کاهش پنج میلیارد مترمکعب حجم ورودی به سدهای حوضه کارون بزرگ در سال آبی گذشته خبر داده است.

رئیس شورای اسلامی شهر اصفهان، نسبت به وقوع بحران در تأمین آب آشامیدنی پنج میلیون نفر در فلات مرکزی ایران هشدار داده و گفته است اگر شرایط کنونی ادامه یابد از ۴۵ روز دیگر حتی تأمین آب آشامیدنی اصفهان نیز با بحران روبرو خواهد شد.

محمد نورصالحی رئیس شورای اسلامی شهر اصفهان گفته «با توجه به تداوم خشکسالی‌ها و کاهش بارندگی اصفهان با تهدیدی جدی در حوزه آب شرب مواجه است، تهدیدی که نه تنها شهر اصفهان، بلکه مناطق گسترده‌ای از فلات مرکزی ایران را درگیر کرده است.»

وی نسبت به کاهش شدید ذخایر سد زاینده‌رود و تبعات آن هشدار داد و گفته است «اگر روند کاهش ذخیره سد ادامه یابد، تا ۴۵ روز آینده، تأمین آب شرب شهروندان نیز با مشکل مواجه خواهد شد.»

بر اساس توضیحات رئیس شورای اسلامی شهر اصفهان، در حال حاضر ورودی آب به سد زاینده‌رود حدود ۶ مترمکعب بر ثانیه و خروجی آن حدود ۲۸ تا ۳۰ مترمکعب بر ثانیه است. برای رسیدن حداقل ۱۲ مترمکعب بر ثانیه به تصفیه‌خانه آب آشامیدنی اصفهان، باید حدود ۳۰ مترمکعب آب در ثانیه از سد رها شود، آنهم در حالی که بین ۱۵ تا ۱۸ مترمکعب آن در طول مسیر، به صورت مجاز یا غیرمجاز برداشت می‌شود. او همچنین از احتمال بروز بحران در تأمین آب آشامیدنی شهروندان اصفهان خبر داده و گفته «بیش از پنج میلیون نفر در استان‌های اصفهان، یزد، چهارمحال و بختیاری و قم از زاینده‌رود برای شرب، صنعت و کشاورزی بهره‌مند می‌شوند، اما الان دیگر بحث بحران کشاورزی یا صنعت نیست، بلکه آب شرب مردم در معرض خطر است. باید برداشت‌های غیرشرب فوراً متوقف شود.»

رئیس شورای اسلامی شهر اصفهان همچنین با اشاره به ابعاد محیط زیستی بحران کم‌آبی در فلات مرکزی ایران، خشک شدن کامل تالاب بین‌المللی گاوخونی را از پیامدهای مستقیم قطع جریان زاینده‌رود دانسته و گفته که بی‌توجهی به حقایق محیط زیست می‌تواند خسارات جبران‌ناپذیری به اکوسیستم منطقه وارد کند.

محمد نورصالحی با هشدار نسبت به احتمال جیره‌بندی آب آشامیدنی در آینده نزدیک گفته «قبل از آنکه بحران جیره‌بندی آب در شهرهای مختلف رقم بخورد، لازم است مسئولان کشوری و استانی به‌فوریّت برداشت‌های غیرشرب، به ویژه در بخش‌های کشاورزی و صنعتی، را محدود یا متوقف کنند.»

بحران آب در اکثر نقاط ایران سبب هشدار کارشناسان و مقامات استانی شده است. بهیبه جعفری معاون دفتر برنامه‌ریزی کلان منابع آب و تلفیق بودجه شرکت مدیریت منابع آب ایران با تأکید بر کسری تجمعی بیش از ۱۵۰



چهارمحال و بختیاری اعلام کرده خسارت خشکسالی در بخش کشاورزی این استان در سال زراعی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ برابر ۱۱۴ هزار و ۹۰۰ میلیارد ریال برآورد شده است.

روزنامه «پیام‌ما» نیز به نقل از یکی از برنجکاران شرق استان مازندران نوشته این برنجکار امسال حدود پنج هکتار اراضی شالیزاری خودش را رها کرده و کشت نکرده است. او گفته «آبی نبود که بخواهم برنج بکارم. هزینه کاشت و خسارت ناشی از بی‌آبی زمین بیشتر از خسارت نکاشتند می‌شد.»

این برنجکار گفته «چاه‌های آب مطلقاً آب ندارند و باید برای آنها فکری کرد. البته شرکت آب منطقه‌ای اجازه کف‌شکنی دوباره و تعمیق چاه‌های آب را نمی‌دهد. اگر بخواهی این کار را انجام دهی باید غیرقانونی باشد که کار من نیست. آدم می‌خواهد لقمه حلال برد سر سفره زن و بچه. به هر حال امسال ضرر و زیان بزرگی کردیم. دولت هنوز به ما نگفته است خسارت نکاشت ما چگونه تأمین خواهد شد؛ بعید است مبلغی بدهند. حرف دولت این است که من که نگفتم نکار، پس پرداخت خسارت برعهده ما نیست.»

این کشاورز افزوده که در شرق مازندران و گلستان تعداد قابل‌توجهی از کشاورزان و شالیکاران امسال با کشت نکردن یا اگر کاشتند، فقط بخش‌هایی از زمین را شخم زدند و همه در انتظار این هستند که ببینند سال آبی جدید چگونه رقم خواهد خورد. بر اساس اعلام نبی‌الله رشنو مدیرکل دفتر مدیریت بحران و پدافند غیرعامل وزارت جهادکشاورزی «خشکسالی گسترده در سال زراعی جاری، با کاهش سطح کاشت و برداشت، بیش از ۴۴۰ هزار میلیارد تومان به بخش کشاورزی کشور خسارت وارد کرده است.»

وی توضیح داده که «بر اساس جمع‌بندی نتایج گزارش‌ها در شش‌ماه نخست امسال، خشکسالی خسارت قابل توجهی به تولیدات بخش کشاورزی در سطح کشور وارد کرده است. بر اساس این گزارش‌ها، بیشترین خسارت مربوط به بخش باغبانی با ۴۷ درصد است و پس از آن، زراعت با ۳۷ درصد در رتبه دوم قرار دارد. دام و طیور، زنبور عسل و شیلات با ۱۱ درصد، آب و خاک و امور زیربنایی با چهار درصد و منابع طبیعی و آبخیزداری با یک درصد، دیگر بخش‌هایی هستند که از خشکسالی آسیب دیده‌اند.»

میلیارد مترمکعبی در منابع آب زیرزمینی اظهار کرد: میانگین بارش‌ها در استان‌های کشور از منفی ۵ درصد تا منفی ۷۰ درصد است.

وی افزوده در سال آبی گذشته در هیچیک از استان‌های کشور بجز گیلان نه تنها شاهد افزایش بارش‌ها نبودیم، بلکه بجز دو استان که وضعیت طبیعی داشتند در تمامی استان‌های کشور شاهد کاهش بارش‌ها بودیم.

او با اشاره به شهرهای پرخطر و در معرض خشکسالی گفت: زمانی که شاخص بارش استاندارد شده SPI را در بازه‌های ۶، ۱۲ و ۴۸ ماهه بررسی می‌کنیم می‌توانیم درصد خشکی استان‌ها را برآورد کنیم. طبق گزارش‌های سازمان هواشناسی در منطقه زاگرس باوجود خشکی انباشته، شاهد افزایش خشکسالی هستیم این منطقه یکی از مناطق پراهمیت در تأمین نیاز آبی کشور است. پس از آن استان‌های شرق کشور، هرمزگان و تهران به نسبت با خشکسالی‌های شدیدتری مواجه بودند. فراز رابعی غلامی رئیس حوضه آبریز کارون بزرگ نیز با ارائه آمار جدیدی، از کاهش پنج میلیارد مترمکعب احجام ورودی به سدهای حوضه کارون بزرگ در سال آبی گذشته خبر داده است.

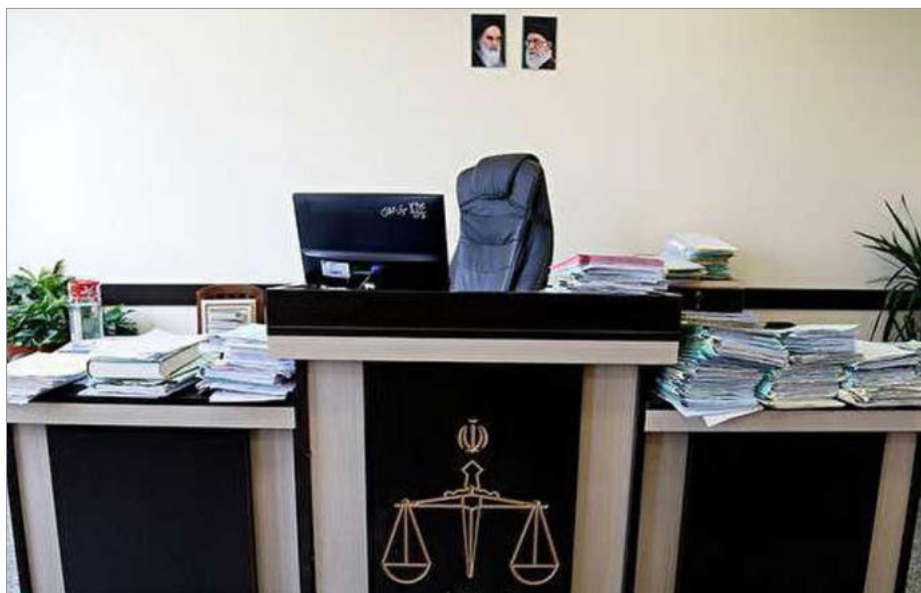
رئیس حوضه آبریز کارون بزرگ با بیان اینکه از ۲۵ دی ماه ۱۴۰۳ اعلام شرایط خشکسالی برای حوضه کارون صورت گرفت گفته بارش‌ها در بهمن، اسفند و فروردین کمتر از حد انتظار بود و میانگین بارش‌ها حدود ۴۰ درصد زیر نرمال قرار گرفت که در طول ۶۰ سال گذشته تنها یک یا دو سال بارش کمتر از این میزان بوده است.

استان چهارمحال و بختیاری که به استان آب‌های ایران شهرت دارد و رودخانه‌های کارون، زاینده‌رود و حتی سفیدرود، بزرگترین رودخانه ایران که به دریای مازندران (کاسپین/ خزر) می‌ریزد، از این استان سرچشمه می‌گیرد نیز امسال با مشکل بزرگ بی‌آبی روبرو بود.

خشکسالی کم‌سابقه نه تنها تأمین آب آشامیدنی شهروندان در برخی شهرها از جمله تهران و اصفهان را با بحران روبرو کرده بلکه خسارت گسترده‌ای به بخش کشاورزی وارد کرده است.

برای نمونه حسین بهرامی رئیس سازمان جهاد کشاورزی

راهاندازی بخش قضایی «سایبان حیات» در قم برای جلوگیری از سقط جنین



● رئیس کل دادگستری استان قم روز گذشته با اعلام خبر راهاندازی یک بخش قضایی با عنوان «سایبان حیات» گفته «مأموریت اصلی این بخش، جلوگیری از سقط غیرقانونی جنین و ارائه خدمات مشاوره‌ای و حمایتی به مادران و خانواده‌های در شرایط بحرانی است.»

● در اقدامی بی‌سابقه ماه گذشته نخستین حکم اعدام در قوه قضاییه جمهوری با اتهام «سقط جنین» صادر شد. سخنگوی قوه قضاییه هفته سوم شهریورماه خبر داد در استان هرمزگان، یک متهم با انجام ۱۴۰ مورد سقط عمدی غیرقانونی محکوم به اعدام شد و پرونده در دیوان عالی کشور در حال بررسی است.

● حقوقدانان و فعالان مدنی تأکید دارند که در قوانین ایران هیچ ماده‌ای برای مجازات اعدام در پرونده‌های سقط جنین وجود ندارد و صدور این حکم را آغاز روند جدیدی از سرکوب در قوه قضاییه ارزیابی کردند.

رئیس کل دادگستری استان قم از راهاندازی بخش «سایبان حیات» در مجتمع قضایی قم به عنوان یکی از اقدامات شاخص دستگاه قضایی استان با هدف جلوگیری از سقط جنین خبر داد.

سیدکاظم موسوی رئیس کل دادگستری استان قم روز گذشته با اعلام خبر راهاندازی یک بخش قضایی با عنوان «سایبان حیات» گفته «مأموریت اصلی این بخش، جلوگیری از سقط غیرقانونی جنین و ارائه خدمات مشاوره‌ای و حمایتی به مادران و خانواده‌های در شرایط بحرانی است.» رئیس کل دادگستری استان قم با بیان اینکه «در این بخش با همکاری نهادهای ذیربط، مشاوره‌های تخصصی ارائه و از تصمیمات عجولانه جلوگیری می‌شود» گفته «دستگاه قضایی استان با تمام ظرفیت، نهایت تعامل حداکثری را با ستاد جوانی جمعیت دارد و خواهد داشت.»

او همچنین گفته محوره‌های اقدامات دستگاه قضایی استان قم برای افزایش جمعیت «حمایت قضایی و قانونی از برنامه‌های تشویقی و تسهیل‌گرانه، پیشگیری از وقوع جرائم و آسیب‌های اجتماعی تهدیدکننده بنیان خانواده و برخورد قاطع با مروجین فرهنگ ضدجمعیتی و اخلاک‌گرا در فضای روانی جامعه» است.

جمهوری اسلامی در حالی طی سال‌های گذشته موضوع افزایش جمعیت را به موضوعی «امنیتی» تبدیل کرده که مهمترین علت کاهش فرزندآوری در ایران بحران‌های اقتصادی است. خانوارهایی که برای تأمین ضروری‌ترین هزینه‌های خود دچار بحران هستند و بسیاری از آنها حتی در برای اجاره یک خانه کوچک با کمبود منابع درآمدی روبرو هستند، اقدام به فرزندآوری نمی‌کنند.

در مقابل اما نه تنها حکومت برای بهبود شرایط رفاهی و اقتصادی خانوارها اقدام موثری انجام نداده که در آنسو موضوع فرزندآوری را به موضوعی امنیتی تبدیل کرده است. طبیعی است در شرایط دشوار اقتصادی آمار سقط جنین افزایش پیدا می‌کند چون زوج‌ها توانایی پرداخت هزینه‌های سرسام‌آور بارداری، زایمان و نگهداری نوزاد را ندارند. جمهوری اسلامی نیز با تکیه بر موضوع سقط جنین تلاش کرده موضوع فرزندآوری را به مسئله‌ای امنیتی و ابزاری برای سرکوب بیش از پیش شهروندان تبدیل کند.

در اقدامی بی‌سابقه ماه گذشته نخستین حکم اعدام در قوه قضاییه جمهوری با اتهام «سقط جنین» صادر شد. اصغر

ابراهیم رئیسی در آبان ۱۴۰۰ «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» را در ۷۳ ماده با تصویب مجلس شورای اسلامی ابلاغ کرد. شش ماه پس از ابلاغ قانون «جوانی جمعیت» از سوی ابراهیم رئیسی و در اواخر خرداد پارسال بهرام عین‌اللهی وزیر بهداشت جمهوری اسلامی دستورالعمل اجرای ماده ۵۳ قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» را با هدف «حفظ و مراقبت از جنین سالم» ابلاغ کرد.

بر اساس آن دستورالعمل، مادران باردار کمتر از ۳۵ سال که سابقه تولد فرزند دارای مشکلات ژنتیک و سندروم داون ندارند، نیاز به غربالگری ندارند، اما زنان بالای ۳۵ سال و کسانی که سابقه زایمان فرزندی با مشکلات ژنتیک یا سندروم داون دارند، باید تحت غربالگری قرار گیرند.

این دستورالعمل همچنین تأکید می‌کرد که «مباشرت یا معاونت در سقط جنین جرم‌انگاری و برای فرد خاطی جرایم سنگین در نظر گرفته می‌شود». در یکی از جدیدترین اظهارنظرها درباره سقط جنین، اصغر جهانگیر سخنگوی قوه قضاییه جمهوری اسلامی گفته «کاهش نرخ ازدواج و کاهش جمعیت در سال‌های گذشته باعث شده قوه قضاییه، با همکاری سایر نهادها، اقدامات قانونی برای پیشگیری از سقط جنین غیرقانونی را در دستور کار قرار دهد.»

سخنگوی قوه قضاییه افزوده «در سقط جنین اکثر موارد غیرقانونی است و اکثر سقط‌ها خارج از مراکز درمانی و به‌صورت غیرقانونی انجام می‌شود؛ بنابراین نیاز است دستگاه‌های مختلف از جمله فراجا، وزارت اطلاعات، صداوسیما و سایر نهادهای حمایتی به وزارت بهداشت کمک کنند تا وظایف قانونی به‌درستی اجرا شود.»

همه این برخوردهای سرکوبگرانه اما نتوانسته به افزایش نرخ فرزندآوری در ایران منجر شود. صالح قاسمی دبیر مرکز مطالعات راهبردی جمعیت کشور هفته گذشته با بیان اینکه کاهش جمعیت به یک بحران جدی تبدیل شده اعلام کرد «نرخ باروری در کشورمان هم اینک به حدود ۱/۶ فرزند به ازای هر زن رسیده و کشور در آستانه رشد منفی جمعیت قرار دارد.» صالح قاسمی افزوده «در حال حاضر نرخ رشد جمعیت کشور به حدود شش دهم درصد کاهش یافته و بر اساس برآوردها، این شاخص تا سال ۱۴۱۵ به صفر خواهد رسید.»

جهانگیر سخنگوی قوه قضاییه هفته سوم شهریورماه خبر داد در استان هرمزگان، یک متهم با انجام ۱۴۰ مورد سقط عمدی غیرقانونی محکوم به اعدام شد و پرونده در دیوان عالی کشور در حال بررسی است.

حسنعلی اخلاقی امیری عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، در دفاع از صدور این حکم اعدام گفته بود «گاهی برخی پزشکان سقط جنین را به ویژه در مورد فرزندان ناخواسته توصیه می‌کنند. بر اساس ادبیات فقهی ما، هر جنینی به مثابه یک انسان، ولو بالقوه، محسوب می‌شود و این عمل از نظر شرعی حرام است. قوه قضاییه هم احکام و قوانین خاص خود را در این زمینه دارد.»

او افزوده بود «در کنار اقدامات سلبی، باید کارهای ایجابی هم انجام شود. این اقدامات ایجابی تأثیرات خاص خود را دارند؛ اما در حوزه اجتماعی، پزشکی که بارها مرتکب چنین عملی می‌شود، حتی با تقاضای خانواده، قطعاً خلاف کرده است. به نظر من، قوه قضاییه بر اساس منطق و قوانین موجود اگر حکمی صادر کرده، کار درستی انجام داده است. اما برای رسیدن به اهداف قانون، باید اقدامات ایجابی صورت گیرد.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی افزوده بود که «در حوزه قانون جوانی جمعیت، قانون‌گذار هدف‌های مشخصی را در نظر داشته است. مسأله جمعیت در آینده کشور به زودی به یک بحران تبدیل خواهد شد و به همین دلیل، مجلس یازدهم قانون جوانی جمعیت را عمدتاً با رویکرد تشویقی و به‌ویژه در زمینه مسائل اقتصادی تصویب کرده است.»

با اینهمه حقوقدانان و فعالان مدنی تأکید دارند که در قوانین ایران هیچ ماده‌ای برای مجازات اعدام در پرونده‌های سقط جنین وجود ندارد و صدور این حکم را آغاز روند جدیدی از سرکوب در قوه قضاییه ارزیابی کردند.

علی خامنه‌ای اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۹۳ سیاست افزایش جمعیت و فرزندآوری را به دستگاه‌های مربوطه ابلاغ کرد و رواج ازدواج‌های سفید را دسیسه‌ی «صهیونیسم» و کاهش جمعیت ایران خواند. برنامه‌ها و طرح‌های افزایش جمعیت اما در سال‌های گذشته نتیجه مورد نظر رهبر جمهوری اسلامی را در پی نداشت.

اذغان یک اقتصاددان اصلاح طلب:

شکاف طبقاتی و فقر در ایران محصول نظام سیاسی است



ساختر کشور است.»

کارگری است!

مدتهاست که افزایش جمعیت زیر خط فقر، هشدار کارشناسان و اقتصاددانان را در پی داشته است. گسترده شدن فقر نه تنها سبب افزایش سوء تغذیه و تغییر در سبک زندگی خانوارها شده بلکه به عقیده کارشناسان در بلندمدت سبب تضعیف کیفیت نیروی انسانی در کشور خواهد شد. از بین رفتن طبقه متوسط و رانده شدن این خانوارها زیر خط فقر از یکسو احتمال بروز اعتراضات سراسری و شورشهای اجتماعی را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر به دلیل اینکه قشر متوسط مهمترین قشر در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی در هر جامعه‌ای به شمار می‌روند، محو شدن این طبقه می‌تواند تبعاتی گسترده و درازمدت برای کشور در پی داشته باشد.

حمید حاج اسماعیلی کارشناس و تحلیلگر بازار کار درباره محو شدن قشر متوسط گفته «افرادی که هنوز کت و شلوار مرتب یا مانتو اتوکشیده می‌پوشند و سر کار می‌روند، درواقع فقیرانی آبرومند هستند که دخلشان تا دهم ماه هم دوام نمی‌آورد.»

این کارشناس بازار کار توضیح داده «معلمی که با ۱۰ میلیون تومان حقوق، ۱۵ میلیون تومان اجاره می‌دهد، کارمند بانکی که برای خرید گوشت به مناسبت خاص منتظر است، یا پزشک عمومی که نیمی از درآمدش صرف مالیات و اجاره مطب می‌شود، دیگر طبقه متوسط محسوب نمی‌شوند. آنها فقیرانی با پوشش رسمی‌اند که گرفتار پرتگاهی شده‌اند که امیدی به ارتقاء در آن وجود ندارد.»

حمید حاج اسماعیلی تأکید کرده «مسئله تنها گرانی نیست، بلکه فروپاشی شأن طبقاتی است. زمانی طبقه متوسط با امید به خرید خانه یا خودرو از طریق پس‌انداز و وام تعریف می‌شد، اما امروز حتی وام مسکن برای یک خانه کوچک کافی نیست. این شرایط به افزایش تنش‌های خانوادگی، طلاق و فروپاشی بنیان خانواده‌ها منجر شده و امنیت روانی و اجتماعی را تهدید می‌کند.»

افزایش تورم و گرانی طی سال‌های گذشته دست‌کم دو سوم از جمعیت ایران را زیر خط فقر قرار داده اما در آنسو شکاف طبقاتی را نیز به شدت افزایش داده و یک قشر وابسته به حکومت را به آبروتروپند انگلی تبدیل کرده است چرا که ثروت‌شان حاصل تولید و سازندگی نیست تا سودی هم به ملت و مملکت برسد.

حسین راغفر اقتصاددان اصلاح طلب در گفتگو با وبسایت «اقتصاد ۲۴» گفته «این نظام قدرت است که با تصمیماتی که می‌گیرد، منابع را میان طبقات درون و خارج از قدرت توزیع می‌کند. مسئول این نابرابری‌ها تصمیماتی است که در نظام سیاسی کشور گرفته می‌شود که به این منجر می‌شود که تعداد زیادی از افراد در جامعه دچار نابرابری شوند.»

حسین راغفر توضیح داده که «با این نظام طبقاتی که درست شده و چنین اقتصادی که در آن گردهای از طریق دلالی، سفته بازی و زد و بند، روزانه و ساعتی پول‌های میلیاردی در می‌آورند، چندان تعجب‌آور نیست که شاهد شکل‌گیری این طبقه در جامعه باشیم. دولت خودش چند هزار میلیارد تومان به بورس تزریق می‌کند و عده‌ای نشسته‌اند و برای نوسان‌گیری و نوسان‌سازی این پول را ظرف دو سه روز می‌بلعند. بدین معنا که صبح شروع به خرید سهام می‌کنند و مردم هم با این فرض که، چون سهامدار برایش زیاد است پس سهام خوبی است، خریداری می‌کنند، اما همان گروه فردایش شروع به فروختن می‌کنند و از این نوسان منابع بزرگی را به جیب می‌زنند. همه هم این ترغند را می‌دانند و چیز عجیبی نیست.»

حسین راغفر افزوده «یک گروه در جامعه درآمدهای آنچنانی، زندگی‌های لوکس و خانه‌های چند صد هزار میلیاردی دارند که هیچ احساسی نسبت به طبقات پایین، محروم و قربانیان این نظام اقتصادی ندارند. مسئله آنان این است که چگونه از این وضعیت به نفع خود و فرزندانشان بهره گیرند؛ بنابراین آنچه رخ داده، محصول نظام قدرت در

● افزایش تورم و گرانی طی سال‌های گذشته دست‌کم دو سوم از جمعیت ایران را زیر خط فقر قرار داده اما در آنسو شکاف طبقاتی را نیز به شدت افزایش داده و یک قشر وابسته به حکومت را به آبروتروپند انگلی تبدیل کرده است چرا که ثروت‌شان حاصل تولید و سازندگی نیست تا سودی هم به ملت و مملکت برسد.

● حسین راغفر اقتصاددان اصلاح طلب: این نظام قدرت است که با تصمیماتی که می‌گیرد، منابع را میان طبقات درون و خارج از قدرت توزیع می‌کند. مسئول این نابرابری‌ها تصمیماتی است که در نظام سیاسی کشور گرفته می‌شود که به این منجر می‌شود که تعداد زیادی از افراد در جامعه دچار نابرابری شوند.

● حمید حاج اسماعیلی کارشناس و تحلیلگر بازار کار: افرادی که هنوز کت و شلوار مرتب یا مانتو اتوکشیده می‌پوشند و سر کار می‌روند، درواقع فقیرانی آبرومند هستند که دخلشان تا دهم ماه هم دوام نمی‌آورد.

اقتصاددانان نسبت به پیامدهای رکود تورمی عمیق در ایران هشدار می‌دهند و تأکید دارند نتیجه تصمیمات سیاسی حکومت، از جمله نتیجه تشدید تحریم‌ها، بر معیشت خانوار تحمیل خواهد شد. پس از نزدیک به نیم قرن سرانجام یک اقتصاددان اصلاح طلب به این واقعیت اذغان کرده که فقر گسترده در ایران پدیده‌ای تصادفی نیست و محصول نظام سیاسی است.

در شرایطی که افزایش تورم و موج گسترده اخراج نیروی کار به علت رکود، بسیاری از خانوارها را قعر خط فقر رانده و بسیاری از خانواده‌هایی که تا چند سال پیش در قشر متوسط تعریف می‌شدند حالا برای اجاره یک سرپناه و تأمین حداقل خوراک «بخور و نمیر» با بحران روبرو هستند، در شمال تهران برج‌هایی دیده می‌شوند که اجاره سالانه آنها چندین میلیارد تومان است و هزینه زندگی یک روز زندگی هر یک از ساکنان آنها بیشتر از درآمد یک خانوار

ادعای مضحک سخنگوی دولت:

فقر را با حمایت معیشتی و اشتغال کاهش می‌دهیم!



این در حالیست که طی یک سال و دو ماه گذشته که مسعود پزشکیان مسئولیت دولت را به عهده گرفته روند فقر در ایران گسترش یافته و میلیون‌ها نفر از جمعیت کشور به زیر خط فقر فرو رفته‌اند.

قابل توجه اینکه فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت نیز در سخنان امروز خود گفته «خط فقر که معمولاً در پایان هر سال محاسبه و اعلام می‌شود، برای سال ۱۴۰۳ به ازای هر فرد ۶ میلیون و ۱۲۸ هزار و ۷۳۹ تومان اعلام شده است. طبیعتاً دولت سیاست‌هایی مانند تعیین کف حقوق برای کارگران و کارکنان سازمان‌های دولتی را اتخاذ می‌کند تا این حداقل را پوشش دهد و تمام تلاش‌های دولت در این راستا متمرکز است.»

این رقم برای خط فقر هر فرد در حالی اعلام شده که دستمزد خانوارهای کارگری و بخش زیادی از بازنشستگان حدود ۱۵ میلیون تومان در ماه است. اگر متوسط شمار خانوار ۴ نفر در نظر گرفته شود، یعنی سهم هر عضو این خانوارها از درآمد، رقمی کمتر از ۴ میلیون تومان خواهد بود.

از سوی دیگر محمدرضا نیک‌نژاد عضو کانون صنفی معلمان کشور به تازگی اعلام کرده طبق آمار دیوان عدالت اداری بیشترین حقوق کشور با ۴۵ میلیون تومان متعلق به وزارت نفت و کمترین میزان، ۱۵ میلیون تومان متعلق به معلمان است.

بر اساس گفته محمدرضا نیک‌نژاد نیز سهم هر عضو از خانواده چهار نفره آموزگاران از درآمد رقمی کمتر از ۴ میلیون تومان خواهد بود.

این ارقام نشان می‌دهد حتی بر مبنای رقم اعلام شده از سوی سخنگوی دولت به عنوان رقم خط فقر برای هر نفر در ایران، بخش زیادی از جمعیت کشور، بخش زیادی از جمعیت کشور زیر خط فقر قرار دارند.

در این میان فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت گفته «با وجود تلاش‌ها، تورم همچنان وجود دارد که

● فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت چهاردهم روز سه‌شنبه ۲۹ مهرماه ۱۴۰۴ در جمع خبرنگاران مدعی شد دولت برنامه دارد با انجام حمایت‌های معیشتی و ایجاد اشتغال فقر را کاهش دهد.

● مسعود پزشکیان رئیس دولت در جمع اعضای اتاق بازرگانی ایران مدعی شده «تمام دغدغه‌ام در دولت این است که چگونه معیشت مردم را حل کنم!»

● آلبرت بغزیان اقتصاددان: «من تا کنون برنامه‌ای از دولت که منجر به کاهش قیمت مواد غذایی یا هزینه‌های مردم شود، ندیده‌ام. نظارت بر قیمت‌ها هم مشاهده نمی‌شود یا دست‌کم ملموس نیست.»

● آمارهای مرکز آمار ایران نشان می‌دهد اقتصاد ایران از سال ۱۳۹۷ به بعد و در ۶۱ ماه گذشته با تورم بالای ۳۰ درصد روبرو بوده است.

● تحلیلگران معتقدند ارائه کالابریگ الکترونیک (کوپن) یا پرداخت یارانه نقدی که در دولت‌های پیشین طراحی و در دولت مسعود پزشکیان نیز ادامه یافته نمی‌تواند فاصله عمیق میان هزینه‌های ضروری زندگی و درآمد خانوارها را پر کند.

در شرایطی که کارشناسان اقتصادی سیاست‌های اقتصادی دولت را ناکارآمد بر کنترل تورم ارزیابی کرده و برنامه‌های حمایتی از جمله ارائه کالابریگ یا همان کوپن را بی‌اثر بر بهبود معیشت افشار کم‌درآمد و تنگدست ارزیابی می‌کنند، مسعود پزشکیان مدعی شده «تمام دغدغه‌ام در دولت این است که چگونه معیشت مردم را حل کنم». سخنگوی دولت هم در دروغی آشکار و مضحک مدعی شده فقر را با حمایت معیشتی و اشتغال کاهش می‌دهیم!

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت چهاردهم روز سه‌شنبه ۲۹ مهرماه ۱۴۰۴ در جمع خبرنگاران مدعی شد دولت برنامه دارد با انجام حمایت‌های معیشتی و ایجاد اشتغال فقر را کاهش دهد.

➔ علی قنبری اقتصاددان و استاد دانشگاه نزدیک به اصلاح‌طلبان نیز احیای قشر متوسط را «ضرورتی حیاتی» دانسته و گفته «در سال‌های اخیر و به ویژه با توجه به تحریم‌ها، تورم مزمن و کاهش ارزش پول ملی، قشر متوسطی که همیشه موتور رشد و پیشرفت جامعه می‌شود، به تدریج در حال حذف است.»

وی در ادامه گفته «این فرآیند تبدیل شدن قشر متوسط به ضعیف، به معنای واقعی، نابودی یک بافت اجتماعی است که در کشورهای توسعه‌یافته، مسئول اصلی حفظ نظم مدنی، مشارکت در اصلاحات و دفاع از عدالت اقتصادی به شمار می‌آید. در بسیاری از جوامع، قشر متوسط نقشی حیاتی در پایداری ساختار اجتماعی دارد. این قشر از نظر فرهنگی تحصیل‌کرده‌تر، از نظر اقتصادی مولدتر و از نظر سیاسی آگاه‌تر است. وجود این قشر باعث می‌شود فقر و ثروت در جامعه به شکل افراطی از هم فاصله نگیرند و طبقات استاندارد جامعه حفظ شود.»

این اقتصاددان توضیح داده که «قشر متوسط ایران، عملاً در بخش خصوصی جامعه قرار می‌گیرد. بخش خصوصی، یعنی همان افرادی که کسب‌وکارهای خرد و متوسط را اداره می‌کنند، مالیات می‌دهند، شغل ایجاد می‌کنند و بدون تکیه بر رانت و قدرت، چرخه اقتصادی کشور را به حرکت در می‌آورند. هر اندازه که این قشر بیشتر تحت فشار قرار گیرد، نتیجه این است که اقتصاد به جای رقابت و تولید، به سمت انحصار و رانت می‌رود. در حالی که بخش خصوصی باید با تورم بالا، نوسان ارزی و بی‌ثباتی قوانین دست و پنجه نرم کند رقابتی شبه‌دولتی از حمایت‌های ویژه استفاده می‌کند.»

علی قنبری همچنین گفته «خطر بزرگ زمانی پدید می‌آید که قشر متوسط از حد معینی ضعیف‌تر شود. در چنین شرایطی، بخش مهمی از جامعه هم ضعیف می‌شود. قطبی که همه چیز دارد در برابر قطبی قرار می‌گیرد که هیچ چیز ندارد.»

او افزوده «این دوگانگی نه تنها خطر تنش اجتماعی را بالا می‌برد، بلکه احساس بی‌عدالتی را نیز تشدید می‌کند. در این نبرد نابرابر، پیروزی همیشه با قشر ثروتمند است، چرا که منابع مالی، رانت قدرت و قدرت دسترسی به تصمیم‌گیری را در اختیار دارد. نتیجه چنین وضعیتی بازتولید فقر و ثروت است. وضعیتی که درازمدت بسیار خطرناک خواهد بود، زیرا بی‌ثباتی اجتماعی، امنیت اقتصادی را از بین می‌برد.»

در این میان سیاست‌های اقتصادی دولت مسعود پزشکیان نیز بحران‌ها را افزایش داده است؛ این موضوع نیز با انتقاد گسترده کارشناسان روبرو بوده بطوری که دولت را فاقد برنامه مشخص برای کاهش بحران‌های اقتصادی ارزیابی می‌کنند.

در همین رابطه آلبرت بغزیان اقتصاددان گفته «من تاکنون برنامه‌ای از دولت که منجر به کاهش قیمت مواد غذایی یا هزینه‌های مردم شود، ندیده‌ام. نظارت بر قیمت‌ها هم مشاهده نمی‌شود یا دست‌کم ملموس نیست.»

به عقیده آلبرت بغزیان «احساس نمی‌شود دولت به دنبال کاهش یا نظارت و مدیریت قیمت‌ها باشد. حتی در موضوع ارز، از یک سو وزیر اقتصاد بر تک‌نرخ شدن ارز تأکید دارد و از سوی دیگر، رئیس بانک مرکزی تأکید می‌کند چنین اقدامی تورم‌زا خواهد بود. این اختلاف‌نظرها خود نشان‌دهنده نبود برنامه مشخص است و به نظر می‌رسد این موارد حکایت از افزایش قیمت دارد. از طرفی، کاهش ارزش پول ملی باعث افزایش قیمت کالاهای وارداتی شده و این مسئله مستقیماً بر معیشت مردم تأثیر می‌گذارد. تنها اقدامی که از سوی دولت مطرح شده، بحث کالابریگ است؛ یعنی به جای پرداخت نقدی، کالا در اختیار مردم قرار گیرد.»

کشور از چند شغله بودن بیش از ۶۰ درصد از کارگران در کشور خبر داده و گفته «کارگران برای تأمین مایحتاج روزانه خود مجبور به پذیرش شغل‌های غیررسمی و کم‌درآمد شوند. در چنین شرایطی، زندگی کارگران به شکل سخت و پر فشار ادامه پیدا می‌کند و این وضعیت ناشی از کاهش قدرت خرید و پایین بودن دستمزدها نسبت به تورم واقعی است.»

او تأکید کرده «کارگرانی که حتی با دریافت حداقل دستمزد رسمی روزگار می‌گذرانند، به دلیل هزینه‌های بالای مسکن، درمان، تحصیل و خوراک، ناچار به پذیرش شغل دوم یا سوم شده‌اند.»

حسین ایمانی جاجرمی، جامعه‌شناس، نیز با اشاره به افزایش رکود تورمی، گرانی و بیکاری، گفته در چنین شرایطی معیشت خانوار کوچک می‌شود و «خانواده‌ها برای بقا مجبورند تمام ظرفیت‌ها را به کار گیرند؛ از کار کردن زنان تا کار کودکان. این یک «استراتژی بقا» است. وقتی غذایی سر سفره نیست، خطوط قرمز قدیمی کنار می‌رود.»

این جامعه‌شناس افزوده «وقتی اقتصاد خانوار فرو می‌پاشد، بچه‌ها هم مجبور به کار می‌شوند. در مناطق محرومی مثل سیستان و بلوچستان یا جنوب کرمان حتی پدیده‌هایی مانند کودک‌فروشی دیده می‌شود.»

او اقداماتی مانند یارانه‌دهی از سوی دولت یا ارائه بسته غذایی از سوی شهرداری را ناکارآمد دانسته و گفته «اگر فقط بر «آسیب‌های اجتماعی» زوم کنیم، مثل این است که خانه آتش گرفته و ما فقط آب روی شعله‌ها می‌ریزیم، بی‌آنکه منبع آتش را خاموش کنیم. باید سیاست‌های رفاهی جدی برای فقر شهری، مسکن، آموزش و اشتغال وجود داشته باشد. مدیریت شهری ما نوآوری سیاستی ندارد. برنامه‌های شهرداری در حد سفره انداختن و دست نوازش بر سر کشیدن است که همین سیاست‌ها هم مقطعی است.»

موضوع ارز، از یک سو وزیر اقتصاد بر تک نرخی‌شدن ارز تأکید دارد و از سوی دیگر، رئیس بانک مرکزی تأکید می‌کند چنین اقدامی تورم‌زا خواهد بود. این اختلاف‌نظرها خود نشان‌دهنده نبود برنامه مشخص است و به نظر می‌رسد این موارد حکایت از افزایش قیمت دارد. از طرفی، کاهش ارزش پول ملی باعث افزایش قیمت کالاهای وارداتی شده و این مسئله مستقیماً بر معیشت مردم تأثیر می‌گذارد. تنها اقدامی که از سوی دولت مطرح شده، بحث کالا برگ است؛ یعنی به جای پرداخت نقدی، کالا در اختیار مردم قرار گیرد.»

از سوی دیگر تحلیلگران معتقدند ارائه کالا برگ الکترونیک (کوپن) یا پرداخت یارانه نقدی که در دولت‌های پیشین طراحی و در دولت مسعود پزشکیان نیز ادامه یافته نمی‌تواند فاصله عمیق میان هزینه‌های ضروری زندگی و درآمد خانوارها را پُر کند.

خبرگزاری «ایلنا» نیمه مهرماه جاری در محاسباتی نشان داده که پایه دستمزد ۲۳۸ دلاری سال ۹۵ در طول یک بازه زمانی ۹ ساله، به ۹۱ دلار رسیده؛ به عبارتی، دستمزد واقعی سال جاری فقط ۰/۳۸ دستمزدی است که کارگران در سال ۹۵ دریافت می‌کردند!

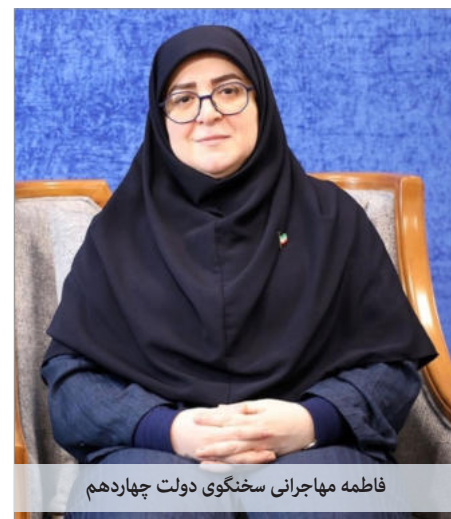
آمارهای مرکز آمار ایران نشان می‌دهد اقتصاد ایران از سال ۱۳۹۷ به بعد و در ۶۱ ماه گذشته با تورم بالای ۳۰ درصد روبرو بوده است. رئیس کل بانک مرکزی دو سال پیش هدف‌گذاری تورم زیر ۲۰ درصد را مطرح کرده بود اما ماه‌هاست تورم به بالای ۴۰ درصد رسیده است.

در چنین شرایطی است که بسیاری از کارگران و حقوق‌بگیران ناچار شده‌اند چند شغل داشته باشند تا بتوانند هزینه‌های زندگی را پوشش دهند. از سوی دیگر بسیاری از بازنشستگان با وجود کهولت سن یا بیماری، به علت درآمدهای ناچیز ناچار شده به بازار کار بازگردند.

سمیه گلپور، رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگری

بخش عمده آن ناشی از تحریم‌های تحمیل‌شده بر کشور است و بیشترین فشار آن به مردم وارد می‌شود. دولت با سیاست‌هایی مانند پرداخت یارانه نقدی، کالا برگ الکترونیک، حمایت‌های معیشتی هدفمند، برنامه‌های اشتغال‌زایی، حمایت از صندوق‌های بازنشستگی، بهبود معیشت اقشار کم‌درآمد و توجه به عدالت در حوزه‌های مختلف از جمله عدالت درمان، مسکن، معیشت و آموزش، در صدد کاهش آثار تورم و فقر است.»

فاطمه مهاجرانی همچنین گفته «در حوزه عدالت درمان، طرح نظام ارجاع شروع شده و در حوزه مسکن، برنامه‌های حمایتی اجرا می‌شود. همچنین تمرکز دولت بر ارتقای کیفیت آموزش در مدارس دولتی ادامه دارد و دستاوردهای خوبی در این زمینه حاصل شده است. همچنین در راستای حمایت از کسب و کارها، طرح «طاها» یکی از برنامه‌هایی است که به افراد فعال در مشاغل خانگی پوشاک کمک



فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت چهاردهم

می‌کند تا اشتغال خود را حفظ کنند.»

سخنگوی دولت بار دیگر تأکید دولت بر این است که کمک‌های معیشتی مکمل اشتغال باشند و اصل موضوع بر ایجاد و حفظ فرصت‌های شغلی متمرکز باشد.

مسعود پزشکیان رئیس دولت نیز روز سه‌شنبه ۲۹ مهرماه ۱۴۰۴ در جمع اعضای اتاق بازرگانی ایران مدعی شده «تمام دغدغه‌ام در دولت این است که چگونه معیشت مردم را حل کنم.»

مسعود پزشکیان افزوده «الان که با شما صحبت می‌کنم تمام دغدغه‌ام در دولت این است که چگونه معیشت مردم را حل کنم. من نباید بگذارم مردم مشکل معیشتی پیدا نکنند شما هم باید کمک کنید تا نگذاریم مردم مشکل معیشتی پیدا کنند؛ زیرا اگر مردم مشکل معیشتی پیدا کنند، شما نیز نمی‌توانید به‌درستی کار کنید. باید همه با هم کمک کنیم که تا حد امکان مشکل برای مردم ایجاد نشود.»

ادعای برطرف کردن فقر و تأمین معیشت مردم از سوی مسعود پزشکیان و سخنگوی دولت او در حالی مطرح شده که به عقیده بسیاری از خانوارها دولت پزشکیان برنامه روشن و مشخصی برای بهبود شرایط اقتصادی ندارد.

در همین رابطه آلبرت بغزیان اقتصاددان گفته «من تا کنون برنامه‌ای از دولت که منجر به کاهش قیمت مواد غذایی یا هزینه‌های مردم شود، ندیده‌ام. نظارت بر قیمت‌ها هم مشاهده نمی‌شود یا دست‌کم ملموس نیست.»

به عقیده آلبرت بغزیان «احساس نمی‌شود دولت به دنبال کاهش یا نظارت و مدیریت قیمت‌ها باشد. حتی در

قفس «رهبر مسلمین جهان»!



© کیهان لندن/ کارتون‌های بهنام محمدی

«کمبود مطلق آب»، تهدید جدیدی برای ساکنان ایران



● مهدی زارع پژوهشگر و استاد پژوهشکده بین‌المللی زلزله‌شناسی با بیان اینکه «کمبود مطلق آب» در انتظار ایران است گفته «برآورد می‌شود که سرانه آب به حدود ۷۵۰ مترمکعب برای هر نفر یا کمتر برای ساکنان ایران برسد.»

● «مشکلات ساختاری مانند استخراج بیش از حد آب‌های زیرزمینی و استفاده ناکارآمد از کشاورزی همچنان پابرجا هستند و ایران در مسیر کمبود شدیدتر آب قرار دارد که پیامدهای عمیقی برای اقتصاد، انرژی و امنیت غذایی خواهد داشت.»

مهدی زارع پژوهشگر و استاد پژوهشکده بین‌المللی زلزله‌شناسی با اعلام آمار جدیدی از وضعیت آب در ایران با بیان اینکه «کمبود مطلق آب» در انتظار ایران است گفته «برآورد می‌شود که در سناریوی بدبینانه خشکسالی پیش رو، کل آب تجدیدپذیر می‌تواند به حدود ۷۰ میلیارد مترمکعب کاهش یابد و سرانه آب به حدود ۷۵۰ مترمکعب برای هر نفر یا کمتر برای ساکنان ایران برسد.»

مهدی زارع افزوده «سطح بارندگی بطور قابل توجهی پایین‌تر از میانگین بلندمدت کاهش یافته است. بسیاری از سدهای بزرگ با ظرفیت‌های تاریخی بسیار پایین فعالیت می‌کنند. برداشت ناپایدار از آب‌های زیرزمینی منجر به تخلیه عمده سفره‌ها و فرونشست شدید زمین شده است.» استاد پژوهشکده بین‌المللی زلزله‌شناسی افزوده «سازمان ملل متحد «بحران آب» را سرانه کمتر از ۱۰۰۰ مترمکعب تعریف می‌کند. تخمین زده می‌شود که سرانه آب ایران به حدود ۱۰۰۰ مترمکعب به ازای هر نفر در سال کاهش یافته است. این رقم به طرز خطرناکی نزدیک به آستانه کمبود مطلق است.» مهدی زارع افزوده «ایران یکی از بالاترین نرخ‌های تخلیه آب‌های زیرزمینی در جهان را دارد. حدود یک میلیون چاه در ایران در حال بهره‌برداری است که حدود نیمی از آن غیرمجاز تخمین زده می‌شود. سفره‌ها سریع‌تر از آنکه تغذیه شوند، استخراج می‌شوند و عملاً منبع تجدیدپذیر را به منبع تجدیدناپذیر تبدیل می‌کنند.»

او همچنین تأکید کرده از کل آب تجدیدپذیر که حدود ۸۰ میلیارد مترمکعب در سال آبی جاری تخمین زده می‌شود و حدود ۹۴ میلیون نفر ساکنان ایران در سال ۱۴۰۴ (حدود ۸۷ میلیون جمعیت و حدود ۷ میلیون نفر مهاجران مجاز و غیرمجاز تخمینی مقیم ایران)، سرانه حدود ۸۵۰ مترمکعب برای هر نفر، ایران را در کمبود مطلق آب قرار می‌دهد.

مهدی زارع افزوده «مشکلات ساختاری مانند استخراج بیش از حد آب‌های زیرزمینی و استفاده ناکارآمد از کشاورزی همچنان پابرجا هستند. بدون تغییرات تحول‌آفرین در سیاست‌های مدیریت آب و شیوه‌های کشاورزی، ایران در مسیر کمبود شدیدتر آب قرار دارد که پیامدهای عمیقی برای اقتصاد، انرژی و امنیت غذایی خواهد داشت.»

او همچنین توضیح داده که بحران آب در ایران بطور یکنواخت نیست و «مناطق بحرانی در فلات مرکزی تحت شدیدترین فشار قرار دارند. دامنه‌های شمالی کوه‌های البرز و برخی از مناطق شمال غربی هنوز آب قابل اعتمادتری دارند، اما همچنان سرانه آب در همان مناطق نیز در حال کاهش است.» آمارهای تکانه‌دهنده مطرح شده از سوی مهدی زارع در حالیست که بطور کلی برنامه‌های دولت برای مهار بحران کمبود آب ناکارآمد و در مواردی زیانبار است. در یکی از جدیدترین راهکارها مقامات وزارت نیرو بر «بارورسازی ابرها»

در پاییز تأکید دارند؛ موضوعی که کارشناسان معتقدند مشکل کمبود آب را حل نخواهد کرد و اقدامی بی‌غر است.

حتی سحر تاجبخش مسلمان رئیس سازمان هواشناسی کشور نیز مانند بسیاری از کارشناسان معتقد است بارورسازی ابرها راهکار حل معضل خشکسالی نیست.

رئیس سازمان هواشناسی کشور تأکید کرده «موضوع خشکسالی و کمبود منابع آبی، به ویژه آب‌های زیرزمینی و احیای دریاچه ارومیه از جمله مواردی است که در ارتباط با بارورسازی ابرها بسیار مطرح می‌شود. با این حال، نمی‌توان به عنوان یک راهکار قطعی برای حل این معضلات بر بارورسازی ابرها تأکید کرد. هر چند در بخش‌های تحقیقاتی و پژوهشی می‌توان درباره بارورسازی ابرها اظهار نظر کرده و در این زمینه فعالیت داشت.»

در این میان دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی بی‌اعتنا به وضعیت خشکسالی در کشور اقدام به توسعه صنایع آب‌بر در مناطق کم‌آب مانند اصفهان و یزد کرده و بر بحران خشکسالی افزوده‌اند. در همین رابطه حامد یزدیان عضو هیئت رئیسه کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه ایران در زمره پر مصرف‌ترین کشورهای جهان است، گفته «برخی صنایع کشور، آب‌بر هستند و مصرف یا تلفات آب بالایی دارند. توسعه این صنایع در شرایط کم‌آبی کشور آن هم بدون برنامه‌ریزی دقیق، منطقی نیست و نیاز به اقدام جدی و هماهنگی میان دستگاه‌های مختلف دارد.» عضو هیئت رئیسه کمیسیون کشاورزی افزوده «در بخش آب شرب، در حال حاضر در برخی شهرهای کشور میزان تلفات شبکه انتقال آب حدود ۱۶ تا ۱۷ درصد است که در برخی استان‌ها این عدد به ۵۰ تا ۶۰ هم درصد می‌رسد. این مسئله نشان می‌دهد که بخشی از آب تولید و تصفیه‌شده قبل از رسیدن به مصرف‌کننده از بین می‌رود و جلوگیری از این تلفات باید در اولویت قرار گیرد.»

اینهمه در حالیست که دولت مسعود پزشکیان به تازگی اعلام کرده که حتی احکام برنامه هفتم توسعه در رابطه با بحران آب نیز به علت کمبود منابع مالی اجرایی نخواهند شد! در آنسو اما آمارها درباره وضعیت ذخایر آبی کشور از جمله مخازن سدها نشان از تشدید بحران خشکسالی در

ماه‌های پیش رو و به ویژه در تابستان آینده دارد. بر اساس داده‌های مؤسسه تحقیقات آب، سال آبی گذشته سخت‌ترین دوره ۵۰ سال اخیر بوده و بسیاری از استان‌ها از جمله یزد، کمترین بارش را در بیش از شش دهه گذشته داشته‌اند. این وضعیت سبب کاهش چشمگیر ذخیره سدها و افت منابع زیرزمینی شده و آثار آن در کشاورزی، تولید برق آبی و زندگی شهری قابل مشاهده است.

بر پایه آخرین گزارش‌ها از وضعیت سدهای تهران و البرز؛ سد امیرکبیر تا ۲۹ شهریور ماه ۳۰ میلیون مترمکعب آب در خود ذخیره کرده که ۱۷ درصد پرشدگی را نشان می‌دهد و نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۷۳ درصد کاهش یافته است.

ورودی آب به سدها از ابتدای سال آبی تا ۲۹ شهریور ماه ۲۴.۶۳ میلیارد مترمکعب است که در مقایسه با رقم ۴۲.۳۱ میلیارد مترمکعب سال گذشته ۴۲ درصد کاهش یافته است در این مدت ۳.۱۷ میلیارد مترمکعب نیز از سدها آب خارج شده که البته نسبت به سال گذشته ۲۳ درصد کمتر بوده است. مجموع حجم آب موجود در سدهای کشور با ۲۵ درصد کاهش نسب به سال گذشته؛ ۱۸.۸۳ میلیارد مترمکعب بوده و ۳۶ درصد پرشدگی دارند.

همچنین ارتفاع کل ریزش‌های جوی کشور ۱۵۰ میلیمتر است که نسبت به میانگین دوره‌های مشابه درازمدت (۲۴۷.۴ میلیمتر) ۳۹ درصد کاهش و نسبت به دوره مشابه سال آبی گذشته (۲۵۱.۵ میلیمتر) ۴۰ درصد کاهش را نشان می‌دهد.

عیسی بزرگزاده، سخنگوی صنعت آب نیز روز گذشته اعلام کرد تا «پاییز امسال، وارد ششمین سال خشکسالی شده‌ایم که تهران، اصفهان، شیراز، کرج، تبریز، کرمان، یزد و بسیاری از نقاط جمعیتی کشور را در بر می‌گیرد؛ درواقع بیش از ۸۰ درصد کشور درحال تجربه ششمین سال خشکسالی هستند.»

عیسی بزرگزاده تأکید کرده «ما در طی نیم قرن اخیر، دوره‌های خشکسالی سه ساله، پنج ساله و حتی هفت ساله در برخی از مناطق داشتیم، اما برای اولین بار است که به این میزان خشکسالی متوالی با گستردگی بالا و درگیری این تعداد کانون جمعیتی را در کشور تجربه می‌کنیم.»

مسعود پزشکیان: شکی نیست که بنزین باید «گران» شود



«هرچند کارهای کارشناسی در کارگروه‌ها انجام می‌شود، اما تا کنون هیچ تصمیمی درباره قیمت، سهمیه یا سیاست جدید سوخت در جلسات رسمی دولت مطرح نشده است.» دبیر هیئت دولت افزود: «تصمیم‌گیری درباره بنزین نیازمند بررسی‌های گسترده کارشناسی است و هرگونه تغییر در سیاست‌های سوخت، باید با هماهنگی کامل میان دستگاه‌های ذیربط و تصویب هیئت دولت انجام شود.»

وبسایت «خانه اقتصاد» ۱۹ مهرماه با انتشار تصاویری از مصوبه هیئت وزیران درباره نحوه «اصلاح قیمت» بنزین گزارش داد دولت چارچوب جدیدی برای افزایش قیمت بنزین و سیاست‌های مرتبط با مصرف سوخت تعیین کرده است.

بر اساس محتوای تصویر منتشر شده، این مصوبه که ۲۷ شهریورماه ۱۴۰۴ به تأیید هیئت وزیران رسیده و ۱۳ مهرماه نیز ابلاغ شده است. بر این اساس دولت پزشکیان تصمیم دارد فاصله قیمتی میان بنزین و گاز طبیعی فشرده را افزایش دهد تا مصرف‌کنندگان به استفاده از گاز ترغیب شوند. در بخش دیگری از این مصوبه «اعمال سقف سهمیه برای دریافت بنزین و چندنرخ شدن سهمیه بنزین» مورد تأکید قرار گرفته بود. به بیان دیگر یک سهمیه اولیه برای هر اتومبیل در نظر گرفته می‌شود و مصرف مازاد با نرخ بالاتری محاسبه خواهد شد.

در بخش دیگری از این مصوبه آمده بود هزینه حمل بنزین و حق‌العمل جایگاه‌های سوخت توسط مصرف‌کنندگان پرداخت شود.

یکی دیگر از نکات مهم این مصوبه افزایش سالانه قیمت بنزین متناسب با نرخ تورم است؛ نرخ تورم عمومی اقتصاد ایران در حال حاضر در کانال ۴۰ درصد قرار دارد!

مقامات دولت بدون اینکه درباره تصویر مصوبه منتشر شده توضیحی دهند، خبر تصمیم دولت برای افزایش قیمت بنزین را تکذیب کردند.

ساعاتی بعد از انتشار این خبر، علی احمدنیا رئیس امور اطلاع‌رسانی دولت جمهوری اسلامی، در حساب کاربری خود در شبکه «ایکس» نوشت: «برخی رسانه‌ها مدعی افزایش قیمت بنزین شدند! شورای اطلاع‌رسانی دولت ضمن

رئیس دولت چهاردهم در ادامه گفت که افزایش قیمت بنزین اقدام ساده‌ای نیست: «چرا هنگامی که خواستند قیمت بنزین را بالا ببرند فاجعه به وجود آمد؟ آیا مداخله و افزایش قیمت به این سادگی است؟ مگر به این سادگی است؟ مگر من می‌توانم الان بنشینم تصمیم بگیرم؟ در صورتی که باید انجام داد. بدیهی هم هست باید انجام بدهیم ولی به این سادگی نیست.»

پزشکیان بدون اشاره به اعتراضات آبان ۹۸ که در پی افزایش ناگهانی و شبانه‌ی قیمت بنزین رخ داد، تأکید کرد «تصمیم اینجوری نیست من بنشینم شب تصمیم بگیرم هر کسی هم خواست حرف بزند بزنم تو سرش؛ مگر من می‌توانم بزنم؟»

او همچنین درباره ضرورت افزایش قیمت بنزین در توضیحات تکراری گفت: «بنزین که ۱۵۰۰ تومان می‌شود، اصلاً آب را به این قیمت می‌دهند؟ راه حل چیست؟ من می‌توانم به این سادگی فردا بگویم بنزین ۳۰ هزار تومان است؟ می‌شود این کار را کرد؟»

رئیس دولت چهاردهم افزوده «وقتی عوامل مختلف را ببینی و نتوانی همه آنها را با هم مدیریت کنی، اگر عارضه ایجاد شد و برای آن راه و درمان نداشته باشی، با مشکل مواجه می‌شوی و بعد برمی‌گردد. برای اینکه بتوان یک بیماری و مشکل را حل کرد، یک تیم باید کار کند و اگر عارضه‌ای رخ داد، آن را هم باید یکی حل کند. برای مسائل پیچیده اجتماعی، با یک دستور دادن حل نمی‌شود، بعد هم دعوا می‌شود؛ مسئله را باید تیمی حل کنیم.»

افزایش قیمت بنزین از ابتدای تشکیل دولت مسعود پزشکیان در مرداد ۱۴۰۳ تا کنون مطرح بوده است. با اینهمه طی هفته‌های گذشته و در پی تدوین لایحه بودجه ۱۴۰۵ و همچنین افزایش کسری بودجه دولت، خبرهای ضد و نقیض زیادی درباره افزایش قیمت مطرح شده و مقامات دولتی نیز به تأیید و تکذیب این خبرها می‌پردازند.

همزمان با سخنان پزشکیان درباره افزایش قیمت بنزین، کامل تقوی‌نژاد دبیر هیئت دولت با تأکید بر اینکه «هیچ مصوبه‌ای درباره بنزین در دولت مطرح نشده» گفت

● مسعود پزشکیان: در اینکه بنزین باید گران شود شکی نیست، آب هم پر کنیم لیتری گران‌تر از قیمت فعلی درمی‌آید اما اینطور نیست که یک‌شبه تصمیم بگیریم. باید هزاران متغیر را ببینیم و برای آنها چاره‌اندیشی کنیم.

● کامل تقوی‌نژاد دبیر هیئت دولت با تأکید بر اینکه «هیچ مصوبه‌ای درباره بنزین در دولت مطرح نشده» گفت «هرچند کارهای کارشناسی در کارگروه‌ها انجام می‌شود، اما تا کنون هیچ تصمیمی درباره قیمت، سهمیه یا سیاست جدید سوخت در جلسات رسمی دولت مطرح نشده است.»

● طی هفته‌های گذشته و در پی تدوین لایحه بودجه ۱۴۰۵ و همچنین افزایش کسری بودجه دولت، خبرهای ضد و نقیض زیادی درباره افزایش قیمت مطرح شده و مقامات دولتی نیز به تأیید و تکذیب این خبرها می‌پردازند.

● وبسایت «خانه اقتصاد» ۱۹ مهرماه با انتشار تصاویری از مصوبه هیئت وزیران درباره نحوه «اصلاح قیمت» بنزین گزارش داد دولت چارچوب جدیدی برای افزایش قیمت بنزین و سیاست‌های مرتبط با مصرف سوخت تعیین کرده است.

● هفته گذشته نیز امیرحسین ثابتی نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی در صحن علنی مجلس گفت طرح دولت برای سه‌نرخ شدن بنزین در «خفا» در حال پیگیری است و نرخ سوم بنزین قرار است شش برابر افزایش پیدا کند!

در شرایطی که مقامات دولتی در حال تأیید و تکذیب تصمیم دولت برای افزایش قیمت بنزین هستند، مسعود پزشکیان گفته بی‌تردید قیمت بنزین افزایش پیدا خواهد کرد. مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم روز پنجشنبه اول آبان‌ماه ۱۴۰۴ در نشست با فعالان اجتماعی و فرهنگی آذربایجان غربی گفت شکی نیست که قیمت بنزین باید افزایش پیدا کند: «در اینکه بنزین باید گران شود شکی نیست، آب هم پر کنیم لیتری گران‌تر از قیمت فعلی درمی‌آید اما اینطور نیست که یک‌شبه تصمیم بگیریم. باید هزاران متغیر را ببینیم و برای آنها چاره‌اندیشی کنیم.»

پیام رضا محمد حسینی زندانی مشروطه خواه درباره اعتصاب دستجمعی «نه به اعدام» در قزلحصار



هستند که زندگی را از مردم گرفته است.

اعتراض آنان، اعتراض به کل نظام مرگ است؛ نظامی که بجای درمان ریشه های فقر و فساد، طناب را راه حل می پندارد. اما امروز، صدای این زندانیان از دیوارهای قزلحصار فراتر رفته و به وجدان همه ما رسیده است.

ملت شریف ایران،

اجازه ندهید چهارم مرداد خونین دیگری در این زندان و زندان های دیگر تکرار شود. آن روز که گارد ویژه به بند زندانیان سیاسی یورش برد و دو انسان را به سوی چوبه دار بردند.

با توجه به حضور نیروهای گارد و نوپو و سابقه سرکوب خونین زندانیان، این بیم وجود دارد که زندانیان معترض واحد ۲ قزلحصار به سختی سرکوب شوند. نگذاریم این اتفاق بیفتد.

اجازه ندهید دوباره خون بی گناهی ریخته شود و بعد، نامش را «حکم» بگذارند.

«نه به اعدام» یعنی هیچ قدرتی حق ندارد جان انسان را بگیرد.

نه به اعدام، یعنی آری به زندگی، به عدالت، به آینده ای که در آن مرگ، پاسخ هیچ مسئله ای نیست.

رضا محمد حسینی

زندان قزلحصار

۲۵ مهر ۱۴۰۴

● زندانیان مواد مخدر، همانهایی که این حکومت نامشان را در فهرست مرگ می گذارد، قربانیان فقر و فساد همین سیستم اند. آنها هم یکی مثل ما هستند، یکی مثل همه، جان هایی که حق حیات با کرامت و با عزت دارند، آنها محصول سیاست هایی هستند که زندگی را از مردم گرفته است. ● با توجه به حضور نیروهای گارد و نوپو و سابقه سرکوب خونین زندانیان، این بیم وجود دارد که زندانیان معترض واحد ۲ قزلحصار به سختی سرکوب شوند. نگذاریم این اتفاق بیفتد.

● «نه به اعدام» یعنی هیچ قدرتی حق ندارد جان انسان را بگیرد. نه به اعدام، یعنی آری به زندگی، به عدالت، به آینده ای که در آن مرگ، پاسخ هیچ مسئله ای نیست.

در این روزها، در واحد دو قزلحصار، صدها زندانی محکوم به اعدام با لب های دوخته و بدن های بی رمق ایستاده اند. اعتصابشان فریادی است علیه مرگ، علیه بی عدالتی، علیه حکومتی که بجای نان و کار، طناب و چوبه دار می دهد. من، به عنوان یکی از زندانیان سیاسی این زندان، با تمام توان از این حرکت انسانی حمایت می کنم.

زندانان مواد مخدر، همانهایی که این حکومت نامشان را در فهرست مرگ می گذارد، قربانیان فقر و فساد همین سیستم اند. آنها هم یکی مثل ما هستند، یکی مثل همه، جان هایی که حق حیات با کرامت و با عزت دارند، آنها محصول سیاست هایی

را به حدود ۵ هزار تومان برساند و در مقابل کارت جایگاه حذف شود و هر ساله با نرخ تورم افزایش قیمت بنزین وجود داشته باشد.

سومین گزینه روی میز دولت، تغییر شیوه توزیع یارانه بنزین است که به طرح «بنزین به نفر» نیز شناخته می شود که در آن هر شهروند به اندازه مصرف متعارف بنزین، یعنی ماهانه ۳۰ لیتر برای یک نفر و ماهانه ۱۲۰ لیتر برای یک خانواده چهار نفره بنزین یارانه ای دریافت خواهد کرد که در صورت عدم مصرف به قیمت نزدیک به قیمت آزاد در بازار مبادله بورس انرژی به فروش خواهد رساند.

بنزین که احتمالاً پله یارانه ای برابر با قیمت ۲ هزار و ۵۰۰ تومانی شود و قیمت بنزین نرخ دوم معادل ۵ هزار تومان و یک نرخ سوم است.

پیشتر پیش بینی شده بود افزایش قیمت بنزین احتمالاً حدود ۱۰ هزار تومان باشد اما حالا امیرحسین ثابتی از افزایش شش برابری نسبت به قیمت سه هزار تومانی کنونی، یعنی ۱۸ هزار تومان برای نرخ سوم بنزین خبر داده است.

دومین گزینه مطرح شده درباره راهکار دولت، افزایش ۵۰ درصدی قیمت بنزین در هر دو پله است که قیمت نرخ یارانه ای را به حدود ۲ هزار و ۳۰۰ تومان و نرخ آزاد

تکذیب این ادعا اعلام می کند دولت برنامه ای برای افزایش نرخ بنزین ندارد!

روزنامه دولتی «ایران» نیز در واکنش به این خبر نوشته «سازمانی که اولین بار خبری درباره قیمت بنزین با تصویری از «مصوبه دولت» منتشر کرد، با توجه به سابقه اقتصادی اش باید می دانست که آن مصوبه راهبرد کلان دولت است که بنا به تکلیف برنامه هفتم تنظیم شده، قیمت بنزین فقط یک بخش آن است و اگر دولت قرار باشد هر تصمیمی را برای قیمت بنزین اجرا کند، حتماً قبلاً با مردم بطور مفصل گفتگو خواهد کرد؟»

در مطلب این روزنامه آمده بود «پس چرا این رسانه تصمیم گرفت بدون در نظر گرفتن این ملاحظات، باعث افزایش تنش در جامعه و نگرانی مردم درباره قیمت بنزین شود؟» هفته گذشته نیز امیرحسین ثابتی نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی در صحن علنی مجلس گفت طرح دولت برای سه نرخی شدن بنزین در «خفا» در حال پیگیری است و نرخ سوم بنزین قرار است شش برابر افزایش پیدا کند! امیرحسین ثابتی افزوده بود «بحث سه نرخی شدن بنزین در خفا دارد جدی می شود». وی افزوده «من از هیئت تطبیق می خواهم این موضوع را رد کند چون غیرقانونی است آنهم ۵۰۰ درصد. می خواهید کشور را بهم بریزید؟ آمده اید کشور را اداره کنید نه اینکه به مردم فشار بیاورید!» او همچنین گفته بود «اگر هم می خواهید افزایش قیمت دهید، نهایتاً ۱۰ تا ۱۵ درصد. بیا باید جلوی قاچاق سوخت را بگیرید. ما پمپ بنزینی داشتیم که در ماه بیش از یک میلیارد تومان تراکنش مالی داشته است؛ این غیر از قاچاق است، خب بروید سراغ اینها.»

ساعتی پس از این اظهارات، فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت در حاشیه جلسه هیئت دولت در پاسخ به سوال خبرنگاران درباره مصوبه دولت برای افزایش قیمت بنزین گفت: «دولت هر کاری هم که در رابطه با بنزین بخواهد انجام دهد هیچ پنهانکاری نخواهد داشت حتماً با مردم خیلی مستقیم و راحت صحبت خواهد کرد. همچنین موضوع معیشت مردم و جلوگیری از اثراتی که وجود خواهد داشت بررسی می شود.»

سخنگوی دولت پزشکیان گفت: «هیچکس مایل نیست که فشاری به مردم وارد شود اما نکته ای که باید توجه کنیم این است که نمی توانیم واقعیت ها را چشم پوشی کنیم، قیمت بنزین و نه بنزین کارت ها، اگر بخواهد کاری صورت بگیرد روی سهمیه معمول مردم نیست روی سهمیه های اضافه ای است که وجود دارد.»

فاطمه مهاجرانی افزود: «در یک روز بالغ بر ۱۹۷ میلیون لیتر بنزین مصرف می کنیم و میانگین مصرف ما حدود ۱۶۰ میلیون لیتری است، میزان مصرف همچنان رو به افزایش است، بنزین را با عددی وارد می کنیم و با به عدد خیلی کمتری می فروشیم.»

فاطمه مهاجرانی تأکید کرد که «هر تصمیمی گرفته شود بطور حتم موضوع معیشت مردم و اثرات آن بر اقشار به خصوص آسیب پذیر دیده خواهد شد و هیچ تغییری در موضوع سهمیه های اولیه افراد اعمال نخواهد شد.»

یک روز پیشتر از سخنان مهاجرانی اما مهدی طباطبایی معاون ارتباطات و اطلاع رسانی دولت پزشکیان گفته بود بنزین در ایران «بی خودی» به مسئله حیثیتی تبدیل شده و با اشاره به اینکه «بنزین در کشور ما الان قیمتش مفت است» تأکید کرد قیمت بنزین باید افزایش پیدا کند.

وبسایت «عصر ایران» نیز گزارش داده که دولت پزشکیان سه راهکار در رابطه با موضوع بنزین را در نظر دارد. نخست افزایش قیمت بنزین با ایجاد سه نرخ در مصرف

قیمت نجومی گوشت و سوء تغذیه؛ نیروی انسانی ضعیف و ناتوان در انتظار ایران!



قوت لایموت آنان چه برنامه‌ای دارید؟» قیمت گوشت که طی دو هفته گذشته به یک و نیم میلیون تومان برای گوشت گوساله و حدود یک میلیون و ۱۰۰ هزار تومان برای گوشت گوسفند با استخوان افزایش یافته، نشانه‌ای از سقوط سفره خانوارهای ایرانی است. در سالهای گذشته نیز سرانه مصرف گوشت قرمز در ایران به علت افزایش پیوسته‌ی قیمت این کالا با کاهش روبرو شده بود بطوری که طی حدود پنج سال سرانه مصرف گوشت قرمز از حدود ۱۰ تا ۱۲ کیلو در سال برای هر نفر، به حدود ۵ کیلو کاهش یافته بود. اکنون اما برای بخش زیادی از جمعیت کشور این سرانه به چند صد گرم در سال می‌رسد و خانوارهایی هستند که در طول سال توان خرید گوشت قرمز را ندارند.

اینهمه سبب هشدار کارشناسان درباره پیامدهای عدم مصرف گوشت قرمز از سوی بخش قابل توجهی از جمعیت کشور به علت افزایش قیمت‌ها شده است. افشین صدر دادرس، مدیرعامل اتحادیه پرورش‌دهندگان دام سبک ایران، در سال ۱۴۰۳ اعلام کرد: «قریب ۱۰ میلیون نفر از جمعیت ۸۵ میلیونی جزء مشتریان ثابت گوشت قرمز هستند.» علیرضا رئیسی، معاون بهداشت وزارت بهداشت، سال گذشته گفته بود «سرانه مصرف گوشت باید روزانه حدود ۷۵ گرم باشد، اما اکنون تنها ۳۵ گرم در روز است.»

مدیر کل مطالعات وزارت تعاون، کار و رفاه در سال ۱۴۰۲ اعلام کرد که ۵۷ درصد جمعیت کشور درگیر سوءتغذیه هستند و بیش از ۵/۱۴ میلیون نفر از این جمعیت کودکان هستند. آمارهای سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فاو) نشان می‌دهد که سرانه مصرف انواع گوشت در ایران از میانه دهه ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۲۳ حدود ۴۰ درصد کاهش یافته است.

رسانه‌های داخلی با برجسته کردن کاهش مصرف

شهروندان را به همراه دارد. بسته‌های حمایتی دولت نیز نتوانسته از کوچک شدن سفره‌ها جلوگیری کند.

در تازه‌ترین دور کالابرج الکترونیک یا همان کوپن دوران جنگ که به تازگی از سوی دولت برای چند دهک پایین درآمدی عرضه شده، اقلام ارائه شده به ۱۵ قلم افزایش یافته است. در چهار دوره پیشین، ۱۱ قلم مواد خوراکی شامل شیر، پنیر، ماست، گوشت مرغ، گوشت گوساله منجمد، تخم مرغ، روغن مایع، ماکارونی، برنج، قند و شکر، حبوبات در طرح کوپن وجود داشت. اکنون چهار قلم جدید گوشت بوقلمون، بلدرچین، ماهی و میگو به سبد خرید اضافه شده است که مجموع اقلام قابل خرید را به ۱۵ قلم رسانده است. با اینهمه کارشناسان معتقدند حجم ناچیز ارائه شده در طرح کالابرج و همچنین فاصله طولانی میان هر دوره کالابرج نخواهد توانست از تغذیه خانوارها در برابر تورم فزاینده مراقبت کند. افزایش قیمت‌ها و گسترش پر سرعت فقر در میان جامعه ایران صدای برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی را هم درآورده است.

غلامرضا میرزایی نماینده بروجن در مجلس شورای اسلامی دو روز پیش در نطق میان دستور مجلس با انتقاد از گرانی و تورم فزاینده گفت: «کجایند تنظیم‌کنندگان بازار؟ کجایند سازمان‌ها و دستگاه‌های نظارتی؟ طالبان پست‌های پرمرتبی پشت میزهای گران‌قیمت سنگر گرفته‌اند. به آنان بگویید گوشت ناپدید شد، مرغ پر کشید و نان آجر شد! قدر این ملت مقاوم را بدانید و از خود مردم راهکار بگیرید اگر نمی‌توانید.»

غلامرضا میرزایی افزود «تیم اقتصادی دولت که وظیفه ساماندهی معیشت مردم را بر عهده دارند، کجایند؟ افزایش روزانه قیمت‌ها شرایط سختی را برای مردم فراهم کرده است. از قیمت تولیدات ایران‌خودرو و سایپا که دائماً رو به افزایش است صرف نظر کنیم، برای اوراق عمومی مردم و

● در تازه‌ترین دور کالابرج الکترونیک یا همان کوپن دوران جنگ که به تازگی از سوی دولت برای چند دهک پایین درآمدی عرضه شده، اقلام ارائه شده به ۱۵ قلم افزایش یافته است. در چهار دوره پیشین، ۱۱ قلم مواد خوراکی شامل شیر، پنیر، ماست، گوشت مرغ، گوشت گوساله منجمد، تخم مرغ، روغن مایع، ماکارونی، برنج، قند و شکر، حبوبات در طرح کوپن وجود داشت.

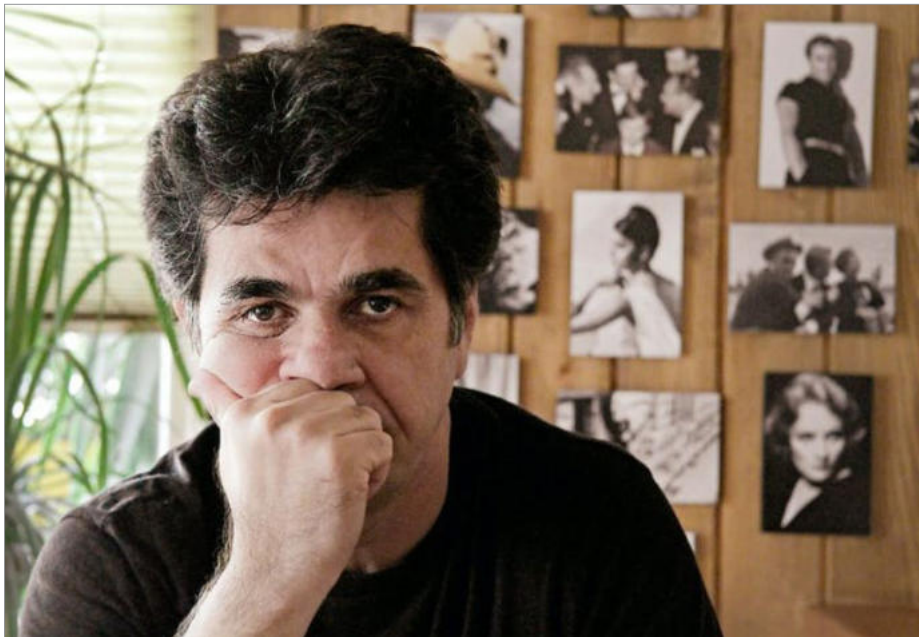
● کارشناسان معتقدند حجم ناچیز ارائه شده در طرح کالابرج و همچنین فاصله طولانی میان هر دوره کوپن نخواهد توانست از تغذیه خانوارها در برابر تورم فزاینده مراقبت کند. ● غلامرضا میرزایی نماینده بروجن در مجلس شورای اسلامی با انتقاد از دولت گفته «کجایند تنظیم‌کنندگان بازار؟ کجایند سازمان‌ها و دستگاه‌های نظارتی؟ طالبان پست‌های پرمرتبی پشت میزهای گران‌قیمت سنگر گرفته‌اند. به آنان بگویید گوشت ناپدید شد، مرغ پر کشید و نان آجر شد!»

● روزنامه «جهان صنعت» با یادآوری افزایش قیمت گوشت قرمز از کیلویی ۱۳ هزار تومان در سال ۹۱ به یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان در سال ۱۴۰۴ نوشته رقم یارانه نقدی دولت در یک ماه برای هر نفر حتی برای خرید یک کیلوگرم گوشت هم کافی نیست!

● مرتضی افقه اقتصاددان «در کشورهایی مانند ایران یکی از عواملی که مانع بهره‌وری نیروی انسانی می‌شود پایین بودن سطح درآمد‌هاست» و «هرچه فقر گسترش یابد هم از نظر اجتماعی و هم از نظر اقتصادی کشور دچار ناتوانی در فرآیند توسعه می‌شود.»

افزایش تورم در اقتصاد ایران سبب موجی از گرانی در میان کالاها و خدمات مختلف شده است اما در این میان تورم بالای مواد خوراکی هشدارهایی درباره سلامت

تقدیر از جعفر پناهی در جشنواره فیلم میدلبورگ ۲۰۲۵: فیلم «یک تصادف ساده» برنده جایزه «تأثیر»



جعفر پناهی فیلمساز

توصیف شد. لحظه‌ای که نه تنها ستایشگر هنر سینما، بلکه بزرگداشت خلاقیت در برابر سرکوب بود. فیلم «یک تصادف ساده» داستان مردی را روایت می‌کند که زندگی‌اش پس از حادثه‌ای ظاهراً پیش پا افتاده از هم می‌پاشد و ماجرا به تاملی عمیق درباره گناه، عدالت و سرنوشت می‌انجامد.

این اثر جایگاه ویژه‌ای برای پناهی رقم زده است. چرا که او را در ردیف معدود کارگردانی قرار می‌دهد که موفق به دریافت عالی‌ترین جوایز سه جشنواره بزرگ کن، برلین و ونیز شده‌اند.

آنکه پناهی توانست در جشنواره میدلبورگ حضور پیدا کند، برای بسیاری رویدادی استثنایی بود. این کارگردان نامدار که آثاری چون «این فیلم نیست»، «آینه»، «آفساید»، «بادکنک سفید»، «پرده» و «خرس نیست» و «سه رخ» را در کارنامه خود دارد، از سال ۲۰۱۰ تحت ممنوعیت بیست ساله خروج از کشور و فیلمسازی قرار دارد. حکمی که پس از اتهام «تبلیغ علیه نظام» صادر شد. او حدود ده ماه از محکومیت شش ساله خود را در زندان اوین گذرانده است. وی که در سال ۲۰۲۳ پس از اعتصاب غذا از زندان آزاد شد، همچنان بطور رسمی از فعالیت سینمایی منع شده، اما در عمل با آثاری این محدودیت را بی‌صدا و پیگیرانه به چالش کشیده است.

او در سخنانی تامل برانگیز گفت: «اگر به زندان می‌رفتم، هرگز این شخصیت‌ها را درک نمی‌کردم. این فیلم را همان کسانی ساختند که مرا به زندان فرستادند».

هنگامی که از او بابت شجاعت‌اش ستایش شد، پناهی با فروتنی پاسخ داد: «این شجاعت نیست، این کار من است. سینما شیوه زیستن من است. دیگران بسیار بیش از من خطر کرده‌اند. من فقط ادامه می‌دهم».

در گزارشی که از سوی سیامک آرام فعال سیاسی در

● جشنواره چهار روزه میدلبورگ، از سال ۲۰۱۳ تا کنون در دل تپه‌های سرسبز منطقه تولید شراب ویرجینیا برگزار می‌شود و به یکی از مراکز و رویدادهای مهم فصل جویایز سینمایی و کارگردانان سرشناس بین‌المللی تبدیل شده که امسال یکی از لحظات درخشان خود را در حضور و تجلیل از پناهی تجربه کرد و نقطه اوج امسال این جشنواره توصیف شد.

جعفر پناهی فیلمساز سرشناس ایران که یکی از صداهای مستقل سینمای جهان به شمار می‌رود، در جشنواره فیلم میدلبورگ ۲۰۲۵ در ایالت ویرجینیا، به پاس فیلم تازه‌اش با نام «یک تصادف ساده» جایزه «تأثیر» را از آن خود کرد. این فیلم پیشتر برنده «نخل طلا» در فستیوال کن نیز شده بود. پناهی که سال‌هاست به عنوان یکی از جسورترین و تأثیرگذارترین صداهای سینمای معاصر جهان شناخته می‌شود، با وجود ممنوعیت ۲۰ ساله خروج از ایران و فیلمسازی، همچنان به خلق آثار نوآورانه و عمیق ادامه داده است.

فیلم تازه او که تاملی بر احساس گناه، عدالت و سرنوشت است، جایگاهش را در میان معدود کارگردانی تثبیت کرده که موفق به کسب جوایز اصلی سه جشنواره معتبر کن، برلین و ونیز شده‌اند. این اثر همچنین به عنوان نماینده رسمی فرانسه برای رقابت در بخش بهترین فیلم بین‌المللی جوایز اسکار ۲۰۲۶ معرفی شده است.

جشنواره چهار روزه میدلبورگ، از سال ۲۰۱۳ تا کنون در دل تپه‌های سرسبز منطقه تولید شراب ویرجینیا برگزار می‌شود و به یکی از مراکز و رویدادهای مهم فصل جویایز سینمایی و کارگردانان سرشناس بین‌المللی تبدیل شده که امسال یکی از لحظات درخشان خود را در حضور و تجلیل از پناهی تجربه کرد و نقطه اوج امسال این جشنواره

➔ گوشت قرمز و بحران تغذیه در میان اکثر خانوارهای کشور نسبت به سلامت منابع انسانی ایران در سالهای آینده هشدار می‌دهند. روزنامه شرق در این زمینه نوشت: «نسلی که قرار است رشد کند تا به نیروی مولد آینده این کشور تبدیل شود، در وهله نخست به بدن و ذهن سالم نیاز دارد و این دو بدون تغذیه سالم تقریباً غیرممکن است».

روزنامه «دنیای اقتصاد» نیز نوشته «مهم‌ترین نکات در تحلیل اقتصادی و طبقاتی جامعه ایران، شکاف فاحش درآمد و ثروت بین اقشار مختلف، کاهش جمعیت طبقه متوسط و افزایش جمعیت دهک‌های پایین درآمدی و عدم تعادل در توزیع منابع است که به افزایش نابرابری منجر شده است». روزنامه «جهان صنعت» نیز در گزارشی با یادآوری افزایش قیمت گوشت قرمز از کیلویی ۱۳ هزار تومان در سال ۹۱ به یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان در سال ۱۴۰۴ نوشته رقم یارانه نقدی دولت در یک ماه برای هر نفر حتی برای خرید یک کیلوگرم گوشت هم کافی نیست!

«جهان صنعت» تأکید کرده که بسیاری از کارگران در خوشبینانه‌ترین حالت و با احتساب اضافه کاری ۱۵ میلیون تومان درآمد دارند. اجاره در ارزان‌ترین مناطق تهران امروزه از ۹ میلیون تومان شروع می‌شود و در چنین شرایطی مشخص است که خوردن یک وعده گوشت در ماه نیز برای بسیاری از اقشار جامعه تبدیل به رویایی محال شده است. مرتضی افقه، استاد دانشگاه و کارشناس مسائل اقتصادی در همین باره به «جهان صنعت» گفته «در ادبیات اقتصاد توسعه به ویژه در کشورهای جهان سوم مهم‌ترین و شاید اصلی‌ترین عامل افزایش تولید و محرک توسعه نیروی انسانی است. البته هر نیروی انسانی لزوماً نمی‌تواند به توسعه کمک کند. نیروی انسانی زمانی موثر است که دو ویژگی اساسی داشته باشد: نخست تخصص و مهارت؛ یعنی باسواد یا حداقل نیمه‌ماهر باشد و دوم سلامت جسمی و روحی».

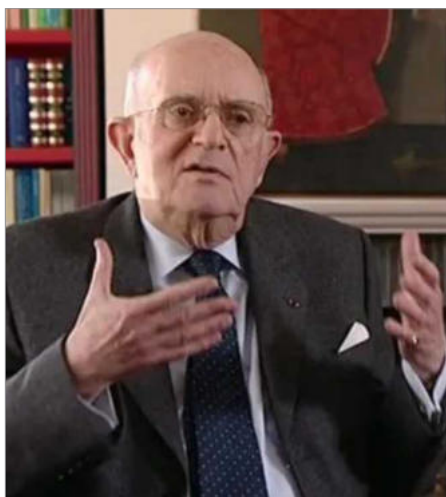
مرتضی افقه افزوده «به همین دلیل است که در کشورهای پیشرفته آموزش و بهداشت نه تنها رایگان بلکه اجباری نیز هستند. آن کشورها سال‌هاست به این نتیجه رسیده‌اند که اگر نیروی انسانی قرار است در فرآیند توسعه مشارکت واقعی و موثر کند باید هم سالم و هم متخصص باشد».

مرتضی افقه گفته «در کشورهایی مانند ایران یکی از عواملی که مانع بهره‌وری نیروی انسانی می‌شود پایین بودن سطح درآمد‌هاست. وقتی درصد قابل توجهی از جامعه از حداقل درآمد برخوردارند طبیعی است که نتوانند بطور همزمان آموزش دیده و از سلامت جسمی و روانی برخوردار باشند. در چنین شرایطی حتی دریافت مواد غذایی لازم مثل پروتئین برای داشتن بدنی سالم نیز دشوار می‌شود. بنابراین هر چه فقر گسترش یابد هم از نظر اجتماعی و هم از نظر اقتصادی کشور دچار ناتوانی در فرآیند توسعه می‌شود».

مرتضی افقه همچنین به محو شدن طبقه متوسط نیز اشاره کرده و گفته «سفره مردم دیگر به هیچ عنوان در وضعیت عادی نیست. اگر سبد معیشت خانوار ایرانی را با کشورهای اروپایی مقایسه کنیم شکاف بسیار عمیقی مشاهده می‌شود. طبقه متوسط در ایران عملاً به‌سختی قابل‌تشخیص بوده و می‌توان گفت در حال از بین رفتن است. از بین رفتن طبقه متوسط پیامدهای گسترده‌ای دارد چراکه این طبقه موتور محرک فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی است. هرچه این طبقه کوچک‌تر و ضعیف‌تر شود پیشرفت کشور دشوارتر خواهد شد».

این کارشناس اقتصادی هشدار داده «اکنون طبقه متوسط به‌شدت فشرده و لاغر شده و با سرعت زیادی به زیر خط فقر سقوط می‌کند. نبود این طبق یکی از موانع اصلی توسعه کشور است».

هوشنگ نهاوندی رئیس پیشین دانشگاه‌های ایران و از وزرای دوران پهلوی درگذشت



● هوشنگ نهاوندی سیاستمدار و وزیر دوران محمدرضا شاه پهلوی در سن ۹۳ سالگی در پاریس درگذشت. نهاوندی در دوران نخست وزیری حسن منصور وزیر آبادانی و مسکن و در ماه‌های پایانی حکومت پهلوی وزیر علوم بود. ● نهاوندی پیش از انقلاب در دوره‌ای رئیس دفتر مخصوص شهبانو فرح پهلوی بود. او همچنین چند سال ریاست دانشگاه پهلوی در شیراز و سپس ریاست دانشگاه تهران را بر عهده داشت.

هوشنگ نهاوندی سیاستمدار و وزیر دوران محمدرضا شاه پهلوی در سن ۹۳ سالگی در پاریس درگذشت. نهاوندی در دوران نخست وزیری حسن منصور وزیر آبادانی و مسکن و در ماه‌های پایانی حکومت پهلوی وزیر علوم بود.

هوشنگ نهاوندی سال ۱۳۱۲ در تهران به دنیا آمد. وی در دبیرستان «فیروز بهرام» دیپلم دوه متوسطه را دریافت کرد و پس از گذراندن دوره لیسانس حقوق از دانشگاه تهران به پاریس رفت و در دانشگاه دولتی پاریس دوره دکتری اقتصاد را با دریافت مدرک به پایان رساند. نهاوندی پیش از انقلاب اسلامی در دوره‌ای مسئول ریاست دفتر مخصوص شهبانو فرح پهلوی را بر عهده داشت. او همچنین چند سال رئیس دانشگاه پهلوی در شیراز و سپس رئیس دانشگاه تهران بود.

دکتر هوشنگ نهاوندی پس از وقوع انقلاب ۵۷ در ایران به بلژیک رفت و مدتی در دانشگاه‌های فرانسه تدریس کرد. نهاوندی از مخالفان خروج شاه از ایران در دی‌ماه ۱۳۵۷ بود.

وی به بی‌بی‌سی فارسی گفته بود: «کسانی بودند که مخالف رفتن شاه از ایران بودند و من فکر می‌کنم که تاریخ حق را به آنها خواهد داد... به تمام آن گروهی که تا ساعت آخر به شاه می‌گفتند از ایران نروید... به کیش بروید یا به هر جایی می‌خواهید بروید، ارتش و دولت را آزاد بگذارید.» نهاوندی در سال ۱۳۹۰ کتابی درباره سقوط شاه و روی کار آمدن روح‌الله خمینی به زبان‌های فرانسه و فارسی نوشت. او در این کتاب خمینی را متهم کرد که در جریان مبارزه با شاه، از دولت‌های خارجی کمک مالی دریافت می‌کرد.

می‌گذارد. هر کس با حزب او مخالف است، خوب نیست؛ اما در فیلم اجتماعی هیچکس کاملاً خوب یا بد مطلق نیست. همه حق دارند حرفشان را بزنند.» او در ادامه درباره نگاهش به دکوپاژ فیلم «یک تصادف ساده» توضیح داد: «در بخش‌هایی از فیلم، شخصیت‌ها درباره کسی حرف می‌زنند که غایب است. شخصی که در



صندوق عقب وانت است. تصمیم گرفتم تصویری از او بگیرم که هیچ شخص دیگری در آن نباشد. یعنی این تصویر، فقط سهم اوست. حضورش در غیبت‌اش معنا پیدا می‌کند.» پناهی افزود که تجربه کوتاه حضور در زندان نگاهش را نسبت به انسان و اجتماع دگرگون کرده است. او گفت: «در زندان، آدم‌های مختلفی با گرایش‌های متفاوت کنار هم بودیم. روزها باید به نحوی می‌گذشت، و بهترین راه، دوستی، صحبت و درد دل بود.»

وی ادامه داد: «بیرون از زندان، من یک فیلمساز اجتماعی هستم که ایده‌هایم را از جامعه می‌گیرم، از گفتگو با مردم کوچه و بازار. در زندان، جامعه کوچکتری را دیدم، اما همان انسان‌ها بودند با همان دردها.»

سخنان او با تشویق ایستاده حاضران همراه شد. لحظه‌ای که بار دیگر نشان داد سینما، برای پناهی، نه فقط هنر، که حقیقتی زنده است. جعفر پناهی کارگردان، فیلمنامه نویس، تهیه‌کننده و تدوینگر، در تیرماه ۱۳۳۹ در شهر میانه در آذربایجان شرقی به دنیا آمد. او فعالیت سینمایی خود را با ساخت فیلم‌های کوتاه و دستیاری عباس کیارستمی آغاز کرد.

نخستین فیلم بلند او «بادکنک سفید» در سال ۱۹۹۵ جایزه «دوربین طلایی» جشنواره کن را دریافت کرد. وی از آن زمان با موج نو سینمای ایران شناخته می‌شود و موضوعاتی چون محدودیت‌های اجتماعی و زندگی افراد به حاشیه رانده شده در ایران، محور اصلی آثارش بوده‌اند.

پناهی جوایز متعددی از جشنواره‌های معتبر جهان از جمله شیر طلایی از جشنواره ونیز برای فیلم «دایره» در سال ۲۰۰۰، جایزه خرس طلایی از جشنواره فیلم برلین برای «تاکسی» در سال ۲۰۱۵ و امسال «نخل طلا» از جشنواره کن برای «یک تصادف ساده» را از آن خود کرده که با این افتخارات او را پس از آنری ژرژ کلوژو، میکال آنجلو آنتونیونی و رابرت آلتمن، به مقام چهارمین فیلمساز بین‌المللی رسانده که جوایز هر سه جشنواره بزرگ سینمایی دنیا را کسب کرده است.

→ شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، بخش‌هایی از سخنان پناهی بازتاب یافت.

جعفر پناهی در مراسم میدلبورگ از «جنگ ۱۲ روزه»، تجربه زندان، هم‌بندی‌های خود مانند سیامک نمازی و عماد شرقی در زندان مخوف اوین و نیز از مرز میان سینمای سیاسی و اجتماعی سخن گفت. لحن وی آرام اما استوار بود.

هنرمندی که با وجود سال‌ها سانسور و حبس، همچنان بر این باور پافشاری می‌کند که سینما باید حقیقت جهان را آنگونه که هست بازگو کند.

در بخشی از این سخنان، پناهی درباره یکی از موشک‌هایی که به زندان اوین اصابت کرده بود گفت: «یکی از موشک‌ها به جایی خورد بین ورودی بزرگ ورودی و بندی که من مدتی در آن بودم. در و دیوارها فرو ریخته



بود. درست روبروی در ورودی، بندی به نام ۲۰۹ قرار دارد که اکثر بازجویی‌ها در آن صورت می‌گیرد و بیشتر کسانی که در آنجا حضور داشتند، بازجوها بودند. دیوارهای بند ۲۰۹ هم ویران شده بود. زندانی‌هایی که بیرون آمده بودند، عده‌ای را زخمی یا زیر آوار دیدند. آنها بجای فرار، به کمک آنان شتافتند. حالا بگویید، این فقط کمکی مثل هل دادن یک وانت است یا چیزی فراتر. برای همین است که می‌گویم در هر فرهنگ و هر جایی از جهان، ایدئولوژی نیست که انسان‌ها برای کمک و نجات یکدیگر، حتی دشمنانشان می‌شتابند، بلکه این انسانیت است.»

پناهی سپس به تفاوت میان فیلم اجتماعی و فیلم سیاسی اشاره کرد و گفت: «فیلم اجتماعی فیلم انسان است و دنبال عدالت برای همه. اما فیلم سیاسی مردم را تقسیم می‌کند، برخی را در گروه خوب‌ها و برخی را در دسته بد‌ها

سیمین رجالی از پیشگامان علم و آموزش زنان ایران چشم از جهان فرو بست



● سیمین رجالی از پیشگامان عرصه علم و آموزش زنان در ایران در سن ۹۱ سالگی در ایالات متحده چشم از جهان فرو بست.

● وی نخستین بانویی بود که در دانشگاه ملی ایران که جمهوری اسلامی پس از انقلاب ۵۷ آن را «شهید بهشتی» نامید، به مقام استادی رسید و به ترویج حضور زنان در فضای علمی کشور کمک شایانی کرد.

● سیمین رجالی در سال ۲۰۱۵ کتابی با عنوان *A Symphony of Life* (سمفونی زندگی) نوشت که مانند یک سمفونی از چهار قطعه تشکیل شده و داستان زندگی خود را که در دوران غربگرایی ایران آغاز گشته و حوادث اجتماعی، تاریخی و سیاسی هفتاد سال گذشته ایران، اروپا و آمریکا را پی می‌گیرد.

دکتر سیمین رجالی (خدیری) نخستین بانوی «استاد دانشگاه ملی ایران» در سن ۹۱ سالگی در ایالات متحده آمریکا چشم از جهان فرو بست.

خانواده سیمین رجالی (خدیری) روز چهارشنبه ۲۳ مهر، خبر درگذشت او را اعلام کردند. گیتی خدیری، دختر وی، گفت که مادرش چند روز پیش در بیمارستانی در حوالی واشنگتن دی‌سی بستری شده و روز چهارشنبه هنگامی که همسر و دو فرزندش در کنار او بودند، چشم از جهان فرو بست.

دکتر رجالی در سال ۱۳۱۳ در تهران در خانواده‌ای صمیمی، مهربان، تحصیلکرده و خیرخواه به دنیا آمد. در کودکی ابتدا به کودکان «شکوفه» و سپس به «برسابه» یکی از بهترین کودکان‌های آن زمان رفت و در آنجا رقص باله را نیز آموخت. درس خواندن پیش از دبستان را دوست می‌داشت و اثری ماندگار بر وی گذاشت که باعث شد بخواهد همان امکانات را خود برای دیگران نیز فراهم کند.

او در کودکی در حیاط بزرگ خانه که از پدر بزرگش، حاج میرزا محمد تقی دبیرالدوله، وزیر لشکر وقت (وزارت دارایی کنونی) به خانواده داده شده بود، بازی و شعر «توانا بود هرکه دانا بود» را زمزمه می‌کرد. سپس تحصیلات خود را در دبیرستان «نوربخش» (رضاشاه) و «ایران» ادامه داد و همزمان به ورزش‌هایی چون دوچرخه‌سواری و پینگ‌پنگ و یاد گرفتن موسیقی و نواختن سازهایی چون آکوردئون و پیانو پرداخت. یکی از دبیرانی که بسیار بر او تأثیر گذاشت، دکتر فرخ رو پارسا بود که حین تدریس خود مشغول تحصیلات عالی بود که سپس به مقام وزارت آموزش و پرورش رسید.

سیمین رجالی نخستین بانویی بود که در سال ۱۳۴۲ در دانشگاه ملی ایران که جمهوری اسلامی نام آن را به «شهید بهشتی» تغییر داد، به مقام استادی رسید و با این موقعیت به ترویج حضور زنان در فضای علمی کشور کمک شایانی کرد.

او در گفتگویی با «بی‌بی‌سی» با تأکید بر اهمیت تحصیل بانوان گفته بود: «من همیشه معتقد بودم زن باید تحصیل کند تا بتواند آزادی و اختیار خویش را بشناسد.» افزون بر فعالیت دانشگاهی، دکتر رجالی بنیانگذار مدرسه عالی شمیران بود. نهادی آموزشی که با هدف تربیت دانشجو در رشته‌های پیش‌دبستانی، مشاوره و رفاه خانواده تأسیس شد. مدرسه عالی شمیران در سال ۱۳۵۲ با سه رشته جدید، آموزش قبل از دبستان، مشاوره و راهنمایی خانواده و مدیریت رفاه در دوره‌های لیسانس و فوق لیسانس شروع به فعالیت کرد.

در دوران پیش از انقلاب ۱۳۵۷، او مدتی به عنوان دبیرکل

«نخستین استاد زن دانشگاه ملی ایران» معرفی می‌کند، در این گفتگو از روزهایی یاد کرد که حضور زنان در محیط دانشگاه هنوز استثنا بود. او گفت: «وقتی وارد دانشگاه شدم، بسیاری تعجب می‌کردند که یک زن بتواند استاد شود. می‌پرسیدند مگر زن هم می‌تواند استاد باشد؟»

این سخن، بازتابی از فضای مردسالارانه و محدودیت‌های فرهنگی آن دوران است که ورود بانوان به عرصه آموزش عالی را با دشواری همراه می‌کرد.

فعالیت‌های اجتماعی و سازمانی

دکتر رجالی در بخشی از این گفتگو به فعالیت‌های خود در حوزه اجتماعی و مدنی نیز اشاره کرد و از دوران همکاری‌اش با «سازمان زنان ایران» سخن گفت. او که در دهه پنجاه خورشیدی مدتی دبیرکل این سازمان بود، هدف فعالیت‌های خود را «آگاهی بخشیدن به زنان و توانمندسازی اجتماعی آنان» عنوان کرد و افزود: «سازمان زنان فرصتی بود تا آنها بیاموزند که چه حقوقی دارند و چگونه می‌توانند در جامعه اثرگذار باشند.»

این استاد پیشکسوت آموزش عالی، در ادامه، آموزش زنان را اساسی‌ترین راه‌هایی از تبعیض دانست و گفت: «وقتی زنی دارای تحصیلات عالی باشد، تنها خودش رشد نمی‌کند، خانواده و جامعه نیز از آن بهره‌مند می‌شوند.»

او تأکید کرد که نظام آموزشی باید زنان را نه صرفاً به عنوان «مکمل مردان»، بلکه به عنوان «نیروی اصلی توسعه کشور» ببیند. دکتر رجالی با یادآوری دوران تدریس خود در دانشگاه ملی ایران، از علاقه و پشتکار دانشجویانش سخن گفت و اظهار داشت که دیدن موفقیت شاگردانش را بزرگترین پاداش سال‌های تدریس می‌داند.

او خطاب به نسل جوان به ویژه دختران دانشجو گفت: «شما امروز در شرایطی هستید که می‌توانید مسیر ما را ادامه دهید و حتی از ما جلوتر بروید. جامعه به حضور آگاه و فعال شما نیاز دارد.»

برنامه «چمدان» با روایت زندگی دکتر سیمین رجالی از زبان خودش، بخش مهمی از تاریخ نادیده گرفته شده زنان در عرصه دانشگاهی را بازگو می‌کند. او نادی از نسلی است که در دوران محدودیت، سکوت نکرد و با علم، اراده و امید، راهی نو گشود.

«سازمان زنان ایران» فعالیت می‌کرد و تلاش داشت نهادهای اجتماعی مدنی برای زنان پایه‌گذاری کند. او به مشارکت زن در اجتماع عمیقاً اعتقاد داشت. از این رو در همان گفتگو با «بی‌بی‌سی» گفته بود: «اگر زن درک نکند که سهمی از زندگی و جامعه دارد، نه خودش را خواهد شناخت و نه می‌تواند در سرنوشت جامعه مشارکت کند.»

سیمین رجالی در سال ۲۰۱۵ کتابی با عنوان *A Symphony of Life* (سمفونی زندگی) نوشت که مانند یک سمفونی از چهار قطعه تشکیل شده و در آن داستان زندگی خود را که در دوران غربگرایی ایران آغاز گشته همراه با حوادث اجتماعی، تاریخی و سیاسی هفتاد سال گذشته ایران، اروپا و آمریکا پی می‌گیرد. «سمفونی زندگی» از پیروزی دانش بر دشواری‌های زندگی، گذار از جنگ، عشق، انقلاب و آزادی سخن می‌گوید.

این شخصیت دانشگاهی در این کتاب همچنین گذار خود از طبقه نخبه ایران به زندگی پرتلاش در آمریکا را ترسیم کرده و از تلاش‌های خود برای استیفای حقوق زنان، بهداشت روان و مسائل شخصی از قبیل رهایی از بیماری سرطان می‌گوید.

این کتاب رویکرد شخصی وی برای غلبه بر مشکلات و مقابله با دشواری‌ها از طریق اتکا بر دانش را نیز به تصویر کشیده است. «سمفونی زندگی» بر وقایع تاریخی قرن بیستم ایران، اروپا و ایالات متحده با زندگی دکتر رجالی و کسانی که در این برهه از زمان زندگی می‌کنند، تمرکز دارد.

میراث علمی، آموزشی و نظری سیمین رجالی (خدیری) همچنان الهام بخش نسل‌های بعدی است و نام او در تاریخ آموزش زنان ایران ماندگار خواهد بود.

نخستین بانوی استاد دانشگاه ملی ایران از مسیر پرچالش خود می‌گوید

دکتر سیمین رجالی در گفتگو با «بی‌بی‌سی» در برنامه‌ای با عنوان «چمدان» گفت: «زنان باید نیروی اصلی پیشرفت و توسعه باشند.» او در تازه‌ترین قسمت از مجموعه گفتگوهای مستند «چمدان»، با مرور خاطرات و تجارب خود، از موانع، امیدها و دستاوردهای مسیر علمی و اجتماعی زنان سخن گفت.

به گزارش خبرنگار «چمدان»، دکتر رجالی که خود را

نمایشگاه «هستی» در سالن «شقایق»



نمایشگاه «هستی»

میسون کتان، مهدی یارمحمدی، میروسلا دروبوت، زهیر بودجما، کتایون حلاجان، جودیت هووش، هورا میرشکاری، آرنو لانسون، مینا موهبتی، سالینا شاه، بهار شهیدی، مهری محمودی، آلیسون پوریس، الهه سیفی آزاد، ژروم مناجر، آزاده یعقوب پور، لوتینا پنسارد و لاسوگیس بودند. سالن بین المللی شقایق امسال نمایش فیلم را هم به

ونزوئلا و همچنین چهره‌های سرشناسی مانند کلارا پانتی آهنگساز و پیانیست سرشناس، کترین سالویات هنرپیشه نامدار فرانسوی، رافائل آقایی قهرمان کاراته جهان، آنتونیو دیاز قهرمان کاراته و فعال حقوق بشر در آن حضور داشتند. شهردار همچنین در سخنان خود حضور شهبانو فرح پهلوی و حمایت ایشان از این انجمن را افتخاری برای این شهر

● سالن بین‌المللی شقایق امسال در پنجمین دوره خود آثار ۲۲ هنرمند از کشورهای مختلف را به نمایش گذاشت. ● سالن بین‌المللی شقایق امسال نمایش فیلم را هم به برنامه‌های خود افزوده است.

کتایون حلاجان - وانشا رودبارکی هنرمند نقاش و ساکن فرانسه است. او با پشتکار، شور و اشتیاق به هنر و فرهنگ توانسته در کشوری که ۳۴ سال است در آن اقامت دارد جایگاه ویژه خود را پیدا کند.

وانشا رودبارکی در کنار پرداختن به هنر خود، در سال ۲۰۲۱ انجمن هنرمندان بین‌المللی AIA / Association International Artists را تأسیس کرد. هدف او از تأسیس این انجمن ترویج تبادل فرهنگی میان هنرمندان و اندیشمندان در سراسر جهان بود. وی در همین ارتباط می‌گوید: «خوشحالم که این انجمن را تأسیس کردم؛ فکر کردم با توجه به موقعیتی که دارم زمان آن است که از هنرمندان جوانتر پشتیبانی و حمایت کنم. ارتباطات و انتقال توانایی‌ها بین هنرمندان برای من بسیار مهم و ارزشمند است».

اولین نمایشگاه نقاشی در چهارچوب سالن بین‌المللی «شقایق» با کوشش وانشا رودبارکی و پشتیبانی و حضور شهبانو فرح پهلوی در سال ۲۰۲۱ با موفقیت برگزار شد. این انجمن امروز ابعاد گسترده‌تری پیدا کرده و در چهار سال گذشته موفق به برگزاری بیست و هشت رویداد بین‌المللی در زمینه فرهنگ و هنر در فرانسه شده است.

پنجمین دوره این نمایشگاه، امسال در منطقه شامبورسی، در خانه و موزه آندره دورن (نقاش فرانسوی قرن نوزدهم)،



مهدی یارمحمدی، آلیسون پوریس و الهه سیفی آزاد



سالینا شاه و هورا میرشکاری



کتایون حلاجان و وانشا رودبارکی

برنامه‌های خود افزوده است. فیلم کوتاه «گذشتن از دیوارها» به نویسندگی و کارگردانی کتایون حلاجان به مدت دو شب در این نمایشگاه به نمایش در آمد که با استقبال بسیار خوبی نیز مواجه شد. فیلم کوتاه Pousse les murs (گذشتن از دیوارها) تفسیری شاعرانه از چهار دیوار نویسنده‌ای است که در ضرابهنگ پاریس، رنج عشق و برزخ تبعید را به سرآغازی نو بدل می‌کند.

مهدی یارمحمدی، الهه سیفی آزاد و آلیسون پوریس هنرمندان منتخب این دوره از نمایشگاه سالن شقایق شدند و لوح تقدیر را از شهردار دریافت کردند. نمایشگاه هستی از تاریخ ۲ تا ۱۲ اکتبر ۲۰۲۵ برقرار بود.

دانست. در روز گشایش نمایشگاه هورا میرشکاری هنرمند موسیقی ساکن پاریس به همراه لئا داسنکا رقصنده روس‌تبار، پرفورمنسی با اشعاری به زبان سیستمی برگزار کردند که بسیار مورد توجه میهمانان قرار گرفت. هورا میرشکاری زاده منطقه سیستم است و اولین خواننده‌ای است که از این منطقه به روی صحنه می‌رود.

سالن بین‌المللی شقایق امسال در پنجمین دوره خود آثار ۲۲ هنرمند از کشورهای مختلف را به نمایش گذاشت. مهمان افتخاری این دوره از نمایشگاه هنرمند سرشناس لبنانی‌تبار دیوید داوود بود. دیگر هنرمندان حاضر در این دوره، وانشا رودبارکی، یه زینگ جیان، ویلیام پاپالو،

با نام «هستی» در دوم اکتبر ۲۰۲۵ گشایش یافت. سالن «شقایق» در روز گشایش با استقبال گسترده‌ای روبرو شد و میزبان پیر مورانژ شهردار شامبورسی، کارولین دوسه معاون فرهنگی وی، ماریتا بانچف و استویان نمایند اتحادیه انجمن‌های یونسکو و فهیمه روبیول فعال حقوق زنان و دارای نشان لژیون دونور بود.

در این مراسم شهردار و معاون فرهنگی در سخنانی ضمن قدرانی از تلاش و کوشش وانشا رودبارکی با خرسندی اظهار داشتند که در تمام سال‌هایی که وانشا رودبارکی در این شهر اقامت دارد، برنامه‌های بسیار پرباری را در جهت اعتلای فرهنگ و هنر پشتیبانی و برپا کرده است؛ برنامه‌هایی که در آن نمایندگان کشورهای چین، گرجستان، آذربایجان و

اعطای نشان افتخار فعالیت مدنی در آلمان به بهروز اسدی فعال حقوق بشر



فرانک والتر اشتاین مایر نشان افتخار آلمان را به بهروز اسدی هدیه می‌کند / ۱۶ اکتبر ۲۰۲۵

اجتماعی و روانی، و ترویج گفتگوی فرهنگی میان جوامع مهاجر و جامعه میزبان، نقش مهمی در تقویت همزیستی فرهنگی ایفا کرده است.

بهروز اسدی تا کنون تقدیرنامه‌ها و نشان‌های افتخار متعدد برای فعالیت‌های انسانی و حقوق بشری خود دریافت کرده است. او درباره‌ی تجربه‌ی تبعید می‌گوید: «تبعید تنها فاصله‌ی جغرافیایی نیست، بلکه تجربه‌ای درونی و عمیق است؛ وضعیتی که انسان را به درک رنج دیگران وامی‌دارد. از دل این تجربه، ایمان به انسانیت و تعهد به آزادی زاده می‌شود.»

بهروز اسدی پس از دریافت نشان افتخار از رئیس‌جمهور آلمان گفت: «این نشان متعلق به من نیست؛ از آن همه‌ی آزادیخواهان، خانواده‌های دادخواه، زندانیان سیاسی و جنبش «نه به اعدام» است. این تقدیر، تعهدی تازه است برای ادامه‌ی راه آزادی و انسانیت. از صمیم قلب، این نشان را به جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی تقدیم می‌کنم؛ جنبشی که به نام خیزش مهسا (ژینا) امینی، نماد آزادی و کرامت انسانی در تاریخ معاصر ایران شد.»

وی همچنین گفت: «این نشان را همچنین به یاد همه زندانیان سیاسی و عقیدتی و به جنبش «نه به اعدام» تقدیم می‌کنم، تا صدای آنهایی نیز شنیده شود که در سکوت و رنج، برای حقیقت و انسانیت ایستاده‌اند. اجازه دهید این تقدیر را پلی بدانیم میان ملت‌ها؛ میان درد و امید، میان انسان و انسان. باشد که جهان روزی بدون ستم، بدون ترس و بدون تبعیض و جنگ باشد.»

اسدی همچنین افزود: «از همه کسانی که در این مسیر در کنار بودند، از خانواده‌ام، همسر گرامی و فرزندانم و همکاران و دوستانم، و هم‌زمانم و انجمن زن زندگی آزادی المان/ فرانکفورت و از مردم آلمان برای دریافت این نشان شایستگی و افتخار انسانی، و مدنی از صمیم قلب سپاسگزارم. امیدوارم روزی فرا رسد که بتوانم این نشان را در میهنی آزاد، دموکراتیک و سرشار از حرمت انسانی، به مردم ایران تقدیم کنم؛ مردمی که سزاوار آزادی، عدالت و زندگی در کرامت‌اند.»

● در روز شانزدهم اکتبر ۲۰۲۵، بهروز اسدی، فعال حقوق بشر و سخنگوی «انجمن زن، زندگی، آزادی» در فرانکفورت آلمان، به پاس پنجاه سال تلاش پیگیر در راه آزادی، عدالت و کرامت انسانی، از سوی رئیس‌جمهور آلمان فرانک والتر اشتاین مایر با نشان لیاقت جمهوری فدرال آلمان (Bundesverdienstkreuz) مورد تقدیر قرار گرفت.

در روز شانزدهم اکتبر ۲۰۲۵، بهروز اسدی، فعال حقوق بشر و سخنگوی «انجمن زن، زندگی، آزادی» در فرانکفورت آلمان، به پاس پنجاه سال تلاش پیگیر در راه آزادی، عدالت و کرامت انسانی، از سوی رئیس‌جمهور آلمان فرانک والتر اشتاین مایر با نشان لیاقت جمهوری فدرال آلمان (Bun-desverdienstkreuz) مورد تقدیر قرار گرفت.

این نشان عالی‌ترین نشان افتخار مدنی در آلمان است و به افرادی اعطا می‌شود که در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و انسانی، خدماتی مهم ارائه داده‌اند. اعطای این نشان به بهروز اسدی، به دلیل قدردانی از نیم قرن مبارزه‌ی او برای دفاع از حقوق بشر، آزادی، عدالت و کرامت انسانی، و حمایت از پناهجویان و مهاجران است.

زندگی و مسیر فعالیت

بهروز اسدی در ورامین متولد شد و دوران تحصیل ابتدایی و متوسطه را در اصفهان گذراند. او در جوانی به آلمان مهاجرت کرد و از همان آغاز، فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی خود را در دفاع از مردم ایران و پناهجویان آغاز نمود. وی در دانشگاه ماینز در رشته‌ی علوم طبیعی با گرایش تعلیم و تربیت، و سپس در دانشگاه فرانکفورت در رشته‌های مددکاری اجتماعی و مدیریت بحران تحصیل کرد؛ مسیری که به چهار دهه فعالیت حرفه‌ای و داوطلبانه در سازمان‌های مدنی و حقوق بشری انجامید.

او از بنیانگذاران سازمان سراسری دفاع از حقوق پناهجویان و آوارگان (Pro Asyl) و همچنین بنیانگذار شورای پناهندگان در ایالت راینلند-فالتز و شهر ماینز است. وی در طول سال‌ها، با اجرای پروژه‌های گسترده در زمینه‌ی آموزش زبان، توانمندسازی زنان مهاجر، مشاوره‌ی

اعطای نشان افتخار آلمان به خاطر فعالیت‌های انساندوستانه به یک سوسیال دموکرات ایرانی

مهدی جعفری گرزینی روز پنجشنبه ۱۶ اکتبر ۲۰۲۵ نشان افتخار آلمان را به دلیل فعالیت‌های بشردوستانه از فرانک والتر اشتاین مایر رئیس‌جمهور این کشور دریافت کرد.

این سوسیال دموکرات ایرانی تبار در بیان تجربه‌های خود تأکید می‌کند که بزرگ‌ترین خطای جوانی‌اش در سال ۵۷، ایستادن در «سوی نادرست تاریخ» بوده است؛ خطایی که آن را لکه ننگی بر پیشانی خود و نسل ۵۷ می‌داند. او پدر چهار فرزند، دو دختر و دو پسر و پدر بزرگ دو نوه است و همچنان بر این باور است که خدمت به انسان‌ها، رسالت همیشگی اوست. مهدی جعفری گرزینی در سال ۱۹۵۸ در شمال ایران، در کرانه دریای مازندران زاده شد و در خانواده‌ای پرجمعیت با ده خواهر و یک برادر رشد یافت. دوران کودکی و نوجوانی‌اش با درس و ورزش همراه بود که از همان زمان به عشق و علاقه‌ای عمیق در زندگی او بدل شدند. وی در رشته فوتبال و دو و میدانی فعالیت حرفه‌ای داشت و در تیم‌های مدارس و جوانان استان مازندران بازی می‌کرد و در باشگاه «نساجی مازندران» عنوان



ویدئو

قهرمانی جوانان و «آقای گل» را به دست آورد. وی همچنین در رشته دو ۱۰۰ متر با رکورد ۴/۱۱ ثانیه قهرمان رقابت‌های مدارس و جوانان شد. پس از انقلاب ۱۳۵۷ اما در همان سال به آلمان مهاجرت کرد و تا سال ۱۹۸۱ دوره‌های زبان و کالج دولتی دانشگاه را پشت سر گذاشت و در رشته زیست‌شناسی و سپس علوم سیاسی، آموزش و روانشناسی تا مقطع کارشناسی ارشد ادامه تحصیل داد و دوره دکترای آموزش، جامعه‌شناسی و روانشناسی را بدون دریافت مدرک به پایان رساند. فعالیت‌های مدنی او در عرصه‌های دانشجویی و دانشگاهی و علمی در تمام این سال‌ها ادامه داشت و از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۴ نیز در چند وزارتخانه ایالتی راینلند-فالتز مسئولیت‌هایی گوناگونی بر عهده داشت.

وی از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۱ عضو حزب سبزها و از سال ۲۰۰۱ تا کنون عضو حزب سوسیال دموکرات آلمان است.

مهدی جعفری گرزینی سوسیال دموکرات ایرانی‌تبار از شهر ماینز به عنوان یک میهن‌دوست قانون‌مدار آلمانی-اروپایی شناخته می‌شود؛ انسانی که فعالیت سیاسی و اجتماعی‌اش آمیزه‌ای از مسئولیت‌پذیری اجتماعی و باور عمیق به آزادی، دموکراسی و حقوق بشر است. اختر قاسمی در همین ارتباط با مهدی جعفری گرزینی گفتگو کرده است.

یک سوم آمار مرگ در ایران به دلیل مشکلات تغذیه است



دریافت نمی‌کنند.»

احمد اسماعیل‌زاده افزوده «آمار و ارقام میزان مرگ‌ومیر کشور بیانگر این است که سالانه حدود ۴۰۰ هزار تا ۴۲۰ هزار نفر جان خود را از دست می‌دهند که ۳۵ درصد از این میزان برای مسائل تغذیه‌ای است. بنابراین با توجه به آمار و ارقام میزان مرگ‌ومیر کشور می‌توان گفت که یک سوم مرگ‌های کشور یعنی حدود ۱۲۰ هزار نفر به دلیل مسائل تغذیه‌ای است. او گفت: تحلیل و پردازش آمار مرگ‌ومیر مربوط به مسائل تغذیه‌ای به این معنا است که افراد قابل توجهی در جامعه به میزان کافی لبنیات، گوشت، غلات، فیبر و امگا ۳ مصرف نمی‌کنند.»

همانطور که این مقام وزارت بهداشت تأکید کرده افزایش قیمت مواد غذایی علت اصلی بروز سوءتغذیه در میان شهروندی است که بر اساس آمارها بخش عمده درآمد ناچیز و بی‌ارزش آنها صرف پرداخت اجاره‌بها شده و در نتیجه آنها بودجه کافی برای تأمین خوراک سالم و ضروری ندارند!

حسن امامی رضوی رئیس دبیرخانه شورای عالی سلامت و امنیت غذایی نیز با اشاره به افزایش آمار سوء تغذیه در ایران گفته ۸۰۰ هزار نفر در ایران دچار «سوء تغذیه شدید» هستند.

رئیس دبیرخانه شورای عالی سلامت و امنیت غذایی با بیان اینکه «وقتی مواد غذایی گران می‌شود مردم دسترسی‌شان به غذای کافی دچار اختلال می‌شود» گفته طرح کالابرگ الکترونیک مفید اما ناکافی است.

روزنامه «اعتماد» نیز هفته گذشته در گزارشی میدانی به فقر غذایی در روستاهای استان سیستان و بلوچستان پرداخته است. عظیم شه‌بخش استان دانشگاه در سیستان و بلوچستان به «اعتماد» گفته قد ساکنان در سیستان و بلوچستان نسبت به گذشته کوتاه‌تر شده و علت

او توضیح داده که «آمار و ارقام میزان مرگ و میر کشور بیانگر این است که حدود ۴۰۰ هزار تا ۴۲۰ هزار نفر سالانه جان خود را از دست می‌دهند که ۳۵ درصد از این میزان برای مسائل تغذیه‌ای است. بنابراین با توجه به آمار و ارقام میزان مرگ و میر کشور می‌توان گفت که یک سوم مرگ‌های کشور یعنی حدود ۱۲۰ هزار نفر به دلیل مسائل تغذیه‌ای است.»

به گفته این مقام وزارت بهداشت «تحلیل و پردازش آمار مرگ و میر مربوط به مسائل تغذیه‌ای به این معنا است که برخی افراد جامعه به میزان کافی غلات، فیبر و امگا ۳ مصرف نمی‌کنند». او افزوده «اگر کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی به وزارت بهداشت در زمینه تغذیه کمک کند، می‌توانیم مرگ‌های منتسب به مسائل تغذیه‌ای را تا حدودی کنترل کنیم.»

بر اساس توضیحات احمد اسماعیل‌زاده «میزان مرگ و میر ناشی از فشارخون بالا و قند بالا به ترتیب ۹۴ هزار و ۴۷ هزار مورد است. اگرچه فشارخون و قند بالا ناشی از تغذیه نیستند اما با تغذیه ارتباط تنگاتنگ دارند. مرگ و میر ناشی از اضافه‌وزن بطور مستقیم با تغذیه ارتباط دارد. ۱۰ هزار نفر هم به دلیل عدم دریافت اسیدهای چرب امگا ۳ جان خود را از دست می‌دهند و ۱۰ هزار مرگ منتسب به دریافت ناکافی میوه و سبزی هستند. این نشان می‌دهد توجه به عوامل تغذیه در مرگ و میرها حائز اهمیت است.»

مدیر دفتر بهبود جامعه وزارت بهداشت نسبت به کاهش مصرف لبنیات، گوشت، میوه و سبزیجات هشدار داد و گفت: «مصرف لبنیات در ایران نصف مقدار توصیه شده است چون قیمت این محصولات گران است. همچنین نیمی از جمعیت کشور چهار گروه اصلی غذا را که تأمین کننده مواد غذایی هستند، به میزان کافی

● احمد اسماعیل‌زاده مدیر دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت: با توجه به آمار و ارقام میزان مرگ و میر کشور می‌توان گفت که یک سوم مرگ‌های کشور یعنی حدود ۱۲۰ هزار نفر به دلیل مسائل تغذیه‌ای است.

● حسن امامی رضوی رئیس دبیرخانه شورای عالی سلامت و امنیت غذایی نیز با اشاره به افزایش آمار سوء تغذیه در ایران گفته ۸۰۰ هزار نفر در ایران دچار «سوء تغذیه شدید» هستند.

● شماری از ساکنان روستای بنت در سیستان و بلوچستان دچار شب‌کوری هستند. آنها برای تغذیه‌ی خود آب به اضافه نمک و روغن گرم می‌کردند که اگر رب گوجه هم داشت خیلی شاهانه می‌شد و آن را با پیاز و نان می‌خوردند.

● رئیس پیشین دانشگاه علوم پزشکی سیستان و بلوچستان: بین ۲۰ تا ۳۰ درصد کودکان زیر ۵ سال، یعنی حدود ۱۵۰ هزار نفر با فقر شدید و کمبود تغذیه مواجه هستند و وعده غذایی کامل ندارند؛ وعده غذایی آنان در حد نان و چای است و قطعا از میوه و سبزی بی‌خبرند.

افزایش قیمت مواد غذایی سبب افزایش و گسترش سوء تغذیه شهروندان در کشور شده بطوری که دست‌کم ۸۰۰ هزار ایرانی با شرایط «سوء تغذیه شدید» شناسایی شده‌اند. به گفته مدیر دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت یک سوم مرگ‌های کشور به دلیل مسائل مربوط به تغذیه است.

احمد اسماعیل‌زاده مدیر دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت با اشاره به نقش پررنگ سوء تغذیه در آمار مرگ و میر در ایران گفت «اینکه سالانه حدود ۱۲۰ هزار ایرانی به دلیل مشکل تغذیه جان خود را از دست می‌دهند.»

«کالای لوکس درمان»؛ بحران گرانی و کمبود دارو جان بیماران را به بازی گرفته است



کمبود و افزایش قیمت دارو در بخش بیماری‌های خاص جان بیماران را به خطر انداخته است و بسیاری از داروخانه‌ها داروهای این بیماری‌ها را عرضه نمی‌کنند. هادی اخوت پور رئیس شورای عالی داروخانه‌های ایران در اینبار توضیح داده که «رسالت ما در داروخانه تأمین نیازهای دارویی بیماران است و اولویت بر تأمین نیازهاست. اما یک سری داروها وجود دارد که باید از شرکت‌های پخش تهیه شوند و تأمین‌کننده، دارو را به شرطی می‌دهد که مبلغ هزینه در زمان کوتاهی به او عودت داده شود و از طرفی سیاست قیمت‌گذاری در ایران نیز به این نحو است که هر چه قیمت واحد داروها گران‌تر می‌شود، سود دارو کمتر می‌شود.»

رئیس شورای عالی داروخانه‌های ایران افزوده «داروهای آنکولوژی و داروهای ضدسرطان از جمله داروهایی هستند که به دلیل قیمت واحد بالای خود، سود بسیار پایینی دارند. به عنوان مثال، سود این داروها می‌تواند سه درصد، پنج درصد یا هشت درصد باشد. اگرچه اولویت ما مسائل اقتصادی نیست، اما وقتی یک دارویی را از شرکت پخش با فرجه یک ماهه، مثلاً واحدی به مبلغ ده میلیون تومان خریداری می‌شود و فقط سه درصد هم سود داشته باشد، وضعیت دشواری پیش خواهد آمد.»

هادی اخوت پور با تأیید اینکه ذخایر استراتژیک انبارهای دارویی کاهش یافته است، گفته «زمانی تولیدکنندگان دارو ارز سوبسیدی دریافت می‌کردند، می‌توانستند برای واردات مقدار معینی از دارو، ارز لازم را دریافت کرده و وارد کنند. اما با آزادسازی ارز و بالا رفتن هزینه‌ها، آن‌ها باید مبلغ بسیار بیشتری تأمین کنند و این مسئله یک شوک شدید به تولیدکنندگان وارد کرده است.»

او با تأکید بر اینکه «نقدینگی مورد نیاز برای واردات دارو وجود ندارد» گفته «این وضعیت باعث شده که

● رئیس شورای عالی داروخانه‌های ایران: با آزادسازی ارز و بالا رفتن هزینه‌ها، تولیدکنندگان باید مبلغ بسیار بیشتری تأمین کنند و این مسئله یک شوک شدید به آنها وارد کرده است.

● «نقدینگی مورد نیاز برای واردات دارو وجود ندارد. قبلاً با استفاده از سوبسیدها، می‌توانستیم با هزینه‌ای پایین‌تر، مثلاً برای تأمین مواد اولیه برای شش ماه آینده اقدام کنیم. اما با حذف این سوبسیدها، خریدها نیز قبل کاهش یافته است.»

● مزگان میرحبیبی عضو هیئت مدیره شبکه ملی خبریه‌ها و نیکوکاران: افراد زیادی را می‌شناسم که به دلیل هزینه‌های سنگین، درمان را رها کرده‌اند. حتی پرداخت تفاوت ۱۰ تا ۲۰ درصدی سهم بیمه برای برخی ممکن نیست.

● وبسایت «فرارو» با توجه به بحران بیماران مبتلا به بیماری‌های خاص در تأمین دارو نوشته وقتی حتی داروهای مکمل و تقویتی از پوشش بیمه خارج می‌شود، بار مالی بر دوش بیماران سنگین‌تر شده و درمان عملاً به کالایی لوکس تبدیل می‌گردد.

افزایش قیمت و کمبود دارو سبب شده بخشی از بیماران در ایران برای ادامه روند درمان با بحران روبرو شده و شماری از بیماران، از جمله مبتلایان به سرطان، به علت ناتوانی در پرداخت هزینه دارو، درمان را متوقف کنند. فعالان صنعت داروسازی نیز تأکید دارند که منابع کافی برای تولید دارو ندارند و نسبت به کمبود ذخایر دارویی کشور هشدار می‌دهند.

کمبود دارو شرایطی بحرانی در ایران ایجاد کرده و در حالیکه مقامات وزارت بهداشت شرایط دارویی کشور را مناسب توضیح می‌دهند، فعالان صنفی و برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی شرایط را بحرانی توضیح می‌دهند.

➔ آن دسترسی نداشتن خانوارها به مواد غذایی کافی و ضروری است.

او همچنین گفته در روستای بنت در این استان بسیاری از ساکنان دچار شب‌کوری هستند علت آن هم تغذیه آنها است: «فکر می‌کنید غذای بچه‌ها و بزرگسالان در این مناطق چه بود؟ آب به اضافه نمک، روغن که اگر رب گوجه هم داشت خیلی شاهانه می‌شد و آن را با پیاز و نان می‌خوردند و بسیاری از این افراد دچار شب‌کوری شده بودند.»

مسئول یکی از مدارس در مناطق دورافتاده استان سیستان و بلوچستان نیز درباره دادن یک وعده غذایی به بچه‌ها به عنوان «افطاری» به «اعتماد» گفته «ای کاش موقعی که افطاری دادیم شما هم حضور داشتید و تماشا می‌کردید وقتی ما این سفره را پهن کردیم، بچه‌ها با چه ولعی افطار کردند. قبل از شام، چون این بچه‌ها در عمرشان نه خامه، نه پنیر، نه زولبیا بامیه خورده بودند، چون اصلاً نداشتند که بخورند. بعد ما به آن‌ها گفتیم: خیلی خودتان را سیر نکنید، شام برایتان زرشک‌پلو با مرغ گرفته‌ایم. گفتند: ما به این زرشک‌پلو با مرغ لب نمی‌زنیم. گفتیم: چرا؟ گفتند: این را می‌بریم خانه‌مان، چون ما در خانواده‌مان تا حالا گوشت نخورده‌ایم.»

«اعتماد» همچنین گزارش داده سوء تغذیه کودکان، کمبود ریزمغذی‌ها مانند کمبود آهن که منجر به کم‌خونی می‌شود و همچنین کمبود روی در استان سیستان و بلوچستان نسبت به استان‌های دیگر بیشتر است.

در همین رابطه فاطمه اطباطی، رئیس پیشین دانشگاه علوم پزشکی سیستان و بلوچستان اعلام کرده «بین ۲۰ تا ۳۰ درصد کودکان زیر ۵ سال، یعنی حدود ۱۵۰ هزار نفر با فقر شدید و کمبود تغذیه مواجه هستند و وعده غذایی کامل ندارند؛ وعده غذایی آنان در حد نان و چای است و قطعا از میوه و سبزی بی‌خبرند.»

او افزوده «اگر به آمار سوء تغذیه سال ۱۳۷۹ نگاه کنید، شدت فقر و سوء تغذیه از آن سال تا به الان در سیستان و بلوچستان سه برابر شده است؛ بنابراین این نشان می‌دهد، برنامه‌ها برای زدودن فقر و محرومیت کافی نبوده است و فاجعه فقر رو به گسترش نبوده.»

رئیس پیشین دانشگاه علوم پزشکی سیستان و بلوچستان گفته است که حدود ۳ میلیون و ۲۵۰ هزار نفر در این استان زندگی می‌کنند، اما ۶۰ درصد خانوارهای شهری و ۸۰ درصد خانوارهای روستایی زیر خط فقر هستند. به همین خاطر، کمیته امداد پوشش وسیعی در بین خانوارهای شهری و روستایی دارد. به دلیل فقر، خشکسالی و ناامنی، ۴۰ درصد مردم زایل و چاه‌ها حاشیه‌نشین هستند؛ بیشترین میزان حاشیه‌نشینی، در این استان وجود دارد.

نرخ بیکاری همچنان در این استان بالاتر از میانگین کشوری است و بر اساس گزارش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بیشترین فقر مسکن در سال ۱۴۰۱ متعلق به استان سیستان و بلوچستان بوده است. ماجرا اما این نیست و به گفته حسین علی‌شهریاری، رئیس کمیسیون بهداشت مجلس حتی بسیاری مادران هم به دلیل فقر غذایی، مجبور شده‌اند شیر خشک را جایگزین شیر مادر کنند. اگر چه به لحاظ مالی حتی توان پرداخت هزینه آن را هم ندارند.

در این شرایط طی سال‌های گذشته دولت‌ها بدون در نظر گرفتن زمینه‌های لازم، روی طرح‌های جوانی جمعیت تمرکز کرده‌اند، در حالی که سفره‌های مردم هر روز کوچک‌تر شده و امنیت غذایی در بسیاری از مناطق حتی برای کودکان تضمین نشده است.

پریا یزدانی نوجوان نوازنده و استاد گیتار از ایران: پدرمادرهای دهه شصتی ما از موسیقی حمایت می‌کنند

● پریا یزدانی با اشاره به اینکه خانواده‌اش در حوزه موسیقی همواره از او حمایت کرده و مشوق او بوده‌اند به کیهان لندن می‌گوید: «پدر و مادرم در طول این سال‌ها همیشه مشوق من بوده‌اند و اگر زحمات و پیگیری‌های آنها نبود قطعاً نمی‌توانستم در موسیقی تا این حد پیشرفت کنم، اطرافیانم هم همیشه تشویقم می‌کنند، البته در خانواده ما کسی موسیقی کار نمی‌کرد اما همگی هنر را دوست داشتند و دارند.

● به گفته وی، دختران ایرانی در زمینه موسیقی نسبت به سال‌های قبل جایگاه بسیار بهتری پیدا کرده‌اند و در حال حاضر استادان خانم بسیار زیادی هستند که به کار تدریس موسیقی مشغول‌اند و اتفاقاً مردم هم بسیار حمایت می‌کنند به‌خصوص دخترانی را که موسیقی کار می‌کنند و ساز می‌زنند.

● کمبود اساتید حرفه‌ای آموزش و نواختن ساز در ایران یکی از مشکلات مهمی است که این هنرمند گیتاریست نوجوان به آن اشاره می‌کند و معتقد است: «به اندازه کافی برای رشته موسیقی در کشور، سرمایه‌گذاری نشده، از سوی دیگر سازه‌های موسیقی در ایران قیمت بسیار بالایی دارند و بسیاری از جوانان به خاطر اینکه توانایی خرید سازی را ندارند شاید نتوانند موسیقی را شروع کنند.»

فیروزه نوردستروم- پریا یزدانی نوجوان ۱۶ ساله ساکن شهر آباده طشک در استان فارس، نوازنده چیره‌دست و معلم گیتار است که هم‌اکنون در حال تحصیل در رشته شبکه و نرم‌افزار پایه یازدهم است. او از آبان ۱۳۹۶ فراگرفت موسیقی را شروع کرد، حدود یک سال و نیم، در دوره «کارل اُرف» شامل نت‌خوانی، ریتم‌خوانی و نواختن سازه‌های بلز و فلوت ریکوردر شرکت و از ۱۰ سالگی یاد گرفت گیتار را شروع کرد.

کیهان لندن به تازگی با این هنرمند نوجوان که همزمان با تحصیل به تدریس گیتار در آموزشگاه «ماهور» در ارستانجان و آموزشگاه «فردیس» در شهر محل سکونت خود مشغول است گفتگو کرده است.

پریا یزدانی با اشاره به اینکه خانواده‌اش در حوزه موسیقی همواره از او حمایت کرده و مشوق او بوده‌اند به کیهان لندن می‌گوید: «پدر و مادرم در طول این سال‌ها همیشه مشوق من بوده‌اند و اگر زحمات و پیگیری‌های آنها نبود قطعاً نمی‌توانستم در موسیقی تا این حد پیشرفت کنم، اطرافیانم هم همیشه تشویقم می‌کنند، البته در خانواده ما کسی موسیقی کار نمی‌کرد اما همگی هنر را دوست داشتند و دارند. محل زندگی من هم محیط کوچکی است و موسیقی به صورت حرفه‌ای آموزش داده نمی‌شود به همین دلیل، استادان زیادی در اینجا نیستند که من در مورد

زمین یا دارایی‌شان را می‌فروشد تا بتوانند هزینه درمان را بپردازند.» او همچنین به نکته‌ی مهمی اشاره می‌کند: بعضی از داروهای وارداتی چون در فهرست رسمی دارویی کشور (فارماکوپه) ثبت نشده‌اند، تحت پوشش بیمه قرار نمی‌گیرند؛ بنابراین بیمار ناچار است تمام هزینه را از جیب خود بپردازد.



افزون بر این، بیمه‌ها بسیاری از داروهای تقویتی را نیز پوشش نمی‌دهند. در حالیکه این داروها برای بیماران خاص، به ویژه مبتلایان به بیماری‌هایی مانند MDS (اختلال مغز استخوان)، نقشی حیاتی در کنترل بیماری دارند. بسیاری از این بیماران هم‌زمان از بیماری‌های مزمن دیگری مانند دیابت، مشکلات کلیوی یا قلبی نیز رنج می‌برند و در نتیجه برای ادامه زندگی نیازمند مصرف چندین نوع دارو به‌طور هم‌زمان‌اند. وقتی حتی داروهای مکمل و تقویتی از پوشش بیمه خارج می‌شود، بار مالی بر دوش بیماران سنگین‌تر شده و درمان عملاً به کالایی لوکس تبدیل می‌گردد.

مجموعه این عوامل نشان می‌دهد که مسئله‌ی گرانی و کمیابی دارو در ایران، صرفاً نتیجه‌ی یک عامل واحد نیست. این مشکل، حاصل تلاقی چند بحران هم‌زمان است: تحریم‌ها و محدودیت‌های اقتصادی، ضعف در نظام بیمه‌ای، ناهماهنگی میان دستگاه‌های مسئول و نبود سیاست روشن در حوزه‌ی داروهای خاص. تا زمانی که این چرخه‌ی معیوب اصلاح نشود، بیماران خاص همچنان میان داروخانه‌ها و بیمارستان‌ها در رفت‌وآمد خواهند بود؛ در جست‌وجوی دارویی که شاید بتواند تنها امیدشان برای ادامه‌ی زندگی باشد.

حسینعلی حاجی دلپایانی عضو هیئت رئیسه کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی در گفتگو با خبرنگار پارلمانی خبرگزاری تسنیم، از پیگیری تامین داروی بیماران خاص از سوی مجلس خبر داد و گفت: یکی از این بیماری‌های خاص بیماری (ای ال اس) است که خانواده بیماران مبتلا به این بیماری با مراجعه به بنده و جمعی از نمایندگان اعلام کرده‌اند که داروی بیماری مذکور که در صحبت کردن، خوردن، آشامیدن و راه رفتن این بیماران تاثیر دارد و برای کند کردن روند پیشرفت بیماری آنان تجویز می‌شود؛ کمیاب شده و این بیماران به دلیل نبود این دارو و مصرف آن، روز به روز حالشان بدتر شده و مشکلات خانواده آنان بیشتر می‌شود.

→ قدرت واردکننده‌ها برای وارد کردن مواد اولیه کاهش یابد. قبلاً با استفاده از سوبسیدها، می‌توانستیم با هزینه‌ای پایین‌تر، مثلاً برای تامین مواد اولیه برای شش ماه آینده اقدام کنیم. اما با حذف این سوبسیدها، خریدها نیز قبل کاهش یافته است.»

او همچنین توضیح داده که «داروخانه‌ها نیز نسبت به گذشته ضعیف‌تر شده‌اند. این شرایط برای تولیدکنندگان و واردکنندگان نیز به شدت سخت‌تر شده است. در کنار تورم که عملاً سود را از بین می‌برد، واردکننده‌ها با مشکل روبرو هستند. آن‌ها نمی‌توانند با پول فروش قبلی، همان مواد اولیه را دوباره خریداری کنند، زیرا قیمت‌ها به شدت افزایش یافته است و مجبورند کمتر خرید کنند. این وضعیت به صورت زنجیره‌ای تأثیرات منفی خود را بر بازار دارو و خدمات داروخانه‌ها می‌گذارد و مشکلات بیشتری را برای تامین دارو و خدمات به بیماران ایجاد می‌کند.»

این فعال صنفی کمبود دارو را مهم‌تر از افزایش قیمت آن دانسته و گفته «مسئله موجود بودن دارو به مراتب از قیمت آن مهم‌تر است. اگر داروها در دسترس نباشند، به طور طبیعی استرس زیادی به جامعه وارد خواهد شد. این وضعیت قطعاً تأثیرات منفی بر تولیدات داخلی نیز خواهد گذاشت. بسیاری از داروهای که تولید می‌شوند، وابستگی به مواد اولیه وارداتی دارند و در صورتی که یک قلم از این مواد در دسترس نباشد، ممکن است کل روند تولید تحت تأثیر قرار بگیرد و به عبارت دیگر متوقف شود.»

در این میان وزیر بهداشت وضعیت ذخایر دارویی را مناسب ارزیابی کرده اما مهدی پیرصالحی رئیس سازمان غذا و دارو شهریورماه امسال کمبود دارو را تأیید و نبود نقدینگی را مهم‌ترین چالش بخش دارویی کشور اعلام کرد. او گفته بود «در حال حاضر نقدینگی یکی از مهم‌ترین مشکلات ماست؛ مشکلی که هم بخش دولتی و هم بخش خصوصی با آن مواجه هستند. دلیل اصلی این مسئله، تخصیص نامناسب بودجه و پرداخت‌های نامنظم و ناکافی است که موجب اختلال در زنجیره تامین و توزیع دارو شده و در نهایت به کمبودهای دارویی دامن می‌زند.»

اینهمه جان بیماران به ویژه مبتلایان به بیماری‌های خاص و صعب‌العلاج را با خطر روبرو کرده است. وبسایت «فرارو» افزایش قیمت و کمبود دارو را دو چالش بزرگ مبتلایان به بیماری‌های خاص در ایران ارزیابی کرده و نوشته بیماران تالاسمی، ام‌اس و هموفیلی نیز از کمبود دارو و خون‌گلابه دارند؛ بسیاری برای دریافت داروی ضروری ماه‌ها در صف می‌مانند. برخی خانواده‌ها در شهرهای مختلف تجمع کرده‌اند تا صدای خود را به گوش مسئولان برسانند.

در این گزارش تأکید شده تنها تحریم و اقتصاد نیست که بیماران را گرفتار کرده است. یکی از چالش‌های اساسی، کاهش سهم بیمه‌ها در تامین هزینه داروهای خاص است. در تجمع اخیر بیماران سیستم‌نویس مقابل وزارت بهداشت، این موضوع به‌وضوح مطرح شد. آنان می‌گویند سهم بیمه‌ها در پرداخت هزینه دارو به‌صورت مداوم در حال کاهش است؛ در حالی‌که قیمت داروی خارجی «سیستاکون» به بیش از ۲۷ میلیون تومان رسیده است. این وضعیت سبب شده بیماران ناچار شوند برای تداوم درمان خود از خیر برخی داروها بگذرند یا هزینه‌ها را از جیب پرداخت کنند.

«فرارو» تأکید کرده بیماران سرطانی نیز وضعیت مشابهی دارند. مژگان میرحبیبی عضو هیئت مدیره شبکه ملی خبریه‌ها و نیکوکاران، در اینباره گفته «افراد زیادی را می‌شناسم که به دلیل هزینه‌های سنگین، درمان را رها کرده‌اند. حتی پرداخت تفاوت ۱۰ تا ۲۰ درصدی سهم بیمه برای برخی ممکن نیست. در روستاها مردم گاو،

➔ گیتار با آنها در ارتباط باشم»

او اضافه می‌کند: «از شهر ما تا ارسنجان حدود یک ساعت راه هست و از زمانی که موسیقی را شروع کردم تا حال حاضر که در آموزشگاه ماهور شهر ارسنجان تدریس می‌کنم پدرم همیشه مرا به کلاس می‌برد، ساعت‌ها منتظر می‌ماند تا کلاسم تمام شود و تا شیراز هم سه ساعت مسیر داریم و باز به همین ترتیب پدرم مرا برای یادگیری هر هفته به آموزشگاه موسیقی مشرق می‌برد، همینطور مادرم همیشه همراه و راهنمای من بوده و برای تولید محتوای صفحه من در اینستاگرام به من کمک می‌کند. دیدگاه مردم نسبت به موسیقی در مقایسه با سال‌های گذشته بسیار تغییر کرده و در مجموع دید مثبتی به موسیقی پیدا کرده‌اند، البته همراهی خانواده در این مورد بسیار موثر بوده و باعث شده همشهریان و اطرافیانم هم مرا تشویق کنند و دیدگاه مثبتی به موسیقی و کار من داشته باشند.»

پریا یزدانی در ابتدا برای یاد گرفتن ساز اصلی، دوست داشت پیانو را انتخاب کند اما شرایط خرید آن را نداشت. او در مورد قیمت سازهای موسیقی می‌گوید: «نسبت به سالی که من موسیقی را شروع کردم یعنی سال ۹۶ تا یک سال پیش که گیتار حرفه‌ای خریدم قیمت سازهای موسیقی

بودن معلم موسیقی نتوانستند آموزش ساز را دنبال کنند به همین دلیل این نسل از پدرمادرها از موسیقی به‌خصوص از سازهای مدرن مثل گیتار، بسیار حمایت می‌کنند.» این هنرمند نوجوان در ارتباط با هزینه‌های کلاس موسیقی توضیح می‌دهد: «هزینه کلاس‌های موسیقی در ایران در مقایسه با هزینه‌های کلی زندگی خیلی زیاد نیست، اما به خاطر اینکه سطح درآمد اغلب خانواده‌ها پایین است این هزینه‌ها سنگین‌تر هستند، البته در شهرهای مختلف هم این هزینه‌ها یکسان نیستند و در شهرهای کوچک پایین‌ترند و خانواده‌ها با صرفه‌جویی و تغییر در برنامه‌های خود هزینه‌های زندگی را تامین می‌کنند.»

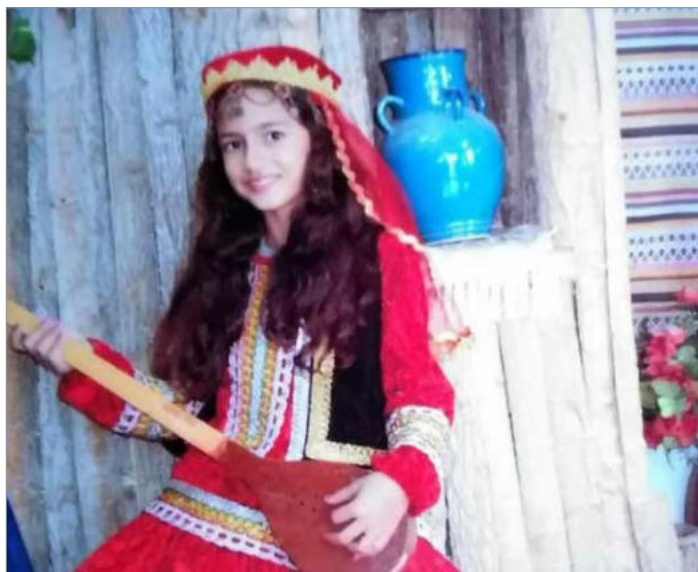
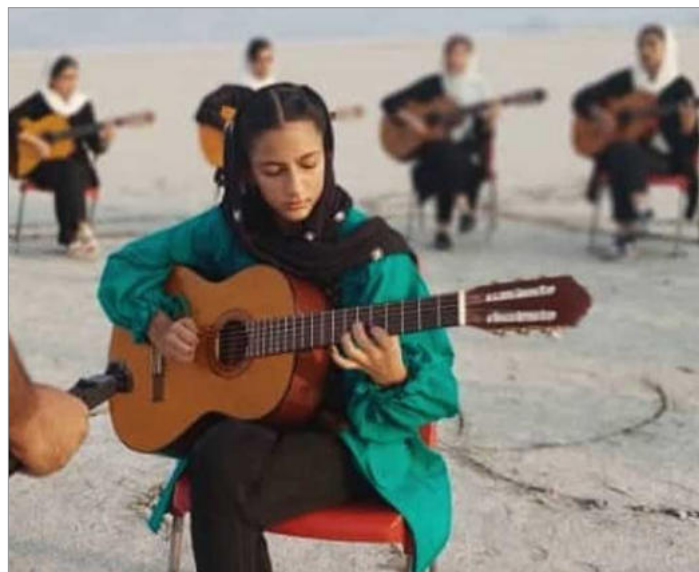
کعبود اساتید حرفه‌ای آموزش و نواختن ساز در ایران یکی از مشکلات مهمی است که این هنرمند گیتاریست نوجوان به آن اشاره می‌کند و معتقد است: «به اندازه کافی برای رشته موسیقی در کشور، سرمایه‌گذاری نشده، از سوی دیگر سازهای موسیقی در ایران قیمت بسیار بالایی دارند و بسیاری از جوانان به خاطر اینکه توانایی خرید سازی را ندارند شاید نتوانند موسیقی را شروع کنند.»

او می‌گوید: «همسن و سالان من نسبت به چند سال پیش به موسیقی بیشتر علاقمند شده‌اند و برخی از جوانان و نوجوانان در کنار درس به عنوان هدف اصلی خود، موسیقی

کار تدریس موسیقی مشغول‌اند و اتفاقاً مردم هم بسیار حمایت می‌کنند به‌خصوص دخترانی را که موسیقی کار می‌کنند و ساز می‌زنند. پریا یزدانی ادامه می‌دهد: «من با وجود اینکه در شهر کوچکی زندگی می‌کنم اما مردم این شهر همیشه مرا تشویق می‌کنند و اینکه دختران از طریق ساز زدن کسب درآمد کنند برای جامعه ایرانی جا افتاده. من تصمیم دارم برای درآمدزایی از موسیقی در ارکسترها و کنسرت‌های بزرگ در کنار بزرگان موسیقی اجرا داشته باشم تا تجربه‌های بیشتری هم کسب کنم. در کنار همه اینها تدریس را هم به عنوان یک راه ارتباطی با نسل جدید و به اشتراک گذاشتن تجربیات و دانش موسیقی در نظر دارم، البته یکی از بزرگ‌ترین علایق من خوانندگی است که هنوز بر روی این مورد به صورت جدی کار نکرده‌ام و به کلاس آموزش آواز نرفته‌ام اما حتماً در آینده‌ای نزدیک، خوانندگی را هم به صورت حرفه‌ای شروع می‌کنم.»

پریا یزدانی آهنگسازی را یکی از بهترین رشته‌های موسیقی می‌داند و توضیح می‌دهد: «در رشته آهنگسازی هم می‌توانی آثار جدیدی خلق کنی و هم احساسات را در قالب موزیک با دیگران به اشتراک بگذاری.»

این نوجوان نوازنده گیتار معتقد است که پیشرفت موسیقی در افراد، به اساتید، نوازندگان و عوامل مختلفی



بستگی دارد و البته خلاقیت خود هنرمندان که با گسترش پلتفرم‌های آنلاین و حمایت بیشتر از هنرمندان موسیقی ایرانی می‌تواند جایگاه بسیار ویژه‌ای در سطح بین‌المللی پیدا کند.

در پایان این گفتگو پریا یزدانی از اساتیدی که همواره مشوق و همراه او بوده‌اند قدردانی کرد و گفت: «استاد عزیزم ضیال‌الدین خادمی از دوره ارف و بعد گیتار با بهترین مسیر آموزشی با حمایت‌ها و محبت‌های همیشگی‌شان باعث ایجاد انگیزه و انرژی من شدند. استاد گرانقدرم جناب محسن مرشد برترین معلم و نوازنده گیتار که هنرجویان ایشان از اساتید حرفه‌ای کشور هستند و همیشه از من حمایت می‌کنند و استاد بزرگوارم جناب اردشیر فرح که از وقتی با ایشان آشنا شدم بسیار به من محبت داشتند و با برنامه‌هایی که برگزار می‌کنند باعث پیشرفت بسیاری از جوانان ایرانی شده‌اند و سبک زیبا و متفاوت ایشان تاثیر بسیاری در موسیقی ایران داشته و همچنین بسیاری از اساتید بزرگواری که از طریق اینستاگرام با آنها آشنا شدم و محبت بسیاری به من داشته‌اند.»

را به عنوان سرگرمی یاد می‌گیرند و برخی دیگر موسیقی را به عنوان هدف اصلی خود در زندگی انتخاب می‌کنند و حتی از کودکی یادگیری موسیقی را طور جدی شروع می‌کنند و با علاقه ادامه می‌دهند.»

او اضافه می‌کند: «اول از همه قصد دارم در دانشگاه، رشته موسیقی را ادامه بدهم و گیتار را به صورت حرفه‌ای دنبال کنم و شاید در آینده پیانو هم یاد بگیرم، بجز موسیقی به نقاشی، اسب‌سواری، تیراندازی و طبیعت‌گردی هم علاقه دارم و دوست دارم دنیا را بگردم.»

یزدانی ادامه می‌دهد: «من موسیقی و ساز گیتار را به عنوان شغل آینده خودم انتخاب کرده‌ام و در طول این چند سال، در زمینه موسیقی تلاش زیادی داشته‌ام و سعی کرده‌ام ساز گیتار را به صورت حرفه‌ای یاد بگیرم و بطور کلی هدف من در آینده، موسیقی است و فکر می‌کنم در دانشگاه هم در رشته موسیقی ادامه تحصیل بدهم.»

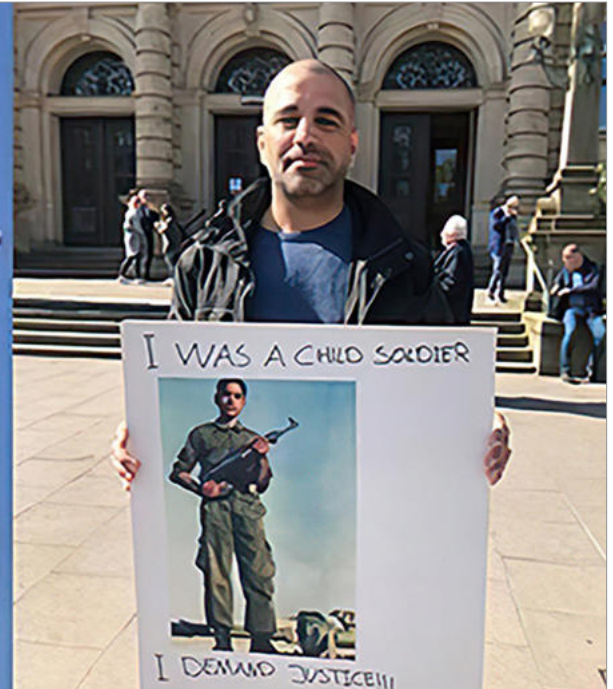
به گفته وی، دختران ایرانی در زمینه موسیقی نسبت به سال‌های قبل جایگاه بسیار بهتری پیدا کرده‌اند و در حال حاضر استادان خانم بسیار زیادی هستند که به

ده برابر شده و در این مدت هم دوباره قیمت‌ها چند برابر شده. بطور کلی ساز خوب در ایران خیلی کم پیدا می‌شود البته بجز قیمت سازها قیمت لوازم جانبی و کوک کردن سازهایی نظیر پیانو که می‌بایست توسط افراد حرفه‌ای انجام شود هم زیاد است.»

به نظر او «اغلب دختران و نسل جوان ایرانی در مقایسه با سازهای سنتی، سازهای بین‌المللی و مدرن را دوست دارند و انتخاب می‌کنند مثل گیتار، پیانو یا ویولن و ساز گیتار چون سازی است که دارای انواع مختلفی مثل گیتار آکوستیک و الکترونیک انتخاب بسیاری از جوانان و به‌خصوص دختران است. به نظر من یکی از دلایل اینکه خیلی‌ها گیتار را انتخاب می‌کنند این است که می‌توانند همراه با نواختن گیتار خوانندگی هم انجام دهند.»

پریا یزدانی اضافه می‌کند: «بیشتر پدر مادرهای ما دهه شصتی هستند و مطمئناً خیلی از آنها وقتی همسن ما بودند دوست داشتند برای خود ساز بزنند و موسیقی را یاد بگیرند اما به خاطر عقاید سنتی نسل‌های قبل‌تر اجازه نداشتند و از طرفی به خاطر شرایط آموزشی نامناسب و کم

پادکست آلمانی درباره «کودکان فرقه»؛ حمله سازمان مجاهدین به خبرنگار تحقیقی روزنامه «دیتسایت»



پس از چند سال کاملاً شکست خورد. همچنین برای ماه‌ها علیه شخص من یک کمپین ترور شخصیت به راه انداختند. با ارسال ایمیل به جاهای مختلف سعی در بی‌اعتبار کردن من کرده و در شبکه‌های اجتماعی مرا مزدور و همدست شکنجه‌گران جمهوری اسلامی معرفی کرده و عکس‌هایی با عمامه از من انتشار می‌دادند.

در لابلای این گفتگو پرسش‌های مختلفی نیز در مورد سازمان مجاهدین، تاریخچه آن، ساختار تشکیلاتی، زنان در این تشکیلات، فعالیت‌های آنها در آلمان و... مطرح می‌شود.

اهمال مسئولین ادارت آلمانی

هومریش، خبرنگار تحقیقی نشریه «دیتسایت» در این برنامه توضیح می‌دهد در آغاز دهه ۹۰ میلادی، سازمان مجاهدین صدها کودک را از عراق به کشورهای مختلف در اروپا انتقال داد. از جمله به آلمان و شهر کلن. آنها در چند خوابگاه این بچه‌های بی‌سرپرست را نگهداری کرده و برای سال‌ها به خاطر آنها کمک‌های دولتی دریافت می‌کردند. سال‌ها بعد ده‌ها نفر از همین کودکان بطور غیرقانونی به عراق منتقل شدند و به عنوان کودک‌سرباز نگه داشته شده و اجازه بازگشت به اروپا نداشتند.

این خبرنگار تحقیقی سازمان مجاهدین را متهم می‌کند که در این خوابگاه‌ها و کودکانستانی که برای این کودکان برپا کرده بود با تکنیک‌های روانی و از روش‌های مغزشوئی استفاده می‌کرده است. هومریش مسئولین دولتی در شهر کلن از حزب سبزها را متهم می‌کند با اینکه از این مسائل با اطلاع بودند ولی هیچ اقدام عملی علیه آن یا برای بازگرداندن کودکانی که بعداً به عراق قاچاق شده بودند انجام ندادند.

به سربازی اجباری کشاندند گفتگو می‌کنند. در ادامه گفتگو جزئیات اینکه چطور امین گل مریمی توانست خود را با کمک دفتر سازمان ملل در امور پناهندگی از دست سازمان مجاهدین نجات دهد توضیح داده شده و مختصری نیز در مورد زندگی جدید او در کلن توضیح داده می‌شود. در وبسایت این پادکست و در معرفی برنامه «کودکان فرقه» آمده است: «امین [گل‌مریمی] یک مرد جوان از کلن از تجربه‌ای وحشتناک گزارش می‌دهد. او تعریف می‌کند چگونه او در سن ۱۵ سالگی - مانند بسیاری دیگر از پسران و دختران - به عراق، به یک اردوگاه نظامی یک فرقه، قاچاق شده و اینکه چگونه توانست پس از سال‌ها خود را آزاد کند.

گفته می‌شود که مجاهدین خلق دست‌کم ۴۰ کودک و نوجوان را از اواسط دهه ۹۰ میلادی از کلن به عراق قاچاق کرده‌اند. بسیاری از آنان ظاهراً در آنجا به عنوان سرباز آموزش دیده و سال‌ها در انزوا از جهان خارج زندگی کرده‌اند. در این برنامه لوئیزا هومریش از تیم تحقیقی «دیتسایت» درباره دشواری‌های گزارش تحقیقی که تهیه کرده، گزارش می‌دهد.

سازمان مجاهدین پاسخ می‌دهد

هومریش در آغاز گفتگویش یادآور می‌شود که در ارتباط با این پادکست برای سازمان مجاهدین ایمیلی ارسال کرده و مایل به صحبت با آنها بوده، اما آنها به این ایمیل پاسخ ندادند. او همچنین تأکید می‌کند آنچه در این پادکست گفته می‌شود، بر اساس شنیده‌های او از جدش‌دگان از سازمان مجاهدین است و اضافه می‌کند البته خود مجاهدین این گفته‌ها را انکار می‌کنند. این خبرنگار تحقیقی می‌گوید: «بعد از انتشار گزارش او [با عنوان «سرانجام آزاد»] در مورد کودک‌سربازان در سازمان مجاهدین، این سازمان علیه من و نشریه دیتسایت یک شکایت حقوقی به جریان انداخت که

حنیف حیدرئزاد- پادکست «مجله جنائی» از مجموعه پادکست‌های نشریه «دیتسایت» در آلمان، برنامه ۲۱ اکتبر ۲۰۲۵ خود را با عنوان «کودکان فرقه» به موضوعی مرتبط با سازمان مجاهدین اختصاص داده است.

این پادکست که در سال ۲۰۱۸ راه‌اندازی شده، پرونده‌های جنایی واقعی از آلمان، اتریش و سوئیس را زیر ذره‌بین گذاشته و به پرونده‌های جنایی کمتر شناخته‌شده و نیز مواردی که بازتاب رسانه‌ای گسترده‌ای داشته‌اند می‌پردازد. تهیه‌کنندگان و مجریان برنامه، پرونده‌ها را با رویکردی «جنایی- کشفی، جرم‌شناسی، حقوق کیفری و قضایی» تحلیل می‌کنند. تمرکز اصلی برنامه بر پیشینه، انگیزه‌ها و پیامدهای جرائم و همچنین چگونگی زندگی کنونی آسیب‌دیدگان است. این پادکست یکی از اولین‌ها در نوع خود بوده و به تدریج به پرمخاطب‌ترین پادکست در «دیتسایت آنلاین» تبدیل شده است. موفقیت آن به خاطر تحقیقات جامع و بنیادی این برنامه است.

در اپیزود «کودکان فرقه» دو مجری برنامه، با لوئیزا هومریش، یک خبرنگار تحقیقی نشریه «دیتسایت» در مورد یکی از گزارش‌های تحقیقی این روزنامه با عنوان «سرانجام آزاد» گفتگو می‌کنند. در آن گزارش هومریش با امین گل مریمی، یک کودک‌سرباز جدا شده از سازمان مجاهدین خلق گفتگو و بر اساس مشاهدات و تجربه‌های او گزارش خود را تنظیم کرده بود.

در صحبت با خبرنگار تحقیقی «دیتسایت» در مورد گزارش او، چگونگی علاقه‌اش به این موضوع، چگونگی آشنائی وی با امین گل مریمی، سازمان مجاهدین و اینکه چرا یک «فرقه» نامیده می‌شود، در مورد صدها کودکی که سازمان مجاهدین در کلن نگهداری کرده و برایشان کمک مالی دولتی دریافت می‌کرد، در مورد روش‌های مغزشوئی این کودکان و اینکه چطور آنها را به «قرارگاه اشرف» در عراق کشانده و در آنجا

تذکر حجاب از بلندگوهای مترو؛ هشدار درباره «امر به معروف هزینه ساز برای نظام»!



عفاف» و فعال ساختن ۸۰ هزار نیروی حجاب بان جدید در تهران، در برخی ایستگاه های مترو پایتخت «تذکر» حجاب از بلندگوها پخش شده است. یک عضو «موسسه فرهنگ و پژوهشگاه اسلامی» هشدار داده که «امر به معروف هزینه ساز برای نظام اصلا به صلاح نیست».

تشدید فشارهای اجتماعی بر شهروندان به بهانه حجاب با سرعت در حال گسترش است. در حالی که مسعود پزشکیان با وعده جمع کردن بساط حجاب بان ها و ون های گشت ارشاد اسلامی و دفاع از آزادی پوشش در انتخابات ریاست جمهوری حضور داشت، یک سال پس از تشکیل دولت او، فشارهای اجتماعی بر شهروندان به بهانه حجاب گسترده تر از پیش آغاز شده است.

اگرچه همچنان برخی مقامات حکومتی نسب به فشار به زنان برای رعایت حجاب اجباری و تحمیلی انتقاد دارند اما مجموعه ساختار حکومت مسیر خود را پیش می رود. ستاد امر به معروف و نهی از منکر اقدامات جدیدی در رابطه با «حجاب» را اجرایی کرده است.

آخرین گزارش ها نشان می دهد با مشارکت شهرداری تهران، در برخی ایستگاه های مترو پایتخت تذکر حجاب به شهروندان از بلندگوهای مترو داده می شود.

این اتفاق بی سابقه تنها چند روز پس از آنکه روح الله مؤمن نسب دبیر ستاد امر به معروف و نهی از منکر استان تهران از تشکیل «اتاق وضعیت عفاف و حجاب» با مشارکت دستگاه های فرهنگی و اجرایی خبر داد، گزارش شده است.

دبیر ستاد امر به معروف و نهی از منکر همچنین از آموزش ۸۰ هزار آمر به معروف خبر داده و افزوده بود «با فعال سازی ۸۰ هزار نیروی آموزش دیده می توان تحولی بزرگ در استان ایجاد کرد، حتی پیش از اتکا به بودجه های کلان دولتی. تأمین مالی ما عمدتاً از طریق مشارکت های مردمی و استفاده بهینه از امکانات موجود در سایر نهادها خواهد بود.»

● با مشارکت شهرداری تهران در برخی ایستگاه های مترو پایتخت تذکر حجاب به شهروندان از بلندگوهای مترو داده می شود.

● روح الله مؤمن نسب دبیر ستاد امر به معروف و نهی از منکر استان تهران به تازگی از تشکیل «اتاق وضعیت عفاف و حجاب» و فعال سازی ۸۰ هزار نیروی حجاب بان در تهران خبر داده است.

● سردار پاسدار علی فدوی جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفته «خانم ها باید متوجه باشند که حجاب دستور خود خداست، حتی دستور پیامبر نیست، دستور خود خدا است. در برابر دستور خدا نباید همراهی با شیطان کرد و می بایست دستور خدا را اجرا کرد.»

● مسعود پزشکیان در حالی از بین بردن فشارها به بهانه حجاب را از محورهای تبلیغاتی انتخاباتی خود قرار داده و به آزادی پوشش تأکید می کرد که اکنون نشان داده از عملی کردن این وعده هم مانند دیگر وعده های انتخاباتی ناتوان بوده است.

● عالیه شکر بیگی جامعه شناس: امروز زنان دخالت در امور خصوصی شان را بر نمی تابند و اگر به این زنان فشار وارد شده و زمینه نا آرامی آنها فراهم می شود، مسئله اقتصادی از اولویت فکری شان خارج می شود، زیرا می خواهند ابتدا آرامش را به زندگی خود بازگردانند و بعد به سایر مسائل بپردازند.

● عبدالکریم بهجت پور عضو هیات علمی موسسه فرهنگ و پژوهشگاه اسلامی: اگر امر به معروف را تبدیل کنیم به اینکه باز پلیس بیاورد و پلیس بگیرد و زندانی کنیم و هزینه برای نظام داشته باشد، اصلا به صلاح نیست.

تنها چند روز پس از بازگشت ون های گشت ارشاد اسلامی به خیابان ها و اعلام راه اندازی «اتاق وضعیت حجاب و

خبرنگار تحقیقی نشریه «دیتسایت» که کار و وظیفه اش تحقیق و کشف حقیقت است در کشور خودش از سوی سازمان مجاهدین به دلیل گزارشی که در مورد آن سازمان انتشار داده شده، مورد تهمت و ترور شخصیت قرار می گیرد. این یک حمله آشکار به آزادی مطبوعات و آزادی بیان است. چگونه می توان چنین تجاوز گستاخانه ای به حریم آزادی رسانه ها را توضیح داد و آن را تحمل کرد؟ وظیفه دولت آلمان است که در مورد این موضوع تحقیق کرده و برای پاسداری از اصول بنیادین دموکراسی که در قانون اساسی این کشور بر آنها تأکید شده، از هرگونه اقدامات تهدیدآمیز علیه خبرنگاران یا رسانه ها در این کشور جلوگیری کرده و مسببین این اقدامات را مورد پیگیری حقوقی قرار دهد. آنچه سازمان مجاهدین با این خبرنگار آلمانی در کشور خودش انجام داده به خوبی نشان می دهد که این سازمان تا کجا دشمن آزادی، دموکراسی، حقیقت و دشمن مطبوعات و رسانه های آزاد است.

تعجبی نیست که اقدامات و فعالیت های سازمان مجاهدین در آلمان در چهارچوب اقدامات «تبهکارانه و جنائی» مورد توجه قرار گیرد. می توان انتظار داشت با بیشتر شدن چنین گزارش های رسانه ای، در آینده توجه سیاستمداران و سرانجام دادستانی آلمان به فعالیت های این سازمان جلب و اقدامات حقوقی بر علیه آن به جریان بیفتد.

پیشینه موضوع

نشریه «دیتسایت» در تاریخ ۲۷ اکتبر ۲۰۲۱ در مطلبی با عنوان «سرانجام آزاد»، گزارشی در مورد امین گل مریمی، یک کودک سرباز جدا شده از سازمان مجاهدین خلق منتشر کرد. در آن گزارش امین گل مریمی اتهامات مختلفی را متوجه سازمان مجاهدین کرده بود. کیهان لندن همان زمان در مقاله ای با عنوان «گزارش تکانه دهنده «دیتسایت» درباره سرنوشت یکی از کودکان مجاهدین که از خانواده جدا شده بود»، پرداخت.

در اعتراض به گزارش «دیتسایت»، سازمان مجاهدین به یک دادگاه بدوی در هامبورگ شکایت کرد که ادامه آن به دادگاه عالی هامبورگ کشیده شد. دادگاه عالی هامبورگ در تاریخ ۱۴ مارس ۲۰۲۲ با صدور حکم، شکایت سازمان مجاهدین را رد کرد. در این حکم فقط بخشی از یکی از شکایت ها پذیرفته و به مجله «دیتسایت» اعلام شد که فقط آن قسمت باید حذف شود.

موسسه «دیتسایت» و «تسایت آنالین» و نویسنده گزارش، لویژا هومریش تصمیم گرفتند بجای پذیرش و مخته اعلام شدن پرونده، پرونده را مجدداً به جریان بیاورند. آنها در تاریخ ۸ اوت ۲۰۲۲ درخواست برگزاری دادگاهی جدید برای رسیدگی اصلی و محتوایی را به جریان انداختند. دادگاه ایالتی هامبورگ با برگزاری یک دادگاه جدید برای «رسیدگی محتوایی» به پرونده موافقت و قرار برای تاریخ ۱۳ ژانویه ۲۰۲۳ را به طرفین ابلاغ کرد. در این روز نماینده سازمان مجاهدین و یا وکیل آنها حضور پیدا نکرده و دادگاه در حکمی با عنوان «عدم حضور در دادگاه»، احکام دادگاه های پیشین را باطل اعلام کرد. سازمان مجاهدین دو هفته برای شکایت علیه این حکم فرصت داشت که از آن استفاده نکرد و عملاً شکست خود را در این دعوای حقوقی که خود آغازگر آن بود، پذیرفت.

* مطالب مرتبط:

* شکست کامل سازمان مجاهدین در دعوای حقوقی کودک سربازان و شکایت علیه مجله «دیتسایت» در آلمان
* کودک سربازان در سازمان مجاهدین خلق

برای مسئله حجاب و جرمه نقدی و کیفری یا حقوقی وجود ندارد.»

عالیه شکرپیگی جامعه‌شناس نیز نسبت به «ملت‌بند شدن جامعه» با پافشاری حکومت بر تشدید فشارهای اجتماعی به بهانه حجاب هشدار داده و گفته «امروز جامعه ما به لحاظ سیاسی در محاصره تحریم‌ها قرار گرفته و مشکلاتی در حوزه بین‌الملل دارد. در این وضعیت آیا ملت‌بند کردن جامعه درست است؟ ماهیت این گروهی که برای از سر گرفتن بحث حجاب در جامعه خیز برداشته چیست؟»

عالیه شکرپیگی افزوده امروز زنان دخالت در امور خصوصی‌شان را بر نمی‌تابند و مدیریت زندگی خود را بر عهده دارند: «اگر به این زنان فشار وارد شده و زمینه ناآرامی آن‌ها فراهم می‌شود، مسئله اقتصادی از اولویت فکری‌شان خارج می‌شود، زیرا می‌خواهند ابتدا آرامش را به

سردار پاسدار علی فدوی جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفته «خانم‌ها باید متوجه باشند که حجاب دستور خود خداست، حتی دستور پیامبر نیست، دستور خود خدا است. در برابر دستور خدا نباید همراهی با شیطان کرد و می‌بایست دستور خدا را اجرا کرد.»

جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ادامه گفته «شیطان بعداً به صراحت و علنی اعلام برائت می‌کند و سپس می‌گوید «به من ربطی نداشت، می‌خواستید پیروی نکنید، می‌خواستید بی‌حجاب نشوید، می‌خواستید دنبال روال غیر از دستور خدا نروید.»

مسعود پزشکیان در حالی از بین بردن فشارها به بهانه حجاب را از محورهای تبلیغاتی انتخاباتی خود قرار داده و به آزادی پوشش تأکید می‌کرد که اکنون نشان داده از عملی کردن این وعده هم مانند دیگر وعده‌های انتخاباتی ناتوان

دبیر ستاد امر به معروف و نهی از منکر استان تهران در پاسخ به انتقادات درباره دخالت ستاد امر به معروف و نهی از منکر در محیط‌های عمومی و دانشگاهی گفته بود «ما نقد جوانان را فرصتی برای اصلاح و بهبود مستمر می‌دانیم. هیچ روشی مقدس و غیرقابل تغییر نیست و اصل اساسی ما رعایت عدالت و کرامت انسانی است. هرگونه اقدامی که از این اصول فاصله بگیرد، مورد تأیید ستاد نیست و ما خود اولین مدعی علیه آن خواهیم بود.»

تذکر بی‌سابقه حجاب از بلندگوهای مترو با حمایت یکی از اعضای شورای اسلامی شهر تهران روبرو شده است. مهدی عباسی، عضو شورای اسلامی شهر تهران، گفته «اگر فردی بخواهد به ساختار اجتماعی آسیب برساند یا با برنامه قبلی، آسیب فردی خود را به جامعه منتقل کند، طبیعتاً باید در ساختاری از جامعه این موضوع مدیریت و کنترل شود.»



زندگی خود بازگرداند و بعد به سایر مسائل بپردازند.» این جامعه‌شناس افزوده «مستولان ما باید از تجربه‌های گذشته عبرت بگیرند. حالا که مستولان نمی‌توانند نیازهای اولیه جامعه را تأمین کنند، نباید آرامش جامعه را هم هم بزنند زیرا چنین اقدامی پیامدهای منفی و سنگین برای مستولان به دنبال خواهد داشت و این بار فروپاشی بسیار شدیدی اتفاق خواهد افتاد.»

همانطور که این جامعه‌شناس اشاره کرده، تشدید فشارهای اجتماعی ممکن است زمینه‌سازی بروز اعتراضات باشد. این در شرایطی است که مقامات جمهوری اسلامی و حامیان به شدت نگران فوران خشم جامعه و شکل‌گیری اعتراضات سراسری دیگری در کشور هستند.

عبدالکریم بهجت‌پور عضو هیات علمی موسسه فرهنگ و پژوهشگاه اسلامی، نیز هشدار داده «اگر امر به معروف و نهی از منکر که تذکر لسانی است، مودبانه و موقرانه و دلسوزانه صورت بگیرد موجب شقاق اجتماعی نیست. اما اگر این را تبدیل کنیم به اینکه باز پلیس بیاید و پلیس بگیرد و زندانی کنیم و هزینه برای نظام داشته باشد، اصلاً به صلاح نیست.»

بوده است. در چنین شرایطی مقامات دولت تلاش دارند با اظهارات شعارگونه با تشدید فشارهای اجتماعی هفته‌های گذشته برخورد کنند.

برای فونه فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت که مدعی شده بود از بازگشت ون‌های گشت ارشاد به خیابان «بی‌خبر» بوده در اظهاراتی جدید گفته «قطعا با زور نمی‌توانیم حجاب را به آدم‌ها برگردانیم ... این تجربه‌ای شکست خورده بود.»

منصور حقیقت‌پور فعال سیاسی اصولگرا و نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی نیز گفته «تهیالات و گرایش‌های متفاوتی در جامعه وجود دارد، اما به گمان من، نظام اسلامی ما به اندازه‌ای توانمند و بزرگ هست که بتواند این تفاوت‌ها را تحمل کند. همگان می‌دانند که بی‌حجابی امر پسندیده‌ای نیست، اما امروز زمان سختگیری و برخورد نیست؛ امروز، زمان تحمل و مداراست.»

محمدرضا باهنر نایب رئیس پیشین مجلس شورای اسلامی در یک مصاحبه مدعی شد، «پارادایم‌ها در جمهوری اسلامی یک مقدار نرم دارد اصلاح می‌شود» و «از نظر حقوقی و قانونی، لایحه حجاب دیگر قابل پیگیری نیست. دیگر الزام

عضو شورای اسلامی شهر تهران گفته «در همه جای دنیا، ابتذال قبیح است و کسی از آن حمایت نمی‌کند، حتی در کشورهایی که از نظر مکتب و مذهب تفاوت‌های اساسی با کشورهای اسلامی دارند. اما ابتذال تلاش می‌کند خود را هم شکل جامعه کند. ابتذال استثنای‌سازی نمی‌کند، بلکه در دل جامعه پنهان شود. وقتی این اتفاق بیفتد، همه و بدون استثنا در خطر قرار می‌گیرند. ممکن است فردی که حجاب کامل ندارد، عفت شخصی و درونی دارد و اجازه نمی‌دهد که کسی نگاه سوء به او داشته باشد. اما ابتذال از فرصت ایجادشده استفاده می‌کند و در جامعه لانه می‌کند و آنجاست که نمی‌توان ابتذال را از غیرابتذال تفکیک کرد.»

در این میان شماری از مراجع تقلید و مقامات حکومتی بر لزوم تشدید فشارها به بهانه حجاب تأکید دارند. در همین رابطه جعفر سبحانی، مرجع تقلید ساکن قم گفته «حجاب حکم قطعی الهی است. بعضی حجاب را دست و پا گیر می‌دانند، همان‌ها اسلام را قبول دارند، نماز و روزه هم می‌گیرند اما حکم اسلام در مورد حجاب را قبول نمی‌کنند در حالی که حجاب مانع از به فساد کشیده شدن فرد و جامعه است.»

کاهش قیمت ارز موقتی است؛ قیمت دلار تا پایان سال به ۱۳۰ هزار تومان می‌رسد



● جواد فلاحیان کارشناس بازارهای مالی درباره قیمت دلار در هفته‌های آینده گفته «بطور معمول هرساله در دی‌ماه جهش قیمت دلار را مشاهده می‌کنیم؛ بنابراین به نظر می‌رسد دلار تا پایان سال به سقف قیمتی ۱۲۵ تا ۱۳۰ هزار تومان برسد.»

● در بازار اتومبیل قیمت‌ها «متأثر از افزایش قیمت ارز» با افزایش روبرو شده بطوری که از اواخر هفته قبل قیمت اتومبیل «فونیکس Fx برقی» با ۱۰۰ میلیون تومان افزایش به ۲ میلیارد و ۷۸۰ میلیون تومان رسیده است.

● افزایش نرخ ارز در کنار عدم تأمین ارز مورد نیاز واردات نهاده‌های دامی بر افزایش قیمت انواع پروتئین حیوانی نیز اثرگذار بوده است. قیمت هر شانه تخم‌مرغ ۳۰ عددی در فاصله حدود دو هفته از ۲۰۰ هزار تومان به ۲۵۰ هزار تومان افزایش یافته است.

در شرایطی که از روزهای گذشته قیمت دلار در بازار ایران روندی کاهشی را طی می‌کند، یک کارشناس اقتصادی با اشاره به افزایش تقاضا برای ارز در زمستان پیش‌بینی کرده قیمت دلار تا پایان سال به ۱۳۰ هزار تومان افزایش پیدا کند. جواد فلاحیان کارشناس بازارهای مالی درباره قیمت دلار در هفته‌های آینده گفته «بطور معمول هرساله در دی‌ماه جهش قیمت دلار را مشاهده می‌کنیم؛ بنابراین به نظر می‌رسد دلار تا پایان سال به سقف قیمتی ۱۲۵ تا ۱۳۰ هزار تومان برسد.»

به گفته این کارشناسان بازارهای مالی، دولت تمام سیاست‌های خود، از قبیل پایین‌نوردن نرخ بهره و ارزپاشی را اجرا کرده، اما نتوانسته تأثیر قابل توجهی بر قیمت دلار بگذارد. جواد فلاحیان همچنین افزوده «اگر اتفاقاتی نظیر توافق سیاسی بسیار خوب رخ دهد و تحریم‌ها برداشته شود، از نظر بار روانی قیمت دلار در مقطعی پایین می‌آید؛ اما باز هم اثر توافق بر بازارها کوتاه‌مدت است. برای افت بلندمدت قیمت دلار اولویت دولت باید مهار نقدینگی و تورم باشد.» جواد فلاحیان با تأکید بر اینکه تا الان سیاست‌های بانک مرکزی برای مهار قیمت دلار نتیجه نداده است، خاطرنشان کرده که «کنترل تورم مهمترین عاملی است که باعث مهار قیمت دلار می‌شود. باید توجه داشت تورم از محل تحریم‌ها به وجود می‌آید و تحریم به معنای وجود تمام کالاهای چند برابر قیمت است.»

این کارشناس اقتصادی و بازارهای مالی با بیان اینکه «پرداخت یارانه انرژی و هزینه‌های جاری دولت از عوامل اصلی ایجاد کسری بودجه هستند» و با اشاره به ادعای وزیر اقتصاد درباره رقم کسری بودجه گفته «در حال حاضر کسری بودجه کشور حدود ۸۰۰ همت برآورد می‌شود و مهار آن تنها از مسیر رشد تولید ممکن است. اما تولید به پول ارزان نیاز دارد؛ در حالی که با نرخ بهره ۳۰ درصدی، هیچ تولیدکننده‌ای نمی‌تواند از پول ارزان بهره‌مند شود.»

جواد فلاحیان افزوده «در چنین شرایطی، تنها راه جبران کمبود منابع، ورود سرمایه‌گذار خارجی است؛ اما با وجود تحریم‌ها و ریسک‌های ژئوپلیتیکی منطقه، هیچ سرمایه‌گذار خارجی حاضر به ورود به بازار ایران نیست. نتیجه این وضعیت آن است که رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) نیز متوقف می‌شود.»

او همچنین گفته «تمام ابزارهایی که می‌توانند به رشد اقتصادی و مهار تورم منجر شوند، به یکدیگر وابسته‌اند؛

حتی به کالاهای اساسی با نرخ دولتی هم که به «کالاهای تنظیم بازاری» معروف هستند رسیده است. بر اساس این گزارش قیمت هر کیلو گوشت تنظیم بازاری، بین ۸۰۹ تا ۹۰۹ هزار تومان تعیین شده است که بیش از ۱۵۰ هزار تومان افزایش در هر کیلو نسبت به قیمت‌های گذشته را نشان می‌دهد. روزنامه «آرمان ملی» تأکید کرده افزایش قیمت نهاده‌های دامی، خوراک و هزینه‌های حمل و نقل، همراه با افزایش قیمت برق و سوخت، هزینه تمام شده گوشت را افزایش داده است. بعلاوه، نوسانات نرخ ارز به ویژه برای واردات نهاده‌های دامی و تجهیزات مرتبط با تولید، اثر مستقیم بر قیمت تمام شده دارد و هر افزایش نرخ ارز به مصرف‌کننده منتقل می‌شود.

هومن مقراضی کارشناس بازارهای مالی هشدار داده است که «حتی اگر دولت با ابزارهایی مانند نرخ ترجیحی یا کنترل اداری، بازار ارز را مدیریت کند، فشار بر بازار آزاد، در قیمت کالاهای روزمره نمایان می‌شود.»

او همچنین تأکید کرده که «بازگشت تحریم‌ها می‌تواند آثار سریع و قابل توجهی بر بازار ارز و تورم داشته باشد. محدودیت در صادرات نفت، دشواری در دسترسی ایران به سیستم‌های مالی بین‌المللی و افزایش هزینه واردات کالاهای اساسی از پیامدهای تحریم است. این عوامل در مجموع منجر به کاهش درآمدهای ارزی و افزایش هزینه واردات می‌شوند.» هومن مقراضی گفته «در سناریوی تشدید تحریم‌ها، نرخ تورم می‌تواند از سطح ۵۰ درصد نیز عبور کند؛ اما اگر دولت بتواند با دیپلماسی فعال و گسترش مبادله با کشورهای غیرغربی مانند چین و روسیه، فشار تحریم‌ها را کاهش دهد، تورم ممکن است در محدوده ۳۰ تا ۳۵ درصد باقی بماند.»

به عقیده این کارشناس اقتصادی «تحریم‌ها از کانال ارزی نیز باعث تشدید تورم می‌شوند؛ اما اجرای سیاست‌های پولی و مالی سختگیرانه و انضباطی می‌تواند تا حدودی آثار منفی آن را کاهش دهد. در غیر اینصورت، شوک‌های ارزی دوباره خود را به سرعت در قیمت‌ها و سطح معیشت مردم نشان خواهند داد.»

اما امروز این زنجیره از هم گسسته است؛ زنجیره‌ای که باید میان تولید، سرمایه‌گذاری، تأمین مالی و سیاست‌های دولتی برقرار باشد. تا زمانی که هر یک از حلقه‌های این زنجیره ناقص باشد، نمی‌توان انتظار داشت تورم مهار و ارزش پول ملی تقویت شود.»

قیمت دلار در هفته‌های گذشته و با فعال شدن مکانیسم ماشه تا مرز ۱۳۰ هزار تومان افزایش یافت. در روزهای گذشته با دحالت دولت در بازار ارز قیمت‌ها روندی کاهشی پیدا کرده و در کانال ۱۱۰ هزار تومان قرار گرفته است. با اینمهمه اثر افزایش قیمت ارز بر بازارهای مختلف و قیمت انواع کالا و خدمات نمایان شده است.

از جمله در بازار اتومبیل قیمت‌ها «متأثر از افزایش قیمت ارز» با افزایش روبرو شده است. روزنامه «همشهری» گزارش داده «موتناژکاران به بهانه افزایش قیمت ارز روند افزایش قیمت خودروهای خود را آغاز کرده‌اند، بطوری که به تازگی قیمت برخی خودروهای مونتاژی تا ۱۰۰ میلیون تومان افزایش یافته است.»

بر اساس این گزارش از اواخر هفته قبل قیمت اتومبیل «فونیکس Fx برقی» با ۱۰۰ میلیون تومان افزایش به ۲ میلیارد و ۷۸۰ میلیون تومان رسیده است.

همچنین دو اتومبیل «فونیکس تیگو V7 پرومکس Awd» و «آریزو ۸» نیز با بیش از ۴۹ میلیون تومان افزایش قیمت اکنون به محدوده ۳ میلیارد تومان رسیده‌اند. در همین مدت قیمت «آریزو ۶ جی‌تی» و «ام‌وی ام X55 پرو» نیز به ترتیب ۲ میلیارد و ۱۷۱ میلیون تومان و یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان رسیده است.

افزایش نرخ ارز در کنار عدم تأمین ارز مورد نیاز واردات نهاده‌های دامی بر افزایش قیمت انواع پروتئین حیوانی نیز اثر گذار بوده است. قیمت هر شانه تخم‌مرغ ۳۰ عددی در فاصله حدود دو هفته از ۲۰۰ هزار تومان به ۲۵۰ هزار تومان افزایش یافته است. قیمت هر کیلو گوشت گوساله به یک و نیم میلیون تومان و هر کیلو گوشت گوسفند به یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان افزایش یافته است.

روزنامه «آرمان ملی» هم گزارش داده افزایش قیمت‌ها



ناتانیا هو؛ مهار تهدید هسته‌ای
جمهوری اسلامی بهترین هدیه بود اما
چند کار نیمه‌تمام مانده است



گزارش الختن بین‌المللی حمل‌ونقل هوایی:
ارزش پاسپورت جمهوری اسلامی ایران
در رده ۹۸ جهان قرار دارد



سانالنه تاکاچی نخستین
نخست‌وزیر زن ژاپن شد



سفر معاون ترامپ به اسرائیل؛
ونس با ویتکاف و کوشتر دیدار کرد



فرهیخته‌ای فرانسوی از تبار ایرانی،
به مقامی والا در دستگاه قضایی فرانسه
دست یافته است



کاهش ۴۰ درصدی
فروش لوازم خانگی



ساخت یک پایگاه هوایی جدید
در نزدیکی مواضع حوثی‌ها در یمن



آمار تکاندهنده از مهاجرت
استادان دانشگاه از ایران



واردات عجیب از سنجاق قفل
تا شلنگ و ژل زیبایی!



مایکروسافت: اسرائیل، آمریکا،
عربستان و امارات اهداف عمده حملات
سایبری جمهوری اسلامی بوده‌اند



زلزله ۴/۷ ریشتری در
استان فارس



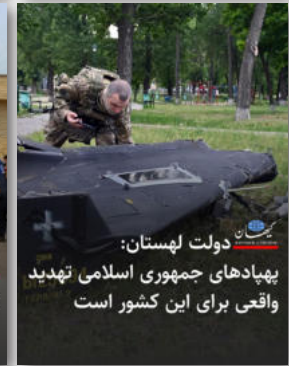
سقوط بیش از ۳۱ هزار واحدی
شاخص کل بورس



افزایش ۴۰ درصدی بیماری‌های
تنفسی در میان کودکان



ازسرگرفتن اعتراضات هفتگی
کارگران پارس جنوبی از ششم آبان‌ماه



دولت لهستان:
پهپادهای جمهوری اسلامی تهدید
واقعی برای این کشور است



کاهش قیمت ارز موقتی است؛
قیمت دلار تا پایان سال به ۱۳۰ هزار تومان
می‌رسد



تقدیر از جعفر بناهی در جشنواره
فیلم میدلیورگ ۲۰۲۵؛
فیلم «یک تصادف ساده» برنده جایزه «تأثیر»



نمایشگاه «هستی» در
سالن «شقایق»



ادعای مسخره‌ی فرمانده کل سپاه
پاسداران انقلاب اسلامی:
دشمن حمله کند، برایش جهنم بپا می‌کنیم!



«چت جی‌پی‌تی» اروتیک
برای بزرگسالان!



۷۵۰ شهر ایران در معرض
فرونشست قرار دارند



بخشنامه پوشش اجباری
چادر در مدارس پروجر



ریزش سقف معدن پرورد طیس؛
یک کارگر جان باخت



فهم انسان، مطالعه و تجربه؛
نگاهی روانشناختی



میان سکوت و فریاد:
معنا به مثابه گفتگوی پسامدرن
میان انسان و ماشین



ایستای نیمی از زنان بالای ۵۰ سال به پوکی استخوان



والکس یونگ «دوران» به فیلم «عروسی دختر شعبان» پرداختن به خلاف‌های اخلاقی و رفتاری شخصی و خصوصی افراد نبی شده



۶۰ درصد زمین‌های کشاورزی ایران گرفتار قرونشست!



تجمع اعتراضی کارگران پالایشگاه آبادان



تعرفه مکالمه و پیامک تلفن همراه گران شد



وضعیت بحرانی در زندان قزلحصار! خطر اعدام جان ددها زندانی را تهدید می‌کند



جمهوری اسلامی... طرح از محمد باوری



انحلال «بانک آینده» پس از تهدید علنی علیه رئیس بانک مرکزی توسط رئیس قوه قضائیه



کمبود و گرانی شیرخشک در ایران



۵۶ ساختمان بسیار پرخطر در تهران



پنجمین روز اعتصاب دستجمعی زندانیان قزلحصار علیه اعدام



بدون شرح کارتون احمد بارگرزاده © KayhanLondon



احضار دانشجویان به کمیته انضباطی به بهانه حجاب



دکتر نیک نوریتز پس از خوردن ۷۲۰ تخم مرغ در ۳۰ روز: مصرف زیاد تخم مرغ خیلی هم خوب و سالم است!



افزایش سه برابری آمار مبتلایان به ام‌اس در ایران طی دو دهه



حضور «ایران دیسکورس» در نمایشگاه کتاب فرانکفورت



رویتز: جمهوری اسلامی با خطر اعتراضات اجتماعی روبروست و موجودیت آن به خطر افتاده است



وبسایت اینسایدر: جمهوری اسلامی باید متقاعد شود که آمریکا و متحدانش آماده سرنگونی رژیم‌اند



جنگ قدرت گفتارها طرح از س. روزبه



بازداشت یک «بازیگر مشهور» به اتهام «تجاوز»



هشدار دبیرکل سازمان ملل: موج تازه اعدام‌ها، شکنجه و سرکوب‌ها در ایران نگران‌کننده است



وزیر صمت هم تأیید کرد: در دی‌ماه دوباره به کمبود گاز بر می‌خوریم!



قالبیاف قانون پیوستن جمهوری اسلامی به CFT را ابلاغ کرد



جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی: حجاب دستور خداست، خانم‌ها با دستور شیطان همراهی نکنند!



نشست خبری پزشک‌ها بدون ارائه توضیح لغو شد

KAYHANLIFE



SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN
COMMUNITY

www.kayhanlife.com



عکس هفته | چهارم آبان

ولیعهد جوان در سوئیس / ۱۹۳۱ میلادی